

به نام خدا

سایت گروه آموزشی آلم 

ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، کنکور و دانشگاه

www.g-alm.ir

www.g-alm.ir/ac

دانشگاه

www.g-alm.ir/forum

انجمن

www.g-alm.ir/azmoon آزمون های آلم

www.g-alm.ir/shop

فروشگاه

www.film.g-alm.ir

فیلم های آموزشی

آموزش و فنون مقام
گوله پشنی
انتشارات گوله پشنی

صفتا صلواتی بر کنکور

فقه کریمی
شامنم
برجی
پیری
حسن زاده
عباسی
حسینی

باطعم البالو





صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

مؤلفین: علی فقه کریمی / محمدمبین شاصنم / ولی برجی / ارسلان پیری / حامد حسنزاده

مؤلفین همکار: کیوان عباسی / سید انور حسینی

ویراستار: فاطمه زهرا گندمکار

هماهنگی و نظارت: علی فقه کریمی



۱۳۹۶



تفسیر از خود

شما به خودکاری که در دست دارید توجه کنید؛
 آگه با اون بنویسین خودکاره؛
 آگه با اون بازی کنید اسباب بازیه؛
 آگه اونو به دوستتون بدین هدیه‌س؛
 آگه اونو آتیش بزنین هیزمه؛
 آگه یه آدم بدی بخواد شما رو بزنه و با اون از خودتون دفاع کنید اسلحه‌س؛
 آگه....

پس ما به هر چیزی معنی و کاربرد می‌دیم از جمله:
 آگه بخوایم نابغه هستیم، آگه بخوایم قوی هستیم، آگه بخوایم درس خون هستیم، آگه بخوایم با هوش هستیم. ... خلاصه حاصل خواستن و تفسیر خودمان هستیم.
 یادآوری: آرزو رو با خواستن و هدف اشتباه نگیرین (هدف و خواستن، همیشه به اراده، عمل و پیروزی تبدیل می‌شه، ولی آرزو به تخیل منجر می‌شه).
 در کل هر دانش‌آموزی شناخت نسبی از توانایی‌های خود داره پس تمجید یا سرزنش دیگران نباید روی توانایی‌ها تون یا انگیزه‌تون تأثیر داشته باشه همیشه به جهت درس خوندنتون بدون توجه به نظر دیگران ادامه بدید فقط نظر مشاورتون رو مدنظر داشته باشین.

ما حاصل تفسیرات خود هستیم

همیشه تلاش کنیم از امکانات موجود استفاده کنیم؛ بارها دانش‌آموزانی از خانواده‌های مرفه گله کردن آگه اولیامون، ما را نازنازی بار نمی‌آوردن و هر چیزی رو برامون فراهم نمی‌کردن اونوقت ما بیشتر تلاش می‌کردیم و به رشته‌ی دلخوامون می‌رسیدیم؛ این ثروت زیاد ما رو تبیل بار آورده.
 بارها نیز دانش‌آموزان کم بضاعتی اظهار کردن آگه مثل فلانی ثروتمند بودن چنین و چنان درس می‌خوندن و به آرزوهای خود می‌رسیدن و رشته‌ی دلخواه خودشون رو به دست می‌آوردن.
 شما درباره‌ی این دو مورد چه طور فکر می‌کنین؟
 خیلی وقتا ما ناکامی‌های خودمون رو بر دوش شرایط می‌اندازیم. باید تلاش کنیم امکانات موجود رو به بهترین شکل برای پیشرفت خودمون تفسیر کنیم؛ مثلاً من از امکاناتی که پدر و مادرم برایم فراهم کردن به نحوی استفاده می‌کنم که رتبه‌ی یک شم و یا من چون از امکانات عالی بهره‌مند نیستم، باید طوری تلاش کنم که به همه اثبات کنم نابغه هستم و رتبه‌ی یک را بدست میارم.

(برگرفته از کتاب «برنامه‌ریزی درسی با طعم فلفل» تألیف علی فقه کریمی؛ انتشارات کوله‌پشتی)

جدول پایه عربی

ردیف	نام صیغه به زبان فارسی	نام صیغه به زبان عربی	ماضی	معنی	مضارع	معنی	امر	ضمیر منفصل مرفوعی	معنی	ضمیر متصل نصبی جری	معنی	ضمیر منفصل	معنی
۱	مفرد مذکر غائب	لِلْغَائِبِ	ذَهَبَ	رفت	يَذْهَبُ	می‌رود	اِذْهَبْ	هُوَ	او	هـ - هـ	او، ش	إِيَّاهُ	او را
۲	مثنی مذکر غائب	لِلْغَائِبَيْنِ	ذَهَبَا	رفتند	يَذْهَبَانِ	می‌روند	اِذْهَبَا	هُمَا	آن دو (مرد)	هُمَا - هُمَا	آنها، شان	إِيَّاهُمَا	آن دو را
۳	جمع مذکر غائب	لِلْغَائِبِينَ	ذَهَبُوا	رفتند	يَذْهَبُونَ	می‌روند	اِذْهَبُوا	هُم	آن‌ها	هُم - هُمْ	آنها، شان	إِيَّاهُمْ	آن‌ها را
۴	مفرد مؤنث غائب	لِلْغَائِبَةِ	ذَهَبَتْ	رفت	تَذْهَبُ	می‌رود	اِذْهَبِي	هِيَ	او	هَـ	او، ش	إِيَّاهَا	او را
۵	مثنی مؤنث غائب	لِلْغَائِبَتَيْنِ	ذَهَبْتَا	رفتند	تَذْهَبَانِ	می‌روند	اِذْهَبَا	هُمَا	آن دو (زن)	هُمَا - هُمَا	آنها، شان	إِيَّاهُمَا	آن دو را
۶	جمع مؤنث غائب	لِلْغَائِبَاتِ	ذَهَبْنَ	رفتند	يَذْهَبْنَ	می‌روند	اِذْهَبْنَ	هُنَّ	آن‌ها	هُنَّ - هُنَّ	آنها، شان	إِيَّاهُنَّ	آن‌ها را
۷	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	ذَهَبْتَ	رفت	تَذْهَبُ	می‌روی	اِذْهَبْ	أَنْتَ	تو	كَ	تو، ت	إِيَّاكَ	تو را
۸	مثنی مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	ذَهَبْتُمَا	رفتید	تَذْهَبَانِ	می‌روید	اِذْهَبَا	أَنْتُمَا	شما (دو مرد)	كُـمَا	شما، ستان	إِيَّاكُمَا	شما را
۹	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِينَ	ذَهَبْتُمْ	رفتید	تَذْهَبُونَ	می‌روید	اِذْهَبُوا	أَنْتُمْ	شما (چند مرد)	كُـم	شما، ستان	إِيَّاكُمْ	شما را
۱۰	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	ذَهَبْتِ	رفت	تَذْهَبِينَ	می‌روی	اِذْهَبِي	أَنْتِ	تو	كِ	تو، ت	إِيَّاكِ	تو را
۱۱	مثنی مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	ذَهَبْتُمَا	رفتید	تَذْهَبَانِ	می‌روید	اِذْهَبَا	أَنْتُمَا	شما (دو زن)	كُـمَا	شما، ستان	إِيَّاكُمَا	شما را
۱۲	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	ذَهَبْتُنَّ	رفتید	تَذْهَبْنَ	می‌روید	اِذْهَبْنَ	أَنْتُنَّ	شما (چند زن)	كُنَّ	شما، ستان	إِيَّاكُنَّ	شما را
۱۳	متکلم وحده	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	ذَهَبْتُ	رفتم	أَذْهَبُ	می‌روم	لَاذْهَبْ	أَنَا	من	ـِي	من، م	إِيَّايَ	من را
۱۴	متکلم مع الغير	لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	ذَهَبْنَا	رفتیم	نَذْهَبُ	می‌رویم	لِنَذْهَبْ	نَحْنُ	ما	ـَنَا	ما، مان	إِيَّانَا	ما را

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

توضیحات جدول (توضیحات این جدول بسیار مهم است آن‌ها را خوب حفظ کنید مخصوصاً نکته‌های طعم‌دار را)

در عربی کلمات به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

- ۱- اسم: عَلِيٌّ، الْكِتَابُ، جَمِيلٌ، أَسَدٌ
- ۲- فعل: ذَهَبَ: رفت، يَذْهَبُ: می‌رود، سَيَذْهَبُ: به زودی می‌رود، اِذْهَبْ: برو
- ۳- حرف: عَلَى: بر / مِنْ: از / فِي: در / إِلَى: به سوی / بِ: به، به وسیله / مِنْ: از، لِ: برای، دارد

فعل‌ها در عربی از نظر ساختار سه نوعند:

- ۱- ماضی: گذشته را می‌رساند. ذَهَبَ: رفت
 - ۲- مضارع: حال و آینده را می‌رساند. يَذْهَبُ: می‌رود «حالا یا بعداً»
 - ۳- امر: حال را می‌رساند. اِذْهَبْ: برو
- هر یک از این نوع فعل‌ها (ماضی، مضارع، امر) دارای ۱۴ صیغه می‌باشد.
- * رفت، رفتی، رفتیم، رفتند، رفتید، رفتیم.

در این فعل‌ها «رفت» ریشه است و به آن «ی، م، ن، د، ید، یم» اضافه شده و معنی آن نیز تغییر کرده است. در عربی نیز همین طور است یعنی به اولین صیغه، حرف یا حرف‌هایی را اضافه می‌کنیم و معنی‌های جدیدی بدست می‌آوریم.

ذَهَبَ: رفت - ذَهَبًا: رفتند - ذَهَبْتُمْ: رفتید - ذَهَبْتُمْ: رفتی

بعضی از کلمات حرکت حرف آخر آن‌ها همیشه به یک حالت است به این کلمات مبنی می‌گوییم و اعراب آن‌ها محلی است: مانند هَذَا در

جملات زیر [آخرین حرف هَذَا الف است و الف همیشه ساکن است پس هَذَا مبنی بر سکون است]

ذَهَبَ هَذَا الرَّجُلُ هَذَا فاعل است و محلاً مرفوع «چون مبنی است»

رَأَيْتَ هَذَا الرَّجُلَ هَذَا مفعول است و محلاً منصوب «چون مبنی است»

قَلَّمَ هَذَا الرَّجُلَ هَذَا مضاف‌الیه است و محلاً مجرور «چون مبنی است»

و بعضی از کلمات حرکت حرف آخر آن‌ها همیشه به یک حالت نیست و تغییر می‌کند به آن‌ها معرب می‌گویند. مانند مُحَمَّدٌ در جملات زیر:

ذَهَبَ مُحَمَّدٌ در این جمله مُحَمَّد فاعل است و به وسیله — مرفوع شده است، مُحَمَّدٌ: فاعل و مرفوع

رَأَيْتَ مُحَمَّدًا در این جمله مُحَمَّد مفعول است و به وسیله — منصوب شده است، مُحَمَّدًا: مفعول و منصوب

سَلَّمْتُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ در این جمله مُحَمَّد بعد از حرف جر آمده است و به وسیله — مجرور شده است، مُحَمَّدٍ: مجرور به حرف جر

نکته‌ای با طعم هلو

کلیه ضمایر مبنی‌اند و اعرابشان محلی است.

* بعضی از فعل‌ها که ضمیر متصل ندارند دارای ضمیر مستتر (پوشیده) هستند که از طریق معنی متوجه آن‌ها می‌شویم، مانند «رفت» که

ضمیر «او» در آن مخفی است (رفت، یعنی او رفت).

در ذَهَبَ (رفت) ضمیر هُوَ (او) مستتر است.

در ذَهَبْتُ (رفت) ضمیر هی (او) مستتر است. «ت» در آخر این صیغه علامت مؤنث بودن است نه ضمیر

در يَذْهَبُ (می‌رود) ضمیر هُوَ (او) مستتر است. «ی» در اول این صیغه حرف مضارعة است نه ضمیر

در تَذْهَبُ (می‌رود) ضمیر هی (او) مستتر است. «ت» در اول این صیغه حرف مضارعة است نه ضمیر

در تَذْهَبُ (می‌روی) ضمیر أَنْتَ (تو) مستتر است. «ت» در اول این صیغه حرف مضارعة است نه ضمیر

در اِذْهَبْ (می‌روم) ضمیر أَنَا (من) مستتر است. «ا» در اول این صیغه حرف مضارعة است نه ضمیر

در نَذْهَبْ (می‌رویم) ضمیر نَحْنُ (ما) مستتر است. «ن» در اول این صیغه حرف مضارعة است نه ضمیر



کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو



توجه:

در یَذْهَبُ — یَ
در تَذْهَبُ — تَ
در أذْهَبُ — أ
در نَذْهَبُ — نَ

به طور کلی در تمام ۱۴ صیغه‌ی مضارع حرف اول، حرف مضارعة می‌باشد.

نکته‌ای از نوع انقباض هسته‌ای:

انواع فاعل:

۱- اسم ظاهر: اگر فاعل اسم ظاهر باشد، فعل به صورت للغائب یا للغائبة می‌آید. [اسم ظاهر، یعنی اسمی که ضمیر نباشد]

ذَهَبَ الْمَعْلَمُ	ذَهَبَ الْمَعْلَمَانِ	ذَهَبَ الْمَعْلَمُونَ
ذَهَبَتِ الْمَعْلَمَةُ	ذَهَبَتِ الْمَعْلَمَاتُ	ذَهَبَتِ الْمَعْلَمَاتُ

چرا فعل به صورت للغائب و للغائبة می‌آید؟

چون تنها در ماضی و مضارع و امر این دو صیغه، فعل بدون ضمیر متصل است. سایر صیغه‌ها فاعلشان از نوع ضمیر است.

۲- ضمیر بارز: ضمیرهای متصل مرفوعی، فاعل‌های ضمیر بارز هستند: (ضمیرهای متصل مرفوعی در جدول بزرگ‌نمایی شده‌اند)

ذَهَبْتُمْ: **تُم**: فاعل و محلاً مرفوع

۳- ضمیر مستتر: در صیغه‌های للمخاطبة، للمتکلم وحده، للمتکلم مع الغیر مضارع و امر، فاعل همیشه ضمیر مستتر اَنْتَ، انا و نَحْنُ است. (به آن‌ها و اَجِب الاستتار می‌گویند)

در صیغه‌ی للغائب و للغائبة ماضی و مضارع و امر اگر فاعل اسم ظاهر نباشد، ضمیر مستتر «هو و هی» فاعل آن است. (به آن‌ها جَائِزُ الاستتار می‌گویند) در ذَهَبَ عَلَيَّ، عَلَيَّ: فاعل است ولی در ذَهَبَ، هُوَ فاعل است.

۴- مدل دیگری از فاعل وجود دارد که به شما مربوط نمی‌شود که به پیش می‌گن مؤوَل به مصدر. مثل: يَجِبُ اَنْ نَذْهَبَ؛ اَنْ نَذْهَبَ: فاعل يَجِبُ

در عربی ضمیرها ۴ دسته‌اند که عبارتند از:

۱- منفصل مرفوع: هُوَ، هُمَا، هُمْ و...

۲- متصل مرفوع: تُمْ، تُمْا در ذَهَبْتُمْ و... (ضمیرهای بزرگ‌نمایی شده جدول پایه)

۳- منفصل منصوب: اِيَّاهُ، اِيَّاهُمَا، اِيَّاهُمْ و...

۴- متصل نصبی جری که به آن‌ها «متصل به هر سه قسم کلمه» (فعل، اسم، حرف) نیز گفته می‌شود. هِ، هِيَّاهُ، هِيَّاهُمْ، هِها و...

نکته‌ای با طعم هندوانه

- ضمایر منفصل مرفوع: ضمیرهای هُوَ، هِي، هُمَا، هُمْ، ... این ضمایر مبتدا به حساب می‌آیند و محلاً مرفوعند و پس از آن‌ها خبر می‌آید. هُوَ عَالِمٌ

(هُوَ: مبتدا و محلاً مرفوع * عَالِمٌ: خبر و مرفوع)

این ضمایر گاهی نقش‌های دیگری می‌گیرند که برای شما مطرح نیست.

نکته‌ای با طعم آناناس

ضمایر متصل مرفوع:

ضمیرهایی که به فعل‌ها می‌چسبند ضمایر متصل مرفوعی نامیده می‌شوند و در جدول پایه به صورت بزرگ‌نمایی نشان داده شده‌اند.

ویژگی ضمیرهای متصل مرفوعی:

✿ اگر به افعال ناقصه بچسبند اسم آن‌ها به حساب می‌آیند. **كَانَا، كَانُوا، كُنْتُ، كُنْتُمْ، ...**

✿ اگر به فعل معلوم بچسبند فاعل به حساب می‌آیند. **كَتَبَا، كَتَبُوا، كَتَبْتَ، كَتَبْتُمْ، ...**

✿ اگر به فعل مجهول بچسبند نایب فاعل آن‌ها به حساب می‌آیند. **کُتِبَا / کُتِبُوا / ..**
کَانَ: بودند، | در کَانَ اسم افعال ناقصه است.
کُتِبَا: نوشتند | در کُتِبَا نقش فاعلی دارد
کُتِبَا: نوشته شدند | در کُتِبَا نقش نایب فاعلی دارد.

ضمایر متصل مرفوعی همیشه محلاً مرفوعند، چون مبنی هستند.
 افعال ناقصه و معلوم و مجهول را بعداً می‌خوانیم.

نکته‌ای با طعم طالبی:

- ضمایر منفصل منصوب: ضمیرهای اِیَاهُ، اِیَاهُمَا، اِیَاهُمْ و... نقش مفعولی می‌گیرند در نتیجه محلاً منصوبند:
اِیَاکَ نَعْبُدُ (یاکَ مفعول به و محلاً منصوب)

نکته‌ای با طعم زرافه:

- ضمایر متصل نصبی جزی (ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه): ضمیرهای ردیف **هُ** (ه)، **هُمَا** (هما)، **هُم** (هم)، **هُنَّ** (هن) و... هستند.
 ✿ اگر به فعل بچسبند نقش مفعولی می‌گیرند و محلاً منصوبند:
ضَرْبَتْهُ = او را زد (ه: مفعول و محلاً منصوب)
 ✿ اگر به اسم بچسبند نقش مضاف‌الیهی می‌گیرند و محلاً مجرور می‌باشند:
هَذَا كِتَابُهُ این کتاب او (کتابش) است. (ه: مضاف‌الیه و محلاً مجرور)
 ✿ اگر به حرف جر بچسبند محلاً مجرور به حرف جر می‌شوند:
أَذِنَ مِنْهُ از او اجازه گرفت (من: حرف جر * ه: محلاً مجرور به حرف جر)
 ✿ اگر به حروف مشبّهة بالفعل بچسبند اسم آن‌ها واقع می‌شوند و محلاً منصوب می‌باشند:
إِنَّهُ عَالِمٌ: همانا او عالم است. (ه: اسم ان و محلاً منصوب) حروف مشبّهة بالفعل را بعداً می‌خوانیم

نکته‌ای از جنس طلا: اگر قبل از ضمیرهای (ه، هما، هم، هن) کسره یا یاء ساکن باشد به صورت (ه، هما، هم، هن) نوشته می‌شوند
 در غیر این صورت به صورت (ه، هما، هم، هن) نوشته می‌شوند:
یَهِ: عَلِيٌّ - عَلِيَّهِمَا
ه: كِتَابُهُ - كِتَابُهُمَا
 ✿ در عبارت‌هایی مانند: **الْقَلَمُ عَلَيَّ كِتَابَهُ** هر چند «ه» مکسور است ولی چون مبنی است اعراب آن محلی خواهد بود بنابراین در کتابه، ه: مضاف‌الیه و محلاً مجرور است؛ یا در **عَلِيَّهِ، ه:** محلاً مجرور به حرف جر است.

✿ برخی از حروف جر عبارتند از: **بِ** (به، به وسیله)، **كَ** (مثل)، **لِ** (برای) **عَنْ** (از)، **فِي** (در)، **مِنْ** (از) **إِلَى** (به، به سوی).
 ✿ حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از: **إِنَّ** (همانا) **أَنَّ** (همانا)، **كَأَنَّ** (گویی، مثل این که)، **لِکَنَّ** (ولی)، **لِیَّت** (کاش) **لَعَلَّ** (شاید).
 بعداً کاربرد حروف جر و حروف مشبّهة بالفعل را خواهیم خواند.

نقش ضمایر

۱- منفصل مرفوع: مبتدا و محلاً مرفوع هستند **هُوَ عَالِمٌ** [هو: مبتدا و محلاً مرفوع]

۲- متصل مرفوع: اگر به فعل معلوم بچسبند نقش فاعلی می‌گیرد **فَتَحَا** [ا: فاعل و محلاً مرفوع]

اگر به فعل مجهول بچسبند نقش نایب فاعلی می‌گیرند. **فُتِحَا** [ا: نایب فاعل و محلاً مرفوع]

اگر به افعال ناقصه بچسبند اسم آن‌ها به حساب می‌آیند. **کَانَ** [ا: اسم فعل ناقصه و محلاً مرفوع] و در هر سه حالت محلاً مرفوعند

۳- منفصل منصوب: مفعول به و محلاً منصوبند **اِیَاکَ نَعْبُدُ** [ایاک: مفعول به و محلاً منصوب]

۴- متصل نصبی و جری

- (الف) متصل به اسم: در این حالت مضاف‌الیه هستند و محلاً مجرور: **کتابُهُ - کتابِهِ**
 (ب) متصل به فعل: در این حالت مفعولند و محلاً منصوب: **ضَرَبْتُهُ**
 (ج) متصل به جر: در این حالت مجرور به حرف جرند و محلاً مجرور: **مِنْهُ**
 (د) متصل به حروف مشبّهة بالفعل: در این حالت اسم حروف مشبّهة بالفعل هستند و محلاً منصوب: **إِنَّهُ عَالِمٌ**

نکته‌ای فلفلی (منصوص بالای ۱۰۰٪):

نکته: ضمیر نا هرگاه به دنبال فعل بیاید دارای دو حالت است:

- (۱) یا فاعل است؛ یعنی هرگاه فعل للمتكلم مع الغير ماضی باشد ضمیر نا فاعل به حساب می‌آید. [در این حالت همیشه لام الفعل ساکن است و نا ضمیر متصل مرفوع به حساب می‌آید. (أرْسَلْنَا)]
 (۲) یا مفعول به است؛ اگر «نا» به صیغه‌ی للمتكلم مع الغير ماضی نچسبیده باشد یعنی به دیگر صیغه‌های ماضی، مضارع و یا امر چسبیده باشد مفعول به و محلاً منصوب است. [اگر فعل ماضی یا مضارع باشد لام الفعل متحرک است و در امر لام الفعل ساکن است؛ و نا در این حالت ضمیر نصبی جری به حساب می‌آید.]
 توجه: فعل‌های زیر، چهار گزینه یکی از تست‌های علوم انسانی ۷۶-۷۵ می‌باشد.
عَلَّمْنَا: یاد دادیم [عَلَّمْنَا: فعل ماضی للمتكلم مع الغير * ضمیر نا: فاعل و محلاً مرفوع * نکته: ضمیر نا در اینجا متصل مرفوع است.]
عَلَّمْنَا: یاد داد ما را [عَلَّمْنَا: (صیغه‌ی للغائب ماضی باب تفعیل) + نا (ضمیر نصبی و جری) = عَلَّمْنَا * عَلَّمْنَا: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن * مفعول به و محلاً منصوب]
يَعَلَّمْنَا: یاد می‌دهد ما را [يَعَلَّمْنَا: صیغه‌ی للغائب مضارع باب تفعیل + نا (ضمیر نصبی و جری) = يَعَلَّمْنَا * يَعَلَّمْنَا: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن * نا: مفعول به و محلاً منصوب]
عَلَّمْنَا: یاد بده ما را [تُعَلَّمْنَا: صیغه‌ی للمخاطب مضارع باب تفعیل ← عَلَّمْنَا + نا = عَلَّمْنَا * عَلَّمْنَا: فعل امر، صیغه‌ی للمخاطب و ضمیر مستتر أنت فاعل آن * نا: مفعول به و محلاً منصوب]

تست‌های ضمیر

۲۲۸. «..... تلاميذ مجدّون في احترام والدي.....». عین غیر المناسب للفراغ:

- (۱) أنتما/ کما (۲) أنتم/ کم (۳) هم/ هم (۴) نحن/ نا

۲۲۹. «كان المؤمنون يخشعون في صلاتهم و هم يتوكلون على ربهم!» کم ضمیراً متصلاً في العبارة؟

- (۱) أربعة (۲) خمسة (۳) ستة (۴) ضمیران

۲۳۰. عین الضمیر البارز يختصّ بالرفع فقط:

- (۱) في الغابة فجأة هجم علينا ذئبٌ جائع من بعيد!
 (۲) لا يسمع الأب للطفل أن يذهب إلى البحر وحده!
 (۳) قالت المعلمة في الصف: رجاء إقرئي النصّ بهدوء!
 (۴) طلبت منّا الأم أن لا نشعر بالضّعف عند المصاعب!

۲۳۱. عین غیر المناسب للفراغ: «..... مؤمنتان بالله و راجبتان منه الغفران»:

- (۱) هما (۲) نحن (۳) هنّ (۴) أنتما



لازم و متعدی

لازم: به فعلی گفته می‌شود که به مفعول نیاز ندارد یعنی معنی آن با فاعل کامل می‌شود.^۱

جَلَسَ عَلِيٌّ (علی نشست)

جَلَسَتْ أَسْرِينُ (اسرین نشست)

متعدی: به فعلی گفته می‌شود که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز نیاز دارد.

كَتَبَ عَلِيٌّ رِسَالَةً (علی نامه‌ای را نوشت) عَلِيٌّ: فاعل * رِسَالَةً: مفعول به

بَاعَ رَجُلٌ الدِّيكَ (مردی خروس را فروخت) رَجُلٌ: فاعل * الدِّيكَ: مفعول به

❖ هر فعلی که عین الفعل ماضی آن ضمه باشد (بر وزن فَعَلَ باشد) حتماً لازم است. كَثُرَ، كَبُرَ، سَهَّلَ، حَسُنَ، بَعُدَ.

❖ باب انفعال همیشه لازم است.

❖ غالباً باب‌های تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ و اِفْتِعَالٌ لازم هستند.

❖ مفعول به عربی در فارسی توسط حرف **را/ از/ به/ با** ترجمه می‌شود.

كَتَبَ الرَّجُلُ الرِّسَالَةَ: مرد نامه را نوشت. سَأَلْتُ الْمَعْلَمَ: از معلم پرسیدم.

أَطِيعُ أُمِّي: از مادرم اطاعت می‌کنم. بَلَّغْتُ الْمَنْزِلَ: به خانه رسیدم.

أَجَابَ الْمَعْلَمَ: به معلم پاسخ داد.

❖ مفعول به باب مفاعلة توسط حرف "با" ترجمه می‌شود.

كَاتَبَ عَلِيٌّ سَعِيدًا: علی با سعید نامه‌نگاری کرد.

❖ گاهی مفعول عربی بدون حرف اضافه ترجمه می‌شود. جَاءَهُ: نزد او آمد.

روش‌های متعدی کردن فعل لازم

الف) هرگاه فعل لازم را به باب افعال ببریم:

جَلَسَ (نشست) ← ^{باب افعال} اجْلَسَ (نشاند)، دَخَلَ (داخل شد) ← ^{باب افعال} ادْخَلَ (داخل کرد).

ب) هرگاه فعل لازم را به باب تفعیل ببریم:

خَرَجَ (خارج شد) ← ^{باب تفعیل} خَرَجَ (خارج کرد)، نَزَلَ (فرود آمد) ← ^{باب تفعیل} نَزَلَ (نازل کرد).

ج) گاهی اگر پس از فعل لازم حرف «ب» بیاید متعدی می‌شود:

ذَهَبَ (رفت) ← ذَهَبَ بِهِ (او را برد)،

جَاءَ عَلِيٌّ (علی آمد) ← جَاءَ عَلِيٌّ بِالرِّسَالَةِ (علی نامه را آورد)،

قَامَ (به پا خاست) ← قَامَ بِهِ (به پا داشت، انجام داد).

۱. فعل‌های زیر لازم هستند: **أَتَى** (آمد)، **بَكَى** (گریه کرد)، **جَاءَ** (آمد)، **جِئَ** (گرسنه شد)، **حَزِنَ** (اندوهگین شد)، **حَضَرَ** (حاضر شد)، **خَرَجَ** (خارج شد)، **دَخَلَ** (داخل شد)، **ذَهَبَ** (رفت)، **رَاحَ** (رفت)، **رَامَ** (قصد کرد)، **رَكِبَ** (سوار شد)، **رَكَضَ** (دوید)، **صَاحَ** (فریاد کشید)، **صَعَدَ** (بالا رفت)، **طَارَ** (پرواز کرد)، **ظَهَرَ** (نمایان شد)، **عَادَ** (برگشت)، **فَارَّ** (رستگار شد)، **فَاضَ** (پر شد)، **لَيْبَ** (بازی کرد)، **نَجَحَ** (موفق شد)، **هَرَبَ** (فرار کرد)، **نَزَلَ** (فرود آمد)، **هَوَى** (افتاد)



راه شناسایی فعل لازم و متعدی

۱- قبل از فعل عبارت‌های «چه کسی را» و «چه چیزی را» را می‌آوریم اگر حداقل یکی از این سؤال‌ها معنی داشته باشد و دارای جواب باشد فعل متعدی است و اگر هیچ یک از این سؤالات مفهومی نداشت فعل لازم است.

مانند: دَهَبَ (رفت) ← چه کسی را رفت؟، چه چیزی را رفت؟ این سؤال‌ها بی‌معنی است پس فعل دَهَبَ لازم است.

کَتَبَ (نوشت) ← چه کسی را نوشت؟، چه چیزی را نوشت؟ دارای مفهوم و جواب است، پس کَتَبَ متعدی است.

۲- فعلی که از باب افعال، مُفاعلة، استفعال یا تفعیل باشد، مانند: اُخْرِجَ (خارج کرد)، نَزَلَ (فرود فرستاد). کَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد)، اِسْتَخْرَجَ (استخراج کرد)

۳- فعل‌های مجهول متعدی هستند قُبِلَ (کشته شد) [که در اصل قَتَلَ (کشت) بوده است]

۴- فعل‌هایی که پس از آن‌ها حرف «بِ» آمده باشد متعدی هستند. دَهَبَ بِ (بُرد) جَاءَ بِ (آورد).

۵- هرگاه یکی از ضمایر نصبی-جرمی (ه، هُما و...) به فعل بچسبند نشان دهنده‌ی این است که فعل متعدی است،

کَتَبَهَا (آن را نوشت) [کَتَبَ: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن *ها: مفعول به و محلاً منصوب]

ضَرَبَكَ (تو را زد) [ضرب: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن *ک: مفعول به و محلاً منصوب]

برخی از فعل‌های عربی، دو مفعولی هستند که یکی از مفعول‌های آن‌ها به صورت متمم ترجمه می‌شود، مانند:

أَعْطَى اللهُ الْإِنْسَانَ رِزْقاً طَيِّباً: خداوند به انسان روزی پاکى را داد.

أعطى: فعل / الله: فاعل و مرفوع / الانسان: مفعول به اول و منصوب / رزقاً: مفعول به دوم و منصوب / طيباً: صفت و منصوب به پیروی از رزقاً

جَعَلَ «قرار داد» * أعطى «بخشید» * أتى «آورد» * عَلَّمَ «یاد داد» * رَزَقَ «روزی داد» * البَسَ «پوشاند» * كَسَى «پوشاند» * اذَاقَ «چشانید»

* حَسِبَ «پنداشت» * وَعَدَ «وعده داد» * وَهَبَ «بخشید» * سَمَى «نامید» * اقْرَضَ «قرض داد» * اودَعَ «سپرد» * صَبَرَ «گردانید»

نکته‌ای فلفلی (منصوص بالای ۱۰۰٪)

هر چند غالباً باب‌های افعال، تفعیل، مفاعلة و استفعال متعدی هستند، اما بعضی از فعل‌ها در این باب‌ها لازم هستند. مانند:

در باب افعال: اَزْهَرَ (شکوفه داد)، اِسْرَعَ (شتافت)، اَفَاقَ (بیدار شد)، اَفْلَحَ (رستگار شد)، اَمَطَرَ (بارید)، اِنصَتَ (ساکت شد)، اِسْلَمَ (اسلام آورد).

در باب تفعیل: فَكَّرَ (اندیشید)، صَمَّمَ (تصمیم گرفت)

در باب مفاعلة: هَاجَرَ (کوچ کرد)، نَادَمَ (پشیمان شد)

در باب استفعال: اِسْتَرَحَ (استراحت کرد)، اِسْتَقَامَ (پایداری کرد)، اِسْتَعَدَّ (آماده شد)، اِسْتَوْلَى (چیره شد)

هرچند باب‌های افتعال و تَفَعَّلَ غالباً لازم هستند، ولی بعضی از فعل‌ها در این باب‌ها متعدی هستند. مثلاً

در باب افتعال: اِنْتَقَطَ (برداشت، برچید). اِكْتَسَبَ (کسب کرد)، اِكْتَشَفَ (کشف کرد)، اِخْتَرَعَ (اختراع کرد)، اِعْتَنَمَ (غنیمت شمرد)، اِنْتَهَزَ (غنیمت

شمرد)، اِفْتَتَحَ (افتتاح کرد)، اِفْتَنَصَ (شکار کرد)، اِشْتَكَى (شکایت کرد)، اِهْتَمَّ (توجه کرد)

در باب تَفَعَّلَ: تَعَلَّمَ (یاد گرفت)، تَقَبَّلَ (پذیرفت)، تَوَقَّى (میراند)، تَمَتَّى (آرزو کرد)



انواع جمله -

در عربی جمله دارای دو نوع است:

- ۱- جمله‌ی فعلیه (الف) معلوم: فعل + فاعل + مفعول به: كَتَبْتُ أَسْرِينَ الرِّسَالَةَ
(ب) مجهول: فعل + نائب فاعل: كَتَبْتُ الرِّسَالَةَ
- ۲- جمله‌ی اسمیه: اسم (مبتدا) + خبر (در بخش بعدی پس از بررسی جمله‌ی مجهول به جمله‌ی اسمیه نیز می‌پردازیم).

جمله‌ی فعلیه

جمله‌ی فعلیه با فعل آغاز می‌شود و همیشه دارای فاعل یا نائب فاعل و گاهی دارای مفعول به است.
* فاعل و نائب فاعل، مرفوع و مفعول به، منصوب است.
- در جمله‌ی فعلیه انواع فاعل، نائب فاعل و انواع مفعول به قابل بحث و بررسی است.

انواع فاعل

انواع فاعل:

- (الف) اسم ظاهر (یعنی ضمیر نباشد): **ذَهَبَ عَلِيٌّ** رفت **علی** **ذَهَبْتُ أَسْرِينَ** رفت **اسرین**
- (ب) ضمیر بارز: **ذَهَبَا** رفتند
- (ج) ضمیر مستتر: **ذَهَبَ** (ضمیر مستتر **هُوَ**: فاعل) رفت (او)

نکات انواع فاعل

(الف) اسم ظاهر:

اگر فاعل اسم ظاهر باشد، (ضمیر نباشد) فعل باید صیغه‌ی للغائب یا صیغه‌ی للغائبة باشد. یعنی فعل از نظر عدد با فاعل مطابقت ندارد.

ذَهَبَ مُسْلِمٌ **ذَهَبْتُ مُسْلِمَةً**
ذَهَبَ مُسْلِمَانٌ **ذَهَبْتُ مُسْلِمَتَانِ**
ذَهَبَ مُسْلِمُونَ **ذَهَبْتُ مُسْلِمَاتٍ**

کلماتی که به رنگ قرمز هستند فاعل می‌باشند.

نکته‌ای فلفلی (مخصوص بالای ۱۰۰٪)

گاوصندوقی پر از نکات طلائی:

- * فاعل همیشه پس از فعل می‌آید: **ذَهَبَ عَلِيٌّ**
- (هرگز قبل از فعل، دنبال فاعل نگردید)
- * اگر فعل، متعدی باشد، پس از آن مفعول به می‌آید: **كَتَبَ الرَّجُلُ الرِّسَالَةَ**
- * هرگز پس از فعل (چسبیده به فعل) مضاف‌الیه و صفت نمی‌آید: **ذَهَبَ**
- به عبارت دیگر: فعل، موصوف یا مضاف واقع نمی‌شود
- * ضمیرها، موصوف و مضاف واقع نمی‌شوند. (پس از ضمیر (چسبیده به ضمیر) صفت و مضاف‌الیه نمی‌آید)
- البته پس از ضمیر نصبی جری، می‌توان صفت آورد. ولی موصوف، اسم قبل از ضمیر نصبی جری است. (موصوف + ضمیر نصبی جری + صفت)
- كِتَابُنَا الْجَمِيلُ**: کتاب زیبایی ما
- کتاب: مبتدا و موصوف / **نَا**: مضاف‌الیه / **الجمیل**: صفت برای کتاب
- * اسم پس از ضمیر نصبی جری به شرطی صفت است که دارای ال باشد.



کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی



صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

ب) ضمیر بارز:

ضمیرهای متصل مرفوعی، همان فاعل‌های ضمیر بارز هستند. **ذَهَبَا، ذَهَبُوا، ذَهَبْنَا، ذَهَبْتُمْ، ذَهَبْتُمْ...**
ضمیرهای بارزی که فاعل واقع می‌شوند (ضمایر متصل مرفوع) در جدول پایه با رنگ قرمز نشان داده شده‌اند. به آن‌جا مراجعه کنید.

ج) ضمیر مستتر:

در صیغه‌های للغائب و للغائبة اگر فاعل اسم ظاهر نباشد، ضمیر مستتر «هو و هی» فاعل محسوب می‌گردد.
ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ضمیر مستتر هو فاعل آن)،
يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ضمیر مستتر هو فاعل آن)،
در صیغه‌های للمخاطب، للمتکلم وحده و للمتکلم مع الغیر مضارع و امر، فاعل همیشه ضمیرهای مستتر «انت، انا و نحن» است.
تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ضمیر مستتر انت فاعل آن):
أَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ضمیر مستتر انا فاعل آن):
نَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (ضمیر مستتر نحن فاعل آن)

بازمانده‌های زیاده‌کار

۱. كَيْفَ تَمْشِي فِي رِكَابِ الظَّالِمِينَ: چگونه همراه ظالمان راه می‌روی؟ ﴿ تَمْشِي: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»
۲. رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ اَقْدَامَنَا: خدایا بر ما صبر فرو ریزان و گام‌هایمان را ثابت گردان. ﴿ اَفْرِغْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»؛ ثَبِّتْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»
۳. تَمَسَّكْ بِالصِّدْقِ وَ تَجَمَّلْ بِالْاَدَبِ: به راستی، تمسک جوی و به ادب، آراسته شو. ﴿ تَمَسَّكْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»؛ تَجَمَّلْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»
۴. فَبَشِّرْ عِبَادِي بِالرَّحْمَةِ: پس بندگانم را به رحمت مژده ده. ﴿ بَشِّرْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»
۵. اَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا: صبح [هنگام] به مدرسه می‌روم. ﴿ اَذْهَبْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنا»
۶. نَقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ: از قرآن آن [مقدار] را که میسر شد می‌خوانیم. ﴿ نَقْرَأْ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «نحن»؛ تَيَسَّرَ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»
۷. خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضَ: خداوند آسمانها و زمین را آفرید. ﴿ خَلَقَ: فعل؛ اللَّهُ: فاعل
۸. يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ: مؤمن وارد بهشت می‌شود. ﴿ يَدْخُلُ: فعل، الْمُؤْمِنُ: فاعل
۹. نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ: [زنان] مومن موفق شدند. ﴿ نَجَحَتْ: فعل، الْمُؤْمِنَاتُ: فاعل
۱۰. يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ: از آن دو، مروارید بیرون می‌آید. ﴿ يَخْرُجُ: فعل، اللَّوْلُؤُ: فاعل
۱۱. الْحَرُّ يَقْتَرِبُ مِنَ الْإِمَامِ: خَرُّ به امام نزدیک می‌شود. ﴿ يَقْتَرِبُ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»
۱۲. إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ: همانا خداوند [کار] پرهیزکاران را می‌پذیرد. ﴿ يَتَقَبَّلُ: فعل، اللَّهُ: فاعل
۱۳. كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ: با مردم به اندازه عقلشان صحبت کن. ﴿ كَلَّمَ: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «أنت»
۱۴. وَزَعُوا الْمَاءَ عَلَيْهِمْ: آب را بر آنان توزیع کنید. ﴿ وَزَعُوا: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»
۱۵. إِنِّي شَاهَدْتُ نَفْسِي بَيْنَ نَارٍ وَ نَعِيمٍ: من خودم را میان آتش و نعمت دیدم. ﴿ شَاهَدْتُ: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «ت»
۱۶. وَصَلَتْ الْقَافِلَةُ إِلَى الْكُوفَةِ: کاروان به کوفه رسید. ﴿ وَصَلَتْ: فعل، الْقَافِلَةُ: فاعل
۱۷. تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى: در نیکی و پرهیزکاری همدیگر را یاری کنید. ﴿ تَعَاوَنُوا: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»
۱۸. أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ: آیا مردم را به نیکی [کردن] فرا می‌خوانید و خود را فراموش می‌کنید. ﴿ تَأْمُرُونَ: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»؛ تَنْسَوْنَ: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

۱۹. اشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا: زمین به نور پروردگارش نورانی شد. ﴿اشْرَقَتْ: فعل، الْأَرْضُ: فاعل﴾

۲۰. تَرَكَ ذَلِكَ الْفِتْحُ طِفْلَهُ فِي الْبَيْتِ: آن کشاورز بچه‌اش را در خانه جا گذاشت. ﴿تَرَكَ: فعل، ذَلِكَ: فاعل و مرفوع محلاً﴾

۲۱. خَرَجَ هَؤُلَاءِ الْمَقَاتِلُونَ: این رزمندگان بیرون رفتند. ﴿خَرَجَ: فعل، هَؤُلَاءِ: فاعل و مرفوع محلاً﴾

۲۲. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَاغَا: همانا کسی که آن [نفس] را پاک نگاه داشت رستگار شد. ﴿أَفْلَحَ: فعل، مَنْ: فاعل و مرفوع محلاً؛ زَاغَى: فعل، فاعل آن ضمیر مستتر «هو»﴾

۲۳. قَدْ حَسِبَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْآخِرَةِ: کسانی که آخرت را تکذیب کردند زبان بردند. ﴿حَسِبَ: فعل، الَّذِينَ: فاعل و مرفوع محلاً؛ كَذَّبُوا: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»﴾

۲۴. لَا يَحْزُنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ: کسانی که به سوی کفر شتاب می‌کنند تو را ناراحت نکنند. ﴿لَا يَحْزُنُ: فعل، الَّذِينَ: فاعل و مرفوع محلاً؛ يُسَارِعُونَ: فعل، فاعل آن ضمیر بارز «و»﴾

۲۵. يَذْهَبُ الْقَاضِي إِلَى الْوَالِي: قاضی به سوی حاکم می‌رود. ﴿يَذْهَبُ: فعل، الْقَاضِي: فاعل و مرفوع تقدیراً﴾

مفعول به

گاهی جمله فعلیه به مفعول به نیز نیاز دارد.^۱
فاعل، انجام دهنده‌ی کار (فعل) است و مفعول چیزی است که کار بر روی آن انجام می‌شود.
توجه: مفعول همیشه منصوب است.

كَتَبَ الرَّجُلُ الرَّسَالََةَ: (مرد نامه را نوشت)

كَتَبَ: فعل * الرجلُ: فاعل و مرفوع * الرَّسَالََةَ: مفعول و منصوب

أَكَلَ مُحَمَّدٌ التَّفَاحَ: محمد سیب را خورد.

أَكَلَ: فعل * محمدٌ: فاعل و مرفوع * التَّفَاحَ: مفعول به و منصوب

اقسام مفعول به

۱- اسم ظاهر:

يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ [يقيمون: فعل * و: فاعل و محلاً مرفوع * الصَّلَاةَ: مفعول به و منصوب]

۲- ضمیرهای نصبی و جرّی (هرگاه به فعل متصل شوند):

ضَرَبْتُكَ (زد تو را) [ضَرَبْتُ: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن * كُ: مفعول و محلاً منصوب]

كَتَبْتُهُ: (آن را نوشت) [كَتَبْتُ: فعل، ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن * هُ: مفعول به و محلاً منصوب]

ضمیرهای متصل نصبی و جرّی اگر به فعل بچسبند، مفعول به محسوب می‌شوند.

هرگاه فاعل اسم ظاهر و مفعول ضمیر باشد مفعول قبل از فاعل می‌آید:

ضَرَبْتُكَ الرَّجُلُ: مرد تو را زد.

ضَرَبْتُ: فعل * كُ: مفعول به و محلاً منصوب * الرَّجُلُ: فاعل و مرفوع

۳- ضمیر منفصل منصوب:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ: [إِيَّاكَ: مفعول به و محلاً منصوب * نَعْبُدُ: فعل و ضمیر مستتر نحن فاعل آن]

در سطح کنکور عمومی، ضمیرهای منفصل منصوبی مفعول به و محلاً منصوب هستند.

۱. فعل متعدی به مفعول به نیاز دارد.



کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

ع- جمله: (گاهی یک جمله مفعول به واقع می‌شود)

قُل: هُوَ جَمِيلٌ (بگو: او زیباست)

[قُل: فعل و ضمیر مستتر أنت فاعل آن * هُوَ جَمِيلٌ: مفعول به و محلاً منصوب (که خود جمله‌ی اسمیه است: هُوَ: مبتدا و محلاً مرفوع * جمیل: خبر و مرفوع)]

قال: ذَهَبَ سَعِيدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (گفت: سعید به مدرسه رفت)

[قال: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن * ذَهَبَ سَعِيدٌ إِلَى الْمَدْرَسَةِ: مفعول به و محلاً منصوب (که خود جمله‌ی فعلیه است: ذَهَبَ: فعل * سعید: فاعل و مرفوع * الی: حرف جر * الْمَدْرَسَةُ: مجرور به حرف جر) تُحِبُّ أُمِّيَ أَن أكونَ عِنْدَهَا دَائِماً
[تُحِبُّ: فعل؛ أم: فاعل و مرفوع؛ أَن أكونَ عِنْدَهَا دَائِماً: مفعول به و محلاً منصوب]

یادآوری:

فعل‌های دو مفعولی عبارتند از: وَهَبَ «بخشید» * جَعَلَ «قرار داد» * رَزَقَ «روزی داد» * عَلَّمَ «یاد داد» * أَذَاقَ «چشانید» * حَسِبَ «پنداشت» * وَعَدَ «وعده داد» * سَمَّى «نامید» * كَسَى «پوشاند» * اقْرَضَ «قرض داد» * البَسَ «پوشاند» * اَوْذَعَ «سپرد» * صَبَّرَ «گردانید» * أعطى «بخشید» * أتى «آورد» * أهدى «هدیه داد»

به مثال‌های زیر توجه کنید:

- بعد الصلاة صَوَّرَ الوالدُ المشهدَ التَّالِيَّ له بعد از نماز، پدر، صحنه بعدی را برای او ترسیم کرد. **المشهد:** مفعول به و منصوب
- ترجم النصِّ و شكَّل الكلماتِ متن را ترجمه کن و کلمه‌ها را حرکت‌گذاری کن. **النصِّ:** مفعول به و منصوب **الكلمات:** مفعول به و منصوب با کسره (اعراب فرعی)
- وَجَلَّأَقْلِيدَسٍ مَيْتًا اقلیدس را مرده یافت. **اقلیدس:** مفعول به و منصوب / **میتا:** مفعول به دوم و منصوب
- أشاهدونَ هذا الطائرَ آیا این پرنده را می‌بینید؟ **هذا:** مفعول به و منصوب محلاً
- إني أكرمُ الذينَ يتعبونَ من أجل تربيتي همانا من کسانی را که برای تربیت من خسته می‌شوند گرامی می‌دارم. **الذين:** مفعول به و منصوب محلاً
- رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا خدایا گناهانمان را بر ما ببخش و از بدیهایمان درگذر. **ذنوب:** مفعول به و منصوب / **سینات:** مفعول به و منصوب، نصب آن با کسره نشان داده شده است.
- الناسُ لا يحبونَ الراضِيَّ عن نفسه مردم فرد از خود راضی را دوست ندارند. **الراضی:** مفعول به و منصوب
- الجاهلُ مَنْ يتبعُ الهوى جاهل کسی است که از هوی و هوس پیروی کند. **الهوى:** مفعول به و منصوب تقدیراً
- عَلَّمَنِي الهندسةَ في ثلاثةِ أيامٍ هندسه را در سه روز به من یاد بده. **ي:** مفعول به اول و منصوب محلاً / **الهندسة:** مفعول به دوم و منصوب
- أياك نعبُدُ تو را می‌پرستیم. **ایاک:** مفعول به و منصوب محلاً
- وَهَبَ اللهُ الإنسانَ الحُرِّيَّةَ خداوند به انسان آزادی داد. **الانسان:** مفعول به اول و منصوب / **الحرية:** مفعول به دوم و منصوب
- سَمَّى أبِي الطِفْلَ محمداً پدرم بچه را محمد نام نهاد. **الطفل:** مفعول به اول و منصوب / **محمد:** مفعول به دوم و منصوب
- جعل اللهُ قلوبكم بُيُوتاً للتقوى خداوند دل‌های شما را خانه‌هایی برای پرهیزکاری قرار داد. **قلوب:** مفعول به اول و منصوب / **بيوتاً:** مفعول به دوم و منصوب

معلوم و مجهول

معلوم: فعل معلوم فعلی است که فاعل آن مشخص باشد. كَتَبَ عَلِيٌّ الرَّسَالَةَ عَلَى نَامِهِ رَا نُوشت.

مجهول فعلی است که فاعل آن مشخص نیست. كُتِبَتِ الرَّسَالَةُ نَامَهُ نُوشته شد.

در فارسی با استفاده از فعل کمکی «شدن» فعل‌های ماضی و مضارع مجهول می‌شوند:

(شناخت ← شناخته شد / می‌شناسد ← شناخته می‌شود)^{مجهول}

● فعل مجهول از فعل متعدی ساخته می‌شود و فعل لازم را نمی‌توان مجهول کرد.

● در تجزیه، فعل مجهول، متعدی در نظر گرفته می‌شود چون مجهول از متعدی ساخته می‌شود.

اگر در صورت سؤالی «عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي يُمْكِنُ أَنْ يُبْنَى لِلْمَجْهُولِ» آمده بود منظور تست این است کدام فعل متعدی است (یعنی مفعول به دارد؟)

عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي يُمْكِنُ أَنْ يُبْنَى لِلْمَجْهُولِ: (سراسری ریاضی ۹۲)

- (۱) تعجبت من أعماله الكبيرة، مع أنه كان أصغر سناً من الآخرين!
 (۲) على المؤمنين أن يكتسبوا العلم و الأخلاق في حياتهم!
 (۳) في حديثنا أزهار جميلة يفرح الناظرون برؤيتها!
 (۴) إن يصبر قليلاً يقترب من مطلوبه في النهاية!

گزینه‌ی ۲

تجزیه سؤالی: فعلی را که ممکن است از آن مجهول ساخته شود تعیین کنید.

جواب: فعل متعدی (دارای مفعول) مجهول می‌شود (خورد ← خورده شد)، فعل لازم (بدون مفعول) مجهول نمی‌شود (رفت ← رفته شد: بی‌معنی است)

در گزینه‌ی ۲ در فعل «ان یکتسبوا» «و» فاعل است پس «العلم» مفعول به واقع شده است. برای مجهول کردن آن «العلم» به عنوان نائب فاعل، مرفوع می‌شود و سپس فعل را با آن تطبیق داده و مجهول می‌کنیم (ان یُكْتَسَبُ الْعِلْمُ وَ الْأَخْلَاقُ...)

در سایر گزینه‌ها مفعول به وجود ندارد (متعدی نیستند) پس مجهول نمی‌شوند به عبارتی دیگر فعل لازم (ناگذر) مجهول نمی‌شود.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: تعجب کردم از کارهای بزرگش، با اینکه او کم سن و سال تر از دیگران بود.

گزینه‌ی ۲: مؤمنان باید علم و اخلاق را در زندگیشان بدست بیاورند.

گزینه‌ی ۳: در پارک ما گل‌های زیبایی‌ست که بینندگان با دیدنشان شاد می‌شوند. [هر گاه ضمیر للغائبه به اسم جمع غیر عاقل برگردد می‌تواند به صورت جمع ترجمه شود مانند «ها» در این گزینه].

گزینه‌ی ۴: اگر کمی صبر کند در نهایت به خواسته‌اش نزدیک می‌شود (قلیلاً: صفت جانشین مفعول مطلق نوعی است = إن یصبر صبراً قلیلاً، صبراً: مفعول

مطلق نوعی / قلیلاً: صفت و منصوب به پیروی از صبراً) در مباحث بعدی، مفعول مطلق تدریس خواهد شد.

طریقه‌ی مجهول کردن فعل

۱- ماضی: حرف ماقبل آخر (عین الفعل) را مکسور و حروف متحرک ماقبل عین الفعل را مضموم می‌کنیم. (... ُ =)

كَتَبَ ← كُتِبَ أَجْلَسَ ← أُجْلِسَ اِكتَشَفَ ← اُكتُشِفَ

۲- مضارع: حرف ماقبل آخر (عین الفعل) را مفتوح می‌کنیم و حرف اول (حرف مضارعة) را مضموم می‌نمائیم. (... ِ =)

يُكْتَبُ ← يُكْتَبُ يُجْلِسُ ← يُجْلِسُ يَكْتَشِفُ ← يَكْتَشِفُ

پس در عربی فعل مجهول ماضی ثلاثی مجرد بر وزن فَعَلَ و مضارع آن بر وزن يُفَعَلُ می‌آید.

عَرَفَ ← عُرِفَ يَعْرِفُ ← يُعْرِفُ

نکته‌ای فلفلی (مخصوص بالای ۱۰۰٪)

يُجْلِسُ (بر وزن يَفْعَلُ) مضارع معلوم باب افعال و يَجْلِسُ (بر وزن يَفْعَلُ) مضارع معلوم ثلاثی مجرد است. يُجْلِسُ (نشانده می‌شود) مضارع مجهول يُجْلِسُ است نه يَجْلِسُ؛ زیرا يَجْلِسُ (می‌نشانند) متعدی است ولی يَجْلِسُ (می‌نشینند) لازم است. (از فعل لازم نمی‌توان مجهول ساخت).

* تنها فعل متعدی را می‌توان مجهول نمود. مثلاً ذَهَبَ مجهول نمی‌شود چون لازم است.

* منظور از فاء الفعل اولین حرف اصلی می‌باشد: «ف» در فَعَلَ و «ذ» در ذَهَبَ، ذَهَبُوا و اِذْهَبْ

* منظور از عين الفعل دومین حرف اصلی می‌باشد: «ع» در فَعَلَ و «ه» در ذَهَبَ، تَذَهَّبُونَ و اِذْهَبْ

* منظور از لام الفعل سومین حرف اصلی می‌باشد: «ل» در فَعَلَ و «ب» در ذَهَبَ، تَذَهَّبُونَ و اِذْهَبْ

ملاک برای تعیین هروف اصلی، اولین صیغه ماضی است.

طریقه‌ی مجهول کردن جملات معلوم

۱- فاعل جمله را حذف می‌کنیم. کَتَبْتُ التَّلْمِيذَةَ الدَّرْسَ

۲- مفعول به را مرفوع می‌کنیم و به آن نائب فاعل می‌گوییم. الدَّرْسُ

۳- صیغه‌ی فعل را با نائب فاعل تطبیق می‌دهیم: کَتَبَ

نکته‌ی طلایی: منظور از مطابقت این است که اگر نائب فاعل، مذکر باشد فعل را به للغائب و اگر نائب فاعل، مؤنث باشد، فعل را به للغائبة تبدیل می‌کنیم.

۴- فعل جمله را مجهول می‌کنیم. كُتِبَ الدَّرْسُ

مثال الف) كَتَبْتُ التَّلْمِيذَةَ الدَّرْسَ ← كُتِبَ الدَّرْسُ

در جمله بالا فاعل (التلميذة) را حذف نمودیم و سپس مفعول به (الدرس) را نائب فاعل قرار دادیم یعنی آخر آن را مضموم کردیم و چون نائب فاعل (الدرس) مذکر است فعل را نیز به للغائب تبدیل کرده و سپس فعل را مجهول نموده‌ایم.

مثال ب) اِكْتَسَبُوا تَجْرِبَةً ← اُكْتَسِبَتْ تَجْرِبَةٌ

در جمله‌ی بالا مفعول به (تجربة) را به عنوان نائب فاعل مضموم می‌کنیم و چون نائب فاعل، مؤنث است در نتیجه صیغه‌ی فعل را نیز به للغائبة تبدیل و فعل جمله را مجهول می‌کنیم. (با تغییر صیغه، خود به خود فاعل حذف می‌شود)

یادآوری: اگر فاعل یا نائب فاعل اسم ظاهر باشد، فعل باید للغائب یا للغائبة باشد.

در مورد مضارع نیز چنین است.

مثال ج) تَكْتُبُ التَّلْمِيذَةَ الدَّرْسَ ← يَكْتُبُ الدَّرْسُ

مثال د) يَكْتُبُونَ تَجْرِبَةً ← تُكْتَسَبُ تَجْرِبَةٌ

اگر فاعل ضمیر باشد، هنگام تغییر صیغه، خود به خود فاعل حذف می‌شود. به مثال «ب» و «د» توجه فرمایید.

نکته‌ای مهم، نه؛ بسیار مهم با طعم پرواز

منظور از مطابقت دادن فعل با نائب فاعل این است که: اگر نائب فاعل، مؤنث بود، فعل به صورت للغائبة می‌آید و اگر نائب فاعل، مذکر بود، فعل به صورت للغائب می‌آید.

نُكْرِمُ صُيُوفَنَا. ← يُكْرِمُ صُيُوفَنَا. «صیوف» را نائب فاعل قرار داده‌ایم و چون نائب فاعل اسم ظاهر است پس باید فعل للغائب یا للغائبة باشد و چون «صیوف» مذکر است پس فعل مجهول به صورت للغائب می‌آید.

نکته‌ای نوشمزه

نکته: هر گاه در جمله‌ی معلوم، مفعول به صورت ضمیر آمده باشد، برای مجهول کردن آن، فعل را به صیغه‌ی ضمیر مفعولی می‌بریم و سپس آن را مجهول می‌کنیم و اگر فاعل، اسم ظاهر بود آن را حذف می‌کنیم. (در این نوع جملات هم صیغه کردن فعل با ضمیر مساوی است با تبدیل مفعول به به نایب فاعل) (در ضمن ضمیر مفعولی را حذف می‌کنیم)

ضَرَبْتُمَا الرَّجُلَ مِثْلًا / ضَرَبْنَا مِثْلًا (مرد آن دو را زد ← آن دو زده شدند)

ضَرَبْتُكَ الرَّجُلَ مِثْلًا ← ضَرَبْتَنِي مِثْلًا (مرد تو را زد ← زده شدی)

ضَرَبْتُمْكَ الرَّجُلَ مِثْلًا ← ضَرَبْتُمْ مِثْلًا (مرد شما را زد ← زده شدید)

ضَرَبْنَا الرَّجُلَ مِثْلًا ← ضَرَبْنَا مِثْلًا (مرد ما را زد ← زده شدیم)

ضمیر متصل نصبی جری (مفعول به) ← ضمیر متصل مرفوعی (نایب فاعل)

إِيَّاكَ نَعْبُدُ ← تُعْبَدُ (أَنْتَ) مُسْتَتِرٌ نَائِبٌ فَاعِلٌ (فقط تو را می‌پرستیم ← پرستیده می‌شوی)

معلوم = في البستان اشجارٌ كثيرةٌ سَقَّاهَا الفلاحُ.

مجهول = في البستان اشجارٌ كثيرةٌ سَقَّيْتُ

فاعل جمله (الفلاح) را حذف کردیم و فعل جمله را به صیغه‌ی ضمیر مفعولی تبدیل نمودیم و ضمیر «ها» را که مفعول است حذف کردیم. در سَقَّيْتُ ضمیر مستتر «هي» نایب فاعل می‌باشد.

معلوم: يَضْرِبُنَا فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ. (می‌زند ما را در میدان شهر) [يَضْرِبُ: فعل و ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن / نَا مفعول و محلاً منصوب]
مجهول: نَضْرِبُ فِي سَاحَةِ الْمَدِينَةِ (زده می‌شویم در میدان شهر) [ضمیر مستتر نَحْنُ نایب فاعل]

انواع نایب فاعل

- الف) اسم ظاهر (یعنی ضمیر نباشد): كَتَبْتُ الرِّسَالَةَ نوشته شد نامه
ب) ضمیر بارز: كَتَبْتَا كَتَبْتَا نوشته شدند
ج) ضمیر مستتر: كَتَبْتُ (ضمیر مستتر هي: نایب فاعل) نوشته شد (ان)

نکات انواع نایب فاعل

الف) اسم ظاهر:

اگر نایب فاعل، اسم ظاهر باشد، (ضمیر نباشد) فعل به صورت صیغه‌ی للغائب یا صیغه‌ی للغائبة می‌آید.

أَسْتَشْهَدُ الْمَجَاهِدَ أَسْتَشْهَدُ الْمَجَاهِدِينَ
أَسْتَشْهَدُ الْمَجَاهِدَاتِ أَسْتَشْهَدُ الْمَجَاهِدَاتِ

کلماتی که به رنگ قرمز هستند نایب فاعل می‌باشند.

(ب) ضمیر بارز:

ضمیرهای متصل مرفوعی، همان نایب فاعل‌های ضمیر بارز هستند. **أُسْتُشْهِدُ، أُسْتُشْهِدُوا، أُسْتُشْهِدُتَا، أُسْتُشْهِدُنْ، أُسْتُشْهِدْتَا ...** ضمیرهای بارزی که نایب فاعل واقع می‌شوند (ضمایر متصل مرفوع) در جدول پایه با رنگ قرمز نشان داده شده‌اند. به آن‌جا مراجعه کنید.

(ج) ضمیر مستتر:

در صیغه‌های للغائب و للغائبة اگر نایب فاعل اسم ظاهر نباشد، ضمیر مستتر «هو و هي» نایب فاعل است.

بُعِثْتُ مِنْكُمْ (ضمیر مستتر هو نایب فاعل آن)، بُعِثْتُ مِنْكُمْ (ضمیر مستتر هي نایب فاعل آن)؛

تُبَعِّثُ مِنْكُمْ (ضمیر مستتر هو نایب فاعل آن)، تُبَعِّثُ مِنْكُمْ (ضمیر مستتر هي نایب فاعل آن)

در صیغه‌های للمخاطب، للمتکلم وحده و للمتکلم مع الغير مضارع و امر، نایب فاعل همیشه ضمیرهای مستتر «انت، انا و نحن» است.

تُبَعِّثُ (ضمیر مستتر انت نایب فاعل آن)؛ أُبَعِّثُ (ضمیر مستتر انا نایب فاعل آن)؛ تُبَعِّثُ (ضمیر مستتر نحن نایب فاعل آن)

طریقه‌ی معلوم کردن جملات مجهول

مجهول = ضَرَبَ سَعِيدٌ فِي السَّاحَةِ «زید» (سعید در میدان زده شد).

معلوم = ضَرَبَ زَيْدٌ سَعِيداً فِي السَّاحَةِ (زید سعیداً را در میدان زد).

مجهول = حَرَسَتْ الْمَرْزَعَةُ فِي الْخَرِيفِ «الفلاح» (مزرعه در پاییز درو شد).

معلوم = حَرَسَ الْفَلَّاحُ الْمَرْزَعَةَ فِي الْخَرِيفِ (کشاورز مزرعه را در پاییز درو کرد).

۱- نایب فاعل جمله‌ی مجهول را به عنوان مفعول به جمله‌ی معلوم منصوب می‌کنیم (سعیداً، المزرعة)

۲- اسم داده شده را به عنوان فاعل قبل از مفعول به قرار می‌دهیم و آن را مرفوع می‌کنیم (زید، الفلاح)

۳- فعل جمله را به حالت معلوم بر می‌گردانیم و سپس صیغه‌ی آن را با فاعل جمله مطابقت می‌دهیم، (ضَرَبَ، حَرَسَ).

نکته‌ای از بیب مفی کوله‌پشتی: معلوم = مبني للمعلوم = مبني للفاعل ⊗ مجهول = مبني للمجهول = مبني للمفعول

کلمه‌ی «مبني» در «مبني للمعلوم» و «مبني للمجهول» هیچ ارتباطی به مبحث معرب و مبني ندارد.

* هرگاه در تست‌های تحلیل صرفی در مورد فعل مجهول از الفاظ فاعل، لازم یا مبني للمعلوم استفاده شود گزینه را حذف می‌کنیم، چون فعل مجهول فاعل ندارد، متعدی است و مبني للمجهول است.

* هرگاه فاعل، مضاف‌الیه یا صفت داشت، هنگام حذف فاعل، مضاف‌الیه و صفتش نیز حذف می‌شوند.

أَكْرَمَ أَبُو صَدِيقِي هَذِهِ الْبِنْتَ الصَّغِيرَةَ فِي الضِّيَافَةِ = أَكْرَمْتُ هَذِهِ الْبِنْتَ الصَّغِيرَةَ فِي الضِّيَافَةِ

در مثال بالا **أَبُو، فاعل و صَدِيقِي مضاف‌الیه آن و «ي» مضاف‌الیه صَدِيقِي** است که در مجهول کردن همه آن‌ها حذف می‌شوند و **هَذِهِ** به عنوان نایب فاعل محلاً مرفوع می‌شود و **الْبِنْتُ** چون تابع هذیه (عطف بیان) است، نیز مرفوع می‌شود. (الصغيرة صفت البنت است پس به پیروی از آن مرفوع می‌شود)

قَدَّمْتُ الثَّوْرَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ جَوَاهِرُ ثَمِينَةَ فِي الْحَرْبِ = قَدَّمْتُ جَوَاهِرُ ثَمِينَةَ فِي الْحَرْبِ

در این مثال، **الثَّوْرَةَ** فاعل و **الْإِسْلَامِيَّةَ** صفت آن است پس در مجهول کردن، هر دو حذف می‌شوند.

جواهر به عنوان نایب فاعل مرفوع می‌شود و صفتش (ثَمِينَةَ) نیز باید مرفوع شود.

* اگر ضمیر «ي» به فعل اضافه شود، بین آن‌ها «نون وقایه» می‌آید. می‌دانیم که ضمیرهای نصبی - جری اگر به فعل بچسبند، مفعول به و محلاً منصوب هستند. **شاهدني المعلمُ شاهدت: فعل / ن: نون وقایه / ي: مفعول به و محلاً منصوب / المعلمُ: فاعل و مرفوع.**

* اگر اسم پس از فعل از نظر جنس با فعل مطابقت نداشته باشد، فاعل یا نائب فاعل نیست. (یادمان نرود هرگاه اسم ظاهری فاعل باشد، فعل باید حتماً صیغهی للغائب یا للغائبة باشد). **كَتَبَ الرِّسَالَةَ**. الرسالة نمی‌تواند فاعل یا نائب فاعل باشد چون رساله مؤنث و کَتَبَ مذکر است، پس رساله مفعول به است.

* به مثال «سعيدُ رأى المعلم» توجه کنید:

اگر فعلی خبر واقع شود (رای) در سطح شما، فاعل آن ضمیری است که به مبتدا برمی‌گردد (هُوَ فاعل رأى است که به سعيد برمی‌گردد) یعنی اسم پس از فعلی که خبر واقع شده است در سطح شما مفعول به است (المعلم مفعول به است نه فاعل).

المعلمة كَتَبَتِ الرسالة. در این جمله الرسالة نمی‌تواند فاعل باشد، چون كَتَبَتِ خبر واقع شده است فاعل آن ضمیری است که به مبتدا برمی‌گردد. پس الرسالة مفعول به است. المعلمة: مبتدا و مرفوع / كَتَبَتِ: خبر (جمله‌ی فعلیه) و محلاً مرفوع؛ فعل، فاعل آن ضمیر مستتر هی؛ الرسالة: مفعول به و منصوب.

راحل سؤال «عین الفعل الذي يمكن أن يكون مبنياً للمجهول أو للمعلوم» (مشخص کن کدام فعل ممکن است هم مجهول و هم معلوم باشد) اگر پس از فعل للغائب متعدی، یک اسم مذکر آورده شود می‌توان آن فعل را معلوم یا مجهول در نظر گرفت (به شرطی که آن فعل، خبر واقع نشده باشد)

يُكْرَمُ الْمُؤْمِنُ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ

يُكْرَمُ الْمُؤْمِنُ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ: مؤمن در مسجد شهر گرامی داشته می‌شود.

نائب فاعل

يُكْرِمُ الْمُؤْمِنَ فِي مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ: مؤمن را در مسجد شهر گرامی می‌دارد.

مفعول به

اگر پس از فعل للغائبة متعدی، یک اسم مؤنث آورده شود می‌توان آن فعل را معلوم یا مجهول در نظر گرفت (به شرطی که آن فعل، خبر واقع نشده باشد)

تُكْرَمُ الطَّالِبَاتُ فِي جَامِعَةِ الْمَدِينَةِ

تُكْرَمُ الطَّالِبَاتُ فِي جَامِعَةِ الْمَدِينَةِ: دانشجویان در دانشگاه شهر گرامی داشته می‌شوند.

نائب فاعل

تُكْرِمُ الطَّالِبَاتُ فِي جَامِعَةِ الْمَدِينَةِ: دانشجویان را در دانشگاه شهر گرامی می‌دارد (می‌داری)

مفعول به

عَيْنُ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ: (سراسری تیربی ۸۹)

۱) لا شيء يُحزنني كفراقك!

۲) لا تُؤخِّر عمل اليوم إلى غدا!

۳) العلم لا يُضَيِّعُ عمر الإنسان بل يفيد!

۴) لا تُرَى الحقيقة إذا لا يريد الإنسان رؤيتها!

جواب: گزینه‌ی ۴

تجزیه‌ی سؤال: کدام گزینه مجهول است؟

شیوه‌ی اول (شیوه‌ی علمی): در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ مفعول به آمده است پس مجهول نیستند.

در گزینه‌ی ۱ نون وقایه آمده است پس ضمیر «ی» مفعول به است.

در گزینه‌ی ۲ «عمل» نمی‌تواند نائب فاعل باشد چون فاعل یا نائب فاعل **تؤخِّر** نمی‌تواند مذکر باشد. اگر **تؤخِّر** را مجهول در نظر بگیریم بدین معنی خواهد بود که **عمل** نائب فاعل است و اگر **عمل** نائب فاعل باشد باید **تؤخِّر** صیغهی للغائبة در نظر گرفته شود و در این صورت **تؤخِّر** مؤنث و **عمل** مذکر خواهد بود و این متناقض است یعنی **تؤخِّر** مجهول نیست و **عمل** مفعول به است (اگر جمله‌ای مفعول به داشته باشد مجهول نیست چون در جمله‌ی مجهول، مفعول به به نائب فاعل تبدیل می‌شود).

در گزینه‌ی ۳ چون **يُضَيِّعُ** خبر است پس فاعل آن ضمیر مستتر **هُوَ** است و به مبتدا (**العلم**) برمی‌گردد در نتیجه **عمر** مفعول به است.

* در جملات مجهول، مفعول به به نائب فاعل تبدیل می‌شود یعنی در جمله‌ی مجهول در سطح شما مفعول به نداریم.



کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو



* اگر ضمیر «ی» به فعل بچسبد بین آنها نون وقایه می‌آید. ضمیر «ی» پس از نون وقایه مفعول به است.
* اگر فاعل یا نائب فاعل، اسم ظاهر باشد (یعنی ضمیر نباشد) فعل یا اللغائب است یا اللغائبه (پس اگر در تحلیل گزینه‌ی ۲ **عمل** را فاعل یا نائب فاعل در نظر بگیریم باید **تَوَخَّر** را اللغائبه در نظر بگیریم.

شبهه‌ی دوم (ترجمه): گزینه‌ی ۱: هیچ چیزی مانند فراق تو، مرا اندوهگین نمی‌کند.
گزینه‌ی ۲: کار امروز را به فردا به تأخیر میانداز.

گزینه‌ی ۳: دانش، عمر انسان را ضایع نمی‌کند، بلکه آن را (به آن) فایده می‌رساند.

گزینه‌ی ۴: حقیقت دیده نمی‌شود هنگامی که انسان نخواهد آن را ببیند.

راه حل صحیح (شبهه‌ی سوم): در عربی، الف به صورت «ی» و «ا» نوشته می‌شود و یاء به صورت «ی»؛ پس هرگاه «ی» باشد یعنی زیر آن نقطه نباشد، الف است و قبل از الف همیشه فتحه است پس در «**ثری**» روی «**ر**» فتحه است. [ضمه روی حرف مضارعه و فتحه روی عین‌الفعل نشانه‌ی مجهول بودن فعل مضارع است]. **ثری**: مجهول.

نگاهی به گذشته

* در تمام باب‌ها اولین حرف ماضی، مفتوح یا مکسور است پس اگر اولین حرف آن‌ها مضموم شود مجهول هستند:

أَفْعَل: معلوم **أَفْعِل**: مجهول

فَعَل: معلوم **فَعِل**: مجهول

أَفْتَعَل: معلوم **أَفْتَعِل**: مجهول

* حروف مضارعه باب‌های «افعال»، «تفعیل» و «مفاعلة» مضموم هستند برای اینکه معلوم و مجهول بودن آن‌ها با هم اشتباه نشود عین الفعل معلوم آن‌ها مکسور و عین الفعل مجهول آن‌ها مفتوح است:

يُفَعِل: معلوم **يُفَعِل**: مجهول

يُفَعَل: معلوم **يُفَعَل**: مجهول

يُفَاعِل: معلوم **يُفَاعِل**: مجهول

پس در مورد مضارع باب‌های افعال، تفعیل و مفاعلة:

۱. ضمه‌ی ابتدا به معنای مجهول بودن نیست (می‌تواند هم مجهول باشد و هم معلوم).

۲. در مورد مضارع باب تفعیل و مفاعلة اگر عین الفعل مفتوح باشد یعنی مجهول است و اگر عین الفعل مکسور باشد یعنی معلوم است.

۳. در مورد باب افعال به دلیل مشابهت با ثلاثی مجرد (از نظر تعداد حروف) فتحه عین الفعل به معنی مجهول بودن نیست ولی کسره‌ی عین الفعل به معنی معلوم بودن است.

يفعل: يَذْهَبُ فعل مضارع معلوم ثلاثی مجرد

يُخْرِجُ* فعل مضارع مجهول باب افعال

يُكْتَبُ فعل مضارع مجهول ثلاثی مجرد

* بچه‌های تیزهوش توجه بفرمایید: **يُخْرِجُ** ثلاثی مجرد به معنی «خارج می‌شود» است، مجهول نمی‌شود چون لازم است.

يُخْرِجُ: مضارع باب افعال به معنی «خارج می‌کند» است، مجهول می‌شود چون متعدی است.

نتیجه: **يُخْرِجُ** که مجهول است حتماً مضارع باب افعال بوده که مجهول شده است.

۴. در مورد مضارع باب افعال و فعل‌های ثلاثی مجرد به شرطی از روی ظاهرشان می‌فهمیم مجهول هستند که هم حرف مضارعه مضموم

باشد و هم عین الفعل مفتوح باشد. **تُصَحَّ** **يُكْتَبُ**

۵. همین قد بسه.. ☺☺☺

در مورد مضارع باب‌های تفاعل، تفعّل، انفعال، افتعال و استفعال:

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

- چون مضارع معلوم آن‌ها با فتحه شروع می‌شود اگر ابتدای آن‌ها مضموم شود یعنی مجهول هستند.
- عین الفعل معلوم مضارع باب‌های انفعال، افتعال و استفعال مکسور است پس اگر عین الفعل آن‌ها مفتوح شود یعنی مجهول شده‌اند:

يَكْتَشِفُ: معلوم	يَكْتَشِفُ: مجهول
يَسْتَغْفِرُ: معلوم	يَسْتَغْفِرُ: مجهول
- حرکت عین الفعل مضارع باب‌های تَفَعَّلُ و تَفَاعَلُ در معلوم و مجهول مفتوح است پس از روی آن نمی‌توان تشخیص داد که فعل معلوم است یا مجهول:

يَتَعَلَّمُ: معلوم	يَتَعَلَّمُ: مجهول
--------------------	--------------------

ردیف	ماضی	مضارع	امر حاضر	مصدر	تعداد حروف زائد
۱	أَفْعَلُ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ	بزیاده حرف واحد (أ)
۲	فَعَلَّ	يُفَعِّلُ	فَعَّلْ	تَفْعِيلٌ	بزیاده حرف واحد (ـ)
۳	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَةٌ	بزیاده حرف واحد (ا)
۴	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ	بزیاده حرفین اثنیین (ت، ا)
۵	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ	بزیاده حرفین اثنیین (ت، ت)
۶	انْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	انْفَعِلْ	انْفِعَالٌ	بزیاده حرفین اثنیین (ا، ن)
۷	اِفْتَعَلَ	يِفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالٌ	بزیاده حرفین اثنیین (ا، ت)
۸	اسْتَفْعَلَ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعِلْ	اسْتِفْعَالٌ	بزیاده ثلاثه احرف (ا، س، ت)

به مثال‌های زیر توجه کنید

- يُكْرِمُ مَنْ يَكُونُ مُؤَدِّبًا: کسی که با ادب باشد گرامی داشته می‌شود * **يُكْرِمُ**: فعل مجهول / **من**: نائب فاعل و محلاً مرفوع
- خُلِدَتْ أَسْمَاؤُهُمْ فِي التَّارِيخِ: نام‌هایشان در تاریخ جاودانه شد. * **خُلِدَتْ**: فعل مجهول / **أَسْمَاءُ**: نائب فاعل
- لَا يُؤَيِّدُ كَلَامَ مُحَمَّدٍ: سخن محمد تأیید نمی‌شود * **لَا يُؤَيِّدُ**: فعل مجهول / **كَلَامُ**: نائب فاعل
- ذُقَّ الْجَرَسُ ثُمَّ يُطْرَقُ الْبَابُ: زنگ زده شد سپس در زده می‌شود
- ذُقَّ**: فعل مجهول / **الجرس**: نائب فاعل و مرفوع / **يُطْرَقُ**: فعل مجهول / **الباب**: نائب فاعل و مرفوع
- قَدْ غَسِبَتْ عَقُولُهُمْ: عقول‌هایشان شسته شده است * **غَسِبَتْ**: فعل مجهول / **عقول**: نائب فاعل
- ﴿فَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾: پس سلام بر او روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود * **وُلِدَ**: فعل مجهول، نائب فاعل آن ضمیر مستتر هو / **يُبْعَثُ**: فعل مجهول، نائب فاعل آن ضمیر مستتر هو
- أَسْتَشْهَدُ حَنْظَلَةَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ: حنظله در غزوه بدر شهید شد * **أَسْتَشْهَدُ**: فعل مجهول / **حنظلة**: نائب فاعل
- إِن أَدْنَىٰ إِذَا مِلَّتْنَا بِالْقَطْنِ لَا تَسْمَعَانِ صَوْتًا: همانا گوش‌های من هنگامی که با پنبه پر شده باشند صدایی را نمی‌شنوند **مِلَّتْنَا**: فعل مجهول / نائب فاعل آن ضمیر بارز «الف»

کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی  صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

۹) كَيْفَ يَسْمَعُ صَوْتَ الْجَرَسِ مِنْ بَعِيدٍ: چگونه صدای زنگ از دور شنیده می‌شود؟ * **يَسْمَعُ**: فعل مجهول / **صوت**: نائب فاعل

۱۰) خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا: انسان، ضعیف آفریده شده است * **خُلِقَ**: فعل مجهول / **الإنسان**: نائب فاعل

۱۱) الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ مُنِعَتْ مِنَ التَّكَاثُلِ: زن مسلمان از تنبلی نهی شده است. * **مُنِعَتْ**: فعل مجهول؛ نائب فاعل آن ضمیر مستتر **هی**

۱۲) كُتِبَ عَلَيْكُمْ الصِّيَامُ: روزه بر شما واجب شده است * **كُتِبَ**: فعل مجهول / **الصيام**: نائب فاعل

۱۳) هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ: این چیزی است که از قبل روزی داده شده‌ایم * **رَزَقْنَا**: فعل مجهول؛ نائب فاعل آن ضمیر بارز «نا»

۱۴) أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ: پس آیا به شتر نگاه نمی‌کنند که چگونه آفریده شده است؟

خُلِقَتْ: فعل مجهول، نائب فاعل آن ضمیر مستتر «هی»

۱۵) لَمْ يُؤَسَّسْ هَذَا الْمَسْجِدُ إِلَّا لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ: این مسجد جز برای به دست آوردن ثواب درست نشده است.

يُؤَسَّسُ: فعل مجهول / **هذا**: نائب فاعل و محلاً مرفوع

۱۶) كُتِبَ إِسْمُ آخَرٍ مَكَانَهُ: نام دیگری به جای آن نوشته شده است * **كُتِبَ**: فعل مجهول / **اسم**: نائب فاعل و مرفوع

۱۷) شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ: ماه رمضان است که در آن قرآن نازل شده است که هدایت‌گر برای مردم است.

أُنزِلَ: فعل مجهول / **القرآن**: نائب فاعل

۱۸) السَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بغيره: خوشبخت کسی است که از دیگران پند داده شود * **وعِظَ**: فعل مجهول؛ نائب فاعل آن ضمیر مستتر «هو»

۱۹) ما أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ: [بزهکاران] برای نگهداری مؤمنان و پائیدن کردارشان فرستاده نشده‌اند

أُرْسِلُوا: فعل مجهول؛ نائب فاعل آن ضمیر بارز «و»

تست های معلوم و مجهول

۲۳۲. عین الفعل الذي اكثر مناسبة لأن يبني للمجهول: (تجربى ۹۵)

- (۱) أكمل النبي (ص) دين الإسلام لنا لأنه كان مأموراً من جانب الله
(۲) تعجّب الخليفة من عمل الناس لاستقباله و تبجيله أمام باب المدينة
(۳) يحاول المسلم في هذه الدنيا دائماً و حياته مملوءة بالنشاط و الحركة
(۴) تتمتع الطبيعة بتغيير الفصول و تبتهج عيون الانسان حين تنظر إليها

۲۳۳. عین الخطأ في البناء للمجهول: (رياضی ۹۵)

- (۱) يبني هذا المعمار كثيراً من المساجد: يُبنى كثير من المساجد
(۲) يضرب الله بعض الأمثال لفهمنا: يُضرب بعض الأمثال لفهمنا
(۳) يظلم الظالمون المظلومين كثيراً في الدنيا: ظلم المظلومون كثيراً في الدنيا
(۴) ينتخب المدير شائين يعتمدان على نفسيهما: يُنتخب شائبان يعتمدان على نفسيهما

۲۳۴. عین الخطأ في البناء للمجهول: (زبان ۹۵)

- (۱) تقدّم هذه الآية صورة أخرى للإنسان عن الحياة: تقدّم صورة أخرى للإنسان عن الحياة
(۲) يسأل المعلمون الوالدين عن عمل الأولاد: يسأل المعلمين الوالدان عن عمل الأولاد
(۳) نذكر إخواننا الشهداء في ذاكرتنا دائماً: يذكر إخواننا الشهداء في ذاكرتنا دائماً
(۴) قتل العدو الأبناء الأربعة لهذه المرأة: قتل الأبناء الأربعة لهذه المرأة

۲۳۵. عین كلمة «نعم» لا يمكن أن تكون نائبة الفاعل: (هنر ۹۵)

- (۱) تُعرف النعم حينما فقدناها (۲) تُسلب منّا النعم إن ظلمنا الآخرين
(۳) إن السماء لا تنزل النعم جاهزة (۴) عند البطر قد تُغيّر النعم الى النقم

۲۳۶. عین المبني للمجهول: (فارج ۹۵)

- (۱) إن الكلام العبث لا يؤيد أبداً
(۲) المؤمن لا يُشرك بربه ما ليس له به علم
(۳) المجاهدون سلبوا قدرة أعدائهم
(۴) الناس لن يُدركوا خطّة الشيطان في حياتهم

۲۳۷. عین ما لا يمكن البناء للمجهول منه: (انسانی ۹۵)

- (۱) ستصبح بنت جارنا فائزة في مسابقة القفز إن شاء الله
(۲) حمل الناس الطفل المجرّوح معهم الى المستشفى
(۳) رسمت هذه الطفلة في دفترها صورة والديها
(۴) تستقبل أمي الضيوف بفرح و حفاوة

۲۳۸. عین الصحيح (في صيغة الأفعال): (زبان ۹۵)

- (۱) في الكائنات أسرار غامضة لا نطقن إليها إلا ببعضها
(۲) يستطيعون المقاتلون المقاومة أمام الأعداء حياً لله
(۳) المعلمات تُشجّعن التلميذات لتقدّمهنّ في العلم
(۴) عندما تعدين صديقتك فاعمل بما تعدن

۲۳۹. (۱۶۶) عین الفعل الذي لا يمكن أن يبني للمجهول: (سراسری انسانی ۹۴)

- (۱) تصبح الزهور الجميلة ثمراتٍ لذيذة في الربيع!
(۲) خصّص المدير جائزتين ثمينتين لأولادنا الفائزين!
(۳) في هذه السنة حفظنا جزأين إثنين من القرآن الكريم!
(۴) كتبت هذه المقالة العلمية بمساعدة مطالعاتي الكثيرة!

۲۴۰. (۱۶۷) «رؤى المحدثون عن الرسول (ص) مواظب كثيرة!» عین الصحيح في البناء للمجهول: (سراسری هنر ۹۴)

- (۱) رؤى المحدثين مواظب كثيرة!
(۲) رؤيت عن الرسول (ص) مواظب كثيرة!
(۳) تُرؤى مواظب كثيرة!
(۴) رؤي عن الرسول (ص) مواظب كثيرة!

۲۴۱. (۱۶۸) «لم يُشاهد في الجنة مثل شمس!» عین الصحيح في البناء للمعلوم: (سراسری زبان ۹۴)

- (۱) لم يشاهد الناس في الجنة مثل شمس!
(۲) لم يشاهد الناس في الجنة مثل شمس!
(۳) لم يُشاهد أحداً في الجنة مثل شمس!
(۴) لم يُشاهد أحدٌ في الجنة مثل شمس!

۲۴۲. (۱۶۹) عین ما فيه مفعول به واحد فقط: (سراسری زبان ۹۴)

- (۱) لقد ارتفعت اليوم درجة الحرارة إلى أن بلغت الحد الأقصى!
(۲) يعلمني المعلمون معلومات كثيرة طول السنة الدراسية!
(۳) وهبتني الأمّ محبتّها السماوية فأحبّها حباً كثيراً!
(۴) ألبس الوالد ابنه قميصاً أرخص من قميصه!



کتاب های طعم دار کوله پستی  صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

(۱۷۰-۲۴۳) عین نائب الفاعل ضميراً مستتراً: (سراسری ریاضی ۹۳)

- (۱) كانَ عقولكم قد غُسلت فغیّرتم طريقة حياتكم!
(۲) إني أرسلت للتعليم و لإتمام مكارم الأخلاق!
(۳) لن تؤيدَ آراء هذا العالم في الجلسات العلمية!
(۴) مُعنا من التّكاسل و إلقاء أمورنا على الآخرين!

(۱۷۱-۲۴۴) عین نائب الفاعل ليس اسماً ظاهراً: (سراسری تهری ۹۳)

- (۱) تُكسب في مدرسة الحياة تجارب ثمينة مفيدة!
(۲) لن أنسى أبداً تلك العمليات التي جُرحت فيها بشدة!
(۳) لا يُعرف من يساعد المساكين إذا كان مؤمناً!
(۴) اشتركتُ في جلسة تُعلّم فيها طريقة حلّ مشاكل الحياة!

(۱۷۲-۲۴۵) عین الخطأ (في المبني للمجهول): (سراسری انسانی ۹۳)

- (۱) قضيت اثني عشر يوماً من العيد بالفرح ← قضيت اثناعشر يوماً من العيد بالفرح!
(۲) قدّمت الثورة الإسلامية جواهر ثمينة في الحرب ← قدّمت جواهر ثمينة في الحرب!
(۳) أكرم أبو صديقي هذه البنت الصّغيرة في الضيافة ← أكرم صديقي هذه البنت الصّغيرة في الضيافة!
(۴) لنحترم ذا العلم في جميع المجالات في المجتمع ← ليُحترم ذو العلم في جميع المجالات في المجتمع!

(۱۷۳-۲۴۶) عین الفعل الذي يمكن أن يُبنى للمجهول: (سراسری ریاضی ۹۲)

- (۱) تجبّت من أعماله الكبيرة، مع أنه كان أصغر سناً من الآخرين!
(۲) على المؤمنین أن يكتسبوا العلم و الأخلاق في حياتهم!
(۳) في حديقتنا أزهار جميلة يفرح الناظرون برؤيتها!
(۴) إن يصبر قليلاً يقترب من مطلوبه في النهاية!

(۱۷۴-۲۴۷) «يُحسّ الشّاعر بالسكينة قد انزلت على قلبه بعد أن يواجه نبا الانتصار و يقدر أن يُنشد أشعاراً» كم فعلاً مبنياً للمجهول

في العبارة؟ (سراسری تهری ۹۲)

- (۱) أربعة (۲) ثلاثة (۳) إثنان (۴) واحد

(۱۷۵-۲۴۸) عین الخطأ في المبني للمجهول: (سراسری انسانی ۹۳)

- (۱) لا يهدي الله القوم الظالمين ← ما هُدي القوم الظالمون!
(۲) لا ترى النفس العبوس جمال الحقيقة ← لا يرى جمال الحقيقة!
(۳) يشجع الإسلام المسلمين على طلب العلم ← يُشجع المسلمون على طلب العلم!
(۴) تربّي المعلمة الأختين اللّتين تحاولان كثيراً ← تربّي الأختان اللتان تحاولان كثيراً!

(۱۷۶-۲۴۹) عین الخطأ في البناء للمجهول: (سراسری هنر ۹۲)

- (۱) يهنئ الوالدان الأولاد على النجاح في الدراسة ← يُهنأ الأولاد على النجاح في الدراسة!
(۲) ترك طالب العلم البيت و الأسرة لاكتساب العلم ← تُرك البيت و الأسرة لاكتساب العلم!
(۳) أعرف اسرة هذه الطالبة من الأيام الماضية ← أعرف اسرة هذه الطالبة من الأيام الماضية!
(۴) قصد الطلّاب القاعة الكبرى لمشاهدة المسرحية ← فُصدت القاعة الكبرى لمشاهدة المسرحية!

(۱۷۷-۲۵۰) عین المبني للمجهول: (سراسری زبان ۹۲)

- (۱) نحن لا نستسلم أمام الظالمين و لا نُطيعهم أبداً!
(۲) إنّها رسمت على الورقة ما تُحبّ من الصور الجميلة!
(۳) إن صوتك لا يُسمع بسبب إبتعادك الكثير عنّا!
(۴) عليك أن تُبادري بتهذيب نفسك قبل نصيحة الآخرين!

(۱۷۸-۲۵۱) عین نائب الفاعل ليس ضميراً مستتراً: (سراسری ریاضی ۹۱)

- (۱) لم يُؤيدَ كلام هذا العالم في الجلسة الماضية!
(۲) من قصد الحياة الطيبة مُنح من التّكاسل!
(۳) كانَ عقولهم قد غُسلت فتغیّر طريق حياتهم!
(۴) إنّ نفسك تُختبر بمصائب صعبة في الحياة!

(۱۷۹-۲۵۲) عین الخطأ في البناء للمجهول: (سراسری تهری ۹۱)

- (۱) هذان المرکان لم يُؤسّس لإللاج المرضى!
(۲) تُستعمل الإمثال السائرة لبيان ما في سريرة الإنسان!
(۳) أنتخب هذا الشاب لأنه يعتمد على نفسه و قدراته!
(۴) الأيام يُسمع خبر نجاح شبابنا في المجالات العلمية!

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب های طعم دار کوله پشتی

۲۵۳. عین «صديق» نائباً عن الفاعل: (سراسری انسانی ۹۱)

- (۱) منح صديقي جائزة لأنه أصبح تلميذاً نموذجياً!
(۲) يظهَر صديقي نفسه من الرجس بالإيمان و الإرادة!
(۳) كان صديقي يقاتل أعداء الوطن بشجاعة في الحرب!
(۴) أعرف صديقي عند الشدائد بما يساعدني فيها!

۲۵۴. عین المبني للمجهول: (سراسری هنر ۹۱)

- (۱) ليُبادر المسلم بتهذيب نفسه قبل غيره!
(۲) إنَّ المؤمن لا يُجالس الشيطان لأنه شرُّ مخلوق!
(۳) لم يُسمع صوتك لأنك كنت بعيداً عنّا!
(۴) أطيع الله و رسوله (ص) و لا أستسلم أمام الظالمين!

۲۵۵. عین الفعل الذي يُمكن أن يُبنى للمجهول: (سراسری زبان ۹۱)

- (۱) تتزيّن حديقتنا باللباس الجميل الملون!
(۲) و لها أزهار كثيرة نفوح رائحتها فنشعر باللذة عند رؤيتها!
(۳) و تتمتع بها عيوننا في فصل الربيع!
(۴) و تحفظنا أشجارها من أشعة شمس الصيف المحرقة!

۲۵۶. عین الخطأ في المبني للمجهول: (سراسری فارغ ۹۱)

- (۱) اليوم إشتريت أختي محفظة صغيرة!
(۲) تسأل الطالبة والدها عن مفاهيم غامضة!
(۳) حان وقت الامتحان و هيأت نفسي له!
(۴) جرّب العلماء تجارب كثيرة في مجالات علمية!
(۱) اليوم أشتريت محفظة صغيرة!
(۲) تُسأل والدها عن مفاهيم غامضة!
(۳) حان وقت الامتحان و هُيئت نفسي له!
(۴) جُرِّبت تجارب كثيرة في مجالات علمية!

۲۵۷. عین نائب الفاعل: (سراسری زبان ۹۰)

- (۱) أكرم ذو النعمة لأنه كان ينفق نعمة على المساكين!
(۲) أزيّن حديقتي الصغيرة بالأزهار الحمراء الجميلة!
(۳) يُنفق ذو السعة كل ما يكون عنده من سعته!
(۴) تُعلّمني الحياة أن لا أعتد إلاً على نفسي!

۲۵۸. عین الخطأ في البناء للمجهول: (سراسری هنر ۹۰)

- (۱) أرسلت الانبياء لهدايتكم في كل المجالات!
(۲) يكتسب التلاميذ تجارب قيمة أثناء الدراسة!
(۳) تساعدنا الأم في واجباتنا المدرسية!
(۴) أُرسلت الانبياء لهدايتكم...
(۱) أُرسلت الانبياء لهدايتكم...
(۲) أُرسلت الانبياء لهدايتكم...
(۳) أُرسلت الانبياء لهدايتكم...
(۴) أُرسلت الانبياء لهدايتكم...

۲۵۹. عین الخطأ في المبني للمجهول: (سراسری ریاضی ۸۹)

- (۱) نظفت الدار بالماء الجاري: نظفت الدار بالماء الجاري!
(۲) أحصى المعلم الحاضرين في الصف: أحصى الحاضرين في الصف!
(۳) يبدي أحد التلاميذ فكرة المخالفين في الجلسة: تبدي فكرة المخالفين في الجلسة!
(۴) ينهى المعلم جميع التلاميذ من الخمول: يُنهي جميع التلاميذ من الخمول!

۲۶۰. عین المبني للمجهول: (سراسری تهرمی ۸۹)

- (۱) لا شيء يُحزنني كفراقك!
(۲) لا تؤخّر عمل اليوم إلى غدا!
(۳) العلم لا يُضيق عمر الإنسان بل يفيده!
(۴) لا ترى الحقيقة إذا لا يريد الإنسان رؤيتها!

۲۶۱. عین الفعل المبني للمجهول سراسری ریاضی ۸۸

- (۱) أكرم والدي بإطاعتها و الاهتمام بأوامرها
(۲) لا تسمح أن يُترك احترام الصغار بسبب صغرهم
(۳) لا يُمكن لنا أن نُغيّر يوم إجراء المسرحية
(۴) أريد ألا تُخبر الآخرين بما أنفقته في سبيل الله

۲۶۲. عین الخطأ في البناء للمجهول: (سراسری تهرمی ۸۸)

- (۱) وجد الصياد سمكة عظيمة في البحر
(۲) نصرتم في مواقع كثيرة!
(۳) أُصدّق قولك إذا كان حقاً
(۴) أجدت سمكة عظيمة في البحر!
(۱) نصرتم في مواقع كثيرة!
(۲) أُصدّق قولك إذا كان حقاً
(۳) أُصدّق قولك إذا كان حقاً
(۴) أُصدّق قولك إذا كان حقاً

۲۶۳. عین المبني للمجهول: (سراسری زبان ۸۸)

- (۱) طرد الشيطان لأنه ما سجد للذی امر به!
(۲) بعض الناس يخاف من الله و يطيع ما يطلبه منه!
(۳) الذي يحب النور و الهداية يهرب من الجهل و الظلمة!
(۴) يبقى الإنسان على الملكة التي اكتسبها بالتكرار و التمرين!

۲۶۴. عین الصحيح في البناء للمجهول: (سراسری هنر ۸۸)

- (۱) تحمّلنا المصاعب حتّى وصلنا إلى أهدافنا! تحمّلنا المصاعب حتّى وصلنا إلى أهدافنا!
(۲) تحترم المؤمنة الوالدين من أجل اتعابهما! يُحترم الوالدان من أجل اتعابهما!
(۳) المطرُ نعمة الله نرجو نزوله كثيراً! المطر نعمة الله نرجى نزوله كثيراً!
(۴) تنصح الأم بنتها إلى ما فيه خيرها! نُصحت بنتها إلى ما فيه خيرها!

۲۶۵. عین المبني للمجهول:

- (۱) تُقام كل سنة حفلة في الجامعة
(۲) يُرسل الله الأنبياء رحمةً منه للعالمين
(۳) تُحب أمي أن أكون عندها دائماً
(۴) يُري العدو نفسه قوياً و قادراً على العمل

۲۶۶. عین الخطأ في المبني للمجهول:

- (۱) أقدم هدية لمعلمي في يوم المعلم كل عام: تُقدّم هدية لمعلمي في يوم المعلم كل عام
(۲) تحترم المؤمنة الوالدين من أجل زحماتهما: يُحترم الوالدين من أجل زحماتهما
(۳) بعثت أمي أخي إلى الدكان لشراء الفاكهة: بُعث أخي إلى الدكان لشراء الفاكهة
(۴) وعد الأب الابنة بجائزة نهاية دراستها: وُعدت الابنة بجائزة نهاية دراستها

۲۶۷. عین المبني للمجهول:

- (۱) اشترك ثلاثة إخوان في بناء شركة و أسسوها،
(۲) و كانوا يتعاونون في الأعمال و يُحاسبون أنفسهم بدقة،
(۳) كان الأخ الأكبر يُحب أخويه و لا يخالفهما
(۴) و هم كانوا يُواصلون عملهم بهذا الأسلوب فسمّوا بالإخوان الحقيقيين

۲۶۸. عین الفعل الذي يمكن أن يبنى للمجهول:

- (۱) رأت أمي في عنقي عقداً فضياً
(۲) أصبحت تلميذة مثالية لإجتهداي في الدروس
(۳) لم أكن مقصراً في مساعدة المساكين أبداً
(۴) أ لست متأملاً قبل الكلام حول أمرک؟

۲۶۹. عین الخطأ للمبني للمجهول: (سراسری ریاضی ۸۷)

- (۱) أرشدتنا معلمتنا الى الانتخاب الصحيح: أرشدنا الى الانتخاب الصحيح
(۲) تحمل اختي معها حقيبة جميلة خضراء: تُحمل حقيبة جميلة خضراء
(۳) دعتك امي الى حفلة عرس أختي: دُعيك الى حفلة عرس اختي
(۴) يذكر المؤمنون النعم الالهية كثيراً: تُذكر النعم الالهية كثيراً

۲۷۰. عین ما ليس فيه النائب للفاعل: (سراسری تجربی ۸۷)

- (۱) لا تُحصي نعم الله علينا إن نعدّها
(۲) عسى أن يُعرف قدر المصلحين في العالم
(۳) أعطيت الجائزة له بسبب كشفه المهم
(۴) لا يُكذّب المؤمن بالدين لأنه كلّ صدق

۲۷۱. عین الخطأ في المبني للمجهول: سراسری زبان ۸۷

- (۱) لنا بيت صغير جميل يُفتح بابه على حديقة
(۲) نحن نُهينا عن الافراط و التفريط في الانفاق
(۳) هناك حكاية رائعة تُحكى حول تضحيات المقاتلين
(۴) أنت دُعيك الى بيت عمّتي بمناسبة حفلة ولادة بنتها

۲۷۲. عین المبني للمجهول: سراسری انسانی ۸۷

- (۱) أنفق أنا بعض أموالی لفقراء بلدي
(۲) أنفق من أموالک لجارک المحتاج
(۳) أنفق كثير من الأموال في شهر رمضان
(۴) أنفق المؤمن بعض أمواله الى المساكين

۲۷۳. عین الخطأ في المبني للمجهول: سراسری هنر ۸۷

- (۱) غيّر القرآن حياتنا: غيّرت حياتنا
(۲) يُهاجم الأعداء ثقافتنا: تُهاجم ثقافتنا
(۳) هل تُصدّقون كلامي: هل يُصدّق كلامي؟
(۴) هل فهمت هذا الدرس: هل تُفهم هذا الدرس؟

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب های طعم دار کوله پشتی

۲۷۴. «هناك اسرار جعلت للعالم، لا تدرك إلا بعد أن يُسبَح خالقها» عين الفاعل: **سراسری ریاضی ۸۶**

- (۱) ليس هناك فاعل
(۳) الضمير المستتر في «تدرك»: أنت
(۲) الاسم الظاهر: خالق
(۴) «ت» في «جعلت» و «أنت» في «تدرك»

۲۷۵. **عين المبني للمجهول: سراسری تهری ۸۶**

- (۱) لم أشاهد في الامتحان سؤالاً صعباً
(۳) المؤمنون يُطيعون أمر الله حتى يرحموا
(۲) أقيم الصلاة في وقتها
(۴) علينا أن نُكرم معلماتنا

۲۷۶. «عَلَّقَ جرسٌ قويٌّ على الباب يُسمَعُ صوتهُ من بعيدٍ» عين الخطأ في المبني للمعلوم: **سراسری زبان ۸۶**

- (۱) عَلَّقْنَا جرساً قوياً على الباب سمعنا صوته ...
(۳) عَلَّقَ والدي جرساً قوياً على الباب أسمع صوته...
(۲) عَلَّقْنَا جرساً قوياً على الباب يسمع الناس صوته ...
(۴) عَلَّقْتُ جرساً قوياً على الباب يسمع الناس صوته ...

۲۷۷. «بقدر الكذِّ تكتسب المعالي» عين الخطأ في المبني للمعلوم: **سراسری هنر ۸۶**

- (۱) ... اكتسبنا المعالي
(۲) ... تكتسب المرأة المعالي
(۳) ... نكتسب المعالي
(۴) .. يكتسب الرجل المعالي

۲۷۸. «الذين قُتِلوا في سبيل الله ليسوا أمواتاً» عين الصحيح في المبني للمعلوم: **الذين... ليسوا أمواتاً. سراسری تهری ۸۵**

- (۱) قتلهم المشركين
(۲) قُتِلوا بيد الكفار
(۳) قتلهم المشركون
(۴) قتلوهم الكفار

۲۷۹. **عين الصحيح في البناء للمجهول: سراسری انسانی ۸۵**

- (۱) يغفر الله عباده إن كانوا في صراطه
(۲) النبي حبيبتنا ناملُ هدايته في الأحوال
(۳) وضع أهلي مسؤولية الأسرة على أكتافي
(۴) عسى الله يعفو قلوبنا المذنبة
← يُغْفَرُ عباده إن كان في صراطه
← النبي حبيبتنا تَوَمَّلُ هدايته في الأحوال
← وَضَعَ أُسْرَتِي المسؤولية عليّ
← عَسَى اللهُ يُعَافِ قلوبنا المذنبة

۲۸۰. **عين الصحيح في البناء للمجهول: سراسری زبان ۸۵**

- (۱) تَلَدَ الأمُ ولداً صالحاً ← يولد ولداً صالحاً
(۳) ذاقَتِ الطفلة طعمَ الإيمان ← ذيقَت طعمَ الإيمان
(۲) باع المنافق دينه بثمان بخس ← بِيَعَ دينه بثمان بخس
(۴) رزقَ الله إياكم نعمة كثيرة ← رَزَقْتُمُ اللهُ نعمة كثيرة

۲۸۱. «أنفقنا أموالاً كثيرةً في سبيل الله» عين الصحيح في المبني للمجهول: **سراسری هنر، ۸۵**

- (۱) أنفقَ أموالٌ كثيرةٌ...
(۲) أنفقنا أموالٌ كثيرةٌ...
(۳) أنفقَتِ أموالٌ كثيرةٌ...
(۴) أنفقَتِ أموالٌ كثيرةٌ.

۲۸۲. **اجعل الفعل المبني للمعلوم مبنياً للمجهول: «نُكِرْمُ ضيوفاً إكراماً جميلاً»**

- (۱) نُكِرْمُ ضيوفاً...
(۲) نُكِرْمُ ضيوفاً...
(۳) يُكِرْمُونَ ضيوفاً...
(۴) يُكِرْمُ ضيوفاً

۲۸۳. **اجعل الفعل المبني للمعلوم مبنياً للمجهول: كتبتُ التمارين الجديدة في الدفتر»**

- (۱) كُتِبَتِ التمارينُ الجديدة...
(۲) كُتِبَ التمارينُ الجديدة...
(۳) كُتِبَتِ التمارينُ الجديدة...
(۴) تَكْتُبُ التمارينُ الجديدة...

۲۸۴. **اجعل الفعل المبني للمعلوم، مبنياً للمجهول: «دَمَرُ الأعداءِ مُدناً كثيرةً و هَدَمُوا المصانع»**

- (۱) دُمِّرَتِ مدنٌ كثيرةٌ و هَدَمَتِ المصانعُ
(۳) دُمِّرَ الأعداءِ مدناً كثيرةً و هَدَمُوا المصانعَ
(۲) دُمِّرَ مدنٌ كثيرةٌ و هَدَمَ المصانعُ
(۴) دُمِّرَتِ مدنٌ كثيرةٌ و هَدَمُوا المصانعَ

۲۸۵. **في ايةٍ عبارة نائب الفاعل ضميرٌ مستترٌ؟**

- (۱) أُخْرِجُ قومك من الظلمات
(۲) أُخْرِجُ من ساحة الملعب
(۳) تُخْرِجُ من ساحة الملعب
(۴) تُخْرِجُ قومك من الظلمات

۲۸۶. **عين نائب الفاعل يختلف مع الأخرى:**

- (۱) لا يُنسى ذكر الشهداء
(۲) أنظر الى الارض كيف خلقت
(۳) أُستشهد أبي في ساحة الحرب
(۴) سَتُكْرَمُ في الحفلة شخصية عظيمة

۲۸۷. **كم خطأ في الجملات التالية:**

- (الف) عندما يُعظَّم المعلمين يُرفع العلم و الأخلاق
(ب) خُلقتُ حتَّى اهتدي الى الصراط المستقيم
(ج) من الناس مَنْ يُنصرون عند الشدائد و لا يتنصرون أحداً
(د) تُغفَرُ الذنوب بعد الابتعاد عنها بلا شكِّه إن كان الابتعاد واقعياً
(۱) ۱
(۲) ۲
(۳) ۳
(۴) ۴

۲۸۸. کم خطأ في الجملات التالية:

- (الف) یحصد الفلاحون الزرع في موعده ← تُحصد الزرع في موعده
 (ب) بَشَرَت المعلمات الطالبات بنجاحهن ← تُبَشِّر الطالبات بنجاحهن
 (ج) يشجع المطر الفلاحين بالعمل الكثير ← يشجّع الفلاحين بالعمل الكثير
 (د) يُذهب الله السيئات بالحسنات إن نعمل بها ← تُذهب السيئات بالحسنات إن نعمل بها

۱ (۱) ۲ (۲) ۳ (۳) ۴ (۴)

۲۸۹. عین الخطأ في البناء للمجهول:

- (۱) تراقب البنت الطفل الصغير في غياب الوالدة ← يُراقب الطفل الصغير في غياب الوالدة
 (۲) يكرم المؤمن العاجزين في جميع الأوقات ← يكرم العاجزون في جميع الاوقات
 (۳) تساعد صاحبي الحفلة هذه السيدة ← يُساعد صاحبو الحفلة
 (۴) يرفع الإيمان درجات العباد في حياتهم ← يُرفع الإيمان في حياتهم

۲۹۰. عین الفعل يمكن أن يكون مبنياً للمجهول أو للمعلوم:

- (۱) بعض الآيات تخبر عن حركة الأرض
 (۲) تبطل الصدقات بالمنّ و الأذى
 (۳) إن الشهداء يرزقون عند ربهم
 (۴) القطرات الصغيرة للماء تحدث الثقب في الحجر

۲۹۱. عین «كثيراً» يمكن أن يكون نائباً للفاعل:

- (۱) نقرأ في الكتب أن كثيراً من العلماء المسلمين كانوا يُدركون قوة الجاذبية
 (۲) قد أصبح ما قرأناه من الدروس كثيراً حجماً فيصعب علينا حفظه
 (۳) إن للإنسان ميلاً كثيراً للبقاء و الخلود و الشهرة
 (۴) نقرأ كثيراً من كتب العلماء ولكن لا نتأمل فيها

۲۹۲. عین الجواب الذي فيه المفعول به أكثر:

- (۱) يشمل نظام الزوجين عالم النباتات ايضاً
 (۲) سألني المعلم عن الدرس الجديد
 (۳) ألوان السماء الجميلة تجعل السماء جميلة
 (۴) أملني أن أنال مناي في النهاية

۲۹۳. أي جواب لا يمكن أن يبنى للمجهول:

- (۱) متى رأيت مظلوماً ضعيفاً تجد في جنبه طريقاً لدفع الظلم
 (۲) لماذا أنا أُخبرك عن شيء و أنت تسألني عن شيء آخر
 (۳) أينما تقدّم المسلمون تقدماً سريعاً في الحرب فرّ المشركون خائفين
 (۴) مدح الرسول(ص) الرميضاء مدحاً بعد أن قتلت المشرك بخنجرها

۲۹۴. عین الفاعل و المفعول ضميرين:

- (۱) أمي اجلست اخي الصغير في جنبه
 (۲) يدُّ الفلاح يد يحبها الله و رسوله
 (۳) تلاميذ صفنا مجتهدون و المعلمون يحبونهم
 (۴) نحن اكرمنا أبانا في جميع الأحوال

۲۹۵. عین الفاعل من الأسماء الممنوعة من الصرف:

- (۱) كان أخي أكثر الطلاب اعتماداً على نفسه
 (۲) وجدت مصادر كثيرة حول أبحاثي العلمية في الصحف
 (۳) الرسائل المتعددة وصلت إلى يد ابراهيم الأسبوع الماضي
 (۴) نجحت مريم في مسابقة قراءة القرآن التي أُجريت في المدرسة

۲۹۶. «إن الله يرسل الانبياء لهداية البشر فيتبعهم عدد كثير من الناس و يُعرض عنهم بعض الآخرين» عین الفاعل:

- (۱) الانبياء / هم / هم (۲) «هو» المستتر / عدد / بعض (۳) الله / عدد / بعض (۴) «هو» المستتر / هم / هم

۲۹۷. عین الجواب الذي، إن يَكُن مبنياً للمجهول، يُسند فعله بالضمير:

- (۱) المؤمنون يفلحون لأنهم خاشعون في صلاتهم
 (۲) زينتوا التلاميذ صفهم بمناسبة الحفلة
 (۳) يدافع المجاهدون عن وطنهم في الحرب
 (۴) عاتبني الله بالفضل و الإحسان اليّ

۲۹۸. صحح الأخطاء: «يُكرمون الناس الصقر لأنهم يحب الصيد و هي يصيد لهم بسهولة»

- (۱) لأنّه / يحبون / هو / يصيدون
 (۲) يكرم / يحبون / هو / يصيد
 (۳) يكرم / تحب / تصيد / لها
 (۴) يكرم / لأنّه / هو / يصيد

۲۹۹. «انزل الله علينا النعم السماوية». عين الصحيح في المبني للمجهول:

(۱) انزلت علينا النعم السماوية. (۲) انزلت علينا النعم السماوية. (۳) انزل علينا النعم السماوية. (۴) انزل علينا النعم السماوية.

۳۰۰. عين الفعل المبني للمجهول:

(۱) هم يساعدون المساكين إيماناً بالله. (۲) أخبر جميع الناس للمشاركة في الجهاد. (۳) لا يمكن لنا أن نحول الامتحان إلى يومٍ آخر. (۴) جاءت التلميذات ليهنئن الناجحات في المسابقة.

۳۰۱. اجعل العبارة التالية مبنياً للمجهول: «يكرمُ الأبناءُ الآباءُ و يحترمُونَ الأمهاتُ»

(۱) يكرمُ الآباءُ و يحترمُونَ الأمهاتُ. (۲) يكرمُ الآباءُ و تحترمُ الأمهاتُ. (۳) الآباءُ يكرمُونَ و الأمهاتُ تحترمْنَ. (۴) تكرمُ الآباءُ و تحترمُونَ الأمهاتُ.

۳۰۲. ميز الجواب الذي ما جاء فيه «النائب الفاعل»

(۱) لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً (۲) لم نبعث لجمع المال و إنما بعثنا لإنفاقه (۳) إن الله بعث الانبياء لهداية البشر (۴) الصديق الوفي يعرف عند الشدائد

۳۰۳. عين الصحيح في المبني للمجهول:

(۱) ضربنا ← ضربنا (۲) ضربك ← ضربك (۳) نصرتم الفقراء ← نصبروا (۴) يحترمون المعلم ← يحترمون المعلم

۳۰۴. عين الفعل الذي يمكن أن يبنى للمجهول:

(۱) رأت أمي في عنقي عقداً فضياً (۲) أصبحت تلميذة مثالية لاجتهادي في الدروس (۳) لم أكن مقصراً في مساعدة المساكين أبداً (۴) ألسنت متأملاً قبل الكلام حول أمرك؟

۳۰۵. اجعل العبارة التالية مبنياً للمجهول: «يرزقُ الله العبادَ نعماً كثيرةً»

(۱) يرزقُ العبادَ نعماً كثيرةً. (۲) تزرُقُ نعْمُ كثيرة العباد. (۳) يرزُقُ العبادَ نعْمُ كثيرة. (۴) تزرُقُ العبادُ نعماً كثيرة.

۳۰۶. عين الصحيح في المبني للمجهول: «يحترمُ أبناءُ الشعبِ المقاتلينَ و يكرمُونَ التضحيات»

(۱) يُحترمُ المقاتلونَ و تكرمُ التضحياتُ. (۲) يُحترمُ المقاتلينَ و يكرمُونَ التضحيات. (۳) يُحترمُ الشعبُ المقاتلينَ و يكرمُونَ. (۴) يُحترمُ المقاتلونَ و يكرمُونَ التضحيات.

تفکر در تست (شیوه‌ای عالی برای بالابردن دقت):

متأسفانه دانش‌آموزان همیشه دنبال راه حل هستند و فقط می‌خواهند تست‌ها را حل کنند، به همین دلیل در آزمون سراسری بسیار موفق نیستند. بنده معتقدم اگر دانش‌آموز در هر درس حدود چهارصد تست را به شیوه‌ی تفکر در تست حل نماید به موفقیت چشم‌گیری دست خواهد یافت؛ البته به شرط اینکه این چهارصد تست شامل تمام مباحث آن درس باشد.

شیوه‌ی تفکر در تست در یک مثال:

محمد ده تست عربی را در مبحث اعراب حل می‌کند و آن را به پدرش می‌دهد تا از روی جواب‌های کلیدی آخر کتاب مشخص کند به چند سؤال اشتباه پاسخ داده است؛

پدر محمد به او می‌گوید که چهار تا اشتباه داری، بدون اینکه سئوال‌های اشتباه را مشخص نماید. (مثلاً نمی‌گوید سؤال ۴، ۷، ۸ و ۱۰ اشتباه است، فقط متذکر می‌شود که چهار اشتباه دارد)؛

محمد باید تمامی تست‌ها را بررسی کند تا بفهمد به چه سئوال‌هایی اشتباه پاسخ داده است؛ دوباره آن را به پدر خود نشان می‌دهد که وی تعداد سئوال‌های اشتباه را مشخص کند؛

پدر پس از بررسی آن، متذکر می‌شود که حالا x تا اشتباه داری؛

محمد باید دوباره تست‌ها را بررسی کند تا جایی که تعداد اشتباهات را به حداقل برساند.



شیوهی نیمه تفکر:

در این شیوه پس از پاسخ دادن به تست‌ها، تست‌هایی را که نادرست جواب داده‌اید برایتان مشخص می‌کنند و شما دوباره آن‌ها را حل می‌کنید.

* حداقل تست‌های سراسری سال‌های اخیر رو به شیوهی تفکر در تست یا نیمه تفکر کار کنید.

چگونه تست بزنیم؟

کوله‌پشتیشو برداشت؛ با عجله از دوستاش خداحافظی کرد و از کلاس بیرون آمد؛ سوار سرویس شد ظهر بود و هوا گرم؛ نزدیک خونه پیاده شد و صد متر باقیمونده را دوان دوان به سوی خونه رفت...

رفت تو اتاقش لباس‌های مدرسه‌ش رو درآورد؛ به مادرش گفت که خیلی گرسنه است...

پس از صرف ناهار برگشت تو اتاقش؛ دستی به موهایش کشید؛ پشت میز نشست؛ مدادش رو محکم تراش داد؛ پاکنش رو جلو دستش گذاشت؛ کتاب تست فیزیک رو باز کرد؛ قسمت آموزش و تشریح مطالب رو که دیشب مفصل خونده بود، مرور کرد؛ به چند دقیقه فکر کرد و دوباره مدادش رو تراش داد! بیچاره مداد...

نمی‌دونست چطور تست بزنه؛ اولین بارش بود که می‌خواست رو کتاب‌های تست کار کنه...

تلفن رو برداشت؛ آخه فک کرد بهتره با مشاورش در مورد تست زنی یه گپی بزنه...

الو سلام آقای مشاور؛ خوب هستین؟ ببخشین که بی‌وقت مزاحم شدم؛ موندنم چطور تست بزنم! می‌شه یه راهنمایی کوچولو از شما بگیرم؟

مشاور اون ور خط حرص می‌خورد، چون جلسه قبل واسه همه نحوه تست زنی رو تشریح کرده بود ولی ایشون غایب بودند!

مشاور: خوب عزیزم گوش کن:

اول تست‌های فرد رو...

آقا منظورتون از فرد چیه؟!

مشاور: به لحظه گوش بده؛ تست‌های فرد، یعنی (۱، ۳، ۵ و ...) رو انتخاب می‌کنیم؛ هدف از این تست‌ها اینه که با فکر کردن رو تست، مطالب بیشتری رو یاد بگیریم؛ بعد از اینکه تست رو حل کردیم، جواب تشریحی رو با دقت تموم می‌خوانیم و نکات لازم را یادداشت برداری می‌کنیم؛ اگر هم به تست جالبی برخورد کردیم، با یه علامت مشخص می‌کنیم. پس هدف از تست‌های فرد بررسی جواب‌های تشریحی و آشنایی با تست‌ها است.

بعد تست‌های زوج رو حل می‌کنیم و درصد می‌گیریم؛ هدف از این مرحله اینه که توان علمی خودمونو بسنجیم. در این مرحله آگه فرصت کردیم جواب تشریحی تمام تست‌ها رو می‌خوانیم، اگر هم فرصت نشد حد اقل جواب تشریحی تست‌هایی رو که اشتباه زده‌ایم با دقت می‌خوانیم، برخی از تست‌ها که نکات جالبی دارند رو با یه علامت مشخص می‌کنیم.

حدود ۱۰ روز بعد، آگه وقت کردیم همه تست‌ها و در غیر این صورت تست‌های علامت‌گذاری شده رو دوباره حل می‌کنیم. هدف از این مرحله سرعت عمله، یعنی باید تمرین کنیم که بتونیم در زمانی که تو کنکور به ما می‌دن این تست‌ها رو حل کنیم؛ دقت کنیم که این تست‌ها رو حتماً باید حل کنیم و به جواب برسیم؛ پس در این مرحله رو راه حل‌ها کار می‌کنیم که سرعتمون بالا بره؛ تو این مرحله هم درصدگیری مهمه و هم زمان.

خب آقا از کجا بفهمم کدوم تست جالبه که به قول شما با یه علامت مشخص کنم.

مشاور: تست‌هایی که مطالب بیشتر رو آموزش می‌دن تست‌های جالبی هستن یعنی هر کدوم از گزینه‌هاش یک مطلب رو آموزش بدن؛ مثلاً تو عربی اگر جمله‌ی حالیه مورد پرسش قرار بگیره و در یک گزینه جمله حالیه، در یک گزینه جمله وصفیه، در یک گزینه جمله‌ی صلّه‌ی موصول و در گزینه‌ی دیگر خبر جمله رو آورده باشن، این تست جالبه؛ ولی متأسفانه بچه‌ها فک می‌کنن تست هر چه سخت‌تر باشه یا دارای موارد استثنایی بیشتر باشه جالب‌تره!

پس باید بدونیم: تستی جالبه که بتونه تنه اصلی معلومات شما رو بسنجه، نه اینکه فقط رو استثناء زوم کرده باشه.

آها فهمیدم...

مشاور: الو... الو...

مث اینکه دانش‌آموز ذوق زده شد و بدون خداحافظی گوشه‌ی رو گذاشت!

ولی یادتون نره که صورت سؤال‌ها را خیلی با دقت بخونین (فهم سؤال نصف جوابه).

زیر داده‌ها و خواسته‌ها و کلمات کلیدی خط بکشین.

(برگرفته از کتاب «برنامه‌ریزی درسی با طعم فلفل» تألیف علی فقه کریمی؛ انتشارات کوله‌پشتی)

جمله‌ی اسمیه

جمله‌ای است که با اسم آغاز می‌شود و به دنبال آن خبر می‌آید:

التلمیذُ محبوبٌ

مبتدا و مرفوع خبر و مرفوع

ارکان جمله‌ی (اسمیه): اسم (مبتدا) + خبر

مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند.

مبتدا: کلمه‌ای است که درباره‌ی آن خبری داده می‌شود (نهاد): **التلمیذُ نشیطٌ**

خبر: توضیحی است که درباره‌ی مبتدا داده می‌شود (گزاره): **التلمیذُ نشیطٌ**

* در جمله‌ی اسمیه انواع خبر حائز اهمیت است.

انواع خبر

۱- مفرد

۲- جمله

۳- شبه جمله

* اعراب جمله و شبه جمله، محلی است.

خبر مفرد

خبر مفرد به این معناست که جمله و شبه جمله نباشد پس خبر مفرد اسمی است که می‌تواند از لحاظ عدد مفرد، مثنی و جمع باشد.

المسلمُ بعیدٌ عن المنکر	المسلمةُ بعیدهٌ عن المنکر
المسلمان بعیدان عن المنکر	المسلمتان بعیدتان عن المنکر
المسلمون بعیدون عن المنکر	المسلمات بعیداتٌ عن المنکر

به مثال‌های زیر توجه کنید

۱. أَحَبُّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، **الْأَلْوَانُ الطَّيِّبَةُ** الَّتِي تُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. دوست‌داشتنی‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ‌های طبیعی‌ای است که آن‌ها را شب و روز در اطرافمان می‌بینیم.
۲. هَذَا **مِفْتَاحُ** الصَّنْدُوقِ الَّذِي تُقَوِّدُكَ فِيهِ. این کلید صندوقی است که پول‌های تو در آن است.
۳. ویتامین «ا» **مُفِيدٌ** لِلْعَيْنِ وَ زِيَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ. ویتامین «ا» برای چشم و افزایش وزن کودکان مفید است.
۴. اَفْضَلُ اللَّوْنِ لِعُرْفِ النَّوْمِ، **اللَّوْنُ الْبَنَفْسَجِي**. بهترین رنگ برای اتاق‌های خواب، رنگ بنفش است.
۵. **الْبَطَّارِيَّةُ مَخْزَنُ** الْكَهْرِبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ. باتری، انبار برق در ماشین است.
۶. **الْبَيْتُ حَفْرَةٌ** عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ. چاه، گودال عمیقی در زمین است.
۷. هُوَ **أَوَّلُ** مَنْ صَنَعَ مَخْتَبِرًا لِلأَبْحَاثِ الصَّنَاعِيَّةِ. او اولین کسی است که آزمایشگاهی برای تحقیقات صنعتی ساخت.
۸. نَقَفَاتُ الْجَامِعَةِ **غَالِبَةٌ**. هزینه‌های دانشگاه سنگین است.
۹. مَسْجِدُ الْإِمَامِ، **أَثَرٌ** قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ أَصْفَهَانَ. مسجد امام، اثری قدیمی در استان اصفهان است.
۱۰. الشَّرِكَةُ **مُؤَسَّسَةٌ** تِجَارِيَّةٌ أَوْ اِفْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ. شرکت، مؤسسه‌ای تجاری یا اقتصادی است که در آن بسیاری از مردم کار می‌کنند.



کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی



صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

نکات خبر مفرد:

(الف) خبر مفرد همیشه پس از مبتدا می‌آید (مبتدا قبل از خبر می‌آید)
 (ب) اگر خبر مشتق وصفی باشد باید از لحاظ جنس و عدد با مبتدا مطابقت داشته باشد ولی اگر جامد باشد مطابقت لازم نیست.
 مشتق‌های وصفی عبارتند از: اسم فاعل / اسم مفعول / صفت مشبیه / صیغه‌ی مبالغه / اسم تفضیل

الدهرُ یومان

مبتدا خبر

الدهرُ، مفرد است و یومان مثنی؛ چون یومان جامد است. پس لازم نیست با مبتدا مطابقت داشته باشد.

الحکمةُ کنزٌ

مبتدا خبر

الحکمةُ مؤنث است و کنزٌ مذکر؛ چون کنزٌ جامد است لازم نیست با مبتدا مطابقت داشته باشد.

(ج) مبتدا معرفه و خبر معمولاً نکره است. ولی امکان ندارد که مبتدایی نکره و خبرش معرفه باشد. (با توجه به سطح دبیرستان)
 (د) اگر اسم پس از اسم اشاره بدون ال باشد، خبر برای اسم اشاره محسوب می‌شود:

اولئک مسلمون

مبتدا خبر

هذا کتاب

مبتدا خبر

خبر جمله

جمله‌ی فعلیه: گاهی جمله‌ی فعلیه خبر واقع می‌شود:

التلميذةُ **تذهبُ** إلى المدرسةِ

التلميذةُ **تذهبُ** إلى المدرسةِ

التلميذتان **تذهبان** إلى المدرسةِ

التلميذتان **تذهبان** إلى المدرسةِ

التلميذاتُ **يذهبن** إلى المدرسةِ

التلميذاتُ **يذهبن** إلى المدرسةِ

أنتُم **تذهبون** إلى المدرسةِ

أنتُم **تذهبون** إلى المدرسةِ

نکات خبر جمله‌ی فعلیه:

(الف) همیشه مبتدا قبل از خبر می‌آید.

(ب) خبر باید با مبتدا مطابقت داشته باشد.

(ج) اگر مبتدا اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) خبر برای آن به صورت غائب می‌آید. مانند مثال‌های بالا. مثلاً نمی‌توان گفت: التلميذةُ تذهبُ یا التلميذةُ اذهبُ. چون التلميذةُ اسم ظاهر است پس خبر آن باید به صورت غائب بیاید. یعنی التلميذةُ يذهبُ صحیح است. (قدر این نکته رو بدونید)

عين الصحيح (في اسلوب الجملة) سراسری ریاضی ۱۱۸ (با تغییر)

(۱) أنتِ تخافين من الفتن فعليک بالقرآن

(۲) الذي أخاف من الفتن فعلي بالقرآن

(۳) الذين تخافون من الفتن فعليکم بالقرآن

(۴) أنتما يخافان من الفتن فعليهما بالقرآن

تذکره: در گزینه‌ی ۱ أنت و تخافين و ک در عَلَيک صیغه‌ی للمخاطبة هستند. * در گزینه‌ی ۲ الذي مبتدا (اسم ظاهر) است پس باید فعل و ضمیر برای آن به صورت غایب بیاید: «الذي يخاف من الفتن فعليه» * در گزینه‌ی ۳ الذين در حکم للغائبین است چون مبتدا واقع شده است پس صله‌ی موصول و ضمیر آن باید به صورت غائب (الذين يخافون من الفتن فعليهم بالقرآن) باشد. * در گزینه‌ی ۴ يخافان صیغه‌ی للغائبین و أنتما صیغه‌ی للمخاطبين است در این گزینه تخافان درست است و عليهما باید عَلَيكما باشد.

تذکره: گزینه‌ی ۱: تو از فتنه‌ها بیم داری پس به قرآن تمسک بجوی.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

گزینه‌ی ۲: الَّذِي يَخَافُ مِنَ الْفِتَنِ فَعَلَيْهِ: کسی که از فتنه‌ها بیم دارد پس باید به قرآن تمسک بجوید.

گزینه‌ی ۳: الَّذِينَ يَخَافُونَ مِنَ الْفِتَنِ فَعَلَيْهِمْ بِالْقُرْآنِ: کسانی که از فتنه‌ها بیم دارند پس باید به قرآن تمسک بجویند.

گزینه‌ی ۴: انما تخافان من الفتن فعلیکما بالقرآن: شما از فتنه‌ها می‌ترسید پس به قرآن تمسک بجوید.

پاسخ صحیح: اگر مبتدا اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) در حکم غائب است پس فعل، ضمیر، و... برای آن به صورت غائب می‌آید. (الذین در گزینه‌ی ۳ چون مبتدا است پس خبر و ضمیر و... باید برای آن به صورت غائب بیاید).

به نمونه‌های زیر توجه کنید

۱. الرَّجُلُ ذَهَبٌ إِلَى حَاكِمِ الْمَدِينَةِ. مرد نزد حاکم شهر رفت.
۲. الْقَاضِي سَيَأْتِي إِلَيَّ غَدًا. قاضی فردا پیش من خواهد آمد.
۳. صَاحِبُ الْأَمَانَةِ دَخَلَ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِمَا. صاحب امانت وارد شد و بر آن دو سلام کرد.
۴. الْقَاضِي تَكَلَّمَ مَعَ الْحَاكِمِ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ. قاضی با حاکم در رابطه با آن موضوع صحبت کرد.
۵. الْمُسَافِرُ ارَادَ تَسْلِيمَ نُقُودِهِ إِلَى شَخْصٍ أَمِينٍ. مسافر خواست پول‌هایش را به شخصی امین بسپارد.
۶. قَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتُخْدِمُ اللَّوْنِ الْأَحْمَرَ فِي الْأَمَاكِينِ الَّتِي يَحَاجَّةٌ إِلَى الْإِتِّبَاهِ كِإِشَارَاتِ الْمُرُورِ. قانون راهنمایی و رانندگی، رنگ سرخ را در جاهایی که نیاز به توجه هست به کار می‌گیرد، مانند علامت‌های راهنمایی و رانندگی.
۷. بَعْضُ الْعُلَمَاءِ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. برخی دانشمندان معتقدند که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند.
۸. نَحْنُ نَشْعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى اللَّوْنِ الْأَحْمَرِ. ما هنگامی که به رنگ سرخ نگاه می‌کنیم، احساس خستگی می‌کنیم.
۹. النَّجَّارُ يَشْتَعِلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ النَّوَافِذِ. نجار در کارگاه در و پنجره سازی کار می‌کند.
۱۰. إِدِيسُونُ إِخْتَرَعَ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ إِخْتِرَاعٍ مَهْمٌ. ادیسون بیشتر از هزار اختراع مهم اختراع کرد.

جمله‌ی اسمیه: گاهی جمله‌ی اسمیه خبر واقع می‌شود. (این مطلب از کتاب درسی حذف شده، ولی گاهی در تست‌ها مطرح می‌شود).

مبتدا	خبر
المؤمن	قلبه طاهر
مبتدا	خبر
مضاف‌الیه	

مؤمن قلبش پاک است.

مبتدا	خبر
العصفور	فرخه جميل
مبتدا	مبتدا
مبتدا	خبر
مضاف‌الیه	

گنجشک جوجه‌اش زیباست.

نکات خبر جمله‌ی اسمیه

۱- مبتدا قبل از خبر می‌آید.

۲- این نوع جمله از فرمول زیر تبعیت می‌کند.

اسم مرفوع + اسم مرفوع + ضمیر متصل نصبی جری + خبر

در این نوع جمله، ضمیر نصبی جری به اسم مرفوع اول برمی‌گردد.

خبر شبه جمله

گاهی شبه جمله خبر واقع می‌شود (هر شبه جمله‌ای خبر نیست) - شبه جمله دو نوع است:

- ۱- مفعول فيه (ظرف): فوق، تحت، عند، جنب و... (ظرف همان قید زمان یا مکان است که در سال سوم می‌خوانیم)
 - ۲- جار و مجرور: (حرف جر + اسم)
- * به قید زمان و قید مکان، ظرف گفته می‌شود.

ظرف
العصفور فوق الشجرة گنجشک بالای درخت است
مبتدا
مضاف‌الیه
خبر و محلاً مرفوع

جار و مجرور
العصفور على الشجرة گنجشک بر روی درخت است
مبتدا
خبر و محلاً مرفوع

نکات خبر شبه جمله:

- ۱- اگر مبتدا نکره و خبر شبه جمله باشد **حتماً** خبر بر مبتدا مقدم می‌شود:

فوق الشجرة عصفور = على الشجرة عصفور
خبر مقدم مضاف‌الیه مبتدای مؤخر خبر مقدم و محلاً مرفوع مبتدای مؤخر

- ۲- اگر مبتدا معرفه و خبر شبه جمله باشد **می‌توان** خبر را بر مبتدا مقدم کرد:

العصفور فوق الشجرة = فوق الشجرة العصفور
مبتدا خبر مضاف‌الیه خبر مقدم مضاف‌الیه مبتدای مؤخر

العصفور على الشجرة = على الشجرة العصفور
مبتدا خبر و محلاً مرفوع خبر مقدم و محلاً مرفوع مبتدای مؤخر

به مثال‌های زیر توجه کنید

۱. في المكاره صبور، في الرخاء شكور؛ در سختی‌ها شکيبا و در آسایش شکرگزار است. ❁ في المكاره: خبر مقدم و مرفوع محلاً؛ صبور: مبتدای مؤخر و مرفوع * في الرخاء: خبر مقدم و مرفوع محلاً؛ شكور: مبتدای مؤخر و مرفوع
۲. الله انزل القرآن لسعادة البشر: خداوند قرآن را برای خوشبختی انسان نازل کرد. ❁ الله: مبتدا و مرفوع؛ انزل: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۳. الأمة الإسلامية لا تتقدم إلا بشعب سليم: امت اسلام پیشرفت نمی‌کند مگر با ملتی سالم. ❁ الأمة: مبتدا و مرفوع؛ لا تتقدم: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۴. كل ما في شجرة الزيتون من ورق و ثمر و زيت ينفع الناس: هرآنچه در درخت زیتون است مانند برگ، میوه و روغن، به مردم سود می‌رساند. ❁ كل: مبتدا و مرفوع؛ ينفع: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۵. التلميذتان ساعدتا أمهما: دو دانش‌آموز به مادرشان کمک کردند. ❁ التلميذتان: مبتدا و مرفوع بالالف؛ ساعدتا: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)

^۱ البته این دو جمله از نظر بلاغی با هم فرق دارند.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

۶. المسلمون رفعوا اعلام الحضارة في العالم: مسلمانان پرچم‌های تمدن را در جهان برافراشتند. ❁ **المسلمون**: مبتدا و مرفوع بالواو؛ **رَفَعُوا**: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۷. نحن جَرَبْنَا ذلك و فَشَلْنَا: ما أن را آزمودیم و شکست خوردیم. ❁ **نحن**: مبتدا و مرفوع محلاً؛ **جَرَبْنَا**: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۸. **المطالعةُ في النور الضعيف تُضِرُّ البَصَرَ**: مطالعه کردن در نور کم، به بینایی [چشم] ضرر می‌رساند. ❁ **المطالعةُ**: مبتدا و مرفوع؛ **تُضِرُّ**: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۹. **عبادُ الله المخلصون محبوبون**: بندگان خالص خدا محبوب هستند. ❁ **عبادُ**: مبتدا و مرفوع؛ **محبوبون**: خبر و مرفوع بالواو (مفرد)
۱۰. **المتقون قليلون**: پرهیزکاران اندک‌اند. ❁ **المتقون**: مبتدا و مرفوع بالواو؛ **قليلون**: خبر و مرفوع بالواو (مفرد)
۱۱. **كلُّ نفسٍ بما كَسَبَتْ رهينةٌ**: هر کسی در گرو کردار خویش است. ❁ **كلُّ**: مبتدا و مرفوع؛ **رهينةٌ**: خبر و مرفوع (مفرد)
۱۲. **فيها فاكهةٌ و رمانٌ**: در آن میوه و انار وجود دارد. ❁ **فيها**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **فاكهةٌ**: مبتدای مؤخر و مرفوع
۱۳. **في العسل سبعون مادةً مختلفةً**: در عسل هفتاد ماده مختلف وجود دارد. ❁ **في العسل**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **سبعون**: مبتدای مؤخر و مرفوع بالواو
۱۴. **سعيدٌ تحتَ الشجرةِ**: سعيد زیر درخت است. ❁ **سعيدٌ**: مبتدا و مرفوع؛ **تحتَ**: خبر شبه جمله و مرفوع محلاً
۱۵. **له ما في السموات و ما في الأرض**: مال اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است. ❁ **له**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **ما**: مبتدای مؤخر و مرفوع محلاً
۱۶. **بين الأشجار سيارَةٌ**: میان درختان ماشینی است. ❁ **بين**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **سيارةٌ**: مبتدای مؤخر و مرفوع
۱۷. **هل عندك قلمٌ**: آیا نزد تو قلمی است؟ ❁ **عندك**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **قلمٌ**: مبتدای مؤخر و مرفوع
۱۸. **من التجسس استراق السمع**: گوش دادن جزو جاسوسی کردن است. ❁ **من التجسس**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **استراق**: مبتدای مؤخر و مرفوع
۱۹. **فوق كلِّ ذي علمٍ عليمٌ**: بالای هر صاحب دانشی داناتری هست. ❁ **فوق**: خبر شبه جمله مقدم و مرفوع محلاً؛ **عليمٌ**: مبتدای مؤخر و مرفوع
۲۰. **هم يكتزون الذهب و الفضة**: آن‌ها طلا و نقره را ذخیره می‌کنند. ❁ **هم**: مبتدا و مرفوع محلاً؛ **يكتزون**: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
۲۱. **العلماء في الأرض كالنجوم في السماء**: دانشمندان در زمین همانند ستارگان در آسمان هستند. ❁ **العلماء**: مبتدا و مرفوع؛ **كالنجوم**: خبر شبه جمله و مرفوع محلاً
۲۲. **هو الذي خلق السموات و الأرض**: او کسی است که آسمانها و زمین را آفرید. ❁ **هو**: مبتدا و مرفوع محلاً؛ **الذي**: خبر و مرفوع محلاً (مفرد)
۲۳. **ما عندكم ينفد**: آنچه نزد شماست نابود می‌شود. ❁ **ما**: مبتدا و مرفوع محلاً؛ **ينفذ**: خبر و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)



نواسخ

گفتیم که مبتدا و خبر هر دو مرفوع هستند ولی گاهی کلماتی در اول جمله اسمیه می‌آیند که اعراب مبتدا و خبر را تغییر می‌دهند. به این کلمات، نواسخ گفته می‌شود.
نواسخ سه نوع هستند: ۱. افعال ناقصه ۲. حروف مشبّهة بالفعل ۳. لای نفی جنس

افعال ناقصه

بر سر مبتدا و خبر می‌آیند و خبر را منصوب می‌کنند و مبتدا مرفوع باقی می‌ماند که در این حالت به مبتدا، اسم افعال ناقصه و به خبر، خبر افعال ناقصه می‌گویند.

اللهُ عَلِيمٌ [الله: مبتدا و مرفوع * عَلِيمٌ: خبر و مرفوع]
كَانَ اللهُ عَلِيمًا: [كان: از افعال ناقصه * اللهُ: اسم كان و مرفوع * عَلِيمًا: خبر كان و منصوب]

التلميذاتُ نشيطاتُ: [التلميذاتُ: مبتدا و مرفوع * نشيطاتُ: خبر و مرفوع]
كَانَتِ التلميذاتُ نشيطاتٍ: [كانت: از افعال ناقصه * التلميذاتُ: اسم كان و مرفوع * نشيطاتٍ: خبر كان و منصوب با كسره (فرعی)]

افعال ناقصه عبارتند از:

كانَ (بود) ليسَ (نیست) صارَ (شد) اصْبَحَ (گردید) مادامَ (تا وقتی که)

اسم افعال ناقصه بر سه نوع است:

۱- اسم ظاهر: مانند اللهُ در كان اللهُ عَلِيمًا

[اللهُ: اسم كان و مرفوع * عَلِيمًا: خبر كان و منصوب]

اگر اسم افعال ناقصه، اسم ظاهر باشد در این حالت، افعال ناقصه به صورت للغائب و للغائبة می‌آیند (یعنی حتی اگر اسمشان مثنی یا جمع باشد، باز هم افعال ناقصه به صورت مفرد می‌آید، مانند مبحث فعل و فاعل):

يكونُ التلاميذُ ناجحينَ: [يكونُ: از افعال ناقصه * التلاميذُ: اسم يكونُ و مرفوع * ناجحينَ: خبر يكونُ و منصوب بالياء]

كان المعلمونُ خادمينَ لثقافة شعبهم: معلم‌ها خدمتگزاران فرهنگ ملتشان بودند.

كان: از افعال ناقصه / المعلمون: اسم كان و مرفوع با «و» در «ون» / خادمين: خبر كان و منصوب با «ي» در «ين» / ثقافة: جار و مجرور / شعب: مضاف اليه و مجرور / هم: مضاف اليه و محلاً مجرور

۲- ضمير بارز: مانند «ت» در كنتُ بصيرًا: [ت: اسم كنتُ و محلاً مرفوع * بصيرًا: خبر كان و منصوب]

«و» در كانوا مجتهدينَ: [و: اسم كانوا و محلاً مرفوع * مجتهدينَ: خبر كان و منصوب با «ي» (اعراب فرعی)]

ضميرهای متصل مرفوع اگر به افعال ناقصه بچسبند، اسم آنها به حساب می‌آیند.

۳- ضمير مستتر: مانند «أنت» در كُنْ مؤدبًا

[كُنْ: از افعال ناقصه، اسم آن ضمير مستتر أنت * مؤدبًا: خبر كُنْ و منصوب]

۱. جمله‌ی مذکور را با جمله‌ی زیر مقایسه کنید:

التلاميذُ يكونونُ ناجحينَ: [التلاميذُ: مبتدا و مرفوع * يكونونُ ناجحينَ: خبر و محلاً مرفوع * يكونونُ: از افعال ناقصه * ضمير «و»: اسم آن و محلاً مرفوع که به التلاميذُ برمی‌گردد * ناجحينَ: خبر يكونونُ و منصوب به وسيله «ي»]

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

در صیغه‌های للغائب و للغائبة ماضی و مضارع، اگر اسم افعال ناقصه، اسم ظاهر نباشد ضمیر مستتر «هو» و «هی» اسم آن‌ها خواهد بود. **کان مؤذباً**؛ کان از افعال ناقصه؛ اسمش ضمیر مستتر هو. **کانت مؤذبةً**؛ کانت از افعال ناقصه؛ اسمش ضمیر مستتر هی.

در صیغه‌های للمخاطب، للمتکلم وحده و للمتکلم مع الغير مضارع و امر، همیشه اسم افعال ناقصه، ضمیرهای مستتر «أنت»، «أنا» و «نحن» می‌باشد.

تکون مؤذباً؛ تکون از افعال ناقصه؛ اسمش ضمیر مستتر أنت.

أكون مؤذباً؛ أكون از افعال ناقصه؛ اسمش ضمیر مستتر أنا.

نكون مؤذبین؛ نكون از افعال ناقصه؛ اسمش ضمیر مستتر نحن.

افعال ناقصه از جهت جنس با اسم خود مطابقت دارند:

لیس التلمیذُ راسباً: [لیس: از افعال ناقصه * التلمیذُ: اسم لیس و مرفوع * راسباً: خبر لیس و منصوب]

لیست التلمیذُ راسباً: [لیست: از افعال ناقصه * التلمیذُ: اسم لیس و مرفوع * راسباً: خبر لیس و منصوب]

انواع خبر افعال ناقصه

۱- مفرد

۲- جمله

۳- شبه جمله

خبر مفرد

خبر مفرد به این معناست که جمله و شبه جمله نباشد پس خبر مفرد اسمی است که می‌تواند از لحاظ عدد مفرد، مثنی و جمع باشد.

کان المسلمُ بعیداً عن المنکر	کانت المسلمةُ بعیدةً عن المنکر
کان المسلمان بعیدین عن المنکر	کانت المسلمتان بعیدتین عن المنکر
کان المسلمون بعیدین عن المنکر	کانت المسلمات بعیدات عن المنکر

قواعد خبر مفرد، در مورد خبر افعال ناقصه نیز صادق است. به آن مراجعه فرمایید.

خبر جمله

جمله‌ی فعلیه: گاهی جمله‌ی فعلیه خبر واقع می‌شود:

کان التلمیذُ یذهبُ الى المدرسةِ	کانت التلمیذةُ تذهبُ الى المدرسةِ
کان التلمیذان یذهبان الى المدرسةِ	کانت التلمیذتان تذهبان الى المدرسةِ
کان التلامیذُ یذهبون الى المدرسةِ	کانت التلمیذاتُ یذهبن الى المدرسةِ

فعل‌هایی که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند خبر افعال ناقصه و محلاً منصوب‌اند.

قواعد خبر جمله، در مورد خبر افعال ناقصه نیز صادق است. به آن مراجعه فرمایید.

خبر شبه جمله

گاهی شبه جمله خبر واقع می‌شود (هر شبه جمله‌ای خبر نیست)

- شبه جمله دو نوع است:

کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

- ۱- مفعول فيه (ظرف): فوق، تحت، عند، جنب و... (ظرف همان قید زمان یا مکان است که در سال سوم می‌خوانیم)
 ۲- جار و مجرور: (حرف جر + اسم)
 * به قید زمان و قید مکان، ظرف گفته می‌شود.
 یادآوری: اعراب جمله و شبه‌جمله محلی است.

۱۱۳

کان العصفور فوق الشجرة گنجشک بالای درخت بود (فوق: خبر کان و محلاً منصوب)

کان العصفور على الشجرة گنجشک بر روی درخت بود (على الشجرة: خبر کان و محلاً منصوب)

نکات خبر شبه جمله:

- ۱- اگر مبتدا نکره و خبر شبه جمله باشد **حتماً** خبر بر مبتدا مقدم می‌شود:

کان فوق الشجرة عصفور = کان على الشجرة عصفور
 خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر خبر مقدم اسم مؤخر

- ۲- اگر مبتدا معرفه و خبر شبه جمله باشد **می‌توان** خبر را بر مبتدا مقدم کرد:

کان العصفور فوق الشجرة = کان فوق الشجرة العصفور
 اسم خبر مضاف‌الیه خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر

کان العصفور على الشجرة = کان على الشجرة العصفور
 اسم خبر مضاف‌الیه خبر مقدم اسم مؤخر

صیغه	ماضی	مضارع	امر
لِلْعَائِبِ	كَانَ	يَكُونُ	
لِلْعَائِبِينَ	كَانَا	يَكُونَانِ	
لِلْعَائِبِينَ	كَانُوا	يَكُونُونَ	
لِلْعَائِبَةِ	كَانَتْ	تَكُونُ	
لِلْعَائِبَاتِ	كَانَتَا	تَكُونَانِ	
لِلْمُخَاطَبِ	كُنْتَ	تَكُونُ	كُنْ
لِلْمُخَاطَبِينَ	كُنْتُمَا	تَكُونَانِ	كُونَا
لِلْمُخَاطَبِينَ	كُنْتُمْ	تَكُونُونَ	كُونُوا
لِلْمُخَاطَبَةِ	كُنْتِ	تَكُونِينَ	كُونِي
لِلْمُخَاطَبَاتِ	كُنْتُمَا	تَكُونَانِ	كُونَا
لِلْمُخَاطَبَاتِ	كُنْتُنِ	تَكُنْنَ	كُنْنَ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَخَدُّهُ	كُنْتُ	أَكُونُ	
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	كُنَّا	نَكُونُ	

توجه: در جدول بالا، ضمیرهای قرمز رنگ، اسم افعال ناقصه (از نوع ضمیر بارز) هستند.

^۱ البته این دو جمله از نظر بلاغی با هم فرق دارند.

به مثال‌های زیر توجه کنید

- (۱) و بعد مَدَّةٌ أَصْبَحَ مِنْ أَكْثَرِ عِلْمَاءِ عَصْرِهِ: و بعد از مدتی از بزرگترین دانشمندان زمان خود شد.
- أَصْبَحَ:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر مستتر **هو؛ من اعظم:** خبر أصبح و منصوب محلاً (شبه جمله)
- (۲) **الامة الإسلامية ليست محرومة عن الخيرات:** امت اسلامی از برکات و خیرات محروم نیست.
- ليست:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر مستتر **هي؛ محرومة:** خبر لیست و منصوب
- (۳) **أليس لك عمل آخر؟** آیا کار دیگری نداری؟
- ليس:** از افعال ناقصه؛ **لك:** خبر مقدم و منصوب محلاً (شبه جمله)؛ **عمل:** اسم مؤخر لیس و مرفوع
- (۴) **ليس الاعداء قادرين علينا:** دشمنان بر ما توانا نیستند.
- ليس:** از افعال ناقصه؛ **الاعداء:** اسم لیس و مرفوع؛ **قادرين:** خبر لیس و منصوب بالياء
- (۵) **كوني صادقة في عملك:** در کردارت درستکار باش.
- كوني:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر بارز «**ي**»؛ **صادقة:** خبر کان و منصوب
- (۶) **كان الفلاح يزرع الأرض:** کشاورز زمین را شخم می‌زد.
- كان:** از افعال ناقصه؛ **الفلاح:** اسم کان و مرفوع؛ **يزرع:** خبر کان و منصوب محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۷) **التلميذ كان يطالع تحت الشجرة:** دانش‌آموز زیر درخت مطالعه می‌کرد.
- كان:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر مستتر **هو؛ يطالع:** خبر کان و منصوب محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۸) **كان المسلمون اكتسبوا مكانة علمية:** مسلمانان جایگاهی علمی را به دست آورده بودند.
- كان:** از افعال ناقصه؛ **المسلمون:** اسم کان و مرفوع بالواو؛ **اكتسبوا:** خبر کان و منصوب محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۹) **كُنْ سَمِيحاً وَ لَا تَكُنْ مَبْذِراً:** بخشنده باش و اسرافکار مباش.
- كُن:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر مستتر **انت؛ سمحاً:** خبر کان و منصوب؛ **تكن:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر مستتر **انت؛ مبذراً:** خبر کان و منصوب
- (۱۰) **كانوا قد اكتشفوا هذا القانون قبله:** پیش از او این قانون را کشف کرده بودند.
- كانوا:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر بارز «**و**»؛ **قد اكتشفوا:** خبر کان و منصوب محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۱۱) **كيف هؤلاء أصبحوا أئمة للآخرين:** این‌ها چگونه پیشوایانی برای دیگران شدند؟
- أصبحوا:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر بارز «**و**»؛ **أئمة:** خبر أصبح و منصوب
- (۱۲) **اصبحنا متقدمين حين عملنا بالقران:** هنگامی که به قرآن عمل کردیم پیشرفت نمودیم.
- أصبحنا:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر بارز «**نا**»؛ **متقدمين:** خبر أصبح و منصوب بالياء
- (۱۳) **فاصبحوا في ديارهم جاثمين:** در سرزمین خود زمین‌گیر شدند (از پای درآمدند).
- أصبحوا:** از افعال ناقصه؛ اسم آن ضمیر بارز «**و**»؛ **جاثمين:** خبر أصبح و منصوب بالياء

حروف مشبّهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از:

إِنَّ (همانا)، أَنْ (این که)، كَأَنَّ (گویا)، لَكِنَّ (ولی)، لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید)

حروف مشبّهة بالفعل بر سر مبتدا و خبر می‌آیند، مبتدا را منصوب می‌کنند و خبر به صورت مرفوع باقی می‌ماند. در این حالت به مبتدا اسم

حروف مشبّهة بالفعل و به خبر فِیْر حروف مشبّهة بالفعل گفته می‌شود.

اللهُ بصیرٌ بالعباد: [الله: مبتدا و مرفوع / بصیرٌ: خبر و مرفوع / ب: حرف جر / العباد: مجرور به حرف جر]

إِنَّ اللهَ بصیرٌ بالعباد: [إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل / الله: اسم إِنَّ و منصوب / بصیرٌ: خبر إِنَّ و مرفوع / بالعباد: جار و مجرور]

انواع اسم حروف مشبّهة بالفعل:

اسم حروف مشبّهة بالفعل بر دو نوع است:

۱. اسم ظاهر: إِنَّ اللهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ. [الله: اسم إِنَّ و منصوب]

۲. ضمیر نصبی - جری: أَنْكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ. [ك: اسم إِنَّ و محلاً منصوب]

انواع خبر افعال ناقصه

۱- مفرد

۲- جمله

۳- شبه جمله

خبر مفرد

خبر مفرد به این معناست که جمله و شبه جمله نباشد پس خبر مفرد اسمی است که می‌تواند از لحاظ عدد مفرد، مثنی و جمع باشد.

إِنَّ المسلمَ بَعِيدٌ عَنِ الْمُنْكَرِ	إِنَّ المسلمةَ بَعِيدَةٌ عَنِ الْمُنْكَرِ
إِنَّ المسلمینَ بَعِيدَانِ عَنِ الْمُنْكَرِ	إِنَّ المسلمتینَ بَعِيدَتَانِ عَنِ الْمُنْكَرِ
إِنَّ المسلمینَ بَعِيدُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ	إِنَّ المسلماتِ بَعِيدَاتٌ عَنِ الْمُنْكَرِ

قواعد خبر مفرد، در مورد خبر حروف مشبّهة بالفعل نیز صادق است. به آن مراجعه فرمایید.

خبر جمله

جمله‌ی فعلیه: گاهی جمله‌ی فعلیه خبر واقع می‌شود:

إِنَّ التِّلْمِذَةَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ	إِنَّ التِّلْمِذَةَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ
إِنَّ التِّلْمِذِينَ يَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ	إِنَّ التِّلْمِذَاتِ يَذْهَبْنَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ

فعل‌هایی که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند خبر حروف مشبّهة بالفعل و محلاً مرفوع‌اند.

قواعد خبر جمله، در مورد خبر حروف مشبّهة بالفعل نیز صادق است. به آن مراجعه فرمایید.

خبر شبه جمله

گاهی شبه جمله خبر واقع می‌شود (هر شبه جمله‌ای خبر نیست) - شبه جمله دو نوع است:

- ۱- مفعول فيه (ظرف): فوق، تحت، عند، جنب و... (ظرف همان قید زمان یا مکان است که در سال سوم می‌خوانیم)
 - ۲- جار و مجرور: (حرف جر + اسم)
- * به قید زمان و قید مکان، ظرف گفته می‌شود. یادآوری: اعراب جمله و شبه‌جمله محلی است.

إِنَّ الْعَصْفُورَ فَوْقَ الشَّجَرَةِ [همانا] گنجشک بالای درخت است (فوق: خبرِ إِنَّ و محلاً مرفوع)

إِنَّ الْعَصْفُورَ عَلَى الشَّجَرَةِ [همانا] گنجشک بر روی درخت است (على الشجرة: خبرِ إِنَّ و محلاً مرفوع)

نکات خبر شبه جمله:

- ۱- اگر مبتدا نکره و خبر شبه جمله باشد **حتماً** خبر بر مبتدا مقدم می‌شود:

إِنَّ فَوْقَ الشَّجَرَةِ عَصْفُورًا = إِنَّ عَلَى الشَّجَرَةِ عَصْفُورًا
 خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر

- ۲- اگر مبتدا معرفه و خبر شبه جمله باشد **می‌توان** خبر را بر مبتدا مقدم کرد:

إِنَّ الْعَصْفُورَ فَوْقَ الشَّجَرَةِ = إِنَّ فَوْقَ الشَّجَرَةِ عَصْفُورًا
 اسم خبر مضاف‌الیه اسم مضاف‌الیه خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر

إِنَّ الْعَصْفُورَ عَلَى الشَّجَرَةِ = إِنَّ عَلَى الشَّجَرَةِ عَصْفُورًا
 اسم خبر مضاف‌الیه خبر مقدم مضاف‌الیه اسم مؤخر

نکته‌ای فلفلی (متنصوب بالای ۱۰۰٪)

گاهی به إِنَّ، حرف ما (مای کافه) می‌چسبد و آن را از عمل باز می‌دارد، یعنی مبتدا مرفوع باقی می‌ماند.

إِنَّهُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ: [الله: مبتدا و مرفوع / كم: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / الله: خبر و مرفوع / واحد: صفت و مرفوع]

إِنَّ الْهَيْكُلَ الْوَّاحِدَ: [إِنَّ: از حروف مشبهة بالفعل / الله: اسمِ إِنَّ و منصوب / كم: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / الله: خبرِ إِنَّ و مرفوع / واحد: صفت و مرفوع]

إِنَّمَا الْهَيْكُلُ الْوَّاحِدَ: [إِنَّ: از حروف مشبهة بالفعل / ما: مای کافه / الله: مبتدا و مرفوع / كم: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / الله: خبر و مرفوع / واحد: صفت و مرفوع]

اگر ضمایر نصبی جری (متصل به هر سه قسم کلمه) به حروف مشبهة بالفعل بچسبند، اسم آن‌ها به حساب می‌آید و محلاً منصوب خواهد بود. إِنَّهُ عَالِمٌ: [إِنَّ: از حروف مشبهة بالفعل / هـ: اسمِ إِنَّ و محلاً منصوب / عالم: خبرِ إِنَّ و مرفوع]

^۱ البته این دو جمله از نظر بلاغی با هم فرق دارند.



نکته‌ای با طعم آناناس:

* ترجمه‌ی این ضروری نیست، یعنی می‌توان آن را ترجمه کرد یا از ترجمه‌ی آن صرف‌نظر نمود (چون در کلام عادی، این تکیه کلام است) **إِنَّ التَّلْمِيذَ نَشِيطٌ**: دانش‌آموز با نشاط است/ همانا دانش‌آموز فعال است

به این خاطر در ترجمه‌ی تست‌ها ترجمه‌ی **إِنَّ** و **أَنَّ** در داخل گروه آورده شده است [همانا]

* اگر خبر **لَيْتَ** و **لَعَلَّ**، فعل مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَجْتَهُدُونَ: کاش مسلمانان تلاش بکنند. **لَعَلَّ التَّلَامِيذَ يَنْجَحُونَ**: شاید دانش‌آموزان پیروز شوند.

لای نفی جنس

لای نفی جنس حرفی است که بر سر مبتدا و خبر می‌آید و مبتدا را منصوب و خبر را مرفوع می‌کند (مانند حروف مشبیهة بالفعل) و مبتدا، اسم آن و خبر، خبر آن به حساب می‌آید.

لا بليئة اصعب من الجهل: [لا: حرف نفی جنس * بليئة: اسم لای نفی جنس، مبنی بر فتح و محلاً منصوب * اصعب: خبر لا و مرفوع] هیچ بلایی سخت‌تر از نادانی نیست.

نکته: اگر پس از لای نفی جنس، **إِلَّا** بیاید، خبر لای نفی جنس حذف می‌شود: لا اله الا الله = لا اله [موجود] الا الله

نکاتی با طعم کلابی و منشی برای لای نفی جنس:

۱) اسم لای نفی جنس، مبنی بر فتح و محلاً منصوب است.

۲) اسم لای نفی جنس، ال و تنوین نمی‌پذیرد.

۳) اسم لای نفی جنس، نکره است.

۴) خبر لای نفی جنس، مقدم نمی‌شود.

۵) معمولاً در ترجمه‌ی لای نفی جنس، کلمه‌ی **هیچ** آورده می‌شود.

۶) «ألا» به معنی «هان، آگاه باش» را با لای نفی جنس اشتباه نگیرید.

نکته‌ای از بیب منفی کوله‌پشتی:

حذف لا

لا خير في الكسل ← في الكسل خير

اگر لای نفی جنس حذف شود، اسم لای نفی جنس، به مبتدا تبدیل می‌شود پس تنوین می‌گیرد و اگر خبر شبه جمله باشد، مقدم می‌شود (چون اگر خبر شبه جمله و مبتدا نکره باشد، خبر مقدم می‌شود)

عامل: } **لا** نفی جنس + اسم نکره مبنی بر فتح و محلاً منصوب: **لا كتاب على المنضدة**.
} **لا** نهی + مضارع مجزوم: **لا يعتب بعضكم بعضاً**.
انواع لا:

غیر عامل } **لا** عطف: **اقرأ الدرس الرابع، لا الدرس الثالث**.
} **لا** جوابیه: **هل أنت معلم؟ - لا**.
} **لا** نفی + مضارع مرفوع: **لا اذهب اليوم الى السوق**.



روابط خانوادگی ضمیر

به مثال‌های زیر توجه کنید.

- ۱) **أنتَ عالمٌ** أنتَ: مبتدا و محلاً مرفوع
 ۲) **إنما أنتَ عالمٌ** أنتَ: مبتدا و محلاً مرفوع
 ۳) **إنَّكَ عالمٌ** كَ: اسم إنَّ و محلاً منصوب
 ۴) **كُنْتُ عالماً** تَ: اسم كُنْتُ و محلاً مرفوع

* ضمیرهای منفصل مرفوعی مبتدا واقع می‌شوند، مانند مثال‌های ۱ و ۲.

* ضمیرهای متصل نصبی جری اگر به حروف مشبّهة بالفعل بچسبند، اسم آن‌ها واقع می‌شوند، مانند مثال ۳

* ضمیرهای متصل مرفوعی اگر به افعال ناقصه بچسبند، اسم آن‌ها واقع می‌شوند، مانند مثال ۴

نکته‌ای آتشین با طعم فلفل تند:

هرگاه مبتدا، ضمیر منفصل مرفوع باشد:

– اگر بخواهیم آن را با حروف مشبّهة بالفعل بیاوریم، ضمیر منفصل مرفوعی به ضمیر متصل نصبی جری تبدیل می‌شود، مانند:

هُوَ عالمٌ ← **إِنَّهُ عالمٌ**
إنَّما أنتَ عالمةٌ ← **إنَّكَ عالمةٌ**

– اگر بخواهیم آن را با افعال ناقصه بیاوریم، ضمیر منفصل مرفوعی به ضمیر متصل مرفوعی تبدیل می‌شود، مانند:

أنتما في المدرسة ← **كُنْتما في المدرسة**
أنتِ عالمةٌ ← **كُنْتِ عالمةٌ**

نکته‌ای خوشمزه با طعم فلفل دلمه‌ای:

اگر در جمله‌ای که ضمیر متصل نصبی جری، اسم حروف مشبّهة بالفعل واقع شده است مای کافّه آورده شود، ضمیر نصبی جری به ضمیر

منفصل مرفوعی تبدیل می‌شود. مانند:

إنَّكَ عالمٌ ← **إنَّما أنتَ عالمٌ**

به مثال‌های زیر توجه کنید:

هُوَ عالمٌ	أنتِ عالمةٌ	أنتُمُ عالمونَ	نحنُ عالمونَ	أنا عالمٌ
إِنَّهُ عالمٌ	أَنَّكَ عالمةٌ	إِنَّكُمْ عالمونَ	إِنَّا عالمونَ	إِنِّي عالمٌ
كَانَ عالماً	كُنْتِ عالمةٌ	كُنْتُمْ عالمينَ	كُنَّا عالمينَ	كُنْتُ عالماً

ضمیر مستتر هو: اسم کان

خلاصه نواسخ

التلمیذ	نشیط	دانش آموز فعال است
مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع	
کان	التلمیذ	دانش آموز فعال بود.
از افعال ناقصه	اسم کان و مرفوع	خبر کان و منصوب
إِنَّ	التلمیذ	[همانا] دانش آموز فعال است
از حروف مشبّهة	اسم إِنَّ و منصوب	خبر إِنَّ و مرفوع
إِنَّمَا	التلمیذ	فقط دانش آموز فعال است
إِنَّ+مای کافه	مبتدا و مرفوع	خبر و مرفوع
لا	خیر	هیچ خیری در تنبلی نیست
لای نفی جنس	اسم لا و منصوب	خبر لا و محلاً مرفوع
	فِي الْكَسَلِ	

به مثال‌های زیر توجه کنید

- (۱) إنا أعطيناك الكوثر: بی شک به تو خیر و برکت بی‌نهایت فراوانی را عطا کرده‌ایم.
- إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل؛ نا: اسم إِنَّ و منصوب محلاً؛ أعطينا: خبر إِنَّ و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۲) جاء الربيع ولكن الجو بارد: بهار آمد و اما هوا سرد است.
- لكن: از حروف مشبّهة بالفعل؛ الجو: اسم لكن و منصوب؛ بارد: خبر لكن و مرفوع
- (۳) إِنَّ هؤلاء القوم يظلمون الناس: بی شک این قوم به مردم ظلم می‌کنند.
- إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل؛ هؤلاء: اسم إِنَّ و منصوب محلاً؛ يظلمون: خبر إِنَّ و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۴) إِنَّ ممرضات المستشفی ساهرات طول اللیل: بی شک پرستاران بیمارستان در تمام شب، شب زنده‌دار هستند.
- إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل؛ ممرضات: اسم إِنَّ و منصوب بالكسر؛ ساهرات: خبر إِنَّ و مرفوع
- (۵) يضرب الله الأمثال للناس لعلهم يتذكرون: خداوند مثال‌ها را برای مردم می‌زند، شاید ایشان متذکر شوند.
- لعل: از حروف مشبّهة بالفعل؛ هم: اسم لعل و منصوب محلاً؛ يتذكرون: خبر لعل و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۶) كَانَ إرضاء الناس غاية لا تُدرک: گویی راضی کردن مردم هدفی است که به دست نمی‌آید.
- كَانَ: از حروف مشبّهة بالفعل؛ إرضاء: اسم كَانَ و منصوب؛ غاية: خبر كَانَ و مرفوع
- (۷) لیت المسلمین یتقیظون من نوم الغفلة: ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند.
- لیت: از حروف مشبّهة بالفعل؛ المسلمین: اسم لیت و منصوب بالياء؛ یتقیظون: خبر لیت و مرفوع محلاً (جمله‌ی فعلیه)
- (۸) إِنَّ في اختلاف الفصول رحمة: قطعاً در تغییر پیدا کردن فصل‌ها، رحمتی است.
- إِنَّ: از حروف مشبّهة بالفعل؛ في اختلاف: خبر مقدم برای إِنَّ و مرفوع محلاً (شبه جمله)؛ رحمة: اسم مؤخر إِنَّ و منصوب
- (۹) لعل هناك اهتماماً بارزاً بالقيم الأخلاقية: شاید در آنجا اهتمام و توجه بارزی به ارزش‌های اخلاقی باشد.
- لعل: از حروف مشبّهة بالفعل؛ هناك: خبر مقدم برای لعل و مرفوع محلاً (شبه جمله)؛ اهتماماً: اسم لعل و منصوب

- ۱- اسم ظاهر: **ذَهَبَ عَلِيٌّ**، **ذَهَبَ معلَمونَ**، **ذَهَبَتِ مُعَلِّمَةٌ**، **ذَهَبَتِ مُعَلِّمَاتُ**
- ۱- فاعل: ۲- ضمیر بارز: **ذَهَبَا**، **ذَهَبُوا**، **ذَهَبْنَ**، **ذَهَبْنَا**، **يَذْهَبونَ**، **تَذْهَبِينَ**
- ۳- ضمیر مستتر: **ذَهَبَ** (ضمیر مستتر هُوَ فاعل است) - **ذَهَبَتِ** (ضمیر مستتر هِيَ فاعل است)

- ۱- اسم ظاهر: **ضُرِبَ سَعِيدٌ** (سعید زده شد)، **قُتِلَ سَعِيدٌ** (سعید کشته شد)
- ۲- نائب فاعل: ۲- ضمیر بارز: **ضُرِبَا** (آن دو نفر زده شدند)، **يُقْتَلونَ** (آنها کشته می‌شوند)
- ۳- ضمیر مستتر: **ضُرِبَ** (ضمیر مستتر هُوَ نائب فاعل)، **قُتِلَتِ** (آن زن کشته شد، ضمیر مستتر هِيَ نائب فاعل آن)

۳- مبتدا: **عَلِيٌّ ذَهَبَ**، **المعلمةُ شفيقةٌ**، **التلاميذُ مؤذَّبونَ**، **التلميذاتُ مؤذَّباتُ**

- مفرد: **المعلمه شفيقةٌ**، **التلاميذُ مؤذَّبونَ**، **التلميذاتُ مؤذَّباتُ**
- ۴- خبر: جمله: **المعلم ذَهَبَ**، **المعلماتُ ذَهَبْنَ**، **التلميذاتُ يَذْهَبْنَ**
- شبه جمله: ۱- جار و مجرور: **الكتابُ على المنضدة**، **احمدٌ من المؤمنين**
- ۲- مفعول فيه (ظرف): **الكتابُ تحتَ المنضدة**، **الصقرُ فوقَ الشجرة**

- ۱- اسم ظاهر: **كان التلميذُ عالماً**، **كانت فاطمةُ عالمةً**
- ۵- اسم افعال ناقصه: ۲- ضمیر بارز: **كنت عالماً**، **كنتِ عالمةً**، **كنتم عالِمينَ**، **كنتمُ عالِمينَ**
- ۳- ضمیر مستتر: **كان عالماً** (ضمیر مستتر هو اسم کان است)، **كانتُ عالمةً** (ضمیر مستتر هي اسم كانت است).

- ۶- خبر حروف مشبهة بالفعل: ۲- مفرد: **إنَّ اللهَ عالمٌ**
- جمله: **إنَّ اللهَ يغفرُ**
- شبه جمله: **لغَلَّ العصفورُ فوقَ الشجرة**

۷- خبر لاء نفی جنس: **لا الهَ [موجود] إلا اللهُ**، **لا ايمانَ يُفِيدُ مع سوء الظنِّ**، **لا عصفورَ فوقَ الشجرة**

۱. منظور از مفرد آن است که جمله و شبه جمله نباشد.

۲. خبر حرف مشبهة بالفعل و لاء نفی جنس نیز بر سه نوع است: ۱- مفرد، ۲- جمله، ۳- شبه جمله



تست‌های جمله اسمیه و نواسخ

۳۰۷. عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ حَتَّى يَصْبِحَ الْخَبْرُ جُمْلَةً فَعَلِيَّةً: «هؤلاء ... يُؤدِّبْنَ الأولادَ صغاراً»: (تَهْرَبِي ۹۵)
 (۱) مَنْ (۲) مَعْلَمَات (۳) الْأُمَّهَات (۴) هُنَّ اللَّاتِي

۳۰۸. عَيْنَ الْخَطَا (عَنِ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبْرِ): (هَنْر ۹۵)
 (۱) زِيَارَةَ الْكَعْبَةِ الْمَكْرَمَةَ أُمْنِيَّتُنَا فِي كُلِّ ذِي حِجَّةٍ
 (۳) شَرُّ الْأَصْدِقَاءِ مِنْ يَنْصُرُونَا فِي الظَّاهِرِ فَقَطْ
 (۲) الْعُلَمَاءُ مُصْبِحًا يَهْدِينَا لِتَنَّى هِيَ أَقْوَمُ
 (۴) نَحْنُ عَامَلَاتُ بِمَا نَفْهَمُ وَ نَدْرِكُ

۳۰۹. عَيْنَ اسْمِ النَّوَاخِ عَلَامَةٌ إِعْرَابُهُ فَرْعِيَّةٌ: (رِيَاضِي ۹۵)
 (۱) إِنَّ أُمِّي تَعْطِفُ فِي كَلَامِهَا دَائِمًا فَأَصْبَحَ الْحَنَانُ صِفَتَهَا الدَّائِمِيَّةَ
 (۲) أَخَافُ مِنَ الْبَقْرِ الْوَحْشِيِّ فَيَكُونُ لَهُ قَرْنَانِ وَ لَكِنْ لَيْسَ لَهُ عَقْلُ
 (۳) إِنَّ الْعَطْشَانَ يَتَمَنَّى الْمَاءَ وَ لَوْ قَلِيلاً حِينَ يَشْتَدُّ عَلَيْهِ الْعَطْشُ
 (۴) عَلَيْنَا أَنْ نَحْفَظَ عَلَى عِلْمِنَا بَجْدٍ لِأَنَّ النَّسِيَانَ آفَةٌ لِلْعِلْمِ

۳۱۰. عَيْنَ خَبْرِ النَّوَاخِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ: (زَبَان ۹۵)
 (۱) كُنْ لَطِيفًا عِنْدَ الشَّدَائِدِ سَتَصْبِحُ مَقَاوِمًا
 (۳) مَا كَانَ أَكَلَ النَّبِيِّ وَ شَرِبَهُ غَيْرَ الَّذِي نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ
 (۲) كَأَنَّهُ مُصْبِحًا فِي الطَّرِيقِ يُخْرِجُ النَّاسَ مِنَ الْجَهَالَةِ
 (۴) لَيْسَ الْمَعْلَمُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فَكَمَا يُحْسِنُ فَإِنَّهُ يَشْتَبِهُ أَحْيَانًا

۳۱۱. عَيْنَ الْخَبْرِ لَيْسَ مَقْدَمًا: (فَارِج ۹۵)
 (۱) لَيْسَتْ عِنْدَ الْمَعْلَمِ أَوْرَاقُ امْتِحَانِ التَّلَامِيذِ
 (۳) سَتَصْبِحِينَ فِي بِلَدِكَ بَطْلَةً شَهِيرَةً
 (۲) لَمْ يَكُنْ فِي يَدِ الْأُمِّ مَا يَبْرُدُ وَلِهَا الصَّغِيرِ
 (۴) مَا كَانَتْ لِهَذَا الْكَسُولِ مَحَاوَلَةٌ كَثِيرَةٌ فِي أَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ

۳۱۲. عَيْنَ الْخَطَا فِي نَوْعِيَّةِ «لَا»: (فَارِج ۹۵)
 (۱) هَذِهِ سَنَةٌ قَدْ جَعَلَهَا اللَّهُ بِأَنَّهُ لَا تَقْدَمُ مَعَ الْجَهْلِ! (نَافِيَةٌ لِلْجِنْسِ)
 (۲) لَا تَتَوَقَّعِ الْخَيْرَ إِلَّا مِنْ كِتِّ يَمِينِنَا وَ فَضْلِ رَبَّنَا! (نَافِيَةٌ)
 (۳) لَا تَطْلُبِ الْأُمَّةَ الْمُتَكَاسِلَةَ التَّقَدُّمَ وَ النِّجَاحَ! (نَافِيَةٌ)
 (۴) لَا تَرَجِ الْخَيْرَ مِمَّنْ حَقَّرَ نَفْسَهُ وَ أَهَانَهَا! (نَافِيَةٌ)

۳۱۳. عَيْنَ الْخَطَا (عَنِ عَمَلِ النَّوَاخِ): (انْسَانِي ۹۵) *
 (۱) أَخَذَتِ الطِّفْلَةَ تَشْعُلُ جَمِيعَ الْعِيدَانِ الَّتِي كَانَتْ فِي الْعَلْبَةِ
 (۲) إِنَّ مَا تَعْتَقِدُونَ بِهِ لِحَقٌّ، فَاعْمَلُوا بِهِ وَ لَا تَتَوَكَّلُوا إِلَّا عَلَى اللَّهِ
 (۳) عَسَى الْجَنْدِيُّ يُعَوِّدُ إِلَى وَطَنِهِ بَعْدَ الْحُضُورِ فِي سَاحَةِ الْحَرْبِ
 (۴) إِنَّمَا الْمُؤْمِنِينَ يَنْفَقُونَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَ هُمْ يَرُونَ حُضُورَ اللَّهِ فِي كُلِّ حَيَاتِهِمْ

۳۱۴. (۲۱۷) عَيْنَ الْخَطَا فِي أَحْكَامِ الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ: (سِرَاسِرِي تَهْرَبِي ۹۴)
 (۱) لَيْسَ بَابُ اللَّهِ مَغْلَقًا عَلَى عَبْدِهِ، فَعَلَيْهِ أَنْ يَرِاقِبَهُ دَائِمًا!
 (۲) كَانَ الْعُلَمَاءُ خِلَالَ أَعْمَالِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ مَتَذَوِّقُونَ أَلَمًا كَثِيرَةً!
 (۳) لَمْ يُصْبِحْ هَؤُلَاءُ التَّلَامِيذِ غَائِبِينَ فِي صَفْهِمُ طَوْلِ السَّنَةِ الذَّرَاسِيَّةِ!
 (۴) الْأَعْدَاءُ مِنْهَزَمُونَ مَا دَامُوا غَاصِبِينَ وَ مَعْتَدِينَ عَلَى الْبِلَادِ الْآخَرَى!

۳۱۵. (۲۱۸) عَيْنَ ضَمِيرِ «نَا» لِلرَّفْعِ وَ النَّصْبِ وَ الْجَرِّ مَعًا: (سِرَاسِرِي تَهْرَبِي ۹۴)
 (۱) يَسَاعِدُنَا أَبُونَا فِي غَرَسِ أَشْجَارِنَا الْخَضْرَاءِ!
 (۳) كَتَبْنَا تَمَارِينَنَا حَتَّى يَحْسِبَنَا الْمَعْلَمُ مَجْتَهِدِينَ!
 (۲) سَافَرْنَا إِلَى مَدِينَةٍ أُسْرَتْنَا لَزِيَارَةِ أَقْرَبَائِنَا!
 (۴) تَبْتَسِمُ لَنَا وَرَدَتْنَا الْحَمْرَاءُ فِي حَدِيقَتِنَا!

^۱ تست‌هایی که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، مخصوص رشته‌ی علوم انسانی است.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب های طعم دار کوله پشتی

۳۱۶ (۲۱۹) عین حرف «لا» غیر عامل: (سراسری ریاضی ۹۴)

- (۱) یا عاقل! لا تفکر فی شؤون الآخرين!
(۲) فلا تجعل باطن حیاتک معادلاً لظاهر حیاتهم!
(۳) فلا أحد إلا و عنده مشاكل في باطن حياته!
(۴) لا يعلمها أحد إلا الله تعالى!

۳۱۷ (۲۲۰) عین ناسخاً؛ اسمه ضمير مستتر: (سراسری هنر ۹۴)

- (۱) ليس الأبيض جميلاً دائماً، فإن الكفن أبيض و لكنه مخوف!
(۲) و ليس الأسود قبيحاً دائماً، فإن الكعبة سوداء و هي محبوبة
(۳) قبل أن ترفعي رأسك و تشتكي من كل ما ليس في يدك!
(۴) أنظري إلى نفسك و إلى كل ما في يدك لعلك تكونين من الشاكرين!

۳۱۸ (۲۲۱) «ليت.....، ليت..... من جميع النعم التي يودعها الله في الطبيعة». عین الخطأ للفراغين: (سراسری زبان ۹۴)

- (۱) كيه تنتفعين (۲) هن، تنتفعن (۳) المسلمات، ينتفعن (۴) المسلمين، ينتفعون

۳۱۹ (۲۲۲) عین الخبر ليس مقدماً: (سراسری فارغ ۹۴)

- (۱) ما كانت عنده نقود يساعد بها المساكين!
(۲) ليس في هذه المكتبة كتاب أبحث عنه!
(۳) لم يكن هناك مزهريّة حتى أجعل الأزهار فيها!
(۴) ليس هؤلاء التلاميذ في دروسهم متكاسلين!

۳۲۰ (۲۲۳) عین الخبر ليس مقدماً: (سراسری تهری ۹۳)

- (۱) من الأرجح أن لا تكون في غرفتنا أشياء زائدة!
(۲) أكلت من الأطعمة التي كانت فيها عناصر مفيدة!
(۳) إنها أصبحت في صفها تلميذة مثالية!
(۴) ليس من أصدقائنا من لا يحاسب أعماله اليومية!

۳۲۱ (۲۲۴) عین خبر النواسخ جملة فعلية: (سراسری انسانی ۹۳)

- (۱) عليك أن لا تعتمد على ما لا دوام له!
(۲) لا تصلين إلى الغاية المطلوبة مادمت في قلق!
(۳) لا تكون الأمور مثل ما تريد في كل الأحوال!
(۴) إن الإنسان في حياته قد تعود أن يهرب ممن ينقده!

۳۲۲ (۲۲۵) عین الخبر شبه جملة: (سراسری ریاضی ۹۲)

- (۱) في تلك الحديقة رائحة الأزهار كثيرة!
(۲) لكل كاتب أسلوب خاص في كتابة رسائله!
(۳) على كل الطلبة الاهتمام بالدروس واجب!
(۴) في الصيف ملابسنا تجف بسرعة بسبب حرارة الجو!

۳۲۳ (۲۲۶) عین ما ليس فيه مفعول به ثان: (سراسری انسانی ۹۲)

- (۱) نسّمی هذا المعلم عادلاً لأنه يقوم بأداء حقّ التلاميذ بدقة!
(۲) جعل الناس بهلواً مسؤولاً عن بناء مسجد و هو لم يبن شيئاً!
(۳) أكل الطفل تفاحاً حريصاً على الفواكه و أنا أنظر إليه مسروراً!
(۴) كنّا نحسبك غافلاً عن الامتحان و لكنك كنت جاهلاً عن موعده!

۳۲۴ (۲۲۷) عین «لا» الناسخة: (سراسری انسانی ۹۲)

- (۱) الذي لا يعمل بجد لن يرى النجاح في حياته!
(۲) سلّمت على صديقي لا على جميع الحاضرين!
(۳) يجب أن نعرف بأنّه لاتفيد في مجالسة الجهال!
(۴) إن أخاه لا يدرس في البيت، بل في المدرسة!

۳۲۵ (۲۲۸) «هذه... غرسها الفلاح العام الماضي في حديقته»: عین الصحيح للفراغ ليكون الخبر جملة فعلية: (سراسری هنر ۹۲)

- (۱) أشجار (۲) شجرة (۳) شجرات (۴) الأشجار

۳۲۶ (۲۲۹) عین خبر النواسخ مفرداً: (سراسری زبان ۹۲)

- (۱) إن الأخلاق الفاضلة زينة العقلاء دائماً!
(۲) كان معي أفراد كثيرون في الحفلة ليلة أمس!
(۳) ليت الفرصة تُعتم من ليستفاد منها أكثر!
(۴) أصبح الكسلان يندم بسبب ضعفه في أعماله!

۳۲۷ (۲۳۰) عین الخبر مفرداً: (سراسری فارغ ۹۲)

- (۱) ليت الأغنياء يعملون من أموالهم حقاً للسائل و المحروم!
(۲) يصبح الطالب طالب العلم الحقيقي متى طلب العلم أينما وجده!
(۳) أعلم أن الذين يسرفون في النعم الإلهية يخسرون في الدنيا و الآخرة!
(۴) العمل الصالح تبقى بركاته مادامت السموات و الارض تسييران!

۳۲۸ (۱۱۱) عین ما مرفوعاً: (سراسری ریاضی ۹۲)

- (۱) يذهب العاملون أيام الخميس إلى مركز المدينة لتهيئة ما يحتاجون إليه!
(۲) تلميذات الصف يطالغن ما يتعلمن بكل نشاط و اجتهاد أيام الأسبوع!
(۳) إن فهم الثقافة العربية ما يساعد على فهم اللغة العربية للإنسان!
(۴) وزع المعلم على تلاميذه ما صححه من أوراق الامتحان!

۳۲۹ (۱۱۲) عین «ما» موصولة: (سراسری تهری ۹۲)

- (۱) ما نعطى الآخرين من أموالنا يضاعفه الله لنا!
(۲) ما كان عندي قلم فما أستطعت أن أكتب شيئاً!
(۳) ما تجمع الحيوانات في الصيف تنفخها في الشتاء!
(۴) ما هرب الناس من الذئب الذي كان في المزرعة!

کتاب های طعم دار کوله پستی صفر تا صد عربی کنکور با طعم آبالبو



۳۳۰ (۱۱۳ عین «ما» مرفوعاً: (سراسری هنر ۹۱)

- (۱) ما في يد الله أوثق مما في يدك!
(۳) ما ظفر من ظفرت عليه المعصية!
(۲) إن تأمر أحداً بما لا يُطيقه لا يعمل به!
(۴) رسمت ما تحبّون من التصوير على الجدار!

۳۳۱ (۱۱۴ عین الموصول خبراً: (سراسری زبان ۹۱)

- (۱) لا ينفعنا من العلم إلا ما نستفيد منه و نعمل به في حياتنا اليومية!
(۲) الطالب من اعتقد أن التعلّم جزء من وجوده فلا ينفصل منه أبداً!
(۳) المؤمن لا يُبطل ما أنفقه في سبيل الله بالمنّ والأذى، فإنّ عمل فقد ضيّع جزاءه!
(۴) من المعلمين من يضخّي نفسه لبيني بناء المجتمع رفيعاً محكماً، و هو لا يتعب في هذا الطريق!

۳۳۲ (۱۱۵ عین «من» نكرة: (سراسری تهری ۹۰)

- (۱) لا تعمدنّ على من لا يستطيع أن يُنجي نفسه من المهلكة!
(۲) إنّما ينتفع بالتّجارب من يعتبر منها و يجعلها نصب أعينه!
(۳) إنّما يجني ثمرات العمل في الشّيب من سبق في زرعه عند الشّباب!
(۴) طلعت الشمس و ظهر الصّبح، و لكن من يدري هل يتّصل هذا الصّبح بليلته!

۳۳۳ (۲۳۱ عین الخبر جملة: (سراسری انسانی ۹۱)

- (۱) لتكن محاسبة النفس لنا أشدّ محاسبة!
(۳) كانت الرمان في الصّحراء عند طلوع الشّمس لونها كلون العسل!
(۲) لم يكن الأمر كما تريد في كلّ الأحوال!
(۴) لا تصل إلى الغاية المطلوبة مادمت في الاضطراب!

۳۳۴ (۲۳۲ عین الصحيح عن «لا» النافية للجنس: (سراسری انسانی ۹۱)

- (۱) عندما ذهبت إلى المكتبة رأيت لا هناك أحداً!
(۳) اليوم لا ضيوفنا في البيت!
(۲) لا الكتاب على المنضدة بعد ذهابنا!
(۴) لا عصفور على قضبان الأشجار قرب بيتنا!

۳۳۵ (۲۳۳ عین مبتدا ليس مؤخراً: (سراسری انسانی ۹۰)

- (۱) في مكتبة جنب دارنا كتب و رسائل كثيرة!
(۳) لها أنواع متنوّعة في الشّكل و المحتوى!
(۲) هناك أيضاً كتب في القصص قد اشتريتها!
(۴) و مضامينها عذبة و مفيدة بالنسبة للطلاب!

۳۳۶ (۲۳۴ عین الخبر ليس مقدّماً: (سراسری هنر ۹۰)

- (۱) لم يكن في غرفتي مكان خالٍ لأجلس فيه!
(۳) استصحين بين طالبات الصفّ تلميذة مثالية!
(۲) ليس في أسرتنا الكبيرة من لا يحاسب أعماله!
(۴) تناول الضيف من طعام كانت فيه أملاح مفيدة!

۳۳۷ (۷۴ عین الموصول منصوباً: (سراسری هنر ۹۰)

- (۱) أحبّ من عزم على الامور القيّمة و سعى فيها حتى وصل إلى مقاصده!
(۲) تُقصّر أماً من دلّه عقله على طريقه، فإنّه قد جعل العقل دليل طريقه!
(۳) من الناس من يعتقد أن الاشتغال بالدّرس و البحث عمل لا ضرورة له!
(۴) هناك من يقدم أعماله خالصةً لله، فهو سينتفع بها يوم القيامة بلاشك!

۳۳۸ عین «لا» النافية للجنس: (سراسری تهری ۱۹)

- (۱) ألا كلّ شيء غير الله باطل!
(۳) هو و أسرته فقراء لا اغنياء!
(۲) لا أعلم أنّ أخي هل نجح في الامتحان أم لا!
(۴) لا عجب من أنّك نجحت، لأنّك درست جيّداً!

۳۳۹ عین ما فيه مفعول به واحد: (سراسری رياضي ۱۹)

- (۱) يجعل الصبى صياحته أسلحة للحصول على مطلوبه!
(۳) قد يُعطيكم الله ولداً صالحاً رزقاً لكم!
(۲) إنّما أعطى الله الإنسان عقلاً يفكر به!
(۴) جعل الله درجة عبّاده من أفضل الدرجات!

۳۴۰ عین المبتدا ليس مؤخراً: (سراسری انسانی ۱۹)

- (۱) في نهر قرب بيت صديقي أسماك جميلة؛
(۳) هناك أيضاً نباتات خضراء اطراف هذا النهر؛
(۲) لها أنواع مختلفة في اللّون و الشّكل؛
(۴) و ماؤه صافٍ كأنّه دمع يجري من العين!



۳۴۱. عین الموصول مرفوعاً: (سراسری انسانی ۸۹)

- (۱) یهدی الانبیاء من یعصون الله!
(۲) أبقى أعمالک ما تعمله لله خالصاً!
(۳) ربّي أعلم منّي بما أحتاج إليه!
(۴) هل یستوی العالم فی عینک مع من هو جاهل!

۳۴۲. عین الصحیح (فی اسلوب الجملة) سراسری ریاضی ۸۸

- (۱) أنت تخافین من الفتن فعلیک بالقرآن
(۲) الذي يخاف من الفتن فعلي بالقرآن
(۳) الذين تخافون من الفتن فعليهم بالقرآن
(۴) أتتما يخافان من الفتن فعليهما بالقرآن

۳۴۳. عین الصحیح فی علامات الاعراب: (سراسری تهری ۸۷)

- (۱) إنّ مديرات المدارس سمعن أصوات التلميذات
(۲) كان أبي و صديقهُ مؤظفان لائقان في شركتهما
(۳) كنتُ أنا اول من قیل حکم الحكمين في هذه المسابقة
(۴) يا ليتني كنتُ مع حجاج بيت الله الحرام في شهر ذو الحجة

۳۴۴. «أنت قدوةٌ لزميلاتک في الأخلاق و الدرس» عین الصحیح مع فعل «صار»: (سراسری ریاضی ۸۷)

- (۱) صار أنت قدوة... (۲) صرت قدوة... (۳) أنت تصیر قدوة... (۴) أنت قدوةٌ صارت...

۳۴۵. «فاعلموا أنّ ... كانوا... في عملهم، ...» عین المناسب للفراغات: (سراسری تهری ۸۶)

- (۱) المعلمات / مجداتٍ / فلنتأملُ
(۲) الحاضرين / مستعدون / فلنتأملُ
(۳) الناجحين / مجدين / فلنتأملُ
(۴) الصادقين / ذي حق / فلنتأملُ

۳۴۶. عین الصحیح فی «لا» النافية للجنس: سراسری ریاضی ۸۶

- (۱) هذا شاعرٌ جليل لا تاجر نشيط
(۲) قلت لزميلتي: لا شكّ في انتصار الحقّ
(۳) لا يذهب المؤمن الى مجالس السوء
(۴) أيها الغني! لا إنفاق الأموال إلا في سبيل الله!

۳۴۷. عین الصحیح للفراغات: «كل صباح.. الورود بقيمة... ولكني لا... أن أشتريها» سراسری انسانی ۸۶

- (۱) يباعون / رخيص / استطاع
(۲) تباع / رخيصة / أستطيع
(۳) تبيع / رخيصة / تستطيع
(۴) يبعن / رخيص / يستطيع

۳۴۸. عین الصحیح عن النواسخ: سراسری هنر ۸۶

- (۱) كلام الشهداء سيكون سراجاً لهداية الناس
(۲) ليس الأعداء قادرين أن يتسلطوا على شعبنا
(۳) ليت المسلمون يعتمدون على قدراتهم الذاتية
(۴) أصبحنا مستعدون للحضور في الامتحانات النهائية

۳۴۹. عین «مَنْ» منصوبة: (سراسری هنر ۸۶)

- (۱) ساعدي مَنْ تسالكِ أمراً ملتزمةً
(۲) من ناداني عندما كنت أتكلّم معك
(۳) ساعدني من كان أقوى منّي في الدروس
(۴) من يهديني في الحياة ير ثمره عمله

۳۵۰. عین «مَنْ» في محل الرفع: (سراسری ریاضی ۸۴)

- (۱) شاهدتُ من يفخر بنفسه
(۲) ليس من يفخر بنفسه شجاعاً
(۳) إنّ من يفخر بنفسه، ليس شجاعاً
(۴) الشجاع ليس من يفخر بنفسه

۳۵۱. عین الفاعل ليس اسماً ظاهراً: سراسری هنر ۸۵

- (۱) لم تقصّر الطالبات في أداء واجباتهنّ الدراسية
(۲) ربّت هذه الشاعرة أولادها على القيم الاسلامية
(۳) إنّ الاسلام عدّ العلماء من المجاهدين في سبيل الله
(۴) عند الغروب يذهب الأطفال ليشاركوا في إقامة الصلاة

۳۵۲. عین «لا» النافية للجنس: سراسری ریاضی ۸۵

- (۱) ألا تعلم أن الله على كلّ شيء محيط
(۲) لا تطلبوا إلاّ أعمال الخير
(۳) اليوم لا طالبة في المدرسة
(۴) لم تقول ما لا تعلم، أيها الإنسان.

۳۵۳. عین الخطأ في الأفعال الناقصة: (سراسری تهری ۸۴)

- (۱) اللائق ليس من كانت له اموال كثيرة
(۲) المؤمنات صابرات ماؤمن متمسكات بحبل الله
(۳) كان اولئك الطالب يُطالعون الصحيفة كلّ يوم
(۴) أصبحنا المسلمان متقدّمين في اكتساب الدرجات الرفيعة

۳۵۴. عین «لا» الناسخة: (سراسری تهری ۸۴)

- (۱) لا نور في قلب المذنب
(۲) لا تتقلّ ما لا تعرفه
(۳) العالم قائم بالعمل فلاترى فيه السكون
(۴) الناس يحترمون العقلاء لا الجهلاء

کتاب های طعم دار کوله پستی لیت / با احکام القرآن عین الخطأ للفراغ: سراسری ریاضی ۸۴

۳۵۵. «لیت / با احکام القرآن» عین الخطأ للفراغ: سراسری ریاضی ۸۴
 (۱) المسلمون، متمسکین (۲) که متمسک (۳) المسلمین، متمسکون (۴) ها، متمسکة

۳۵۶. «لا» النافية للجنس: سراسری زبان ۸۴

(۱) ألا لك عمل آخر؟! (۲) لا أرى التجارة أنفع من اكتساب العلم (۳) لا أرى التجارة أنفع من اكتساب العلم (۴) لا تنمو الزهور إلا في حقائق ذات بهجة.

۳۵۷. عین الخطأ: (سراسری ریاضی ۸۴)

(۱) في إنشائك خطأ صغير فقرأه مرة أخرى (۲) ضوء الشمس قوية و الأشعة القمر ضعيف (۳) نظرة بعض الناس الى الدنيا كأنها بتشاؤم و قلق (۴) الكتاب من أفضل أصدقائي يبعدي عن الضلال

۳۵۸. عین الصحيح: (سراسری هنر ۸۴)

(۱) وصايا الشهداء ستكون مصباحاً لطريقنا! (۲) ليت المدير يحسبوني موظفاً لاثقاً. (۳) لسنا قادرين أن أكسب مكانة علمية. (۴) أصبحت متوكلاً على ربكم و معتمداً على قدراتكم!

۳۵۹. «رأت كلاب القرية ثعلباً فجرت وراءه و صاحت...» جعل «كلاب» مفعولاً و «ثعلب» فاعلاً:

(۱) رأت كلاب القرية ثعلباً فجرت وراءه و صاحت... (۲) رأی ثعلب الكلاب القرية فجرت وراءها و صاح... (۳) رأی ثعلب كلاب القرية فجری وراءها و صاح... (۴) رأت كلاب القرية الثعلب فجری وراءه و صاحت...

۳۶۰. عین المناسب للفراغ: «الطلاب .. يعلمون أن...» الصعبة تحتاج الى همة عظيمة»

(۱) المجتهدون / العمل (۲) المجتدون / الأعمال (۳) الجادة / عمل (۴) المجدين / عملة

۳۶۱. عین الخطأ بالنظر الى الأفعال الناقصة:

(۱) الناجحات كن ثابتات في حياتهن (۲) أصبحت ممرضات المستشفى ساهرات طول الليل (۳) التلميذتان ناجحتان مادامت مُدافِعِينَ عن كرامة الانسان (۴) المسلمون مُتفرقون ماداموا يبعدين عن الاسلام

۳۶۲. عین الخطأ:

(۱) أنا مسلمة و أنت مؤمنة (۲) أنت معلمة و أنا عالم (۳) أنت نشيط و أنا مجتهدة (۴) نحن متعلمة و هي معلمة

۳۶۳. عین الخبر و نوعه في العبارة التالية: «عظم الخالق عندك يُصغّر المخلوق في عينك»

(۱) الخالق: مفرد (۲) عندك: شبه جملة (۳) في عينك: شبه جملة (۴) يصغّر: جملة فعلية

۳۶۴. عین الصحيح في اعراب «الدرجات»: «بالتعب الشديد تُدرک الدرجات الرفيعة»

(۱) فاعل و مرفوع بالضممة (۲) مفعول به و منصوب بالكسرة (۳) مفعول به و منصوب بالفتحة (۴) نائب فاعل و مرفوع بالضممة

۳۶۵. عین نوع الاعراب في اسم «إن» و خبر «كانت»: «إن أختي ستكتسب النجاح إن كانت مجتهدة»

(۱) مرفوع تقديرأ / مرفوع ظاهراً (۲) منصوب محلاً / منصوب بالفتحة (۳) مرفوع لفظاً / مرفوع محلاً (۴) منصوب تقديرأ / منصوب ظاهراً

۳۶۶. عین الجواب الصحيح مع استخدام «كان»: «إنها سيئة الطبع لثيمة»

(۱) كانت سيئة الطبع لثيمة (۲) كانت سيئة الطبع لثيمة (۳) كان سيئة الطبع لثيمة (۴) كان سييء الطبع لثيمة

۳۶۷. عین الخطأ:

(۱) كان هذا الرجل راعياً للنعاج (۲) رأيت معلماً راضياً عن تلامذته (۳) دخل قاضي الى المحكمة (۴) دخل الوالي و جلس على الكرسي

۳۶۸. «ميز» اسم «كان» على الترتيب في العبارة التالية: «لا تكن كذاباً فتكون عاقبتك الندامة»

(۱) أنت / عاقبة (۲) أنت / أنت (۳) كذاباً / أنت (۴) كذاباً / عاقبة

۳۶۹. ميز الخطأ فيما يلي:

(۱) الشمس مُشرقة (۲) المطالعة غذاء (۳) المجاهدة واجب (۴) حمزة شهيد

۳۷۰. ميز الصحيح للفراغ فيما يلي: «... بأنهم لا يخضعون للذل»

(۱) كان مقاتلو الحرب قد أثبتوا (۲) كانوا قد أثبتوا مقاتلون الحرب (۳) كان مقاتلي الحرب قد اثبتوا (۴) مقاتلو الحرب كان قد أثبت

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب های طعم دار کوله پشتی

۳۷۱. میزِ الخبر الذي يختلف اعرابه مع الأخبار الأخرى:

- (۱) هذا قاضي المحكمة (۲) هذه ثواني العمر في مرّ العصور (۳) هناك الوالي (۴) هذه ليالي جميلة

۳۷۲. میز الخطأ فيما يلي:

- (۱) أنتم ناجحون و لكنكم غافلين عن مسؤوليتكم (۲) إن لمدرستنا باباً ذا لون أبيض (۳) ليت لي كتاباً ذا موضوع علمي (۴) كأن لصفنا لوحاً ذا لون أخضر

۳۷۳. میز الصحيح للفراغ في العبارة التالية: «هذا كتابٌ...»

- (۱) أكبر (۲) تلميذ (۳) تلميذة (۴) مريم

۳۷۴. ما هو الخطأ للفراغ في العبارة التالية: «..... حققوا بطولات رائعة في التاريخ»

- (۱) الشبان المسلمین (۲) الشباب المسلمون (۳) شباننا المسلمون (۴) شبان المسلمین

۳۷۵. میز الخطأ للفراغ: «الحكمة...»

- (۱) شجرة تنبت في القلوب (۲) ضالة المؤمن (۳) كنز المؤمن (۴) مفيد في حياة الانسان

۳۷۶. استخدم «كان» مع العبارة التالية «هم أشد منكم قوة»

- (۱) كانوا أشد منكم... (۲) كانوا هم أشد منكم... (۳) كانهم أشد منكم... (۴) كان هم أشد منكم ...

۳۷۷. استخدم العبارة التالية مع «ما» الكافة «إن المؤمنين إخوة»

- (۱) إن ما المؤمنین إخوة! (۲) إنما المؤمنین إخوة! (۳) إن ما المؤمنون إخوة! (۴) إنما المؤمنون إخوة!

۳۷۸. میز الصحيح للفراغ في العبارة التالية: «كان اولئك في عملهم»

- (۱) الثمّال / صادقون (۲) العاملات / صادقات (۳) العاملان / صادقین (۴) العاملون / صادقین

۳۷۹. میز الخطأ فيما يلي:

- (۱) جاء العلامة مسرعاً (۲) جاءت حمزة سريعاً (۳) تذهب زينب بسرعة (۴) خرجت العلامة مسرعة

۳۸۰. میز الصحيح للفراغ من العبارة التالية: «هذا نهرٌ...»

- (۱) جارٌ (۲) جاري (۳) جاري (۴) جارٍ

۳۸۱. ما هو المناسب للفراغ: «عاصفةٌ شديدةٌ ... الأوراق من الأرض»

- (۱) طار (۲) طارت (۳) طير (۴) طيرت

۳۸۲. استخدم «إن» في الجملة التالية: «أنت عالمة؟»

- (۱) إنك عالمة (۲) إنك عالمة (۳) إن أنت عالمة (۴) إن أنت عالمة

۳۸۳. عین خبر المفرد؟

- (۱) الشجاع لم يخف (۲) العدو خائف (۳) الطفل خاف (۴) الجبان يخاف

۳۸۴. عین اسم الموصول منصوباً:

- (۱) نزل الله في القرآن ما هو شفاء للناس! (۲) انسان يجد كل ما عمل من خير محضراً! (۳) اللهم وفقني للتي هي أركى لي! (۴) إن غالية من كان يعتقد بحركة الأرض!

۳۸۵. عین الموصول منصوباً:

- (۱) ما تبذله قبل الموت قليلاً، أحسن مما تبذله بعده كثيراً (۲) سينجح من يحاول للوصول إلى أهدافه الصحيحة (۳) من يوسوس لكم ليحدث بينكم العداوة، هو الشيطان (۴) كل الناس يحصدون في الآخرة ما يغرسون في الدنيا

۳۸۶. عین كلمة «من» مرفوعة:

- (۱) عرفنا من ما كنا قد رأيناه حتى الآن (۲) إعرفني من يعطيك الخير الكثير دائماً (۳) عرفت من يساعد الفقراء في حياته (۴) عرفت الأم من ساعدني في الشارع

۳۸۷. عین «من» منصوبة:

- (۱) ناداني من كان أحسن مني خلقاً لأساعده (۲) استشارني من كان أعلم مني في الأمور (۳) هو من أخبرني عن نبا انتصار جنودنا في الحرب (۴) أعلم أن من يهدنا الى الخير سوف يشاهد جزاء عمله

کتاب های طعم دار کوله پشتی کتاب های طعم دار کوله پشتی صفرتا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

۳۸۸. عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «إِلَهِي مَا ... مَسْتَاهِلًا لِرَحْمَتِهِ ... وَ لَكِنَّكَ أَهْلٌ لَأَنْ عَلِيٍّ مِنْ كَرَمِكَ»

(۱) كُنَّا / كَمْ / يَجُود (۲) كُنْتُ / كَمْ / يَجِد (۳) كُنْنَا / كَمْ / تَجِد (۴) كُنْتُ / كَمْ / تَجُود

۳۸۹. «رَأَيْتَ رَجُلًا أَسْمَرَ وَ كَانَتْ لَهُ كَفَّانٌ خَشِيبَتَانِ» كَمْ عَدَدِ الْمَنْصُوبَاتِ وَ الْمَرْفُوعَاتِ؟

(۱) ثلاثة - ثلاثة (۲) اثنان - ثلاثة (۳) ثلاثة - اثنان (۴) اثنان - اثنان

۳۹۰. عَيْنِ ضَمِيرِ الْبَاءِ فِي مَحَلِّ النَّصْبِ:

(۱) تَحَمَّلْتُ أُمَّتَنَا صَعُوبَةَ أَيَّامِ الْحَرْبِ، وَ هَذَا فَخْرٌ لَنَا يَا وَلَدِي
(۲) أَيَّتُهَا الطَّبِيعَةُ، أَ تَعْطِينِ الْفَرَّاشَةَ الْجَمَالَ وَ تَنْسِينِ الْآخَرِينَ؟
(۳) إِنِّي أَحَافِظُ فِي حَيَاتِي عَلَى عَهْدٍ مِنْ عَاهَدِنِي
(۴) أَنَا أَحَبُّ مَطْلُوبِي، فَمَا أَبْذُلُ فِي طَرِيقِهِ حَقِيرٍ لِي

۳۹۱. عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ:

(۱) إِغْلَاءُ الْقَوَانِينِ الْحَائِزَةِ الَّتِي جَعَلَهَا الظَّالِمُونَ وَاجِبَ عَلَيْنَا
(۲) بِسَبَبِ بَعْضِ الْقَوَانِينِ الْحَائِزَةِ غَضَبِ الْعَدُوِّ أَرْضِينَا
(۳) فِي قَوَانِينِ مَدِينَتِنَا نَرَى بَعْضَ النِّقَاطِ الْمُهْمَمَةِ
(۴) فِي بَعْضِ قَوَانِينِ الْعَالَمِ نَحْتَاجُ إِلَى التَّغْيِيرِ

۳۹۲. «إِنَّ ... أَشْفَقَ لَنَا مِنْ ... فَإِنَّهُمْ ... لَنَا» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَاتِ:

(۱) الْمُعَلِّمِينَ / الْوَالِدَانَ / مُرَشِدِينَ (۲) الْمُعَلِّمِينَ / الْوَالِدِينَ / مُرَشِدُونَ
(۳) الْمُعَلِّمَانَ / الْوَالِدِينَ / مُرَشِدَانَ (۴) الْمُعَلِّمُونَ / الْوَالِدَانَ / مُرَشِدُونَ

۳۹۳. عَيْنِ خَبَرِ النَّوَاسِخِ يَخْتَلِفُ:

(۱) إِنَّ كُنَّا مُسْرُورِينَ دَائِمًا لَا نَتَضَخَّرُ مِنَ الْمَصَائِبِ
(۲) لَيْتَ الْإِنْسَانَ الْعَاقِلَ يَخْتَارُ نَفْسًا رَاضِيَةً بِاسْمَةِ
(۳) يَجِبُ أَنْ تَكُونَ الْبَسْمَةُ مُنْبَعَثَةً عَنِ نَفْسِ بِاسْمَةِ
(۴) مَاؤْمِنًا مُبْتَسِمِينَ نَقْدِرُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ

۳۹۴. عَيْنِ اسْمِ النَّوَاسِخِ ضَمِيرًا مُسْتَتْرَأً:

(۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ يَعْمَلُ أَعْمَالًا مُخْتَلِفَةً وَ قَصْدُهُ مِنْ هَذِهِ الْأَعْمَالِ التَّوَصُّلَ إِلَى السَّكِينَةِ
(۲) إِنَّ الْحُصُولَ عَلَى السَّكِينَةِ لَيْسَ بَعْدَ التَّفَكُّرِ وَ التَّعَقُّلِ بِالْمَشَاكِلِ الْمَخْتَلِفَةِ
(۳) بَلْ بَعْدَ أَنْ لَا نَتَفَكَّرُ بِالْمَوْضُوعَاتِ الَّتِي لَيْسَتْ لَهَا قِيَمَةٌ لِلتَّفَكُّرِ
(۴) وَ لَا تَوَصُّلَ إِلَى هَذِهِ الْمَرَحَلَةِ إِلَّا بَعْدَ التَّمَرِينِ وَ التَّزَامِ نَفْسِ بِبَعْضِ الْمَسَائِلِ

۳۹۵. عَيْنِ الْخَطَا (فِي خَبَرِ النَّوَاسِخِ):

(۱) لَيْسَتْ آيَاتُ الطَّبِيعَةِ إِلَّا مَصْدَرًا مَهْمًا لِيَتَمَتَّعَ الْإِنْسَانُ بِهَا مَا دَامَ حَيًّا
(۲) تَكُونُ النَّبَاتَاتُ الْمَخْضَرَّةُ ذَاتُ فَوَائِدٍ كَثِيرَةٍ مَا دَامَتْ تَبْقَى مَخْضَرَةً
(۳) لَيْتِنَا أَيْنَمَا كُنَّا، كُنَّا مُؤَثَّرًا عَلَى غَيْرِنَا لَا مُتَأَثِّرِينَ بِغَيْرِنَا فِي الْحَيَاةِ
(۴) إِنَّ هَذَيْنِ الْوَالِدِينَ الْكَبِيرِينَ ذَكِيَّانِ وَ لَكِنَّ أُخْتَهُمَا أَكْثَرَ ذَكَاءً مِنْهُمَا

۳۹۶. «الْقَمَرُ يَغِيبُ نَهَارًا وَ يَظْهَرُ لَيْلًا: لِأَنَّ نُورَ الشَّمْسِ أَقْوَى مِنْ نُورِهِ» عَيْنِ الْمَرْفُوعَاتِ:

(۱) الْقَمَرُ - أَقْوَى (۲) نُورٌ - أَقْوَى (۳) الْقَمَرُ - الشَّمْسُ (۴) الشَّمْسُ - نُورٌ

۳۹۷. «أَوْ لَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُبْدَرِينَ الشَّيَاطِينَ» عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ:

(۱) إِخْوَةٌ (۲) إِخْوَانٌ (۳) أَخٌ (۴) أَخْوَانٌ

۳۹۸. عَيْنِ الْأَسْمِ وَ الْخَبَرِ يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي:

(۱) لَعَلَّهُ مَحْتَاجٌ إِلَى مَسَاعِدَتِكَ
(۲) لَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ فَأُخْدَمُ النَّاسَ
(۳) إِنَّ مَعِيَ شَيْئًا لِلْأَطْفَالِ
(۴) لَيْتَ لِي زَنْبِيلاً أَجْعَلُ طَعَامِي فِيهِ

۳۹۹. عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مَمْنُوعٌ مِنَ الصَّرْفِ:

(۱) لَيْسَتْ رُوحُ الْإِنْسَانِ أَصْلَبُ مِنَ الصَّخْرَةِ أَبَدًا
(۲) كَانَتْ هُنَاكَ مَدَارِسُ فِي خَوَارِزْمٍ، يَذْهَبُ الْعُلَمَاءُ إِلَيْهَا لِلدِّرَاسَةِ!
(۳) نَظَرَ مَحْمُودٌ إِلَى الْجِبَالِ، كَانَتْ تَبْدُو جَامِدَةً وَ لَكِنَّهَا تَمَرُّ مَرَّ السَّحَابِ
(۴) إِنَّ أَرْمَانَ اسْمِ عِلْمٍ مِنَ الْأَسْمَاءِ الْفَارْسِيَّةِ وَ هُوَ بِمَعْنَى الْأَمَلِ فِي الْعَرَبِيَّةِ

۴۰۰. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

(۱) تَزِينَتِ الْأَرْضُ بِاللُّبَاسِ الْأَخْضَرِ فِي الرَّبِيعِ.
(۲) إِنَّ الشَّابَّ كَانَ تِجَارَتُهَا قَلِيلَةً فِي الْعَمَلِ.
(۳) صَارَتِ الْأَوْضَاعُ مُنَاسِبَةً لِاسْتِقْبَالِ الطَّلَابِ.
(۴) الْمَجَاهِدُونَ أَقْوَاءُ مَا دَامَ مَتَمَسِّكُونَ بِالْقُرْآنِ.



۴۰۱. عین الصحیح:

- (۱) لیتنا یدرک قيمة الوقت.
- (۲) لعل أخوک یترک أماله الطويلة.
- (۳) کأنکم مشغولون بمطالعة دروسکم المهمة.
- (۴) إن دراساتاً علمية أشارت الى عظمة الخالق.

۴۰۲. عین الصحیح في استخدام النواسخ:

- (۱) إن أخوک لأحقّ منک بالجنة.
- (۲) لا السيفُ أقطعُ من الحق.
- (۳) لن تفوزوا ما دمتم متفرقين.
- (۴) الطالباتُ أصبحن مجتهدات.

۴۰۳. عین الصحیح:

- (۱) ذهبتُ إلى صفٍّ آخرٍ فيه تلاميذٌ كثيرون.
- (۲) أنت تسرّ والدينک بدرجاتک العالية.
- (۳) يدافعون المجاهدون عن وطنهم الإسلامي.
- (۴) قد ألف المسلمون مقالاتٍ كثيرةً في العلوم.

۴۰۴. عین «لا» النافية للجنس:

- (۱) علیکم أن تجالسوا العاقل لا الجاهل!
- (۲) لا ناحج یتکاسل في حياته!
- (۳) أيها الانسان! لا تعاشر من یفخر بنفسه!
- (۴) ألا تعلمون أن الله قادر على کل شیء؟

۴۰۵. عین الخطأ حول الأفعال الناقصة:

- (۱) إن أصدقائنا كانوا ذؤوبين في أعمالهم الدراسية.
- (۲) الطالباتُ ناجحات مادامت مجتهدات.
- (۳) صار الجوُّ بارداً و هو ليس مناسباً للخروج من البيت.
- (۴) المؤمنون أصبحوا مُتصرين لأنهم توكلوا على الله.

۴۰۶. عین المناسب للفرغ: فَرِحَ.....

- (۱) الوالدُ من نجاح ولده في الحياة
- (۲) لا یستسلم امام صعوبات الحياة
- (۳) الفنى هؤلاء الاطفال لما ساعدتهم
- (۴) قلوبُ البؤساء من حسنات المؤمنین

۴۰۷. هَلَكَ الانسان الذي ليس له حکيم يهديه الى الحق. عین خبر «ليس»

- (۱) له: شبه جملة
- (۲) حکيم: مفرد
- (۳) يهديه: جملة فعلية
- (۴) الى الحق: جار و مجرور

کنترل تفیل

از نظر فیلسوفان کلاسیک و اسلامی تخیل یکی از قوای ذهن است، پس هرگاه این قوه به کار افتد، باید آن را هدایت کرد تا انرژی آن تخلیه شود. گاهی پیش می‌آید که در هنگام مطالعه فکرمان با یک موضوع دیگر مشغول می‌شود؛ پیشنهاد من در مورد این معطل این است که درسی را که می‌خوانید به صورت ذهنی مرور کنید. مثلاً من مشغول مطالعه درس شیمی هستم؛ ناگهان یکی از خاطره‌ها یا آرزوهایم به صورت تخیل به سراغم می‌آیند؛ در این حالت من سریعاً یکی از مباحث شیمی را به طور ذهنی مرور می‌کنم و به این ترتیب نمی‌گذارم که این افکار مزاحم، ذهنم را مشغول کنند. با این روش نه تنها قوه تخیل هیچ مزاحمتی برای ما ایجاد نمی‌کند، بلکه از آن در راستای رسیدن به اهدافمان هم بهره می‌گیریم.

سعی کنید چند دقیقه آخر مطالعه هر درس را به مرور ذهنی مطالب (با بهره‌گیری از قوه تخیل) اختصاص دهید؛ در این صورت مطالب مطالعه شده به تنه اصلی مطالب آموخته شده می‌پیوندند.

همیشه تا حدی مطالعه کنید که به رضایت درونی برسید یعنی متناسب با توانایی‌هایتان از خود توقع داشته باشید.

هر جمعه کلیات برنامه هفته‌ی بعد را مشخص کنید و هر شب برای روز بعدی برنامه‌ریزی کنید. در برنامه‌ریزی توانایی خودتان را هم در نظر بگیرید. مثلاً اگر شما تنها توانایی ۱۰ ساعت مطالعه روزانه را دارا هستید، در برنامه‌ی خودتان بیشتر از آن را قرار ندهید. در غیر این صورت برنامه‌ریزی بی‌ارزش می‌شود. چون توانایی اجرای آن را نخواهید داشت.

برای مرور درس‌هایی که حالت حفظی - تحلیلی - درکی دارند، مثل درس زیست‌شناسی در رشته‌ی تجربی، کتاب خود را ببندید و آنچه را که در ذهن دارید از حفظ بگویید؛ (به یک شاگرد خیالی درس رو تدریس کنید و سعی کنید همه چیز رو به یاد بیارید هر جا که به بن‌بست رسیدید به کتاب نگاه کنید و سپس دوباره آن را ببندید).

اگر بعد از چندین بار مطالعه‌ی یک مبحث درسی باز آن را فراموش کردید نگران نشوید دوباره آن را مرور کنید؛ به یاد داشته باشیم که: تکرار، مادر دانایی است.

(برگرفته از کتاب «برنامه‌ریزی درسی با طعم فلغل» تألیف علی فقه کریمی؛ انتشارات کوله‌پشتی)



مجرورات (مجرور بحرف جر / مضاف‌الیه)

۱۲۹

اسم در دو حالت مجرور می‌شود: یعنی آخر آن کسر - یا یکی از علامت‌های جانشین آن را می‌پذیرد:

مجرور به حرف جر

اگر قبل از اسم یکی از حروف جر بیاید:

من الباب: از درب - عَلَى الْمُنْضَدَةِ: بر روی میز / اِلَى الطَّفَلَيْنِ: به سوی دو کودک / عَلِيَّ اَحْمَد: به احمد
حروف جر عبارتند: بِ: به وسیله / لِ: برای، مال / فِي: در / اِلَى: بسوی / عَنْ: از، درباره / عَلَى: بر / مِنْ: از / كَ: مثل.

مضاف‌الیه

مضاف یعنی اضافه شده؛ و مضاف‌الیه یعنی اضافه شده به آن. مثلاً در ترکیب اضافی «درِ مدرسه»، یعنی دری که متعلق به مدرسه است. در مضاف‌الیه‌هایی که شما با آن برخورد می‌کنید همیشه مضاف متعلق به مضاف‌الیه است.
بَاب الْمَدْرَسَةِ: درِ مدرسه. الْمَدْرَسَةُ: مضاف‌الیه و مجرور / كِتَاب مُحَمَّد: کتاب محمد. مُحَمَّد: مضاف‌الیه و مجرور

نکته: فرق مضاف‌الیه و صفت:

مضاف متعلق به مضاف‌الیه است، مثل باب الْمَدْرَسَةِ (درِ مدرسه)، یعنی دری که مالِ مدرسه است. ولی صفت، موصوف را توصیف می‌کند: الْبَابُ الْجَمِيلُ: (درِ زیبا) یعنی دری که زیباست (یعنی در، خودش زیباست)
صفت از هر لحاظ پیرو موصوف است، ولی مضاف‌الیه احتیاجی به مطابقت با مضاف ندارد.

نکته: به اسمی که مضاف‌الیه دارد، مضاف گفته می‌شود.

نکته: مضاف نه «ال» می‌گیرد و نه «تنوین» و نه «نون جمع و مثنی»:

کتاب عَلِيٍّ (صحیح) ؛ کتابُ عَلِيٍّ (نادرست) ؛ الْکِتَابُ عَلِيٍّ (نادرست)

مؤمنو العالمِ (صحیح)؛ مؤمنون العالمِ (نادرست)

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

نکته: اسم مثنی یا جمع مذکر سالم اگر مضاف واقع شوند «ن» از آخر آن‌ها حذف می‌شود:

مؤمنون + العالم ← مؤمنو العالم (مؤمن‌های عالم)

تلمیذین + المدرسة ← تلمیذی المدرسة (دو دانش‌آموز مدرسه)

منصّدتان + المدرسة ← منصّدتا المدرسة (دو میز مدرسه)

نکته: اسم‌های زیر همیشه مضاف‌الیه دارند و به آن‌ها دائم‌الاضافه می‌گویند.

کل: هر، همه / بعضی / بعضی / غیر / بجز / مع: همراه / حین: هنگامی که / عند: نزد، هنگام / فوق: بالا / تحت: زیر / امام: جلو / وراء: پشت / بین: وسط /

بعد: بعد از / قبل: قبل از / دون: بدون / ای: کدامیک (اسم استفهام) / ذو، ذا، ذی، ذات (صاحب)

* در عربی اسم اشاره مضاف‌الیه نمی‌پذیرد، اسمی که پس از اسم اشاره می‌آید اگر دارای ال نباشد خبر است و اگر دارای ال باشد تابع است و اگر اسم دارای ال، مشتق باشد صفت است و اگر جامد باشد عطف بیان است.

اسم پس از ← بدون ال = خبر: هذا قلم (قلم: خبر و مرفوع)

اسم اشاره ← دارای ال: تابع ← مشتق = صفت: هذا العالمُ نشیطُ (هذا: مبتدا/ العالم: تابع، صفت برای هذا/ نشیطُ: خبر)

جامد = عطف بیان: هذا الحجرُ ثقیلُ (هذا: مبتدا/ الحجرُ: تابع، عطف بیان برای هذا/ ثقیلُ: خبر)



گزینه‌ی ۴: **عند**: مفعول‌فیه و منصوب/ **البطر**: مضاف‌الیه و مجرور/ **قد**: حرف/ **تغییر**: فعل/ **النعم**: نائب فاعل و مرفوع/ **إلی النعم**: جار و مجرور

۲۳۶. گزینه‌ی ۱

تجسّمی **سألا**: فعل مجهول را مشخص کن.

حاجه: یُوَیِّدُ مجهول است و نائب فاعل آن ضمیر مستتر «هو» است که به مبتدا برمی‌گردد.

در سایر گزینه‌ها مفعول‌به داریم پس مجهول نیستند. در گزینه‌ی ۲ در «لایشرک» ضمیر مستتر هُوَ فاعل آن است و به «المؤمن» (مبتدا) برمی‌گردد پس «ما» مفعول‌به واقع شده است.

در گزینه‌ی ۳ و ۴ ضمیر «و» فاعل است پس کلمه‌های بعد از آن‌ها (قدرة و خطّة) مفعول‌به هستند.

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: سخن بیهوده هیچگاه تأیید نمی‌شود.

گزینه‌ی ۲: مؤمن آنچه را به آن علمی ندارد، شریک پروردگارش قرار نمی‌دهد.

گزینه‌ی ۳: رزمندگان قدرت دشمنان‌شان را گرفتند

گزینه‌ی ۴: مردم نقشه شیطان را در زندگی‌شان درک نخواهند کرد.

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: **ین**: از حروف مشبّهة/ **الكلام**: اسم و منصوب/ **العیب**: صفت و منصوب/ **لا**: حرف نفی/ **یؤید**: خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، نائب فاعلش ضمیر مستتر هو/ **ابداً**: مفعول‌فیه و منصوب

گزینه‌ی ۲: **المؤمن**: مبتدا و مرفوع/ **لا**: حرف نفی/ **یشرک**: فعل، فاعلش ضمیر مستتر هو/ **برب**: جار و مجرور/ **ه**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **ما**: مفعول‌به و محلاً منصوب/ **لیس**: از افعال ناقصه/ **له**: جار و محلاً مجرور، خبر مقدم و محلاً منصوب/ **به**: جار و محلاً مجرور/ **علم**: اسم و مرفوع

گزینه‌ی ۳: **المجاهدون**: مبتدا و مرفوع با «و» در «ون»/ **سلبوا**: خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر بارز «و»/ **قدرة**: مفعول‌به و منصوب/ **اعداء**: مضاف‌الیه و مجرور/ **هم**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور

گزینه‌ی ۴: **الناس**: مبتدا و مرفوع/ **نن**: ادات ناصبه/ **یُدركوا**: فعل مضارع منصوب با حذف «نون اعراب»؛ فاعلش ضمیر بارز «و»/ **خطّة**: مفعول‌به و منصوب/ **الشیطان**: مضاف‌الیه و مجرور/ **فی حیاة**: جار و مجرور/ **هم**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور

۲۳۷. گزینه‌ی ۱

تجسّمی **سألا**: آنچه که ساختن مبنی للمجهول از آن ممکن نیست را مشخص کنید:

حاجه: فعل «أصبح» از افعال ناقصه می‌باشد و از افعال ناقصه «فعل مجهول» ساخته نمی‌شود.

فقط فعل متعدی را می‌توان مجهول کرد.

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: دختر همسایه‌مان در مسابقه‌ی پرش پیروز خواهد شد ان‌شاءالله!

گزینه‌ی ۲: مردم کودک مجروح را همراهشان به بیمارستان حمل کردند! (بُردند)

گزینه‌ی ۳: این کودک در دخترش چهره‌ی پدر و مادرش را کشید! (نقاشی کرد)

گزینه‌ی ۴: مادرم از میهمانان با شادی و گرمی استقبال می‌کند!

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: **س**: حرف استقبال **تصبح**: از افعال ناقصه/ **بنت**: اسم تصحیح و مرفوع/ **جار**: مضاف‌الیه و مجرور/ **نا**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **فانزلة**: خبر تصحیح و منصوب/ **فی مسابقة**: جار و مجرور/ **الفقز**: مضاف‌الیه و مجرور/ **ین**: حرف شرط/ **شاء**: فعل شرط و مجزوم جواب شرط محذوف/ **الله**: فاعل و مرفوع

گزینه‌ی ۲: **حمل**: فعل/ **الناس**: فاعل و مرفوع/ **الطفل**: مفعول‌به و منصوب/ **المجروح**: صفت و منصوب بالتبعية/ **مع**: مفعول‌فیه و منصوب/ **هم**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **إلی المستشفى**: جار و تقدیراً مجرور.

گزینه‌ی ۳: **رسمت**: فعل/ **هذه**: فاعل و محلاً مرفوع/ **الطفلة**: عطف بیان و مرفوع بالتبعية/ **فی دفتر**: جار و مجرور/ **ها**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **صورة**: مفعول‌به و منصوب/ **والدین**: مضاف‌الیه و منصوب با اعراب فرعی/ **ها**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور.

گزینه‌ی ۴: **تستقبل**: فعل مضارع/ **ام**: فاعل و تقدیراً مرفوع/ **ی**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **الضیوف**: مفعول‌به و منصوب/ **بفرح**: جار و مجرور/ **و**: حرف عطف/ **حفاوة**: معطوف و مجرور بالتبعية.

۲۳۸. گزینه‌ی ۱

تجسّمی **سألا**: گزینه‌ی درست در مورد صیغه‌ی افعال را مشخص کن.

حاجه: در گزینه‌ی ۲ چون فعل در ابتدای جمله آمده، بایستی به صورت مفرد بیاید (یستطیع). اگر فاعل اسم ظاهر باشد، فعل به صورت للغائب یا للغائبة می‌آید.

به عبارتی درست‌تر، در گزینه‌ی ۱ «لانظن» جمله‌ی وصفیه است که توسط ضمیر «ها» در «الیها» به موصوفش (اسرار) برمی‌گردد.

در گزینه‌ی ۳ چون «یشجعن» خبر واقع شده است بایستی با مبتدا (المعلمات) مطابقت داشته باشد.

اگر مبتدا اسم ظاهر باشد در حکم غائب است پس باید خبر آن نیز به صورت غائب بیاید.

در گزینه‌ی ۴ دو فعل «اعمل» و «تعدن» باید با مرجعشان (ضمیر «ی» در «تعدين» یا ضمیر «ک» مطابقت داشته باشند؛ درست آنها «اعملي» و «تعدين» می‌باشد.

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: در کائنات رازهای پیچیده‌ای هست، به آنها پی نمی‌بریم مگر به بعضی‌شان.

گزینه‌ی ۲: رزمندگان به خاطر عشق به خدا، می‌توانند در برابر دشمنان مقاومت کنند

گزینه‌ی ۳: معلمان دانش‌آموزان را برای پیشرفتشان در علم، تشویق می‌کنند

گزینه‌ی ۴: هنگامی که به دوست و عده می‌دهی، پس به آنچه وعده می‌دهی عمل کن.

تجسّمی **گزینه‌ی ۱**: **فی الكائنات**: جار و مجرور، خبر مقدم و محلاً مرفوع/ **اسرار**: مبتدای مؤخر و مرفوع/ **غامضة**: صفت و مرفوع به تبعیت/ **لا**: حرف نفی/ **نظن**: فعل، فاعلش ضمیر مستتر نحن/ **الیها**: جار و محلاً مجرور/ **إلّا**: ادات استثناء/ **ببعض**: جار و مجرور/ **ها**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور

گزینه‌ی ۲: **یستطیع**: فعل/ **المقاتلون**: فاعل و مرفوع با «و» در «ون»/ **المقاومة**: مفعول‌به و منصوب/ **امام**: مفعول‌فیه و منصوب/ **الاعداء**: مضاف‌الیه و مجرور/ **خبأ**: [مفعول‌له و منصوب]/ **الله**: جار و مجرور

گزینه‌ی ۳: **المعلمات**: مبتدا و مرفوع/ **یشجعن**: خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر بارز «ن»/ **التلميذات**: مفعول‌به و منصوب با کسره‌ی فرعی/ **لتقدم**: جار و مجرور/ **هن**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ **فی العلم**: جار و مجرور

گزینه ۴: **عندما:** مفعول فیه و منصوب / **تعدین:** فعل، فاعلش ضمیر بارز «ی» / **صدیقه:** مفعول به و منصوب / **ک:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **ف:** حرف / **اعلمی:** فعل امر للمخاطبة، فاعلش ضمیر بارز «ی» / **بما:** جار و محلاً مجرور / **تعدین:** جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول، فاعلش ضمیر بارز «ی»

۲۳۹. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: فعلی را مشخص کن که ممکن نباشد که مجهول شود.
جواب: تنها فعل متعدی (گذرا) مجهول می‌شود پس فعل لازم (ناگذر) و افعال ناقصه مجهول نمی‌شوند.

در گزینه‌ی ۱ «**تصبح**» از افعال ناقصه است پس مجهول نمی‌شود.
در گزینه‌ی ۲ «**جانز تین**» مفعول به است و به نائب فاعل تبدیل می‌شود و فعل با آن مطابقت داده می‌شود (به صورت اللغائیه در می‌آید) (**حُصِّصَتْ جانز تان ثمبنتان...**)

در گزینه‌ی ۳ «**جزاین**» مفعول به است و به نائب فاعل تبدیل می‌شود و فعل با آن (نائب فاعل) مطابقت داده می‌شود (به اللغائیه تبدیل می‌شود) (**حُفِّظَ جُزَّان...**).

در گزینه‌ی ۴ «**هذه**» مفعول به است و به نائب فاعل تبدیل می‌شود و فعل با آن مطابقت داده می‌شود (به اللغائیه تبدیل می‌شود) (**كُتِبَتْ هذه المقالة العلمية...**)

برای مجهول کردن فاعل را حذف می‌کنیم، مفعول به را به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌کنیم و فعل را با نائب فاعل مطابقت می‌دهیم.

تجملی حمله: منظور از مطابقت فعل با نائب فاعل، این است که اگر نائب فاعل اسم ظاهر بود فعل را به اللغائیه یا اللغائیه تبدیل می‌کنیم.

تجملی گزینه‌ی ۱: **تصبح:** از افعال ناقصه / **الزهور:** اسم افعال ناقصه / **الجميلة:** صفت الزهور / **ثمرات:** خبر افعال ناقصه و منصوب، نصب آن با کسره / **لذیذة:** صفت ثمرات / **فی الربیع:** جار و مجرور.

گزینه‌ی ۲: **حُصِّصَ:** فعل / **المدير:** فاعل / **جانز تین:** مفعول به / **ثمبنتین:** صفت / **لاولاد:** جار و مجرور / **نا:** مضاف‌الیه / **الفائزین:** صفت الاولاد

گزینه‌ی ۳: **فی هذه:** جار و مجرور / **السنة:** تابع هذه / **حفظنا:** فعل؛ ضمیر بارز **نا:** فاعل آن / **جزاین:** مفعول به / **اثنین:** صفت جزاین / **من القرآن:** جار و مجرور / **الکریم:** صفت القرآن.

گزینه‌ی ۴: **کتبت:** فعل؛ ضمیر بارز **ت:** فاعل آن / **هذه:** مفعول به / **المقالة:** تابع هذه / **العلمیة:** صفت / **بمساعدة:** جار و مجرور / **مطالعات:** مضاف‌الیه / **ی:** مضاف‌الیه / **الکثیرة:** صفت مطالعات.

تجملی: گزینه‌ی ۱: در بهار شکوفه‌های زیبا، [تبدیل به] میوه‌های خوشمزه‌ای می‌شوند.

گزینه‌ی ۲: مدیر دو جایزه‌ی گرانبها را به فرزندان موفق‌مان تخصیص داد.

گزینه‌ی ۳: در امسال دو جزء از قرآن کریم را حفظ کردیم.

گزینه‌ی ۴: این مقاله‌ی علمی را به کمک مطالعات بسیارم نوشتم.

۲۴۰. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: درست را در ساختن مجهول مشخص کن [عبارت را مجهول کنید].

تجملی: منظور از مطابقت این است اگر نائب فاعل اسم ظاهر باشد فعل باید للغائب یا للغائیه باشد، در این سؤال «**مواعظ**» جمع غیر عاقل است پس فعل باید للغائیه باشد (**رُوت عن الرسول (ص) مواعظ کثیرة**)

تجملی معلوم: **رُوی:** فعل / **المحدثون:** فاعل / **عن الرسول (ص):** جار و مجرور / **مواعظ:** مفعول به / **کثیرة:** صفت.

تجملی معلوم: محدثان موعظه‌های بسیاری را از پیامبر (ص) روایت کردند. مجهول: از پیامبر (ص) موعظه‌های بسیاری روایت شده است.

۲۴۱. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: صحیح را در ساختن معلوم مشخص کنید (جمله را به معلوم تبدیل کنید).

جواب: در عبارت سؤالی «**مثل**» نائب فاعل است، برای تبدیل به معلوم باید «**مثل**» به مفعول به (**مثلاً**) تبدیل شود (حذف گزینه‌ی ۱ و ۳) برای جمله فاعل در نظر در بگیریم؛ در گزینه‌ی ۲، «**یشاهد**» اشتباه است چون از باب مفاعلة است و مضارع باب مفاعلة با ضمه شروع می‌شود (بر وزن یُفَاعِلُ است).

تجملی لم: از حروف جحد / **یشاهد:** فعل مضارع مجزوم، مجهول / **فی الجنة:** جار و مجرور / **مثل:** نائب فاعل / **شماس:** مضاف‌الیه.

تجملی معلوم: کسی در بهشت مانند شماس را مشاهده نکرده است.

مجهول: در بهشت مثل شماس مشاهده نشده است.

۲۴۲. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: مشخص کن آنچه را در آن [تعداد] مفعول به یک [عدد] است فقط (گزینه‌ای را که یک مفعول به دارد را مشخص کن).

جواب: در گزینه‌ی ۱، «**درجة**» فاعل و «**الحد**» مفعول به است [الحرارة: مضاف‌الیه و **اليوم:** مفعول فیه و **الاقصى:** صفت است. آن‌ها را با مفعول به اشتباه نگیرید] در ضمن «**ارتفعت**» جزو افعال دو مفعولی نیست، در سایر گزینه‌ها فعل‌های **عَلِمَ (يُعَلِّمُ)**، **وَهَبَ**، **الْبَسَ** دو مفعولی هستند.

در گزینه‌ی ۲، «**ی**» مفعول به است چون قبل از آن «**نون**» وقایه آمده است؛ «**معلومات**» مفعول به دوم است چون حتی بدون توجه به معنی نمی‌تواند نقش دیگری بپذیرد [اگر بگوییم فاعل است اشتباه است چون «**المعلمون**» فاعل است، اگر بگوییم مضاف‌الیه است اشتباه است چون پس از اسم دارای «**ال**» مضاف‌الیه نمی‌آید، اگر بگوییم صفت است نادرست است چون با «**المعلمون**» مطابقت ندارد و... پس فقط مفعول به است]

در گزینه‌ی ۳، «**ی**» مفعول به است چون قبل از آن «**نون**» وقایه آمده است؛ «**محبته**» مفعول به دوم است چون حتی بدون توجه به معنی نمی‌تواند نقش دیگری بپذیرد [اگر بگوییم فاعل است اشتباه است چون «**الأم**» فاعل است، اگر بگوییم مضاف‌الیه است اشتباه است چون پس از اسم دارای «**ال**» مضاف‌الیه نمی‌آید، اگر بگوییم صفت است نادرست است چون «**محبته**» جامد است و جامدها در سطح شما به هیچ وجه صفت واقع نمی‌شوند و...]

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

جمله‌ی وصفیه ماضی است و فعل جمله‌ی وصفیه مضارع است در نتیجه جمله‌ی وصفیه به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.)

۲۴۵. گزینه‌ی ۳

ترجمه‌ی سؤال: خطا را در ساخت مجهول تعیین کنید.

نکته: «عشر» مضاف‌الیه است پس «ن» از آخر «اثین» و «اثان» حذف می‌شود.

در گزینه‌ی ۱ **فَصَّيْتُ**: فعل و **ت**: فاعل و محلاً مرفوع / **اثین**: مفعول به و منصوب / **عشر**: مضاف‌الیه / **یوماً**: تمییز عدد / **من العید**: جار و مجرور / **بالفرح**: جار و مجرور. پس برای مجهول کردن آن، «اثین» به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود (اثان) و فعل را با آن مطابقت می‌دهیم و مجهول می‌کنیم (فَصَّيْتُ اثنا عشر...)

در گزینه‌ی ۲ **قَدِمْتُ**: فعل / **الثورة**: فاعل / **الإسلامية**: صفت / **جواهر**: مفعول به / **ثمينة**: صفت / **في الحرب**: جار و مجرور

در نتیجه فاعل و صفتش را حذف و «جواهر» به عنوان نائب فاعل مرفوع (جواهر) می‌شود و فعل را با آن مطابقت داده و مجهول می‌کنیم.

در گزینه‌ی ۳ **اکرم**: فعل / **ابو**: فاعل و مرفوع / **صدیق**: مضاف‌الیه و تقدیراً مجرور / **ی**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **هذه**: مفعول به و منصوب / **البنیة**: عطف بیان و منصوب به پیروی از **هذه** / **الصغيرة**: صفت / **في الضیافة**: جار و مجرور.

باید فاعل و مضاف‌الیه‌ش (أبو صدیقی) را حذف کنیم و «هذه» به نائب فاعل تبدیل و فعل با آن مطابقت داده و مجهول شود (أکرمت هذه البنیة الصغیرة...)

در گزینه‌ی ۴ **لنحترم**: فعل مجزوم به «ل» و نحن مستتر فاعل آن / **ذا**: مفعول به و منصوب / **العلم**: مضاف‌الیه و مجرور / **في جمیع**: جار و مجرور / **المجالات**: مضاف‌الیه / **في المجتمع**: جار و مجرور.

باید «ذا» به عنوان نائب فاعل (ذو) مرفوع شود و فعل را با آن مطابقت می‌دهیم و مجهول می‌کنیم. (لینحترم ذو العلم...)

نکته: اگر فاعل را حذف کردیم همراه آن مضاف‌الیه، صفت و سایر توابعش حذف می‌شود.

نکته: مطابقت فعل مجهول با نائب فاعل فقط وقتی مطرح است که نائب فاعل اسم ظاهر باشد (اگر نائب فاعل مذکر باشد للغائب و اگر مؤنث باشد صیغه‌ی للغایبة را می‌آوریم. **کَتَبَ الرَّجُلُ الرِّسَالَاتِ ← کُتِبَتِ الرِّسَالَاتِ**)

ترجمه: گزینه‌ی ۱: دوازده روز را از عید با شادی سپری کردم. ← دوازده روز از عید با شادی سپری شد.

گزینه‌ی ۲: انقلاب اسلامی گوهرهای گرانبهایی را در جنگ تقدیم کرد. ← گوهرهای گرانبهایی در جنگ تقدیم شد.

گزینه‌ی ۳: پدر دوستم این دختر کوچک را در مهمانی گرامی داشت. ← این دختر کوچک در مهمانی گرامی داشته شد.

گزینه‌ی ۴: در تمام زمینه‌ها در جامعه به صاحب علم باید احترام بگذاریم. ← در تمام زمینه‌ها در جامعه صاحب علم باید محترم شمرده شود.

۲۴۶. گزینه‌ی ۲

در گزینه‌ی ۴، «ابن» مفعول به اول و «قمیصاً» مفعول به دوم است، «قمیصاً» نمی‌تواند نقش دیگری بگیرد [نمی‌تواند فاعل باشد چون «الوالد» فاعل است و در ضمن «قمیصاً» منصوب است و چون منصوب است مضاف‌الیه نیست و در ضمن پس از ضمیر مضاف‌الیه نمی‌آید و «قمیصاً» صفت نیست چون با اسم قبلیش از لحاظ معرفه و نکره مطابقت ندارد و...]

ترجمه: گزینه‌ی ۱: به راستی امروز درجه‌ی گرما بالا رفت تا به منتها درجه رسید (به بالاترین حد رسید)

گزینه‌ی ۲: معلم‌ها معلومات بسیاری را در طول سال تحصیلی به من می‌آموزند.

گزینه‌ی ۳: مادر محبت آسمانیش را به من بخشید پس او را بسیار دوست دارم.

گزینه‌ی ۴: پدر به فرزندش پیراهنی ارزانتر از پیراهنش را پوشاند.

۲۴۳. گزینه‌ی ۱

ترجمه‌ی سؤال: نائب فاعلی را که ضمیر مستتر است تعیین کن.

نکته: در گزینه‌ی ۱ ضمیر مستتر «هی» نائب فاعل «غسلت» است و به «عقول» برمی‌گردد.

در گزینه‌ی ۲ ضمیر بارز «ت» نائب فاعل «أزسلت» است و به ضمیر «ی» برمی‌گردد. در گزینه‌ی ۳ «أراء» نائب فاعل «تؤید» است (اسم ظاهر نائب فاعل است) و در گزینه‌ی ۴ ضمیر بارز «نا» نائب فاعل «منبغنا» است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: گویی عقل‌هایتان شسته شده است (عقل‌هایتان را از دست داده‌اید) پس (در نتیجه) راه زندگیتان را تغییر دادید.

گزینه‌ی ۲: من فرستاده شدم برای تعلیم و کامل کردن مکارم اخلاق.

گزینه‌ی ۳: نظریات این دانشمند در جلسات علمی هرگز تأیید نخواهد شد.

گزینه‌ی ۴: از تنبلی و انداختن کارهایمان بر دیگران منع شده‌ایم.

۲۴۴. گزینه‌ی ۲

ترجمه‌ی سؤال: نائب فاعلی را که اسم ظاهر نیست تعیین کنید.

نکته: در گزینه‌ی ۲ «جرحت» مجهول است و ضمیر «ت» نائب فاعل آن است. در گزینه‌ی ۱ «تجارب» نائب فاعل «تکتسب» است. در گزینه‌ی ۳ «من» نائب فاعل «لا یعرف» است و در گزینه‌ی ۴ «طریقه» نائب فاعل «تعلّم» است

نکته: در جملات فعلیه برای اینکه به نقش‌های اصلی (مانند: فاعل و مفعول و نائب فاعل) برسیم، می‌توانیم جار و مجرورها و مضاف‌الیه‌ها را حذف کنیم بطور مثال اگر در گزینه‌ی ۱ «في مدرسة الحياة» و در گزینه‌ی ۴ «فيها» را حذف کنیم به «تجارب» و «طریقه» می‌رسیم که نائب فاعل هستند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: در مدرسه‌ی زندگی، تجربیات گرانبه‌ای مفیدی کسب می‌شود.

گزینه‌ی ۲: هرگز فراموش نخواهم کرد آن عملیات را که در آن به شدت مجروح شدم.

گزینه‌ی ۳: کسی که به فقیران کمک می‌کند شناخته نمی‌شود هنگامی که (اگر) مؤمن باشد.

گزینه‌ی ۴: شرکت کردم در جلسه‌ای که در آن راه حل مشکلات زندگی آموزش داده می‌شد. («تعلّم» جمله‌ی وصفیه برای جلسه، چون فعل قبل از

تجملی سؤال: فعلی را که ممکن است از آن مجهول ساخته شود تعیین کنید.

جواب: فعل متعدی (دارای مفعول) مجهول می‌شود (خورد ← خورده شد)، فعل لازم (بدون مفعول) مجهول نمی‌شود (رفت ← رفته شد: بی‌معنی است) در گزینه‌ی ۲ «العلم» به عنوان نائب فاعل، مرفوع می‌شود و سپس فعل را با آن تطبیق داده و مجهول می‌کنیم (ان یُکْتَسَب العلمُ و الاخلاقُ...) در سایر گزینه‌ها مفعول به وجود ندارد (متعدی نیستند) پس مجهول نمی‌شوند به عبارتی دیگر فعل لازم (ناگذر) مجهول نمی‌شود.

تجملی: گزینه‌ی ۱: تعجب کردم از کارهای بزرگش، با اینکه او کم سن و سال تر از دیگران بود.

گزینه‌ی ۲: مؤمنان باید علم و اخلاق را در زندگیشان بدست بیاورند.

گزینه‌ی ۳: در پارک ما گل‌های زیبایی‌ست که بینندگان با دیدنشان شاد می‌شوند. [هر گاه ضمیر الغائبه به اسم جمع غیر عاقل برگردد می‌تواند به صورت جمع ترجمه شود مانند «ها» در این گزینه].

گزینه‌ی ۴: اگر کمی صبر کند در نهایت به خواسته‌اش نزدیک می‌شود (قلیلاً): صفت جانشین مفعول مطلق نوعی است = إن یصبر صبراً قلیلاً، صبراً: مفعول مطلق نوعی / قلیلاً: صفت و منصوب به پیروی از صبراً)

۲۴۷. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: «شاعر آرامشی احساس می‌کند که بر قلبش نازل شده است بعد از اینکه روبرو بشود (بعد از روبرو شدن) با خبر پیروزی و می‌تواند اشعاری را بسراید» چند فعل مجهول وجود دارد.

جواب: فقط «أُنزِلَتْ» مجهول است.

نکته‌ای خارج از کتاب: «قَدْ» قبل از ماضی حرف تحقیق است و قبل از مضارع حرف تقلیل است.

۲۴۸. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: خطا را در ساخت مجهول تعیین کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۱ به اشتباه فعل مضارع به ماضی تبدیل شده است. (لا یُهْدِی القوم الظالمون).

در گزینه‌ی ۲ فاعل «النفْسُ» و صفتش «العَبْوسُ» حذف و «جمال» به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود. (چون نائب فاعل اسم ظاهر است فعل به صورت للغائب یا للغائبه می‌آید که در اینجا به صورت للغائب می‌آید چون «جمال» مذکر است).

در گزینه‌ی ۳ فاعل «الاسلام» حذف و «المسلمین» به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود «المسلمون». (چون نائب فاعل اسم ظاهر است فعل به صورت للغائب یا للغائبه می‌آید که در اینجا به صورت للغائب می‌آید چون «المسلمون» مذکر است).

در گزینه‌ی ۴ فاعل «المعلمه» حذف و مفعول به به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود «الاخْتان»، صفت نائب فاعل نیز مرفوع می‌شود «التنان». (چون نائب فاعل اسم ظاهر است فعل به صورت للغائب یا للغائبه می‌آید که در اینجا به صورت للغائبه می‌آید چون «الاخْتان» مؤنث است).

تجملی:

۱) خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند
قوم ستمگر هدایت نشدند.

۲) درون گرفته، زیبایی حقیقت را نمی‌بیند.
زیبایی حقیقت دیده نمی‌شود.

۳) اسلام، مسلمانان را به کسب دانش تشویق می‌کند
مسلمانان به کسب دانش تشویق می‌شوند

۴) معلم، دو خواهر را که زیاد تلاش می‌کنند پرورش می‌دهد.
دو خواهر که زیاد تلاش می‌کنند، پرورش داده می‌شوند.

۲۴۹. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: خطا را در ساختن مجهول مشخص کنید:

تجملی: گزینه‌ی ۱: والدین برای موفقیت در درس خواندن به فرزندان تبریک می‌گویند: به فرزندان برای موفقیت در تحصیل تبریک گفته می‌شود.

گزینه‌ی ۲: جوینده‌ی علم، خانه و خانواده را برای کسب علم ترک کرد (رها کرد): خانه و خانواده برای کسب علم ترک شد (رها شد).

گزینه‌ی ۳: خانواده‌ی این دانش‌آموز را از روزگاران گذشته می‌شناسم: خانواده این دانش‌آموز از روزگاران گذشته شناخته می‌شود.

گزینه‌ی ۴: دانش‌آموزان برای مشاهده نمایش سالن بزرگ را قصد کردند (به سالن بزرگ رفتند): قصد سالن بزرگ شد برای مشاهده نمایش.

۲۵۰. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: فعل مجهول را مشخص کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۳ یُسْمَعُ مجهول شده است.

تجملی: اونایی که اعلال را خوب بلدن می‌دونن که «نُطِيعُ» یا هر فعل مضارع اجوف دیگری اگر مجهول شود حرف عله به «الف» قلب می‌شود (نُطَاعُ).

تجملی: گزینه‌ی ۱: ما در مقابل ستمگران تسلیم نمی‌شویم و هرگز از آن‌ها اطاعت نمی‌کنیم.

گزینه‌ی ۲: همانا او بر روی برگه‌ای آنچه را از تصویرهای زیبا دوست می‌دارد (دوست داشت) کشید. (در این گزینه «ما» مفعول به «رسمت» است چون تَجِبُ صله‌ی موصول است متناسب با جمله (فعل قبل از خود) ترجمه می‌شود).

گزینه‌ی ۳: به سبب دوری زیاد تو از ما، صدايت شنیده نمی‌شود.

گزینه‌ی ۴: بر تو است که مبادرت ورزی (باید انجام دهی) به پاک کردن نَفْسَت قبل از نصیحت دیگران.

۲۵۱. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: نائب فاعلی را که ضمیر مستتر نیست (اسم ظاهر یا ضمیر بارز است) تعیین کنید

جواب: در گزینه‌ی ۱: «کلام» نائب فاعل است (کلام: نائب فاعل / هذا: مضاف‌الیه / العالم: تابع هذا).

در گزینه‌ی ۲ «هو» نائب فاعل مُنْع، در گزینه‌ی ۳ «هی» نائب فاعل غُسَلت است و در گزینه‌ی ۴ «هی» نائب فاعل تُخْتَبِرُ است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: سخن این دانشمند در جلسه‌ی گذشته تایید نشده است.
گزینه‌ی ۲: هر کس زندگی پاک را قصد کند (بخواهد) از تنبلی منع می‌شود.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

گزینه‌ی ۲: همانا مؤمن با شیطان هم‌نشینی نمی‌کند چون او (شیطان) بدترین مخلوق است.

گزینه‌ی ۳: صدايت شنیده نشد برای اینکه تو از ما دور بودی.

گزینه‌ی ۴: از خدا و رسولش اطاعت می‌کنم و در مقابل ستمگران تسلیم نمی‌شوم.

۲۵۵. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: فعلی که ممکن است از آن مجهول ساخته شود را تعیین کنید.

گزینه‌ی ۱: تنها فعل متعدی (دارای مفعول‌به) مجهول می‌شود در گزینه‌ی ۴ ضمیر «نا» مفعول‌به است در سایر گزینه‌ها فعل لازم (ناگذرا) است.

تحفظ: فعل / نا: مفعول‌به و محلاً منصوب / اشجار: فاعل و مرفوع / ها: مضاف‌الیه و محلاً مجرور؛ برای مجهول کردن فعل را به صیغه‌ی ضمیر مفعولی «نا» می‌بریم و فاعل را حذف می‌کنیم **نُحْفَظُ مِنْ اشعة شمس الصیف المحرقة:** از اشعه‌ی سوزان خورشید تابستان حفظ (محافظت) می‌شویم. [ضمیر مستتر نحن نائب فاعل نُحْفَظُ]

تجملی گزینه‌ی ۱: باغ ما با لباس زیبای رنگی آراسته می‌شود.

گزینه‌ی ۲: گل‌های بسیاری دارد که رائحه‌ی آن‌ها پراکنده می‌شود پس هنگام دیدنشان احساس لذت می‌کنیم.

گزینه‌ی ۳: در فصل بهار چشمان ما از آن‌ها بهره می‌برند. [«ها» به «ازهار» در گزینه‌ی ۲ برمی‌گردد.]

گزینه‌ی ۴: درختانش ما را از اشعه‌ی سوزان خورشید تابستان حفظ می‌کنند.

۲۵۶. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: اشتباه را در مجهول مشخص کن

گزینه‌ی ۱: در گزینه‌ی ۲ نائب فاعل «والد» مذكر است پس فعل باید به صورت مذكر (لغائب) بیاید **(يُسْأَلُ والدُها)**

در گزینه‌ی ۱ «أخت» (فاعل) را حذف می‌کنیم و «مخفظة» (مفعول‌به) را به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌کنیم و فعل به صورت لغائبه می‌آید (دوستان کاری به این نداشته باشید که ظاهر فعل کمی تغییر کرده فقط للغائبه باشد کافی است؛ فعل اعلال دارد که لازم نیست توضیح داده شود).

در گزینه‌ی ۳ «هيات» فعل، ت: فاعل / نفس: مفعول‌به، نفس به عنوان نائب فاعل مرفوع و فعل با آن تطبیق داده می‌شود یعنی به صورت لغائبه می‌آید (دوستان کاری به این نداشته باشید که ظاهر فعل کمی تغییر کرده فقط للغائبه باشد کافی است)

در گزینه‌ی ۴ فاعل «العلماء» حذف و مفعول‌به «تجارب» به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود و فعل به صورت لغائبه می‌آید چون «تجارب» جمع غیر عاقل است.

تجملی سؤال: در فعل‌هایی که فاعل ضمیر بارز است با تغییر صیغه خود به خود فاعل حذف می‌شود مثل گزینه‌ی ۳.

تجملی گزینه‌ی ۱: امروز خواهرم کیف کوچکی خرید ← امروز کیف کوچکی خریده شد.

گزینه‌ی ۲: دانش‌آموز از پدرش در مورد مفاهیم پیچیده پرسید ← از پدر در مورد مفاهیم پیچیده پرسیده می‌شود.

گزینه‌ی ۳: گویی عقشان شسته شده است (گویی عقشان را از دست داده‌اند) چون راه زندگیشان تغییر یافته است.

گزینه‌ی ۴: همانا خودت با بلاهای سخت در زندگی آزمایش می‌شوی.

۲۵۲. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: خطا را در ساخت مجهول تعیین کنید.

گزینه‌ی ۱: در گزینه‌ی ۱ «هذان» مبتدا است و خبرش باید با آن مطابقت کند و به صورت مثنی بیاید **(لم يُؤسسا).**

تجملی گزینه‌ی ۱: این دو مرکز تأسیس نشدند جز برای شفا دادن بیماران (این دو مرکز فقط برای شفا دادن بیماران تأسیس شدند).

گزینه‌ی ۲: مثل‌های رایج برای بیان آنچه که در سرشت انسان است به کار برده می‌شوند.

گزینه‌ی ۳: این جوان انتخاب شده به خاطر اینکه بر خود و توانایی‌هایش اعتماد می‌کند.

گزینه‌ی ۴: این روزها خبر موفقیت جوانان ما در زمینه‌های علمی شنیده می‌شود.

۲۵۳. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: صديق را به عنون نائب فاعل تعیین کنید.

گزینه‌ی ۱: «منح» فعلی دو مفعولی است؛ در مجهول کردن فعل‌های دو مفعولی یکی از مفعول‌ها باقی می‌ماند و یکی از مفعول‌ها به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود؛ **(منح المدير صديقي جائزة ← منح صديقي جائزة: منح: فعل مجهول / صديق: نائب فاعل و تقدیراً مرفوع / ي: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / جائزة: مفعول‌به و منصوب).**

در گزینه‌ی ۲: «صديق» فاعل و تقدیراً مرفوع؛ **نفس: مفعول‌به و منصوب است.**

در گزینه‌ی ۳: «صديق» اسم کان و تقدیراً مرفوع است.

در گزینه‌ی ۴: «صديق» مفعول‌به و تقدیراً منصوب است **(اغرف: فعل / انا: فاعل و مرفوع)**

تجملی گزینه‌ی ۱: جایزه‌ای به دوستم داده شد برای اینکه او دانش‌آموزی نمونه شد.

گزینه‌ی ۲: دوستم خودش را با ایمان و اراده از پلیدی پاک می‌کند.

گزینه‌ی ۳: دوستم با شجاعت در جنگ با دشمنان وطن می‌جنگید.

گزینه‌ی ۴: دوستم را در هنگام سختی‌ها به وسیله‌ی آنچه که در آن سختی‌ها مرا یاری می‌کند می‌شناسم (دوستم را با توجه به کمکی که در هنگام سختی‌ها به من می‌کند می‌شناسم).

۲۵۴. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: مجهول را تعیین کنید.

گزینه‌ی ۳: در گزینه‌ی ۳ «صوت» نائب فاعل و مرفوع است و **(لم يُسمَع)** مجهول است.

تجملی گزینه‌ی ۱: مسلمان باید قبل از دیگری به پاک کردن نفسش مبادرت کند.

در گزینه‌ی ۲: **عمل** نمی‌تواند نائب فاعل باشد چون فاعل یا نائب فاعل **تُوخَّر** نمی‌تواند مذکر باشد. چون اگر فرض کنیم «عمل» نائب فاعل است باید فعل را اللغائبه در نظر بگیریم.

تذکره: در گزینه‌ی ۲ **تُوخَّر** للمخاطب است و **عمل** مفعول به است.

در گزینه‌ی ۳: چون **يُضَيِّع** خبر است پس فاعل آن ضمیر مستتر **هُوَ** است و به مبتدا (**العلم**) بر می‌گردد در نتیجه **عُمَر** مفعول به است.

* در جملات مجهول مفعول به به نائب فاعل تبدیل می‌شود یعنی در جمله‌ی مجهول در سطح شما مفعول به نداریم.

* اگر ضمیر **ي** به فعل بچسبد بین آن‌ها نون وقایه می‌آید. ضمیر **ي** پس از نون وقایه مفعول به است.

* اگر فاعل یا نائب فاعل اسم ظاهر باشد (یعنی ضمیر نباشد) فعل یا اللغائبه است یا اللغائبه (پس اگر در تحلیل گزینه‌ی ۲ عمل را فاعل یا نائب فاعل در نظر بگیریم باید **تُوخَّر** را اللغائبه در نظر بگیریم).

شیوه‌ی دوم (ترجمه):

گزینه‌ی ۱: هیچ چیزی همانند فراق تو مرا اندوهگین نمی‌کند.

گزینه‌ی ۲: کار امروز را به فردا به تأخیر مینداز.

گزینه‌ی ۳: دانش، عمر انسان را ضایع نمی‌کند بلکه آن را (به آن) فایده می‌رساند.

گزینه‌ی ۴: حقیقت دیده نمی‌شود هنگامی که انسان نخواهد آن را ببیند.

ح ۵ ۵ ۵ شیوه‌ی سوم: در عربی الف به صورت «ا» و «ی» نوشته می‌شود و یاء به صورت «ي»؛ پس هرگاه «ی» باشد یعنی نقطه زیر آن نباشد الف است و قبل از الف همیشه فتحه است پس در «تُرى» روی «ر» فتحه است [ضمه روی حرف مضارعة و فتحه روی عین‌الفعل نشانه‌ی مجهول بودن فعل مضارع است]. **تُرى**: مجهول

۲۶۱. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: فعل مجهول را مشخص کنید.

ح ۱: در گزینه‌ی ۱ **والدین** و در گزینه‌ی ۳ **یوم** و در گزینه‌ی ۴ **الآخرین** مفعول به هستند پس این فعل‌ها معلوم هستند ثانیاً از لحاظ معنی هم فعل **يترك** معنی مجهول می‌دهد.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: والدینم را با اطاعت از آن‌ها و توجه به دستوراتشان (خواستگاره‌هایشان) گرامی می‌دارم.

گزینه‌ی ۲: اجازه مده که احترام کودکان به خاطر کوچک بودنشان ترک شود.

گزینه‌ی ۳: برای ما ممکن نیست که روز اجرای نمایش را تغییر دهیم.

گزینه‌ی ۴: می‌خواهم که دیگران را از آن چه در راه خدا آن را انفاق کرده‌ام خبر نکنی.

۲۶۲. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: گزینه‌ی نادرست را در ساختن مجهول مشخص کنید.

ح ۱: برای مجهول کردن فاعل را حذف و مفعول به را به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌کنیم و فعل مجهول را با نائب فاعل مطابقت می‌دهیم که این امر در همه‌ی گزینه‌ها رعایت شده جز در گزینه‌ی ۴ که **عزة** مؤنث است ولی فعل جمله را حتی اگر مجهول در نظر بگیریم نادرست است چون به صورت مذکر آمده (**تُجعل** درست است).

گزینه‌ی ۳: وقت امتحان فرارسید و خودم را برای آن آماده کردم ← وقت امتحان فرا رسید و برای آن آماده شدم.

گزینه‌ی ۴: دانشمندان تجارب بسیاری را در زمینه‌های علمی تجربه کردند (بدست آوردند) ← تجارب بسیاری در زمینه‌های علمی تجربه شد (بدست آورده شد).

۲۵۷. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: نائب فاعل را تعیین کنید.

ح ۱: فعل **أكرم** مجهول است و نائب فاعل دارد.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: گرمی داشته شد صاحب نعمت زیرا او نعمت‌هایش را به نیازمندان می‌بخشید.

گزینه‌ی ۲: باغ کوچکم را با گل‌های قرمز زیبا زینت می‌دهم.

گزینه‌ی ۳: ثروتمند تمام ثروتش را می‌بخشد. (ثروتمند می‌بخشد تمام آنچه را از ثروتش که دارد).

گزینه‌ی ۴: زندگی به من می‌آموزد که فقط به خودم اعتماد کنم.

۲۵۸. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: خطا را در ساختن مجهول تعیین کنید.

ح ۱: در گزینه‌ی ۲ **يكتسب** مضارع است ولی مجهول آن به صورت ماضی آمده است (فعل ماضی به صورت ماضی و فعل مضارع به صورت مضارع مجهول می‌شود).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: پیامبران را برای هدایت شما در تمام زمینه‌ها فرستادم. گزینه‌ی ۲: دانش‌آموزان تجربه‌های ارزشمندی در مدت آموزش (مدرسه) کسب می‌کنند.

گزینه‌ی ۳: مادر، ما را در انجام تکالیف مدرسه‌ای مان کمک می‌کند.

گزینه‌ی ۴: خداوند درهای بهشت را برای پرهیزکاران باز کرد.

۲۵۹. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: گزینه‌ی خطا را در مورد مجهول مشخص کنید.

ح ۱: **الحاضرين** در گزینه‌ی ۲ مفعول به جمله‌ی معلوم است و باید به عنوان نائب فاعل مرفوع شود (**الحاضرون**).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: خانه را با آب روان تمییز کردم. ← خانه با آب روان تمییز شد.

گزینه‌ی ۲: معلم حاضران در کلاس را شمارش کرد. ← حاضران در کلاس شمارش شدند.

گزینه‌ی ۳: یکی از دانش‌آموزان فکر مخالف‌ها را در جلسه اظهار می‌کند. ← فکر مخالف‌ها در جلسه اظهار می‌شود.

گزینه‌ی ۴: معلم همه‌ی دانش‌آموزان را از تنبلی نهی می‌کند. ← همه‌ی دانش‌آموزان از تنبلی نهی می‌شوند.

۲۶۰. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: کدام گزینه مجهول است؟

شیوه‌ی اول (شیوه‌ی علمی): در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ مفعول به آمده است پس مجهول نیستند.

در گزینه‌ی ۱: نون وقایه آمده است پس ضمیر **ي** مفعول به است.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب های طعم دار کوله پشتی

در مضارع اجوفها حرف عله به الف قلب می شود. (اجوف فعلی است که دومین حرف اصلی آن «و» یا «ی» باشد مثلاً در **يَقَامُ** حروف اصلی «ق و م» است)

در گزینه ی ۲ **يُرْسِلُ** فعل مضارع باب افعال است و مفعول به (الانبياء) دارد پس مجهول نشده است. **يُرْسِلُ**: فعل / **اللهُ**: فاعل / **الانبياء**: مفعول به در گزینه ی ۳: «**ام**» فاعل و جمله ی «**ان اکون...**» مفعول به است یعنی فعل مجهول نشده است. در مورد این گزینه، ترجمه برای شما بهترین راه حل است.

در گزینه ی ۴ «**العدو**» فاعل و «**نفس**» و «**قویاً**» مفعول به است پس مجهول نشده است. در مورد گزینه ی ۴ اگر «**يُري**» مجهول می شد به صورت «**يُرى**» می آمد یعنی «**ی**» به «**ی**» تبدیل می شد و زیر آن نقطه نبود. (در اعلال خواهید خوند که اگر قبل از حروف اصلی متحرک «و» و «ی» فتحه باشد به الف قلب می شود).

بخش ۱: گزینه ی ۱: هر ساله جشنی در دانشگاه برپا می شود. گزینه ی ۲: خداوند پیامبران به عنوان رحمتی از جانب خودش برای جهانیان می فرستد.

گزینه ی ۳: مادرم دوست دارد که همیشه نزدش باشم. گزینه ی ۴: دشمن خود را نیرومند و قادر بر کار نشان می دهد.

۲۶۶. گزینه ی ۲

بخش ۱: سؤال: اشتباه در مورد فعل مجهول را مشخص کن. **جواب:** در گزینه ی ۲ «**المؤمنة**» فاعل و «**الوالدين**» مفعول به است. برای مجهول کردن آن باید «**الوالدين**» به عنوان نائب فاعل مرفوع شود «**الوالدان**» و فعل باید با «**الوالدان**» مطابقت داده شود یعنی به صورت اللغائب بیاید چون **الوالدان** مذکر است (**يُحْتَرَمُ الوالدان**)

در گزینه ی ۱ «**أقدم**» فعل وضمیر مستتر انا فاعل آن و «**هدية**» مفعول به است. برای مجهول کردن «**هدية**» به نائب فاعل تبدیل و فعل با آن مطابقت (للغائبة) داده می شود: **تُقدَّم هدية**.

در گزینه ی ۳ «**بعتت**» فعل، «**أم**» فاعل؛ «**ی**» مضاف الیه؛ «**اخ**» مفعول به و تقدیراً منصوب؛ «**ی**» مضاف الیه است. برای مجهول کردن، فاعل و مضاف الیه (**امی**) را حذف می کنیم و مفعول به را به نائب فاعل تبدیل و فعل را با آن مطابقت می دهیم و مجهول می کنیم (فعل به صورت اللغائب می آید چون نائب فاعل مذکر است): **بُعِتَ اخی**؛ **اخ**: نائب فاعل و تقدیراً مرفوع) در گزینه ی ۴ فاعل «**الأب**» را حذف می کنیم و مفعول به را به نائب فاعل تبدیل می کنیم و فعل را با آن مطابقت می دهیم و مجهول می کنیم (فعل به صورت اللغائبة می آید چون نائب فاعل، مؤنث است): **وُعِدَت الابنة**.

بخش ۲: گزینه ی ۱: هر ساله در روز معلم هدیه ای به معلم تقدیم می کنیم: هر ساله در روز معلم هدیه ای به معلم تقدیم می شود.

گزینه ی ۲: مؤمن پدر و مادر را به خاطر زحمت هایشان گرامی می دارد: پدر و مادر به خاطر زحمت هایشان گرامی داشته می شوند.

گزینه ی ۳: مادرم برادرم را برای خرید میوه به مغازه فرستاد: برادرم برای خرید میوه به مغازه فرستاده شد.

بخش ۳: گزینه ی ۱: صیاد ماهی بزرگی در دریا یافت. ← ماهی بزرگی در دریا یافته شد.

گزینه ی ۲: خداوند شما را در مواقع بسیاری کمک کرد. ← در مواقع بسیاری کمک شدید.

گزینه ی ۳: سخن تو را هنگامی که درست باشد باور می کنم. ← سخن تو هنگامی که درست باشد باور می شود.

گزینه ی ۴: بزرگواریم را در صداقت قرار می دهیم. ← بزرگواریم در صداقت قرار داده می شود..

بخش ۴: سؤال: اعراب اسم هایی که مضاف الیه آن ها «ی» متکلم باشد تقدیری است.

۲۶۳. گزینه ی ۱

بخش ۱: سؤال: کدام گزینه مجهول است؟

جواب: در تمامی گزینه ها به جز گزینه ی ۱ افعال موجود معلوم (و دارای مفعول به) هستند پس نمی توانند مجهول باشند. با توجه به معنی هم فقط فعل های **طرد** و **أمر** معنی مجهول می دهند.

بخش ۲: گزینه ی ۱: شیطان **طرد شد** زیرا برای کسی که به او امر شده بود سجده نکرد.

گزینه ی ۲: بعضی از مردم از الله می ترسند و آن چه را او از آن ها می خواهد اطاعت می کنند.

گزینه ی ۳: کسی که نور و هدایت را دوست دارد از جهل و تاریکی فرار می کند.

گزینه ی ۴: انسان بر ملکه ای که آن را با تکرار و تمرین بدست آورده باقی می ماند.

۲۶۴. گزینه ی ۲

بخش ۱: سؤال: گزینه ی درست را در مورد مجهول پیدا کن.

جواب: در گزینه ی ۱ فاعل حذف نشده است

در گزینه ی ۳ فعل با نائب فاعل مطابقت داده نشده است. در گزینه ی ۴ فعل مضارع به صورت ماضی به مجهول تبدیل شده است.

بخش ۲: گزینه ی ۱: سختی ها را تحمل کردیم تا به هدف هایمان رسیدیم. ← سختی ها تحمل شدند تا به هدف هایمان رسیدیم.

گزینه ی ۲: مؤمن، پدر و مادر را به خاطر رنج هایشان احترام می کند. ← پدر و مادر به خاطر رنج هایشان احترام می شوند.

گزینه ی ۳: باران نعمت الله است به نزول آن زیاد امیدواریم. ← باران نعمت خداوند است نازل شدن آن بسیار آرزو می شود.

گزینه ی ۴: مادر دخترش را نصیحت می کند به آن چه خیرش در آن است. ← دختر به آن چه خیرش در آن است نصیحت می شود.

۲۶۵. گزینه ی ۱

بخش ۱: سؤال: فعل مجهول را مشخص کن.

جواب: **تقام** فعل مجهول است و «**حفلة**» نائب فاعل است.

بچه های عزیز دقت کنید همیشه قبل از الف، فتحه می آید پس در «**تقام**» حالت «**ت**» وجود دارد یعنی مجهول است و به عبارتی دیگر می توان گفت

گزینه‌ی ۴: پدر به دختر وعده‌ی جایزه‌ی پایان تحصیلاتش را داد؛ دختر به جایزه‌ی پایان تحصیلاتش وعده داده شد.

۲۶۷. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: فعل مجهول را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۴ «سَمُوا» فعل مجهول است به معنی «نامیده شدند».

در گزینه‌ی ۱ «اشترک» از باب افتعال و لازم است و در عبارت «استسوها» ضمیر «ها» مفعول به است پس مجهول نشده است.

در گزینه‌ی ۲ «یتعاونون» از باب تفاعل و لازم است و در عبارت «یحاسبون انفسهم» یحاسبون فعل، ضمیر «و» فاعل آن و «انفس» مفعول به آن است (چون مفعول به دارد پس مجهول نشده است).

در گزینه‌ی ۳ «أخویه = أخوین + ه» پس أخوین منصوب است چون مرفوع آن «أخوان» است یعنی أخوین مفعول به است پس فعل مجهول نشده است. در عبارت «یخالفهما» ضمیر «هما» مفعول به است پس این فعل نیز مجهول نشده است.

در گزینه‌ی ۴ می‌توان به نحو دیگری نیز استدلال نمود: «یحب» خبر است، پس باید فاعل یا نائب فاعل آن ضمیری باشد که به «اسم کان» برگردد پس اسم پس از آن (أخوین) نمی‌تواند فاعل یا نائب فاعل باشد و مفعول به است.

مجهول گزینه‌ها: گزینه‌ی ۱: استسوها ← أسست

گزینه‌ی ۲: یحاسبون انفسهم ← یحاسبون

گزینه‌ی ۳: یحب أخویه ← یحب الأخوان / یخالفهما ← یخالقان

ترجمه: گزینه‌ی ۱: سه برادر در ساخت یک شرکت شریک شدند و آن را تأسیس کردند.

گزینه‌ی ۲: در کارها به همدیگر کمک می‌کردند و با دقت خودشان را محاسبه می‌کردند.

گزینه‌ی ۳: برادر بزرگتر دو برادرش را دوست داشت و با آن‌ها مخالفت نمی‌کرد.

گزینه‌ی ۴: آن‌ها کارشان را بدین شیوه ادامه می‌دادند پس برادران واقعی نامیده شدند.

۲۶۸. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: فعلی را که ممکن است به صورت مجهول ساخته شود، مشخص کن.

جواب: تنها فعل‌های متعدی، مجهول می‌شوند پس منظور سؤال این است که در کدام گزینه فعل متعدی است.

در گزینه‌ی ۱: «رات» فعل، «ام» فاعل، «ی» مضاف‌الیه؛ عقداً مفعول به، «فضیلاً» صفت است. برای مجهول کردن فاعل و مضاف‌الیهش را حذف می‌کنیم و مفعول به را به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌کنیم. «فضیلاً» نیز مرفوع می‌شود چون صفت نائب فاعل است و سپس فعل را تطبیق داده و مجهول می‌کنیم. (فعل به صورت اللغاب می‌آید چون نائب فاعل مذكر است). **رَبِّيَ عَقْدَ فَضِيٍّ**

در سایر گزینه‌ها فعل‌ها از افعال ناقصه هستند پس مجهول نمی‌شوند. نکته: افعال ناقصه مجهول نمی‌شوند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: مادرم در گردنم گردنبندی نقره‌ای دید.

گزینه‌ی ۲: به خاطر تلاشم در درس‌ها دانش‌آموزی نمونه شدم.

گزینه‌ی ۳: هرگز در کمک به مستمندان کوتاهی نکردم.

گزینه‌ی ۴: آیا قبل از سخن گفتن، درباره‌ی کارت تأمل نکرده‌ای؟

۲۶۹. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: گزینه‌ی نادرست را در مورد مجهول کردن مشخص کنید.

جواب: اگر مفعول، ضمیر باشد برای نائب فاعل قرار دادن آن، فعل را به صیغه‌ی ضمیر مفعولی تبدیل و آن را مجهول می‌کنیم (در گزینه‌ی ۳ ضمیر ک مفعول به است و برای نائب فاعل شدن باید به صورت **دُعيت** در بیاید).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: معلم‌مان، ما را به سوی انتخاب صحیح هدایت کرد ← به سوی انتخاب صحیح هدایت شدیم.

گزینه‌ی ۲: خواهرم با خودش کیف سبز زیبا را حمل می‌کند. ← کیف سبز زیبا حمل می‌شود.

گزینه‌ی ۳: مادرم تو را به مراسم عروسی خواهرم دعوت کرد. ← به عروسی خواهرم دعوت شدی.

گزینه‌ی ۴: مؤمنان نعمت‌های الهی را بسیار ذکر می‌کنند. ← نعمت‌های الهی بسیار ذکر می‌شوند.

۲۷۰. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: گزینه‌ای را در آن نائب فاعل نیست مشخص کنید.

(گزینه‌ای را که مجهول نشده است مشخص کنید.)

جواب: با توجه به معنی فعل‌های موجود در گزینه‌ها فقط فعل **لايُكذِب** تکذیب نمی‌کند معلوم است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: نعمت‌های خدا بر ما شمارش نمی‌شود اگر آن‌ها را به شمار آوریم.

گزینه‌ی ۲: امید است که قدر اصلاح کنندگان در جهان شناخته شود.

گزینه‌ی ۳: به خاطر کشف مهمش به او جایزه داده شد.

گزینه‌ی ۴: مؤمن دین را تکذیب نمی‌کند زیرا همه‌ی دین راست است.

۲۷۱. گزینه‌ی ۴

جواب: در گزینه‌ی ۴ «ک» مفعول به است که اگر مجهول شود به عنوان نائب فاعل به ضمیر «ت» تبدیل می‌شود. (**دُعيت** یا **دُعيت**).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: ما خانه‌ی کوچک زیبایی داریم که درش به باغی باز می‌شود.

گزینه‌ی ۲: ما از افراط و تفریط در انفاق نهی شده‌ایم.

گزینه‌ی ۳: داستانی دل‌انگیز وجود دارد که پیرامون فداکاری‌های رزمندگان بیان می‌شود.

گزینه‌ی ۴: تو به خانه‌ی عمه‌ام به مناسبت جشن تولد دخترش دعوت شدی.

۲۷۲. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: جمله‌ی مجهول را مشخص کن.

جواب: گزینه‌ی ۱ و ۴ حذف می‌شوند چون در آن‌ها **بغض** مفعول به است در گزینه‌های ۲ و ۳ با توجه به معنی فقط گزینه‌ی ۳ می‌تواند مجهول باشد و نیز با توجه به ضمیر «ک» در **انوالک** در گزینه‌ی ۲ فعل، امر است.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

۳۳۲

عَلَّقَ صیغه‌ی للغائب ماضی باب تفعیل است و «نا» مفعول‌به آن واقع شده است در صورتی که می‌بایست فقط **جَرَسًا** مفعول‌به واقع شود چون **جَرَسٌ** نائب فاعل جمله‌ی مجهول است. [نا به عنوان مفعول‌به اضافی است.]

تَجَمُّع عبارت: زنگی قوی بر در آویخته شد که صدای آن از دوردست شنیده می‌شد.

گزینه‌ی ۱: زنگی قوی را بر در آویخت که صدای آن را از دوردست می‌شنیدیم.

گزینه‌ی ۲: زنگی قوی را بر در آویختیم که مردم صدای آن را از دوردست می‌شنیدند.

گزینه‌ی ۳: پدرم زنگی قوی را بر در آویخت که صدای آن را از دوردست می‌شنیدم.

گزینه‌ی ۴: زنگی قوی را بر در آویختم که مردم صدای آن را از دوردست می‌شنیدند.

۲۷۷. گزینه‌ی ۱

تَجَمُّع سؤال: اشتباه را در ساختن فعل معلوم مشخص کن.

ج نَكَسَبُ مضارع است و باید به صورت مضارع به معلوم تبدیل شود.

تَجَمُّع مجهول: به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها کسب می‌شود.

معلوم: گزینه‌ی ۱: به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها را کسب کردیم.

گزینه‌ی ۲: زن به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها را کسب می‌کند.

گزینه‌ی ۳: به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها را کسب می‌کنیم.

گزینه‌ی ۴: «مرد به اندازه‌ی رنج و زحمت بزرگی‌ها را کسب می‌کند.

۲۷۸. گزینه‌ی ۳

تَجَمُّع سؤال: گزینه‌ی صحیح را در معلوم [کردن جمله‌ی مجهول] مشخص کنید:

ج برای تبدیل فعل مجهول به معلوم، نائب فاعل را به مفعول‌به تبدیل می‌کنیم (آن را منصوب می‌کنیم) و فعل مجهول را به معلوم تبدیل می‌کنیم و با فاعل داده شده مطابقت می‌دهیم.

ضمیر «و» موجود در قُتِلُوا نائب فاعل است و باید به مفعول‌به تبدیل شود یعنی باید آن را به ضمیر نصبی - جری تبدیل کنیم (هم) (گزینه‌ی ۲ حذف) و در گزینه‌ی ۱ المشرکین فاعل است و باید مرفوع باشد (المشرکون)

در گزینه‌ی ۴ چون فاعل (الکفار) اسم ظاهر است پس فعل باید به صورت للغائب بیاید (قَتَلَهُمُ الْكُفَّارُ)

تَجَمُّع مجهول: کسانی که کشته شدند در راه خدا مرده نیستند.

معلوم: کسانی که مشرکان آن‌ها را کشتند. مرده نیستند.

۲۷۹. گزینه‌ی ۲

تَجَمُّع سؤال: در ساختن مجهول گزینه‌ی صحیح را مشخص کنید.

ج در گزینه‌ی ۱ دلیلی برای حذف «و» در کاناوا وجود ندارد.

در گزینه‌ی ۳ **مَسْؤُولِيَّة** مفعول‌به است و نائب فاعل می‌شود و **الْأُسْرَةَ** مضاف‌الیه آن است و نباید در مجهول جای آن‌ها عوض شود. هم‌چنین فعل جمله باید به صیغه‌ی للغائبه بیاید.

تَجَمُّع گزینه‌ی ۱: من بعضی اموال را برای فقیران سرزمینم انفاق می‌کنم.

گزینه‌ی ۲: برای کمک به همسایه‌ی محتاجت از اموالت انفاق کن.

گزینه‌ی ۳: بسیاری از اموال در ماه رمضان انفاق شد.

گزینه‌ی ۴: مؤمن بعضی از اموالش را به نیازمندان انفاق کرد.

۲۷۳. گزینه‌ی ۴

تَجَمُّع سؤال: اشتباه در فعل مجهول را پیدا کن.

ج **فَهَمَّتْ** ماضی است و باید به صورت ماضی به مجهول تبدیل شود و سپس با نائب فاعل (هذا) مطابقت داده شود (**فَهِمَّ**)

تَجَمُّع گزینه‌ی ۱: قرآن زندگی ما را تغییر داد. ← زندگی ما تغییر داده شد.

گزینه‌ی ۲: دشمنان به فرهنگ ما حمله می‌کنند. ← به فرهنگ ما حمله می‌شود.

گزینه‌ی ۳: آیا سخنم را باور می‌کنید؟ ← آیا سخنم باور می‌شود؟

گزینه‌ی ۴: آیا این درس را فهمیدی؟ ← آیا این درس فهمیده شد؟

۲۷۴. گزینه‌ی ۱

تَجَمُّع سؤال: فاعل را مشخص کن.

ج فعل‌های عبارت متعدی هستند ولی برای آن‌ها مفعول‌به نیامده است پس مجهول هستند و نائب فاعل دارند و فاعل وجود ندارد.

تَجَمُّع اسراری وجود دارد که برای دنیا قرار داده شده‌اند درک نمی‌شود مگر بعد از آن که خالقشان تسبیح شود.

۲۷۵. گزینه‌ی ۳

تَجَمُّع سؤال: مجهول را مشخص کنید.

ج در گزینه‌ها دنبال فعلی می‌گردیم که متعدی باشد و مفعول‌به برای آن نیامده باشد. (یعنی مفعول‌به آن به نائب فاعل تبدیل شده باشد) در گزینه‌ی ۱ **سَوَّأَ** و در گزینه‌ی ۲ **الصَّلَاةَ** و در گزینه‌ی ۳ **أَمْرٌ** و در گزینه‌ی ۴ **مَعْلَمَات** مفعول‌به هستند ولی در گزینه‌ی ۳ **حَتَّى يَرْحُمُوا** فعل متعدی است ولی برای آن مفعول‌به نیامده پس مجهول است.

تَجَمُّع گزینه‌ی ۱: سؤال سختی را در امتحان مشاهده نکردم.

گزینه‌ی ۲: نماز را در وقتش به پا می‌دارم.

گزینه‌ی ۳: مؤمنان مطیع فرمان خداوند هستند تا به آن‌ها رحم شود.

گزینه‌ی ۴: باید معلم‌هایمان را گرمی بداریم.

تَجَمُّع فقط فعل متعدی را می‌توان مجهول کرد.

۲۷۶. گزینه‌ی ۱

تَجَمُّع سؤال: خطا را در معلوم مشخص کنید.

ج برای ساختن جمله‌ی معلوم از جمله‌ی مجهول، نائب فاعل جمله‌ی مجهول به عنوان مفعول‌به منصوب می‌شود و اگر صفت داشته باشد آن را هم منصوب می‌کنیم و فعل جمله را به معلوم تبدیل می‌کنیم. باید به یاد داشته باشیم که فعل ماضی به صورت ماضی و فعل مضارع به صورت مضارع، معلوم یا مجهول می‌شود. پس **سَمِعْنَا** به عنوان فعل معلوم **يُسْمَعُ** نادرست است.

ح: فاعل جمله‌ی معلوم را حذف می‌کنیم (گزینه‌ی ۲ حذف) و مفعول آن را به عنوان نائب فاعل مرفوع (گزینه‌ی ۱ و ۳ حذف) و فعل جمله را مجهول کرده و با صیغه‌ی نائب فاعل مطابقت می‌دهیم (گزینه‌ی ۲ حذف).

ترجمه: معلوم: مهمانان مان را به زیبایی گرامی می‌داریم.

مجهول: مهمانان مان به زیبایی گرامی داشته می‌شوند.

پاسخ: اگر فاعل یا نائب فاعل اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) فعل به صورت اللغائب یا اللغائبه می‌آید.

۲۸۳. گزینه‌ی ۱

ترجمه: فعل معلوم را مجهول کنید.

ح: فاعل جمله‌ی معلوم را حذف می‌کنیم (گزینه‌ی ۳ حذف) و مفعول به جمله‌ی معلوم را نائب فاعل قرار داده و مرفوع می‌کنیم (گزینه‌ی ۲ حذف) و اگر صفت داشته باشد آن را هم مرفوع می‌کنیم (گزینه‌ی ۳ حذف) و فعل جمله را در زمان خودش مجهول می‌کنیم (یعنی فعل ماضی را به صورت ماضی و مضارع را به صورت مضارع مجهول می‌کنیم) (گزینه‌ی ۴ حذف) و با نائب فاعل مطابقت می‌دهیم

در سؤال التمارین جمع غیر عاقل است پس باید فعل به صورت مفرد مؤنث باشد.

ترجمه: معلوم: تمرین‌های جدید را در دفتر نوشتیم.

مجهول: تمرین‌های جدید در دفتر نوشته شدند.

پاسخ: اگر پس از صیغه‌ی اللغائبه ماضی، اسمی دارای ال بیاید آخر فعل کسره می‌گیرد تا راحت‌تر تلفظ شود. مثل کُتِبَتْ التمارین که در این صورت سکون ت به کسره تبدیل می‌شود. (کُتِبَتْ التمارین)

۲۸۴. گزینه‌ی ۱

ترجمه: فعل معلوم را مجهول کن.

ح: اول فاعل فعل‌های معلوم را حذف می‌کنیم (گزینه‌ی ۳ و ۴ حذف) مفعول به فعل‌های معلوم را به عنوان نائب فاعل، مرفوع می‌کنیم (گزینه‌ی ۲ حذف) و اگر نائب فاعل صفت داشته باشد صفتش هم مرفوع می‌شود (گزینه‌ی ۲ حذف)

فعل جمله را با نائب فاعل آن‌ها مطابقت می‌دهیم. در سؤال مدن و المصانع جمع غیر عاقل هستند پس فعل آن‌ها به صورت مفرد مؤنث می‌آید (گزینه‌ی ۲ و ۳ حذف).

ترجمه: دشمنان شهرهای بسیاری را نابود کردند و کارخانه‌ها را منهدم کردند.

گزینه‌ی ۱: شهرهای بسیاری نابود شدند و کارخانه‌ها منهدم شدند.

۲۸۵. گزینه‌ی ۳

ترجمه: در کدام گزینه نائب فاعل ضمیر مستتر است.

ح: باید برای پیدا کردن نائب فاعل دنبال فعل‌های مجهول بگردیم (در گزینه‌ی ۲ فعل امر است نه مجهول و فاعل دارد نه نائب فاعل)

در گزینه‌ی ۴ فعل مضارع معلوم است چون عین‌الفعول کسره گرفته و مفعول به برایش آمده است)

در گزینه‌ی ۱ نائب فاعل به صورت اسم ظاهر آمده (قوم).

در گزینه‌ی ۴ **يَغْفُو** در حالت مجهول باید به صورت **تَغْفَى** می‌آمد چون نائب فاعل **قُلُوب** جمع غیر عاقل (در حکم مفرد مؤنث) است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: خداوند بندگانش را می‌بخشد اگر در راهش باشند. ← بندگانش اگر در راهش (صراطش) باشند بخشیده می‌شوند.

گزینه‌ی ۲: پیامبر محبوب ماست در سختی‌ها به هدایتش امیدواریم. ← پیامبر محبوب ماست در سختی‌ها هدایتش مورد امید است.

گزینه‌ی ۳: خانواده‌ام مسئولیت خانواده را بر عهده‌ام گذاشتند. ← مسئولیت خانواده بر عهده‌ام گذاشته شد.

گزینه‌ی ۴: امید است خداوند قلب‌های گناهکار ما را ببخشد. ← امید است قلب‌های گناهکار ما بخشیده شوند.

پاسخ: با حذف شدن فاعل جمله‌ی معلوم صفت و مضاف‌الیه آن هم حذف می‌شوند.

۲۸۰. گزینه‌ی ۱

ترجمه: مورد درست را در ساختن فعل مجهول مشخص کن.

ح: برای مجهول کردن، فاعل جمله‌ی معلوم حذف می‌شود (گزینه‌ی ۴ حذف، **الله** فاعل جمله‌ی معلوم حذف نشده است) و مفعول به به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود (گزینه‌های ۲ و ۳ حذف می‌شوند چون نائب فاعل مرفوع نشده است).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: مادر فرزند صالحی را متولد می‌کند. ← فرزند صالحی متولد می‌شود.

گزینه‌ی ۲: منافق دینش را به قیمت ناچیزی فروخت. ← به قیمت ناچیزی دینش فروخته شد.

گزینه‌ی ۳: کودک طعم ایمان را چشید. ← طعم ایمان چشیده شد.

گزینه‌ی ۴: خداوند نعمت‌های بسیاری را به شما روزی داد. ← نعمت‌های بسیاری به شما روزی داده شد.

پاسخ: اگر فعل دو مفعولی مجهول شود فقط مفعول به اول به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود.

پاسخ: مجهول فعل‌های اجوف (قَالَ، بَاعَ، ذَاقَ و...) بر وزن فَعِلَ (قِيلَ، بِنِعَ، ذُبِقَ و...) می‌آید.

۲۸۱. گزینه‌ی ۴

ترجمه: مورد درست را در ساختن فعل مجهول مشخص کن.

ح: فاعل جمله‌ی معلوم را حذف می‌کنیم (گزینه‌ی ۲ حذف) و مفعول به جمله معلوم را به عنوان نائب فاعل، مرفوع می‌کنیم و اگر صفت داشته باشد آن را هم مرفوع می‌کنیم (گزینه‌ی ۱ و ۳ حذف) و فعل جمله را مجهول کرده و با صیغه‌ی نائب فاعل مطابقت می‌دهیم.

ترجمه: معلوم: اموال زیادی را در راه خدا انفاق کردیم.

مجهول: اموال زیادی در راه خدا انفاق شد.

۲۸۲. گزینه‌ی ۴

ترجمه: فعل معلوم را مجهول کنید.

تجملہ گزینه‌ی ۱: قومت از تاریکی‌ها بیرون برده شدند.

گزینه‌ی ۲: از میدان بازی خارج شو.

گزینه‌ی ۳: از میدان بازی اخراج می‌شوی.

گزینه‌ی ۴: قومت را از تاریکی‌ها بیرون می‌بری.

تجملہ برای مجهول کردن فعل مضارع، حرف مضارعة را مضموم و حرف ما قبل آخر (عین‌الفعل) را مفتوح می‌کنیم. و برای مجهول کردن فعل ماضی، عین‌الفعل را مکسور و حروف متحرک ما قبل را مضموم می‌کنیم.

۲۸۶. گزینه‌ی ۲

تجملہ نائب فاعلی را که با بقیه متفاوت است مشخص کن.

جواب در گزینه‌ی ۲ «خُلِقْتُ» فعل مجهول و نائب فاعلش ضمیر مستتر هی است. ولی در سایر گزینه‌ها نائب فاعل اسم ظاهر است.

در گزینه‌ی ۱ «ذَكَرَ»، در گزینه‌ی ۳ «أَب» و در گزینه‌ی ۴ «شخصیة» نائب فاعل هستند.

تجملہ گزینه‌ی ۱: یاد شهدا فراموش نمی‌شود.

گزینه‌ی ۲: به زمین نگاه کن که چگونه خلق شده است؟

گزینه‌ی ۳: پدرم در میدان نبرد شهید شد.

گزینه‌ی ۴: در مراسم، یک شخصیت بزرگ گرامی داشته می‌شود.

۲۸۷. گزینه‌ی ۱

تجملہ چند اشتباه در جملات زیر وجود دارد؟

جواب «المعلمین» به عنوان نائب فاعل بایستی مرفوع باشد و رفع جمع مذکر سالم با اعراب فرعی «و» است: «المعلمون»

تجملہ گزینه‌ی ۱: هنگامی که معلمان، بزرگ داشته می‌شوند دانش و اخلاق والا می‌شود.

گزینه‌ی ۲: آفریده شدم تا به راه راست هدایت شوم

گزینه‌ی ۳: بعضی از مردم کسانی هستند که هنگام سختی‌ها یاری می‌شوند و کسی را یاری نمی‌کنند.

گزینه‌ی ۴: بدون شک گناهان بعد از دوری از آنها بخشوده می‌شوند، اگر دور شدن واقعی باشد.

۲۸۸. گزینه‌ی ۳

تجملہ چند اشتباه در جملات زیر وجود دارد؟

جواب در گزینه‌ی ۱ «تُحَصَّدُ» با «الزرع» از لحاظ جنس مطابقت ندارد و درست آن «يُحَصَّدُ» است. در گزینه‌ی ۲ فعل «بشَّرت» زمان ماضی است و باید به صورت ماضی، مجهول شود. در گزینه‌ی ۳ «الفلاحین» که نائب فاعل است باید به صورت مرفوع (الفلاحون) بیاید.

تجملہ گزینه‌ی ۱: کشاورزان محصول را در موعدش درو می‌کنند — محصول در موعدش درو می‌شود.

گزینه‌ی ۲: معلم‌ها دانش‌آموزان را به پیروزی‌شان مژده دادند — دانش‌آموزان به پیروزی‌شان مژده داده شدند.

گزینه‌ی ۳: باران، کشاورزان را به کار زیاد تشویق می‌کند — کشاورزان به کار زیاد تشویق می‌شوند.

گزینه‌ی ۴: خداوند بدی‌ها را با خوبی‌ها از بین می‌برد اگر به آنها عمل کنیم

— بدی‌ها به خوبی‌ها از بین می‌رود اگر به آنها عمل کنیم

۲۸۹. گزینه‌ی ۴

تجملہ در فعل مبنی بر مجهول اشتباه را مشخص کن.

جواب در گزینه‌ی ۴ «الایمان» که فاعل است بایستی حذف شود، نه «درجات العباد» که مفعول به و مضاف‌الیه هستند.

تجملہ گزینه‌ی ۱: دختر در غیاب مادر، از کودک خردسال مراقبت می‌کند — کودک خردسال در غیاب مادر، مراقبت می‌شود

گزینه‌ی ۲: مؤمن در همه وقت درماندگان را گرامی می‌دارد — درماندگان در همه وقت گرامی داشته می‌شوند

گزینه‌ی ۳: این خانم به صاحبان مراسم کمک می‌کند — صاحبان مراسم یاری می‌شوند.

گزینه‌ی ۴: ایمان، مقام‌های بندگان را در زندگی‌شان بالا می‌برد — مقام‌های بندگان در زندگی‌شان بالا برده می‌شود (با اصلاح تست)

۲۹۰. گزینه‌ی ۲

تجملہ فعلی را که امکان دارد مجهول یا معلوم باشد مشخص کن.

جواب «تبطل» چون در ابتدای جمله آمده می‌تواند به دو صورت خوانده شود: «تُبْطَلُ» (باطل می‌شود) به صورت مجهول؛ «تُطْبَلُ» (باطل می‌کنی) به صورت معلوم و صیغه‌ی للمخاطب.

در گزینه‌ی ۱ «تُخْبِرُ» فعل معلوم، در گزینه‌ی ۳ «يُرْزَقُونَ» مجهول و در گزینه‌ی ۴ «تُحَدِّثُ» معلوم است.

تجملہ گزینه‌ی ۱: بعضی از آیات در مورد حرکت زمین خبر می‌دهند.

گزینه‌ی ۲: صدقه‌ها را با منت نهادن و اذیت کردن باطل می‌کنی (معلوم).

صدقه‌ها با منت نهادن و اذیت کردن باطل می‌شوند (مجهول)

گزینه‌ی ۳: شهدا نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند

گزینه‌ی ۴: قطرات کوچک آب روزنه‌ای در سنگ ایجاد می‌کند.

۲۹۱. گزینه‌ی ۴

تجملہ «کثیراً» را که ممکن است به نائب فاعل تبدیل شود مشخص کن.

جواب سؤال بدین معنی است که در کدام گزینه «کثیراً» مفعول به واقع شده است.

در گزینه‌ی ۴ «نقراً» فعل متعدی و ضمیر مستتر نحن فاعل آن است، پس در نتیجه «کثیراً» مفعول به است.

در گزینه‌ی ۱ «کثیراً» اسم آن و منصوب است. در گزینه‌ی ۲ «کثیراً» خبر أصبح و منصوب است. در گزینه‌ی ۳ صفت و منصوب به تبعیت از میلاً است که اسم آن می‌باشد.

تجملہ گزینه‌ی ۱: در کتاب‌ها می‌خوانیم که بسیاری از دانشمندان مسلمان نیروی جاذبه را درک می‌کردند.

گزینه‌ی ۲: آنچه از درس‌ها خوانده‌ایم پر حجم شده‌اند پس حفظ کردنشان بر ما مشکل می‌شود.

گزینه‌ی ۳: انسان میل زیادی برای جاودانگی و ماندگاری و آوازه دارد.

گزینه‌ی ۴: بسیاری از کتاب‌های دانشمندان را می‌خوانیم ولی در آنها تأمل نمی‌کنیم.

۲۹۲. گزینه‌ی ۳

تجزیه سؤال: در کدام گزینه، مفعول به بیشتری وجود دارد؟

جواب: «جَعَلَ» از افعالی است که دو مفعول می‌گیرند، یکی از مفعول‌ها به صورت مستقیم و توسط «را» ترجمه می‌شود و مفعول دیگر به صورت متمم. برای بررسی سایر گزینه‌ها به قسمت ترکیب مراجعه کنید.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: دستگاه زوجیت، دنیای گیاهان را نیز شامل می‌شود

گزینه‌ی ۲: معلم از درس جدید از من سؤال کرد

گزینه‌ی ۳: رنگ‌های زیبای آسمان، آسمان را زیبا می‌گرداند.

گزینه‌ی ۴: آرزویم این است که سرانجام به هدفم برسم

۲۹۳. گزینه‌ی ۳

تجزیه سؤال: کدام گزینه به مجهول تبدیل نمی‌شود؟

جواب: معنی سؤال این است در کدام گزینه فعل متعدی وجود ندارد.

در گزینه‌ی ۳ «تَقَدَّمَ» و «فَرَّ» لازم هستند و به مجهول تبدیل نمی‌شوند (تَقَدَّمَ مفعول مطلق نوعی و خائفین حال است؛ در بحث منصوبات حال و مفعول مطلق مطرح می‌شود)

در گزینه‌ی ۱ «مظلوماً» مفعول به، «طریقاً» مفعول به می‌باشند.

در گزینه‌ی ۲ «ک» در «أخبرک» و ضمیر «ی» در «تسألنی» مفعول به هستند.

در گزینه‌ی ۴ «الرمیضاء» و «المشرك» مفعول به هستند.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: هرگاه ستم‌دیده‌ی ضعیفی را دیدی، در کنارش راهی برای دفع ستم می‌یابی.

گزینه‌ی ۲: چرا من تو را از چیزی باخبر می‌کنم و تو از چیز دیگری از من سؤال می‌کنی؟

گزینه‌ی ۳: هرجا مسلمانان در جنگ به سرعت پیشروی کردند، مشرکان با ترس فرار کردند.

گزینه‌ی ۴: پیامبر رمیضاء را قطعاً ستایش کرد، بعد از اینکه [رمیضاء] با خنجرش، مشرک را کشت

۲۹۴. گزینه‌ی ۳

تجزیه سؤال: فاعل و مفعول را به صورت ضمیر مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۳ «يُحِبُّونَهُمْ» هم دارای فاعل «و» و هم مفعول «هُمْ» به صورت ضمیر است.

در گزینه‌ی ۱ در «اجلست» فاعل به صورت ضمیر مستتر «هی» و مفعول به صورت اسم «اخ» می‌باشد.

در گزینه‌ی ۲ فاعل به صورت اسم ظاهر «الله» و مفعول به صورت ضمیر «ها» در «يحبها» می‌باشد

در گزینه‌ی ۴ فاعل به صورت ضمیر بارز «نا» در «اكرمنا» و مفعول به صورت اسم ظاهر «أب» می‌باشد.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: مادرم برادر کوچکم را نزد خودش نشان

گزینه‌ی ۲: دست کشاورز دستی است که خدا و پیامبرش آن را دوست دارند

گزینه‌ی ۳: دانش‌آموزان کلاس ما تلاشگر هستند و معلمان آنها را دوست

دارند

گزینه‌ی ۴: ما پدرانمان را در همه حال گرمی داشتیم.

۲۹۵. گزینه‌ی ۴

تجزیه سؤال: فاعلی را مشخص کن که به صورت اسم ممنوع من الصرف است؟

جواب: «مریم» فاعل برای «نَجَحَتْ» از اسماء غیر منصرف است.

در گزینه‌ی ۱ «اکثر» خبر کان است.

در گزینه‌ی ۲ «مصادر» مفعول به و منصوب است.

در گزینه‌ی ۳ «الرسائل» مبتدا و «ابراهیم» مضاف‌الیه است.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: برادرم با اعتماد به نفس‌ترین دانش‌آموزان بود

گزینه‌ی ۲: در روزنامه‌ها، منابع زیادی پیرامون تحقیقات علمی‌ام پیدا کردم

گزینه‌ی ۳: نامه‌های بی‌شماری در هفته گذشته به دست ابراهیم رسید.

گزینه‌ی ۴: مریم در مسابقه قرائت قرآن که در مدرسه برگزار شد، موفق شد.

۲۹۶. گزینه‌ی ۲

تجزیه سؤال: فاعل را مشخص کن.

جواب: «یرسل» فعل، فاعلش ضمیر مستتر «هو» / یتبع: فعل، فاعلش عدد / یعرض: فعل، فاعلش بعض

تجزیه: قطعاً خداوند پیامبران را برای هدایت انسان می‌فرستند پس تعداد زیادی از مردم از آنها پیروی می‌کنند و بعضی دیگر روی برمی‌گردانند.

۲۹۷. گزینه‌ی ۴

تجزیه سؤال: مشخص کن جوابی که اگر مجهول شود، فعلش به ضمیر نسبت داده شود؟

جواب: معنی سؤال این است که نایب فاعل کدام گزینه پس از مجهول شدن، به صورت ضمیر می‌آید و به عبارتی دیگر در کدام گزینه ضمیر مفعولی وجود دارد؟ (چون در مجهول کردن جملات، ضمیر مفعولی به ضمیر نایب فاعلی تبدیل می‌شود).

در گزینه‌ی ۱، «یفلحون» لازم است پس مجهول نمی‌شود و نایب فاعلی در کار نیست.

در گزینه‌ی ۲ «صف» مفعول به است و به نایب فاعل (اسم ظاهر) تبدیل می‌شود.

در گزینه‌ی ۳ فعل «یدافع» مفعول به ندارد به این خاطر مجهول نمی‌شود.

در گزینه‌ی ۴ ضمیر «ی» در «عائینی» مفعول به است و در هنگام مجهول شدن، به ضمیر «ت» تبدیل می‌شود. (عَوَيْتُ بِالْفِضْلِ وَالْإِحْسَانِ).

نکته: هرگاه ماضی باب مفاعله به مجهول تبدیل شود، الف زائد به «او» تبدیل می‌شود.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: مؤمنان رستگار می‌شوند زیرا در نمازشان فروتن هستند.

گزینه‌ی ۲: دانش‌آموزان کلاسشان را به مناسب جشن آراستند

گزینه‌ی ۳: رزمندگان، در جنگ از وطنشان دفاع می‌کنند

گزینه‌ی ۴: خداوند با فضل و احسان نسبت به من، مرا سرزنش کرد. (بر من منت نهاد)

۲۹۸. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: اشتباهات را اصلاح کن.

جواب: فعل در ابتدای جمله، به صورت مفرد می‌آید هرچند فاعلش مثنی یا جمع باشد. **يُكْرَمُونَ** ← **يُكْرَمُ**
اما در وسط جمله باید با فاعلش مطابقت داشته باشد: **يَحِبُّ** ← **يَحِبُّونَ**
مرجع ضمیر «هي» کلمه «الصقر» می‌باشد که مذکر است: **هي** ← **هو**
«يَصِيدُ» فعل اجوف است و در زمان مضارع دارای اعلال به قلب است: **يَصِيدُ**
ترجمه: مردم شاهین را گرمی می‌دارند زیرا آنها شکار را دوست دارند و او [شاهین] به آسانی برایشان شکار می‌کند.

۲۹۹. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: گزینه‌ی [مورد] مجهول مشخص کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۱ صفت **النعم** باید مرفوع باشد (**السماویة**)

در گزینه‌ی ۳ فعل با نائب فاعل مطابقت ندارد (**انزلت**)
در گزینه‌ی ۴ اولاً فعل با نائب فاعل مطابقت ندارد ثانیاً نائب فاعل و صفتش مرفوع نشده است.

ترجمه: معلوم: **الله** برای ما نعمت‌های آسمانی نازل کرد.

ترجمه‌ی مجهول: نعمت‌های آسمانی برای ما نازل شد.

۳۰۰. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: فعل مجهول را مشخص کن.

جواب: در سایر گزینه‌ها **المساکین**، **الامتحان** و **الناجحات** مفعول‌به هستند پس فعل آن‌ها مجهول نشده است؛ **يُمْكِنُ** و **جاءت** لازم هستند و مجهول نمی‌شوند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: ایشان فقیران را به خاطر ایمان به الله کمک می‌کنند.
گزینه‌ی ۲: همه‌ی مردم برای شرکت در جهاد خیر شدند.
گزینه‌ی ۳: برای ما ممکن نیست که امتحان را به روز دیگری محول کنیم (بیندازیم).

گزینه‌ی ۴: دانش‌آموزان آمدند تا به پیروزان در مسابقه (برندگان مسابقه) تبریک بگویند.

۳۰۱. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: عبارت زیر را مجهول قرار بده (مجهول کن).

جواب: در گزینه‌ی ۱ **يُكْرَمُ** مجهول نیست چون عین الفعل مکسور است و **يُحْتَرَمُ** با نائب فاعلش مطابقت ندارد (**تُحْتَرَمُ** درست است).

در گزینه‌ی ۳ جای **الآباء** عوض شده و جمله به اسمیه تبدیل شده است
در گزینه‌ی ۴ **تُكْرَمُ** مؤنث است ولی نائب فاعل مذکر است (**يُكْرَمُ** درست است).

ترجمه: معلوم: فرزندان پدران را گرمی می‌دارند و به مادران احترام می‌گذارند.

مجهول: پدران گرمی داشته می‌شوند و مادران احترام می‌شوند.

۳۰۲. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: جوابی که در آن نائب فاعل نیامده را مشخص کنید.

جواب: فعل‌های موجود در همه‌ی گزینه‌ها مجهول هستند غیر از **بَغَتْ** که **انبیاء** مفعول‌به آن است و معلوم است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: کسانی را که در راه الله کشته شدند، مرده پندار.

گزینه‌ی ۲: برای جمع مال فرستاده نشدیم و فقط برای انفاق آن فرستاده شدیم.

گزینه‌ی ۳: **الله** انبیا را برای هدایت بشر برانگیخت.

گزینه‌ی ۴: دوست وفادار هنگام سختی‌ها شناخته می‌شود.

۳۰۳. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: مورد درست را در ساختن فعل مجهول مشخص کن.

جواب: اگر مفعول ضمیر باشد برای ساختن مجهول فعل را به صیغه‌ی همان ضمیر می‌بریم و مجهول می‌کنیم.

در گزینه‌ی ۲ **ك** در **ضَرَبَ ك** به **ت** در **ضُرِبْتَ** تبدیل می‌شود.

در گزینه‌ی ۳ **الفقراء** به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود و فعل آن به صورت اللغائب می‌آید و مجهول می‌شود؛ چون اگر فاعل یا نائب فاعل اسم ظاهر باشد فعل به صورت اللغائب یا اللغائبه می‌آید. (**نُصِرَ الفقراء**) در گزینه ۴ فعل باید به صیغه‌ی اللغائب بیاید (**يُحْتَرَمُ المعلم**).

۳۰۴. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: فعلی را که ساختن مجهول از آن امکان دارد مشخص کن.

جواب: باید به دنبال فعل متعدی بگردیم که در گزینه‌ی ۱ **رأت** فعل متعدی است و **عقداً** مفعول‌به آن است. در گزینه‌ی ۲ و ۳ و ۴ فقط افعال ناقصه وجود دارد که مجهول نمی‌شوند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: مادرم در گردنم گردنبندی نقره‌ای را دید.

گزینه‌ی ۲: برای تلاشم در درس‌ها، دانش‌آموز نمونه شدم.

گزینه‌ی ۳: در کمک به فقیران هیچ وقت کم کار نبوده‌ام (کوتاهی نکرده‌ام).

گزینه‌ی ۴: آیا قبل از سخن پیرامون کارت فکر نکردی؟

۳۰۵. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: عبارت زیر را مجهول قرار بده (مجهول کن).

جواب: اگر فعلی دو مفعول‌به داشته باشد مفعول‌به اول به عنوان نائب فاعل مرفوع می‌شود پس باید «**العباد**» به عنوان نائب فاعل مرفوع شود.

ترجمه: معلوم: خداوند به بندگان نعمت‌های بسیاری را روزی می‌دهد.

مجهول: به بندگان نعمت‌های بسیاری روزی داده می‌شوند.

۳۰۶. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: مورد درست را در ساختن فعل مجهول مشخص کن.

جواب: باید **المقاتلین** و **التضحيات** به عنوان نائب فاعل مرفوع شوند (**المقاتلون** و **التضحيات**)، سپس فعل با آن‌ها مطابقت داده شود و مجهول گردد (**يُحْتَرَمُ** و **تُكْرَمُ**)

ترجمه: معلوم: فرزندان ملت به رزمندگان احترام می‌گذارند و فداکاری‌ها را گرمی می‌دارند.

مجهول: رزمندگان احترام می‌شوند و فداکاری‌ها گرمی داشته می‌شود.

جملة اسمیه و نواسخ

۳۰۷. گزینه‌ی ۳

تجزیه سؤال: گزینه‌ی درست را برای جالی خالی انتخاب کن به نحوی که جمله‌ی فعلیه خبر واقع شود.

جواب: منظور سؤال اینه: کلمه‌ای که در جای خالی قرار می‌گیرد نباید خبر واقع شود و می‌دانیم که اگر کلمه پس از اسم اشاره به شیء بدون ال باشد خبر محسوب می‌شود و اگر دارای ال باشد، مشارالیه و تابع اسم اشاره است. هؤلاء معلّمت یُؤدبن: هؤلاء: مبتدا/ معلّمت: خبر/ یُؤدبن: جمله‌ی وصفیه هؤلاء المعلّمت یُؤدبن: هؤلاء: مبتدا/ المعلّمت: تابع هؤلاء (صفت)/ یُؤدبن: خبر هؤلاء هُنَّ اللاتی یُؤدبن: هؤلاء: مبتدا/ هُنَّ: ضمیر فصل/ اللاتی: خبر/ یُؤدبن: صله‌ی موصول

هؤلاء مَن یُؤدبن: هؤلاء: مبتدا/ مَن: خبر/ یُؤدبن: صله‌ی موصول

تجزیه عبارت: این مادران، کودکان را ادب می‌کنند درحالی که کوچک هستند.

تجزیه عبارت هؤلاء: مبتدا و محلاً مرفوع/ الأمّهات: تابع و مرفوع به تبعیت/ یُؤدبن: خبر جمله‌ی فعلیه و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر بارز «ن»/ الأولاد: مفعول به و منصوب/ صغارا: حال برای اولاد و منصوب

۳۰۸. گزینه‌ی ۲

تجزیه سؤال: کدام گزینه در مورد مبتدا و خبر اشتباه است

جواب: گزینه‌ی ۱: زیاره: مبتدا / اُمّیّة: خبر

گزینه‌ی ۲: العلماء: مبتدا و مرفوع/ مصباح: خبر و مرفوع. مبتدا و خبر باید از لحاظ جنس و عدد با هم مطابقت داشته باشند. لذا مصباح از لحاظ عدد با العلماء مطابقت ندارد و مصابیح درست است.

گزینه‌ی ۳: شرّ: مبتدا/ مَن: خبر

گزینه‌ی ۴: نحن: مبتدا/ عاملات: خبر

با هم روراست باشیم: از روی ناچاری، گزینه‌ی ۲ را انتخاب می‌کنیم چون قانون اصلی اینه که اگر خبر، مشتق وصفی باشد حتماً با مبتدا مطابقت کند در غیر این صورت، مطابقت اجباری نیست؛ مصباح اسم آله است و جزو مشتق‌های وصفی نیست پس می‌تواند به صورت مفرد هم بیاید (مطابقتش ضروری نیست)، عالمان چراغی هستند که ما را هدایت می‌کند؛ یا: عالمان چراغ‌هایی هستند که ما را هدایت می‌کنند.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: زیارت کعبه‌ی مکرمه آرزوی ما در هر (ماه) ذی‌الحجه است.

گزینه‌ی ۲: دانشمندان چراغ‌هایی هستند که ما را به آنچه که استوارتر است هدایت می‌کنند.

گزینه‌ی ۳: بدترین دوستان کسانی هستند که فقط در آشکار ما را یاری می‌دهند.

گزینه‌ی ۴: ما به آنچه که می‌فهمیم و درک می‌کنیم، عمل می‌کنیم.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: زیارة: مبتدا و مرفوع/ الکعبة: مضاف‌الیه و مجرور/ المکرمة:

صفت و مجرور/ اُمّیّة: خبر و مرفوع/ نا: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ فی کلّ: جار و مجرور/ ذی: مضاف‌الیه و مجرور با «ی»/ حجة: مضاف‌الیه و مجرور

گزینه‌ی ۲: العلماء: مبتدا و مرفوع/ مصباح: خبر و مرفوع/ یهدی: جمله‌ی فعلیه وصفیه، فاعلش ضمیر مستتر هو/ نا: مفعول به و محلاً منصوب/ للتی: جار و محلاً مجرور/ هی: مبتدا و محلاً مرفوع/ اقوم: خبر و مرفوع

گزینه‌ی ۳: شرّ: مبتدا و مرفوع/ الاصدقاء: مضاف‌الیه و مجرور/ من: خبر و محلاً مرفوع/ ینصروننا: جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول/ ینصرون: فعل، فاعلش ضمیر بارز «و»/ ن: حرف وقایه/ نا: مفعول به و محلاً منصوب/ فی الظاهر: جار و مجرور/ فقط: ف: حرف زائد و برای تزیین لفظ قط: اسم فعل مضارع و فاعلش ضمیر مستتر.

گزینه‌ی ۴: نحن: مبتدا و محلاً مرفوع/ عاملات: خبر و مرفوع/ بما: جار و محلاً مجرور/ نفهم: جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول، فاعلش ضمیر مستتر نحن/ و: حرف عطف/ ندرک: معطوف، فاعلش ضمیر مستتر نحن

۳۰۹. گزینه‌ی ۲

تجزیه سؤال: اسم نواسخی که اعرابش فرعی است را مشخص کن.

جواب: «قَرْتان» اسم مؤخر برای «یکون» و مرفوع با «الف» در «ان» می‌باشد. در گزینه‌ی ۱ و ۳ خبر از نوع جمله و اعرابشان محلی است و در گزینه‌ی ۴ «أفة» خبر برای «ان» و اعرابش ظاهری اصلی است.

تجزیه عبارت: در موارد زیر خبر می‌تواند مقدم شود:

۱. خبر، جار و مجرور باشد: فی نهر اسماکُ جمیلةً

۲. خبر، مفعول فیه باشد: هناک نباتاتٌ کثیرة

۳. خبر، اسم استفهام باشد (هرگاه در جواب اسم استفهام، خبر بیاید اسم استفهام، خبر محسوب می‌شود؛ به عبارتی دیگر اسامی استفهام، نقش جواب را می‌پذیرند)

مَن أنت؟ مَن خبر مقدم است چون در جواب آن، خبر می‌آید مثلاً در جواب این سؤال می‌گوییم: أنا تلمیذٌ. تلمیذٌ: خبر و مرفوع است.

استدلال: خبر، به شرطی مقدم است که شبه جمله یا اسم استفهام باشد و در ضمن حتماً باید اسمی داشته باشیم که بتواند به مبتدای مؤخر تبدیل شود.

نتیجه: در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ شبه جمله وجود دارد و پس از آن‌ها نیز اسمی آمده است که بتواند مبتدای مؤخر واقع شود ولی در گزینه‌ی ۴ پس از جار و مجرورهای «بالنسبة» و «للطلاب» هیچ اسمی نیامده که بتواند مبتدای مؤخر واقع شود در نتیجه جار و مجرورها نیز خبر مقدم نیستند.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: مادرم همیشه در سخنش نرمی نشان می‌دهد، بنابراین مهربانی، ویژگی همیشگی‌اش شده است.

گزینه‌ی ۲: از گاو وحشی می‌ترسم چون دو شاخ دارد ولی عقل ندارد.

گزینه‌ی ۳: تشنه، آب را، هرچند اندک باشد، آرزو می‌کند زمانی که تشنگی بر او شدید شود.

گزینه‌ی ۴: ما باید دانشمان را با جدّیت حفظ کنیم، زیرا فراموشی، آفت دانش است.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: ان: از حروف مشبّهة/ أم: اسم و تقدیراً منصوب/ ی: مضاف‌الیه و

محلاً مجرور/ تعطف: خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر مستتر هی/ فی کلام: جار و مجرور/ ها: مضاف‌الیه و محلاً مجرور/ دانماً: مفعول فیه و منصوب/ ف:

۳۱۱. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: خبری را که مقدم نیست مشخص کن.

کلمه: در گزینه‌ی ۳ «بطلة» خبر است. برای بقیه موارد، به قسمت ترکیب مراجعه فرمایید.

کلمه: به شرطی خبر افعال ناقصه می‌تواند مقدم شود که افعال ناقصه صیغه‌ی اللغائب یا اللغائب باشند. در گزینه‌ی ۳ تصبیحین للمخاطبة است پس نمی‌تواند خبر آن مقدم و اسم آن مؤخر باشد.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: اوراق امتحانی دانش‌آموزان نزد معلم نیست.

گزینه‌ی ۲: در دست مادر نیست آنچه فرزند کوچکش می‌خواهد

گزینه‌ی ۳: در شهر خودت قهرمانی مشهور خواهی شد.

گزینه‌ی ۴: این تنبل در انجام تکالیفش تلاش زیادی نداشت.

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **لیست:** از افعال ناقصه / **عند:** مفعول فیه و منصوب؛ خبر مقدم و محلاً منصوب / **المعلم:** مضاف‌الیه و مجرور / **اوراق:** اسم مؤخر و مرفوع / **امتحان:**

مضاف‌الیه و مجرور / **التلاميذ:** مضاف‌الیه و مجرور

گزینه‌ی ۲: **لم:** ادات جازمه / **يكن:** از افعال ناقصه / **في يد:** جار و مجرور، خبر مقدم و محلاً منصوب / **الأم:** مضاف‌الیه و مجرور / **ما:** اسم مؤخر و محلاً مرفوع / **يريد:** جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول / **ولد:** فاعل و مرفوع / **ها:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **الصغير:** صفت و مرفوع به تبعیت

گزینه‌ی ۳: **س:** حرف استقبال / **تصبحين:** از افعال ناقصه، اسمش ضمیر بارز «ی» / **في بلد:** جار و مجرور / **ك:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **بطلة:** خبر و منصوب / **شهيره:** صفت و منصوب

گزینه‌ی ۴: **ما:** حرف نفی / **كانت:** از افعال ناقصه / **لهذا:** جار و محلاً مجرور؛ خبر مقدم و محلاً منصوب / **الكسول:** صفت و مجرور به تبعیت / **محاولة:** اسم مؤخر و مرفوع / **كثيرة:** صفت و مرفوع / **في اداء:** جار و مجرور / **واجبات:** مضاف‌الیه و مجرور / **ه:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور

۳۱۲. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: اشتباه در مورد نوع «لا» را مشخص کن.

کلمه: در گزینه‌ی ۴ نوع لا، ناهیه است. چون «و» از آخر «ترجُو» حذف شده است پس یعنی مجزوم است در نتیجه «لا» باید عامل جزم (نهی) باشد.

یادآوری: برای مجزوم کردن صیغه‌های بدون ضمیر فعل ناقص، حرف عله حذف می‌شود. ترجُو ← لم ترجُ

فعل ناقص فعلی است که آخرین حرف اصلی آن، «و» یا «ی» باشد.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: این قانونی است که خداوند آن را قرار داده است مبنی بر اینکه هیچ پیشرفتی همراه با جهل وجود ندارد.

گزینه‌ی ۲: خیر را فقط از زحمت دستمان و لطف پروردگاران توقع داریم.

گزینه‌ی ۳: ملت تنبل، پیشرفت و پیروزی را نباید بخواهد.

گزینه‌ی ۴: خیر را از کسی که خودش را کوچک کند و آن را خوار شمارد، امید نداشته باش.

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **هذه:** مبتدا و محلاً مرفوع / **سنة:** خبر و محلاً مرفوع / **قد:** حرف / **جعل:** جمله‌ی وصفیه و محلاً مرفوع / **ها:** مفعول به و محلاً منصوب / **الله:** فاعل و مرفوع / **ب:** حرف جر / **ان:** از حروف مشبیه / **ه:** اسم و محلاً منصوب / **لا:** لای نفی جنس / **تقدم:** اسم لا و محلاً منصوب / **مع:** خبر (شبه جمله) و محلاً مرفوع؛ مع خودش

حرف / **اصبح:** از افعال ناقصه / **الحنان:** اسم و مرفوع بالضمه / **صفة:** خبر و منصوب / **ها:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **الدائمة:** صفت و منصوب به تبعیت از «صفة»

گزینه‌ی ۲: **اخاف:** فعل، فاعلش ضمیر مستتر انا / **من البقر:** جار و مجرور / **الوحشي:** صفت و مجرور / **ف:** حرف / **يكون:** از افعال ناقصه / **له:** جار و مجرور، خبر مقدم و محلاً

منصوب، / **قرنان:** اسم مؤخر یكون و مرفوع با «ان» در «ان» / **و:** حرف / **لكن:** حرف / **ليس:** از افعال ناقصه / **له:** جار و مجرور، خبر مقدم و محلاً منصوب / **عقل:** اسم لیس و مرفوع

گزینه‌ی ۳: **ان:** از حروف مشبیه / **العطشان:** اسم و منصوب بالفتحة / **یتمنی:** خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر مستتر هو / **الماء:** مفعول به و منصوب / **ولو:** حرف /

قلیلاً: خبر و منصوب برای فعل محذوف «کان» / **حين:** مفعول فیه و منصوب / **یشتد:** فعل / **علیه:** جار و محلاً مجرور / **العطش:** فاعل و مرفوع

گزینه‌ی ۴: **علینا:** جار و محلاً مجرور / **ان نحافظ:** فعل مضارع منصوب، فاعلش ضمیر مستتر نحن / **علی علم:** جار و مجرور / **نا:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **بجد:** جار و مجرور /

ل: حرف / **ان:** از حروف مشبیه / **النسیان:** اسم و منصوب / **أفة:** خبر و مرفوع / **للعلم:** جار و مجرور

۳۱۰. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: خبر نواسخی را که نوعش فرق می‌کند، مشخص کن.

کلمه: در گزینه‌ی ۴ خبر به صورت شبه جمله (من الملائكة) و جمله فعلیه (یشتبه) آمده است. در بقیه گزینه‌ها خبر به صورت مفرد است.

ترجمه سؤال: شاید فکر کنید در گزینه‌ی ۲ «یخرج» خبر است، نه چنانچه، دقت بفرمایید اگر پس از ضمیری که اسم حروف مشبیه بالفعل واقع شده باشد اسمی بیاید آن اسم، خبر است پس «مصبح» خبر است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: هنگام سختی‌ها نرم باش، مقاوم خواهی شد.

گزینه‌ی ۲: گویی که او چراغی در راه است که انسان را از نادانی خارج می‌کند.

گزینه‌ی ۳: خوردن و آشامیدن پیامبر جدا از آنچه ما می‌خوریم و می‌نوشیم نبود.

گزینه‌ی ۴: معلم از فرشته‌ها نیست؛ پس همچنانکه نیکی می‌کند، گاهی اوقات نیز اشتباه می‌کند.

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **کن:** از افعال ناقصه، اسمش ضمیر مستتر أنت / **لطیفاً:** خبر (مفرد) و منصوب / **عند:** مفعول فیه و منصوب / **الشدائد:** مضاف‌الیه و مجرور / **س:** حرف استقبال / **تصبح:** از افعال ناقصه، اسمش ضمیر مستتر أنت / **مقاوماً:** خبر (مفرد) و منصوب

گزینه‌ی ۲: **کان:** از حروف مشبیه / **ه:** اسم و محلاً منصوب / **مصبح:** خبر (مفرد) و مرفوع / **في الطريق:** جار و مجرور / **يُخرج:** جمله‌ی وصفیه و محلاً مرفوع، فاعلش

ضمیر مستتر هو / **الناس:** مفعول به و منصوب / **من الجهالة:** جار و مجرور

گزینه‌ی ۳: **ما:** حرف نفی / **کان:** از افعال ناقصه / **اکل:** اسم و منصوب / **النبي:** مضاف‌الیه و مجرور / **و:** حرف عطف / **شرب:** معطوف و مرفوع به تبعیت از «اکل» / **ه:** مضاف‌الیه و

محلاً مجرور / **غیر:** خبر (مفرد) و منصوب / **الذي:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **ناکل:** جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول، فاعلش ضمیر مستتر نحن / **و:** حرف عطف / **نشرب:** معطوف، فاعلش ضمیر مستتر نحن

گزینه‌ی ۴: **ليس:** از افعال ناقصه / **المعلم:** اسم و مرفوع / **من الملائكة:** خبر (شبه جمله) و محلاً منصوب / **ف:** حرف / **كما:** جار و محلاً مجرور / **يُحسن:** جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول، فاعلش ضمیر مستتر هو / **ف:** حرف / **ان:** از حروف مشبیه / **ه:** اسم و محلاً

منصوب / **یشتبه:** خبر (جمله فعلیه) و محلاً مرفوع، فاعلش ضمیر مستتر هو / **احیاناً:** مفعول فیه و منصوب

مفعول مرفوع و جمله حالیه / **حضور**: مفعول به و منصوب / **الله**: مضاف‌الیه و مجرور / **فی کل**: جار و مجرور / **حیاء**: مضاف‌الیه و مجرور / **هم**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور.

۳۱۴. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: نادرست را در احکام افعال ناقصه تعیین کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۲، «متذوقون» خبر کان است و باید منصوب (متذوقین)

باشد در مورد سایر گزینه‌ها به ترکیب آن‌ها مراجعه کنید.

استثنا در مورد عربی: در مورد گزینه‌ی ۲ شاید فکر کنید که اگر «یخاف» به

«أخاف» تبدیل شود جمله درست خواهد شد؛ نه چنانچه، اگر «یخاف» باشد گفته شد اگر مبتدا اسم ظاهر باشد در حکم غائب است یعنی «الذی» که مبتدا است در حکم غائب است و هر چیزی که به آن برمی‌گردد باید غائب باشد یعنی «الذی یخاف من الفتن فعلیه بالقرآن» صحیح است.

در مورد گزینه‌ی ۳ شاید فکر کنید که اگر ضمیر «هم» به «کم» تبدیل شود جمله درست خواهد شد؛ نه چنانچه، طبق همان نکته‌ی تکراری: اگر مبتدا اسم ظاهر باشد در حکم غائب است پس «الذین» در حکم غائب است و باید «تخافون» به «یخافون» تبدیل شود.

در درس‌نامه این تست تغییر داده شده، برای این که مطلب تو ذهن شما جا بیفتد!

تکریم: گزینه‌ی ۱: **لیس**: از افعال ناقصه / **باب**: اسم لیس / **الله**: مضاف‌الیه / **مغلقاً**:

خبر لیس / **علی عبد**: جار و مجرور / **ه**: مضاف‌الیه / **ف**: حرف / **علیه**: جار و مجرور / **ان**: از حروف ناصبه / **یراقب**: فعل مضارع منصوب: ضمیر مستتر هو فاعل آن / **ه**: مفعول به / **دائماً**: مفعول فیه.

گزینه‌ی ۲: **کان**: از افعال ناقصه / **العلماء**: اسم کان / **خلال**: مفعول فیه / **اعمال**: مضاف‌الیه / **هم**: مضاف‌الیه / **العلمیة**: صفت أعمال / **متذوقین**: خبر کان و منصوب / **الامام**: مفعول به برای شبه فعل [شما نمی‌خونید] / **کثیرة**: صفت آلاماً.

گزینه‌ی ۳: **لم**: حرف جحد / **یُصبح**: فعل مضارع مجزوم: از افعال ناقصه / **هؤلاء**: اسم یُصبح و محلاً مرفوع / **التلامیذ**: تابع هؤلاء / **غانیین**: خبر یُصبح و منصوب / **فی صف**: جار و مجرور / **هم**: مضاف‌الیه / **طول**: مفعول فیه / **السنة**: مضاف‌الیه / **الذراسیة**: صفت برای السنة.

گزینه‌ی ۴: **الأعداء**: مبتدا / **منهزمون**: خبر / **ماداموا**: از افعال ناقصه: ضمیر بارز و اسم آن / **غاصبین**: خبر / **و**: حرف عطف / **معتدین**: معطوف بر غاصبین / **علی البلاد**: جار و مجرور / **الأخری**: صفت البلاد، [آخری و دنیا بر وزن فعلی اسم تفضیل است]

تجملی: گزینه‌ی ۱: **درب** (درگاه) **الله** بر بنده‌اش بسته نیست پس باید او (بنده) همیشه مراقب آن باشد.

گزینه‌ی ۲: دانشمندان در خلال کارهای علمیشان چشنده‌ی دردهای بسیاری بودند (دردهای بسیاری را می‌چشیدند)

گزینه‌ی ۳: در طول سال تحصیلی این دانش‌آموزان در کلاسشان غائب نشدند.

گزینه‌ی ۴: دشمنان شکست خورده‌اند مادامی که غاصب و تجاوزگر هستند بر (نسبت به) سرزمین‌های دیگر.

۳۱۵. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: گزینه‌ی را مشخص کن که ضمیر «نا» رفع و جر و نصب

را با هم داشته باشد (که در آن ضمیر «نا» در محل رفع و نصب و جر باشد).

مفعول فیه مکان است. / **الجهل**: مضاف‌الیه و مجرور / **لاتقدم مع الجهل**: خبر برای آن و محلاً مرفوع

گزینه‌ی ۲: **لا**: حرف نفی / **نتوقع**: فعل، فاعلش ضمیر مستتر نحن / **الخیر**: مفعول به و منصوب / **إلا**: ادات استثناء / **من کذب**: جار و مجرور / **یمین**: مضاف‌الیه و مجرور / **نا**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **و**: حرف عطف / **فضل**: معطوف و مجرور / **رب**: مضاف‌الیه و مجرور / **نا**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور

گزینه‌ی ۳: **لا**: حرف نهی / **تطلب**: فعل / **الأمة**: فاعل و مرفوع / **التکاسلة**: صفت و مرفوع / **التقدم**: مفعول به و منصوب / **و**: حرف عطف / **التجاح**: معطوف و منصوب

گزینه‌ی ۴: **لا**: حرف نهی / **ترج**: فعل مجزوم با حذف حرف عله، فاعلش ضمیر مستتر انت / **الخیر**: مفعول به و منصوب / **ممن**: جار و محلاً مجرور / **حقر**: جمله‌ی فعلیه، صله‌ی موصول، فاعلش ضمیر مستتر هو / **نفس**: مفعول به و منصوب / **ه**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **و**: حرف عطف / **اهان**: معطوف، فاعلش ضمیر مستتر هو / **ها**: مفعول به و محلاً منصوب

۳۱۳. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: خطا را در عمل نواسخ مشخص کنید:

جواب: گاهی «ما» به حروف مشبهه می‌چسبد که به آن «مای کافه» گفته می‌شود که مانع از عمل حروف مشبهه بالفعل می‌شود. (هرگاه «ما» به «ان» بچسبد «ان» نمی‌تواند مبتدا را به اسم خود تبدیل کند). بنابراین در گزینه‌ی ۴ اسم بعد از «انما» مبتداست که باید مرفوع باشد. (المؤمنون)

تجملی: گزینه‌ی ۱: کودک شروع کرد به روشن کردن همه‌ی چوبهایی که در قوطی بود!

گزینه‌ی ۲: همانا آنچه‌را که به آن اعتقاد دارید به راستی که حق است، پس به آن عمل کنید و به غیر از خدا توکل نکنید! (فقط به خدا توکل کنید)

گزینه‌ی ۳: امید است که سرباز بعد از حضور در میدان جنگ به وطنش بازگردد!

گزینه‌ی ۴: مؤمنان فقط از اموالشان انفاق می‌کنند در حالی که حضور خدا را در همه‌ی زندگی‌شان می‌بینند!

تکریم: گزینه‌ی ۱: **أخذت**: فعل من افعال مقاربه و هی من النواسخ / **الطفلة**: اسم أخذ

و مرفوع / **تشعل**: فعل و فاعل آن هو مستتر و خبر أخذ و محلاً منصوب / **جميع**: مفعول به و منصوب / **العیدان**: مضاف‌الیه و مجرور / **التي**: صفت و محلاً مجرور بالنبیة / **کانت**: جمله‌ی صله و فعل ناقصه و اسم آن هی مستتر / **فی العلبة**: جار و مجرور و خبر شبه جمله کان و محلاً منصوب.

گزینه‌ی ۲: **إن**: حروف مشبهه بالفعل / **ما**: موصول و اسم إن تعتقدون: صله‌ی موصول، فعل و فاعل ضمیر بارز واو / **به**: جار و مجرور / **لام** تاکید / **حق**: خبر إن / **اعملوا**: فعل امر و فاعل آن ضمیر بارز واو / **به**: جار و مجرور / **لاتتوکلوا**: فعل نهی و فاعل آن ضمیر بارز واو / **إلا**: ادات استثناء / **علی الله**: مستثنی مفرغ و جار و مجرور.

گزینه‌ی ۳: **عسی**: از افعال مقاربه (مخصوص انسان‌ها) / **الجندی**: اسم عسی و مرفوع / **یعود**: فعل و فاعل آن ضمیر مستتر هو و خبر عسی محلاً منصوب / **إلی وطن**: جار و مجرور / **ه**: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **بعد**: مفعول فیه و منصوب / **الحضور**: مضاف‌الیه و مجرور / **فی ساحة**: جار و مجرور / **الحرب**: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۴: **إنما**: ادات حصر / **إن**: از حروف مشبهه بالفعل / **ما**: مای کافه / **المؤمنون**: مبتدا و مرفوع با اعراب فرعی / **ینفقون**: فعل مضارع و فاعل آن ضمیر بارز واو و خبر فعلیه و محلاً مرفوع / **من اموال**: جار و مجرور / **هم**: مضاف‌الیه محلاً مجرور / **و**: واو حالیه / **هم**: مبتدا و محلاً مرفوع / **یرون**: فعل مضارع و فاعل آن ضمیر بارز واو و خبر

۳۱۷. گزینه‌ی ۳

تجزیه‌ی سه‌گانه: ناسخه‌ای را مشخص کن که اسمش ضمیر مستتر است (کدام ناسخه اسمش ضمیر مستتر است).

حکایت: اگر یک کم دقت کنی در گزینه‌ی ۳ پس از «لیس» جار و مجرور آمده است که خبر واقع می‌شود یعنی پس از «لیس» اسمی نداریم که بتواند اسم آن واقع شود پس باید اسم آن ضمیر مستتر باشد.

در گزینه‌ی ۱، «الابيض» اسم لیس است. در گزینه‌ی ۲، «الاسود» اسم «لیس» است.

در گزینه‌ی ۴ ضمیر «ک» اسم «لعل» است.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: سفید همیشه زیبا نیست چون کفن سفید است ولی ترسناک است!

گزینه‌ی ۲: و سیاه همیشه زشت نیست چون کعبه سیاه است در حالی که محبوب است.

گزینه‌ی ۳: قبل از اینکه سرت را بالا بگیری و از هر چیزی که در دست نیست شکایت کنی!

گزینه‌ی ۴: به خودت نگاه کن و به هر آنچه در دست توست، شاید از سپاسگزاران بشوی.

نکته: به افعال ناقصه، حروف مشبّهه بالفعل و لای نفی جنس نواسخ می‌گویند.

۳۱۸. گزینه‌ی ۲

تجزیه‌ی سه‌گانه: خطا را برای جای خالی تعیین کن.

حکایت: در جای خالی اول اسم «کَيْت» قرار می‌گیرد که باید منصوب باشد (همه گزینه‌ها صحیح است) در جای خالی دوم خبر «لَيْت» قرار می‌گیرد که باید با اسم «کَيْت» مطابقت داشته باشد در گزینه‌ی ۲ مطابقت ندارد «هَنْ يَنْتَفِعِنْ» درست است.

تجزیه: با توجه به گزینه‌ی ۱: کاش تو نفع ببری از تمام نعمت‌هایی که الله آن‌ها را در طبیعت به ودیعه گذاشته است (خبر «لَيْت» و «لَعْل» اگر مضارع باشد به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود)

۳۱۹. گزینه‌ی ۴

تجزیه‌ی سه‌گانه: خبری را که مقدم نیست تعیین کن

حکایت: در گزینه‌ی ۴ بعد از «لیس»، «هؤلاء» آمده است که اسم آن محسوب می‌شود و «متكاسلين» خبر است برای اینکه خبر افعال ناقصه، مقدم باشد: ۱. باید افعال ناقصه صیغه‌ی للغائب یا للغائبة باشند. ۲. می‌دانیم شبه جمله (مفعول فیه یا جار و مجرور) می‌تواند خبر مقدم واقع شود یعنی در ۹۹/۹٪ موارد به شرطی خبر افعال ناقصه مقدم است که شبه جمله بدون فاصله پس از صیغه‌ی للغائب یا للغائبة افعال ناقصه آمده باشد مانند گزینه‌های ۱، ۲ و ۳.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: پولی نداشت که با آن به بیچارگان کمک کند (کان عند= کان لـ داشت)

گزینه‌ی ۲: در این کتابخانه کتابی نیست که دنبال آن بگردم.

گزینه‌ی ۳: گلدانی وجود نداشت تا گل‌ها را در آن قرار دهم.

حکایت: ضمیرهای متصل مرفوعی به فعل معلوم می‌چسبند و فاعل و مرفوع واقع می‌شوند (ضمیر «نا» در «كُنْنا»، فاعل و محلاً مرفوع است)، ضمیرهای متصل نصبی جزی اگر به فعل بچسبند مفعول به و محلاً منصوب‌اند و اگر به اسم بچسبند مجرور به حرف جر هستند (ضمیر «نا» در «يَحْسَبُنا» مفعول به و محلاً منصوب و در «تَمَارِینا» مضاف‌الیه و محلاً مجرور است).

تجزیه: گزینه‌ی ۱: یساعِد: فعل / نا: مفعول به و منصوب / ابو: فاعل / نا: مضاف‌الیه / فی غرس: جار و مجرور / اشجار: مضاف‌الیه / نا: مضاف‌الیه / الخضراء: صفت.

گزینه‌ی ۲: سافرنا: فعل؛ ضمیر بارز نا: فاعل و محلاً مرفوع / إلی مدینة: جار و مجرور / أسرة: مضاف‌الیه / نا: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / لزیارة: جار و مجرور / اقرباء: مضاف‌الیه / نا: مضاف‌الیه و محلاً مجرور.

گزینه‌ی ۳: کُنْنا: فعل؛ ضمیر بارز نا: فاعل و محلاً مرفوع / تَمَارِین: مفعول به / نا: مضاف‌الیه / حَتّی: از حروف ناصبه / یحسب: مضارع منصوب / نا: مفعول به و محلاً منصوب / المَعْلَم: فاعل / مجتهدین: مفعول به دوم.

گزینه‌ی ۴: تَبَسّم: فعل / لنا: جار و مجرور / وردة: فاعل / نا: مضاف‌الیه / الحمراء: صفت / وردة: فی حدیقة: جار و مجرور / نا: مضاف‌الیه.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: پدرمان در کاشت درختان سبزمان ما را یاری می‌کند. گزینه‌ی ۲: به شهر خانوادگیمان برای دیدار نزدیکانمان سفر کردیم. گزینه‌ی ۳: تمریناتمان را نوشتیم تا معلم ما را از کوشایان محسوب کند (به حساب آورد).

گزینه‌ی ۴: گل قرمزمان در باغمان به ما لبخند می‌زند (ضحک: خندید- تَبَسّم و اِبْتَسّم: لبخند زد)

۳۱۶. گزینه‌ی ۴

تجزیه‌ی سه‌گانه: حرف «لای» غیر عامل را مشخص کن.

حکایت: در گزینه‌ی ۴، «لا» حرف نفی و غیر عامل است. در گزینه‌ی ۱ و ۲، «لا» حرف نهی و عامل جزم است؛ در گزینه‌ی ۳ «لا» نفی جنس است.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: یا: حرف نداء، غیر عامل / عاقل: منادای مفرد، نکره‌ی مقصوده (غیر مضاف) مبنی بر ضم و محلاً منصوب / لا: حرف نهی، عامل جزم / تفکر: فعل مضارع مجزوم؛ ضمیر مستتر انت فاعل آن / فی شؤون: جار و مجرور / الآخرین: مضاف‌الیه و مجرور به «ی» [مشق و اسم فاعل]

گزینه‌ی ۲: ف: حرف / لا: حرف نهی، عامل جزم / تجعل: فعل مضارع مجزوم، ضمیر مستتر انت فاعل آن / باطن: مفعول به / حیاة: مضاف‌الیه / ک: مضاف‌الیه / معادلاً: مفعول به دوم / لظاهر: جار و مجرور / حیاة: مضاف‌الیه / هم: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۳: ف: حرف / لا: لای نفی جنس، عامل نصب / احد: اسم لای نفی جنس مبنی بر فتح و محلاً منصوب / موجود: خبر لای نفی جنس؛ حذف شده است؛ شما نمی‌خونید؛ اگر بعد از لای نفی جنس الّا آمده باشد خبر «موجود» بوده که حذف شده است // ای: ادات استثناء / و: حرف / عند: مفعول فیه؛ خبر مقدم (ازنوع شبه جمله) // ه: مضاف‌الیه / مشاکل: مبتدای مؤخر (ممنوع من الصرف است و تنوین نمی‌گیرد) // فی باطن: جار و مجرور / حیاة: مضاف‌الیه / ه: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۴: لا: حرف نفی، غیر عامل / یعلم: فعل / ها: مفعول به / احد: فاعل؛ مستثنی منه / ای: ادات استثناء / الله: مستثنی و منصوب / تعالی: جمله‌ی حالیه؛ فعل ماضی باب تفاعل، ضمیر مستتر هو فاعل آن.

تجزیه: گزینه‌ی ۱: ای عاقل! در کارهای دیگران تفکر مکن!

گزینه‌ی ۲: باطن زندگی را معادلی برای ظاهر زندگیشان قرار مده!

گزینه‌ی ۳: هیچ کسی نیست مگر اینکه در باطن زندگیش مشکلاتی دارد!

گزینه‌ی ۴: کسی جز الله آن را نمی‌داند (فقط الله تعالی می‌داند)!

گزینه‌ی ۴: این دانش‌آموزان در درس‌هایشان تنبل نیستند.

۳۲۰. گزینه‌ی ۳

تجزیه **سؤال**: خبری را که مقدم نیست تعیین کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۳ اسم «**أصبحت**» ضمیر مستتر «**هی**» است که به «**ها**» برمی‌گردد و **تلمیذة** خبر آن است.

تجزیه گزینه‌ی ۱: ارجح این است (بهتر است) که در اتاق‌مان اشیاء اضافی نباشد.

گزینه‌ی ۲: از غذاهایی که در آن عناصر مفیدی بود خوردم.

گزینه‌ی ۳: همانا او در کلاسش دانش‌آموزی نمونه گردید.

گزینه‌ی ۴: از دوستان ما نیست کسی که اعمال روزانه‌اش را حساب نکند. نکته خفن: اگر جمله‌ای خبر واقع شود باید ضمیری از آن به مبتدا برگردد و در سطح شما آن ضمیر، فاعل فعل خبر است. **علی ذَهَبَ** (ضمیر مستتر **هُوَ** فاعل است و به **علی** برمی‌گردد).

۳۲۱. گزینه‌ی ۴

تجزیه **سؤال**: خبر ناسخه‌ای را که جمله‌ی فعلیه است تعیین کن.

جواب: نواسخ در سطح شما عبارتند از: افعال ناقصه، حروف مشبهه بالفعل و لای نفی جنس.

در گزینه‌ی ۴ «**قَدْ تَعَوَّدَ**» خبر **إن** است.

تجزیه گزینه‌ی ۱: بر تو است که اعتماد نکنی بر آنچه هیچ دوامی برای آن نیست. (اعتماد نکن بر چیزی که هیچ دوامی ندارد)

گزینه‌ی ۲: به هدف مطلوب نمی‌رسی مادامی که در نگرانی و اضطراب باشی.

گزینه‌ی ۳: در تمام احوال کارها مانند چیزی که می‌خواهی نمی‌باشد (همیشه کارها همان طور که می‌خواهی پیش نمی‌رود).

گزینه‌ی ۴: انسان در زندگیش عادت کرده است که از کسی که از او انتقاد می‌کند فرار کند.

۳۲۲. گزینه‌ی ۲

تجزیه **سؤال**: خبر شبه جمله را تعیین کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ «**لِکُلِّ**» خبر مقدم؛ «**أُسلوبٌ**» مبتدای مؤخر است.

تجزیه گزینه‌ی ۱: در آن باغ رایحه‌ی گل‌ها بسیار است.

گزینه‌ی ۲: هر نویسنده‌ای شیوه‌ای خاص در نوشتن مقالاتش دارد.

گزینه‌ی ۳: بر همه‌ی دانشجویان اهمیت دادن به درس‌ها [واجب] است. (همه‌ی دانشجویان باید به درس‌ها اهمیت دهند)

گزینه‌ی ۴: در تابستان، لباس‌هایمان به سرعت خشک می‌شوند به دلیل گرمی هوا.

تجزیه کلماتی مانند **طلبة، ائمة، إخوة** جمع مکسرند و مذکر هستند آن‌ها را با مؤنث اشتباه نگیرید.

۳۲۳. گزینه‌ی ۳

تجزیه **سؤال**: آنچه را در آن مفعول‌به دوم وجود ندارد تعیین کن.

جواب: فعل‌های «**سَمَّیَ**»، «**جَعَلَ**» و «**حَسَبَ**» دو مفعولی است.

تجزیه گزینه‌ی ۱: این معلم را عادل می‌نامیم برای اینکه او حق دانش‌آموزان را با دقت به جا می‌آورد.

گزینه‌ی ۲: مردم بهلول را مسؤولی برای ساخت مسجد قرار دادند در حالی که او چیزی نساخت.

گزینه‌ی ۳: کودک سیبی را با حرص بر میوه‌ها خورد (کودک در حالی که برای میوه‌ها حریص بود [فقط] سیبی را خورد) در حالی که من با شادمانی به او نگاه می‌کردم.

گزینه‌ی ۴: ما تو را غافل از امتحان می‌پنداشتیم ولی تو ناگاه از زمان آن بودی (ولی از زمان رسیدن آن بی‌خبر بودی)

تجزیه اسم خاص مذکر (نام مرد) اگر تنوین هم بگیرد باز «معرفه» است مانند **بهلولاً** در گزینه‌ی ۲

۳۲۴. گزینه‌ی ۳

تجزیه **سؤال**: لای ناسخه (نفی جنس) را مشخص کن.

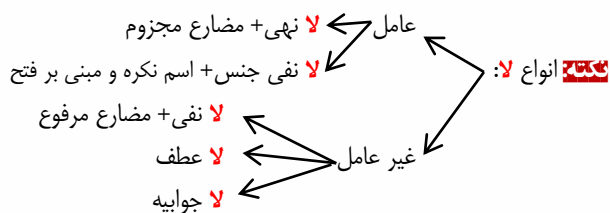
جواب: لای نفی جنس بر سر مبتدا (اسم) می‌آید و خبر بر آن مقدم نمی‌شود در گزینه‌ی ۱ و ۴ «**لا**» بر سر فعل آمده است و در گزینه‌ی ۲ «**لا**» حرف عطف است (به ترجمه دقت کنید) ولی در گزینه‌ی ۳ **لا** بر سر اسم آمده است.

تجزیه گزینه‌ی ۱: کسی که با جدیت کار نمی‌کند موفقیت را در زندگیش نخواهد دید.

گزینه‌ی ۲: به دوستم سلام دادم نه به همه‌ی حضار.

گزینه‌ی ۳: واجب است که اعتراف کنیم (باید اعتراف کنیم) به اینکه هیچ نفعی در هم‌نشینی نادانان نیست.

گزینه‌ی ۴: برادرش در خانه درس نمی‌خواند بلکه در مدرسه [درس می‌خواند]



۳۲۵. گزینه‌ی ۴

تجزیه **سؤال**: برای جای خالی [گزینه‌ی] درستی را تعیین کن که خبر جمله‌ی فعلیه باشد. (گزینه‌ای را انتخاب کن که «عَرَسَها» خبر شود).

جواب: اسم پس از اسم اشاره اگر دارای «**ال**» باشد تابع اسم اشاره است (**هذه الانشجار**) و اگر اسم پس از اسم اشاره بدون **ال** باشد خبر اسم اشاره واقع می‌شود (هذه اشجار؛ **هذه**: مبتدا/ **انشجار**: خبر)

تجزیه این درختان، کشاورز در سال گذشته آن‌ها را در باغش کاشت. (این درختان را کشاورز در سال گذشته در باغش کاشت)

۳۲۶. گزینه‌ی ۱

تجزیه **سؤال**: خبر نواسخی را که مفرد است تعیین کن. (در کدام گزینه خبر جمله یا شبه جمله نیست).

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

تَجْمَعُ **الْحَيَوَانَاتُ** به آخر کلمه‌ی اول کسره عارضی می‌دهند مانند: **تَجْمَعُ** **الْحَيَوَانَاتُ**.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: چیزی را که از اموالمان به دیگران می‌دهیم الله آن را برایمان دو چندان (چند برابر) می‌کند.
گزینه‌ی ۲: قلمی نداشتم در نتیجه نتوانستم چیزی بنویسم.
گزینه‌ی ۳: هر آن چه حیوانات در تابستان جمع کنند در زمستان از آن نفع می‌برند.

گزینه‌ی ۴: مردم از گرگی که در مزرعه بود فرار نکردند.

تَجْمَعُ «عند» و «ل» می‌تواند به معنی «دارد» باشد: **عندی کتاب = لی کتاب** (کتابی دارم).

«**کان عند**» و «**کان لی**» به معنی داشت است: **کان عندی کتاب = کان لی کتاب** (کتابی داشتم).

۳۳۰. گزینه‌ی ۱

تَجْمَعُ **سَأَلَ**: مای مرفوع را تعیین کن.

در گزینه‌ی ۱ «**ما**» در ابتدای جمله مبتدا و محلاً مرفوع و «**ما**» در «**مِمَّا**» جار و محلاً مجرور است.

در گزینه‌ی ۲ «**ما**» در «**بِما**» جار و محلاً مجرور است.

در گزینه‌ی ۳ «**ما**» حرف نفی است که قبل از فعل ماضی آمده است.

در گزینه‌ی ۴ «**ما**» مفعول به و محلاً منصوب است.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: چیزی که در دست الله است مطمئن تر است از چیزی که در دست توست.

گزینه‌ی ۲: اگر به کسی دستور دهی به آنچه که آن را نمی‌تواند به آن عمل نمی‌کند. (اگر به کسی دستور چیزی را که نمی‌تواند انجام دهد] بدهی به آن عمل نمی‌کند.)

گزینه‌ی ۳: کسی که گناه بر او غلبه کرده است پیروز نشده است.

گزینه‌ی ۴: آنچه را از تصویر دوست دارید بر روی دیوار کشیدم.

۳۳۱. گزینه‌ی ۲

تَجْمَعُ **سَأَلَ**: موصولی را که خبر است تعیین کن.

ح در گزینه‌ی ۱، «**ما**» مستثنی و منصوب است. در گزینه‌ی ۲، «**من**» موصول و خبر است. در گزینه‌ی ۳، «**ما**» موصول و مفعول به است. در گزینه‌ی ۴، «**من**» موصول و مبتدای مؤخر است.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: نفع نمی‌رساند به ما [چیزی] از دانش جز آنچه که از آن استفاده می‌کنیم و به آن در زندگی روزانه‌مان عمل می‌کنیم (فقط آنچه از دانش که از آن استفاده می‌کنیم و در زندگی روزانه‌مان به آن عمل می‌کنیم به ما نفع می‌رساند).

گزینه‌ی ۲: دانشجو کسی است که معتقد است که آموزش جزئی از وجودش است پس هیچ وقت از او جدا نمی‌شود.

گزینه‌ی ۳: مؤمن با منت و اذیت آنچه را در راه الله انفاق کرده است باطل نمی‌کند پس اگر [چنین] کند پاداشش را ضایع کرده است.

گزینه‌ی ۴: از معلمین کسی هست که خودش را فدا می‌کند تا جامعه را در حالی که رفیع و محکم است بنا کند در حالی که او در این راه خسته نمی‌شود.

۳۳۲. گزینه‌ی ۴

ح در گزینه‌ی ۲ «**مخ**» خبر (از نوع شبه جمله، مفعول فیه) است در گزینه‌ی ۳ و ۴ «**تُعْتِنِمُ**» و «**يُنْدِمُ**» خبر (از نوع جمله‌ی فعلیه) است.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: [همانا] اخلاق برتر همیشه زینت عاقلان است.

گزینه‌ی ۲: افراد زیادی در جشن، دیشب همراهم بودند.

گزینه‌ی ۳: ای کاش فرصت غنیمت شمرده شود تا بیشتر از آن استفاده شود.

گزینه‌ی ۴: تنبل به سبب ضعفش در کارهایش پیشیمان می‌شود.

۳۲۷. گزینه‌ی ۲

تَجْمَعُ **سَأَلَ**: خبر مفرد را تعیین کنید.

ح سؤال به این معنی است که در کدام گزینه خبر از نوع «جمله یا شبه جمله» نیست، در گزینه‌ی ۲ «**طالب**» خبر مفرد است؛ در سایر گزینه‌ها به ترتیب «**يَجْعَلُونَ**»، «**يُخْسِرُونَ**» و «**تَبْقَى**» خبر از نوع جمله‌ی فعلیه هستند.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: ای کاش ثروتمندان حقی را از اموالشان برای سائل و محروم قرار دهند.

گزینه‌ی ۲: دانشجو، خواهان حقیقی علم می‌شود زمانی که دانش را بخواهد هر جا که آن را بیابد.

گزینه‌ی ۳: بدان کسانی که اسراف می‌کنند در نعمت‌های الهی در دنیا و آخرت زیان می‌بینند.

گزینه‌ی ۴: عمل صالح برکاتش باقی می‌ماند مادامی که آسمان‌ها و زمین می‌چرخند. (در گردش باشند)

۳۲۸. گزینه‌ی ۳

تَجْمَعُ **سَأَلَ**: مای مرفوع را تعیین کنید.

ح مای موصول هنگامی مرفوع است که «**مبتدا**»، «**خبر**»، «**اسم افعال ناقصه**»، «**خبر حروف مشبهة بالفعل**»، «**فاعل**» و یا «**نائب فاعل**» باشد.

در گزینه‌ی ۱ «**ما**» مضاف‌الیه و محلاً مجرور است. در گزینه‌ی ۲، «**ما**» مفعول به و محلاً منصوب است. در گزینه‌ی ۳ «**ما**» خبر **إن** و محلاً مرفوع است. در گزینه‌ی ۴ «**ما**» مفعول به و محلاً منصوب است.

تَجْمَعُ گزینه‌ی ۱: کارگران روزهای پنج‌شنبه برای تهیه‌ی آنچه که احتیاج دارند به مرکز شهر می‌روند.

گزینه‌ی ۲: دانش‌آموزان کلاس آنچه را که با همه‌ی نشاط و تلاش در روزهای هفته یاد می‌گیرند مطالعه می‌کنند.

گزینه‌ی ۳: [همانا] فهم فرهنگ عربی چیزی است که در فهم زبان عربی به انسان کمک می‌کند.

گزینه‌ی ۴: معلم آنچه را از ورقه‌های امتحان تصحیح کرده بود بر (بین) دانش‌آموزانش توزیع کرد.

۳۲۹. گزینه‌ی ۱

تَجْمَعُ **سَأَلَ**: مای موصول را تعیین کن.

ح در گزینه‌ی ۱ «**ما**» (چیزی که) موصول است، در گزینه‌ی ۲ و ۴، «**ما**» حرف نفی است که قبل از فعل ماضی آمده است، در گزینه‌ی ۳ «**ما**» از ادوات شرط است چون «**تَجْمَعُ**» فعل شرط و «**تَنْفَعُ**» جواب شرط را مجزوم کرده است. [اگر آخر کلمه‌ای و ابتدای کلمه‌ی بعد از آن ساکن باشد مانند

تجملی سؤال: من نکره را تعیین کنید.

گزینه‌ی ۳: انار در صحرا هنگام طلوع خورشید رنگش همچون رنگ عسل بود.

گزینه‌ی ۴: به هدف مطلوب نمی‌رسی مادامی که در اضطراب باشی.

تجملی: انواع خبر:

(۱) خبر مفرد: **الرجل عالمٌ**

(۲) جمله‌ی فعلیه: **الرجل یعلّمُ الکیمیّا**

(۳) جمله‌ی اسمیه: **الرجل علمه کثیر** [الرجل: مبتدا/ علمه کثیر: خبر/ علم: مبتدا/ ه: مضاف‌الیه/ کثیر: خبر مفرد برای علم؛ اگر خبر جمله‌ی اسمیه باشد ضمیری نصبی جری به آن می‌چسبد که به ابتدای اصلی برمی‌گردد مانند «ه» که به **الرجل** برمی‌گردد]

(۴) جار و مجرور (شبه جمله): **الرجل فی المدرسة**

(۵) مفعول فیه (شبه جمله): **الرجل عندک**

۳۳۴. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: لای نفی جنس را تعیین کن.

جواب: لای نفی جنس بر سر اسم نکره می‌آید و خبر بر آن مقدم نمی‌شود.

در گزینه‌ی ۱، «هناک» خبر مقدم است پس «لا» نفی جنس نیست، در گزینه‌ی ۲، «الکتاب» دارای «ال» است در صورتی که اسم لای نفی جنس باید نکره باشد، در گزینه‌ی ۳، «ضیوف» معرفه به اضافه است پس نمی‌تواند اسم لای نفی جنس باشد (یعنی «لا» لای نفی جنس نیست)

تجملی: گزینه‌ی ۱: هنگامی که به کتابخانه رفتم دیدم کسی آنجا نیست.

گزینه‌ی ۲: بعد از رفتن ما کتاب بر روی میز نیست.

گزینه‌ی ۳: امروز مهمانانمان در خانه نیستند.

گزینه‌ی ۴: هیچ گنجشکی بر روی شاخه درختان نزدیک خانه‌ی ما نیست.

۳۳۵. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: ابتدایی را که مؤخر نیست تعیین کنید.

جواب: فی مکتبه (جار و مجرور) و هناک (مفعول فیه) و لها (جار و مجرور) خبر شبه جمله هستند که بر ابتدای نکره‌ی خود مقدم شده‌اند.

در گزینه‌ی ۴ مضامین مبتدا است و خبرش (عذبه) بعد از آن آمده است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: کتاب‌ها و نامه‌های بسیاری در کتابخانه‌ی نزدیک خانه‌ی ما است.

گزینه‌ی ۲: همچنین کتاب‌هایی در [زمینه‌ی] قصه‌ها وجود دارد که آن را خریده‌ام.

گزینه‌ی ۳: او انواع مختلفی در شکل و درون‌مایه دارد.

گزینه‌ی ۴: محتویاتش (مضمون‌هایش نسبت به (برای) دانش‌آموزان شیرین و مفید است.

۳۳۶. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: خبری را تعیین کنید که مقدم نشده‌است.

جواب: من در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ موصول است و معرفه

در گزینه‌ی ۴ استفهام است و نکره. [«مَنْ» و «مَا»ی موصول معرفه هستند ولی «مَنْ»ی شرط و استفهام نکره هستند.]

تجملی: در موارد زیر «مَنْ» و «مَا» حتما موصول هستند:

۱- اگر «مَنْ» و «مَا» پس از مبتدا بیایند (در این حالت «مَنْ» و «مَا» خبر واقع می‌شوند): **هُوَ مَنْ كَتَبَ الرِّسَالَةَ**

۲- اگر «مَنْ» و «مَا» پس از حروف مشبّهة بالفعل بیایند (در این حالت «مَنْ» و «مَا» اسم یا خبر حروف مشبّهة بالفعل واقع می‌شوند): **إِنَّهُ مَنْ كَتَبَ الرِّسَالَةَ** او کسی است که نامه را نوشت. **مَنْ» خبرِ إِنَّ**

۳- اگر «مَنْ» و «مَا» پس از افعال ناقصه بیایند (در این حالت «مَنْ» و «مَا» اسم یا خبر افعال ناقصه واقع می‌شوند):

كَانَ مَنْ كَتَبَ الرِّسَالَةَ عالمًا کسی که نامه را می‌نوشت دانشمند بود **مَنْ:** اسم **كان**

۴- اگر «مَنْ» و «مَا» پس از حرف جر بیایند و در ابتدای جمله نباشند (در این حالت «مَنْ» و «مَا» مجرور به حرف جر هستند): مانند **عَلَى مَنْ** در گزینه‌ی ۱

۵- اگر «مَنْ» و «مَا» پس از فعل بیایند (در این حالت «مَنْ» و «مَا» فاعل یا مفعول واقع می‌شوند): مانند **مَنْ** در گزینه‌ی «۲ و ۳»

۶- اگر «مَنْ» و «مَا» مضاف‌الیه واقع شوند: **هَذَا كِتَابٌ مِّنْ يَدْرِسٍ فِي مَدْرَسَتِنَا** این کتاب کسی است که در مدرسه‌ی ما تدریس می‌کند. **مَنْ:** مضاف‌الیه و محلا مجرور

مطابق نکات بالا در گزینه‌ی ۱ **مَنْ** پس از حرف جر آمده است در نتیجه موصول است. در گزینه‌ی «۲ و ۳» **مَنْ** فاعل واقع شده است پس حتما موصول است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: البته (قطعا) بر کسی که نمی‌تواند خودش را از مهلکه (گرفتاری) نجات دهد اعتماد نکن.

گزینه‌ی ۲: فقط کسی که از تجربه‌ها پند بگیرد و به آن‌ها توجه نماید، از آن‌ها سود می‌برد.

گزینه‌ی ۳: فقط کسی که در گذشته، هنگام جوانی، کشتش را کرده است در پیری ثمرات کارش را می‌چیند.

گزینه‌ی ۴: خورشید طلوع کرد و صبح ظاهر شد ولی چه کسی می‌داند آیا این صبح به شبش می‌رسد؟

تجملی: لکن از حروف عطف است ولی **لکن** از حروف مشبّهة است.

۳۳۳. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: خبر جمله را تعیین کن:

جواب: در گزینه‌ی ۳ «لونها کلون العسل» خبر کانت است (از نوع جمله‌ی اسمیه است) که ضمیر «ها» در «لونها» به «الرمان» برمی‌گردد.

تجملی: گزینه‌ی ۱: باید محاسبه‌ی نفس (خود) برای ما شدیدترین محاسبه باشد.

گزینه‌ی ۲: در هر حال کار آن چنان که می‌خواهی نبود.

۱. گاهی حرف جر قبل از «مَنْ» و «مَا»ی اضافه می‌آید که در سطح شما مطرح نیست. مانند: **عَمَّا.**

در گزینه‌ی ۲ «لا»ی اول حرف نفی است و پس از «لا»ی دوم اسم و خبری نداریم که لا را به عنوان لای نفی جنس در نظر بگیریم.
در گزینه‌ی ۳ «لا» حرف عطف است.

تجملہ: گزینه‌ی ۱: هان، بدان هر چیزی غیر از خدا باطل است. [الا حرف تنبیه است و به معنای هان، آگاه باش].
گزینه‌ی ۲: نمی‌دانم که برادرم آیا در امتحان موفق شد یا نه.
گزینه‌ی ۳: او و خانواده‌اش فقیر هستند نه ثروتمند.
گزینه‌ی ۴: هیچ تعجبی نیست از این که تو پیروز شدی، زیرا تو قطعاً خوب درس خواندی.

۳۳۹. گزینه‌ی ۴

تجملہ سئال: گزینه‌ای که یک مفعول به دارد را مشخص کن.
جواب: فعل‌های آمده در گزینه‌ها همگی متعدی هستند و می‌توانند دو مفعول بگیرند اما در گزینه‌ی ۴ **جَعَلَ** فقط یک مفعول به دارد (**دَرْجَةً**) اما فعل سایر گزینه‌ها دو مفعول دارند.
تجملہ: گزینه‌ی ۱: کودک فریادش را اسلحه‌ای برای بدست آوردن خواسته‌اش قرار می‌دهد.
گزینه‌ی ۲: خداوند فقط به انسان عقلی که با آن تفکر کند بخشیده است.
گزینه‌ی ۳: الله فرزندی صالح را به عنوان روزی‌ای برایتان به شما می‌بخشد.
گزینه‌ی ۴: خداوند درجه‌ی بندگان را از برترین درجات قرار داده است.

۳۴۰. گزینه‌ی ۴

تجملہ سئال: مبتدای غیر مؤخر را مشخص کن.
جواب: در صورتی که مبتدا نکره و خبر شبه‌جمله باشد حتماً خبر بر مبتدا مقدم می‌شود. در گزینه‌ها **اسماک** و **انواع** و **نباتات** همه مبتداهای نکره هستند و چون خبر آن‌ها شبه جمله است پس خبر بر آن‌ها مقدم شده.
در گزینه‌ی ۴ **ماء** مبتدا است و معرفه به اضافه شده‌است و خبر آن مفرد (**صافی**) است نه شبه جمله.

تجملہ: گزینه‌ی ۱: در رود نزدیک خانه‌ی دوستم ماهی‌های زیبایی است.
گزینه‌ی ۲: رنگ‌ها و شکل‌های مختلفی دارد.
گزینه‌ی ۳: هم‌چنین گیاهان سبز اطراف این نهر وجود دارد.
گزینه‌ی ۴: آبش صاف است گویی اشکی است که از چشم جاری می‌شود.

۳۴۱. گزینه‌ی ۲

تجملہ سئال: موصولی را که مرفوع است مشخص کن.
جواب: **مَنْ** زمانی مرفوع می‌شود که فاعل؛ نائب فاعل؛ اسم کان؛ خبر این؛ مبتدا یا خبر مفرد باشد. (در گزینه‌ی ۱ **مَنْ** مفعول به و محلاً منصوب است، **الانبياء:** فاعل و مرفوع است)

در گزینه‌ی ۳ **ما** مجرور به حرف جر و محلاً مجرور است، در تست قبلی گفتیم اگر «**مَنْ** و **ما**» پس از حرف جر بیابند موصول هستند
در گزینه‌ی ۴ **مَنْ** مضاف‌الیه و محلاً مجرور است. [مَنْ دائم‌الاضافه است یعنی پس از آن همیشه مضاف‌الیه می‌آید]
تجملہ: پس از اسم‌های زیر همیشه مضاف‌الیه می‌آید و به آن‌ها دائم‌الاضافه می‌گویند:

جواب: **في غرفة** (جار و مجرور) خبر مقدم برای **لم يكن** و **في أسرة** (جار و مجرور) و خبر مقدم برای لیس و فیه (جار و مجرور) خبر مقدم برای کانت هستند.

تجملہ: گزینه‌ی ۱: در اتاق من مکانی خالی برای نشستن در آن نیست.
گزینه‌ی ۲: در خانواده‌ی بزرگ ما کسی نیست که اعمالش را محاسبه نکند.
گزینه‌ی ۳: بزودی در بین دانش‌آموزان کلاس، نمونه‌ی خواهی شد.
گزینه‌ی ۴: مهمان از غذایی که در آن مواد مفید وجود داشت خورد.

۳۳۷. گزینه‌ی ۱

تجملہ سئال: تعیین کنید موصولی را که منصوب است.

جواب: در گزینه‌ی ۱ **مَنْ** مفعول به و منصوب است.
در گزینه‌ی ۲ **مَنْ** مضاف‌الیه و محلاً مجرور است
مَنْ در گزینه‌ی ۳ و ۴ مبتدای مؤخر است و محلاً مرفوع
جواب: در گزینه‌ی ۱ **أَجِبْ** فعل مضارع صیغه‌ی متکلم وحده است پس فاعل آن حتماً **انا** مستتر است، در نتیجه **مَنْ** فقط می‌تواند مفعول به و منصوب باشد. در گزینه‌ی ۲ **تُقَصِّرُ** فعل مجهول است و می‌دانیم که مفعول به فعل مجهول به نائب فاعل تبدیل می‌شود (پس از فعل مجهول مفعول به نمی‌آید) یعنی پس از **تُقَصِّرُ** موصول نقش منصوبی نمی‌گیرد، **أَمَلُ** نائب فاعل و مرفوع است و **مَنْ** مضاف‌الیه است چون **أَمَلُ**، ال و تنوین ندارد پس از آن مضاف‌الیه می‌آید. در گزینه‌ی ۳ **مَنْ** مبتدای مؤخر و محلاً مرفوع است چون **مِنَ النَّاسِ** خبر مقدم است؛ [تحلیل منطقی: اگر **مِنَ النَّاسِ** خبر مقدم باشد **مَنْ** مبتدای مؤخر و محلاً مرفوع خواهد بود، و اگر **مِنَ النَّاسِ** نقش نداشته باشد **مَنْ** مبتدا خواهد بود؛ پس در هر حال **مَنْ** مبتدا و محلاً مرفوع خواهد بود؛ در گزینه‌ی ۴ **هناك** خبر مقدم و **مَنْ** مبتدای مؤخر و محلاً مرفوع است.

اسم‌های اشاره به مکان اگر مکان یک شیء را نشان دهند، خبر و محلاً مرفوعند و در این حالت معمولاً به معنی (وجود دارد) و (وجود دارند) هستند.

هناك كتاب: کتابی وجود دارد. **هناك:** خبر مقدم / **كتاب:** مبتدای مؤخر
هناك اسرار: اسراری وجود دارد. **هناك:** خبر مقدم / **اسرار:** مبتدای مؤخر
هناك من: کسی وجود دارد. **هناك:** خبر مقدم / **من:** مبتدای مؤخر

تجملہ: گزینه‌ی ۱: کسی را که بر کارهای با ارزش تصمیم گرفته است و برایش تلاش کرده است تا به اهدافش برسد دوست دارم.
گزینه‌ی ۲: آرزوهای کسی که عقلش او را به راهش هدایت کرده است کوتاه می‌شود چون او عقل را راهنمای راهش قرار داده است.

گزینه‌ی ۳: از میان مردم کسانی هستند که اعتقاد دارند که اشتغال به درس و تحقیق عملی است که هیچ ضرورتی ندارد.

گزینه‌ی ۴: کسی وجود دارد که کارهایش را در حالی که خالصند به الله تقدیم می‌کند. پس بدون شک او روز قیامت از آنها نفع خواهد برد.

۳۳۸. گزینه‌ی ۴

تجملہ سئال: لای نفی جنس را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ پس از «لا» اسمی مرفوع آمده است در صورتی که اسم لای نفی جنس مبنی بر فتح است. (در اصل «لا» حرف تنبیه است فقط به خاطر تفهیم شما دانش‌آموزان عزیز توجیه بالا ذکر شده است.)

کل: هر، همه/ بغض/ بعضی/ غیر/ بجز/ مع: همراه/ حین: هنگامی که/ عند: نزد، هنگام/ فوق: بالا/ تخت: زیر/ امام: جلو/ وراء: پشت/ بین: وسط/ بعد: بعد از/ قبل: قبل از/ ای: کدامیک (اسم استفهام)/ ذو، ذاه، ذی، ذات: صاحب

تجملی سؤال ۱: گزینه‌ی ۱: پیامبران کسانی را که از الله سرپیچی می‌کنند هدایت می‌کنند.

گزینه‌ی ۲: ماندگارترین کارهایت چیزی است که خالصانه آن را برای خدا انجام می‌دهی.

گزینه‌ی ۳: پروردگرم از من آگاه‌تر است به آن‌چه به آن نیازمندم.

گزینه‌ی ۴: آیا در چشم تو دانا مساوی است با کسی که نادان است.

پاسخ: اسامی استفهام در جوابشان هر نقشی بیاید خودشان همان نقش را می‌پذیرند (اسامی استفهام نقش جواب خود را می‌پذیرند، مانند: من انت؟ انا تلمیذ در جواب من خبر (تلمیذ) آمده است پس من خبر است).

۳۴۲. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال ۱: مورد درست در اسلوب جمله را مشخص کن.

ح: در گزینه‌ی ۱ انت و تخافین و ک در علیک صیغه‌ی للمخاطبه هستند. در گزینه‌ی ۲ يخاف صیغه‌ی للغائب اما «ی» در علی صیغه‌ی للمتکلم وحده است و با هم مطابقت ندارند. (علیه صحیح است).

در گزینه‌ی ۳ الذین در حکم للغائبین است و صله‌ی آن باید غائب (يخافون) باشد. در گزینه‌ی ۴ يخافان صیغه‌ی للغائبین و انما صیغه‌ی للمخاطبین است در این گزینه تخافان درست است و علیهما باید علیكما باشد).

تجملی سؤال ۱: گزینه‌ی ۱: تو از فتنه‌ها بیم داری پس به قرآن تمسک بجوی.

گزینه‌ی ۲: کسی که از فتنه‌ها بیم دارد پس باید به قرآن تمسک بجوید.

گزینه‌ی ۳: کسانی که از فتنه‌ها بیم دارند پس باید به قرآن تمسک بجویند.

گزینه‌ی ۴: شما از فتنه‌ها می‌ترسید پس به قرآن تمسک بجوید.

پاسخ: اگر مبتدا اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) در حکم غائب است پس فعل، ضمیر، و... برای آن به صورت غائب می‌آید. (الذین در گزینه‌ی ۳ چون مبتدا است پس خبر و ضمیر و... باید برای آن به صورت غائب بیاید).

۳۴۳. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال ۱: گزینه‌ی صحیح را در مورد علامت فرعی اعراب مشخص کنید.

ح: در گزینه‌ی ۱ اصوات جمع مکسر صوت است، پس نصب آن با فتحه نشان داده می‌شود. (اصوات را با جمع سالم مؤنث اشتباه نگیریم)

در گزینه‌ی ۲ مؤظفان خبر کان است پس باید منصوب باشد و صفتش هم باید به پیروی از آن منصوب باشد (موظفین لائقین).

در گزینه‌ی ۴ ذو نادرست است چون مضاف‌الیه است و باید مجرور (ذی) باشد.

تجملی سؤال ۱: گزینه‌ی ۱: مدیران مدارس صدای دانش‌آموزان را شنیدند.

گزینه‌ی ۲: پدرم و دوستش کارمندان لایقی در شرکت‌شان بودند.

گزینه‌ی ۳: من اولین کسی بودم که در این مسابقه حکم (نظر) داوران را قبول کردم.

گزینه‌ی ۴: ای کاش در ماه ذی‌الحجه با حجاج خانه‌ی خدا بودم.

۳۴۴. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال ۱: با فعل صار درست را مشخص کنید.

ح: اگر افعال ناقصه بر سر ضمیر وارد شوند، باید فعل ناقصه را به صیغه‌ی آن ضمیر ببریم و ضمیر را حذف کنیم (گزینه‌ی ۱ و ۳ و ۴ نادرست هستند چون أنت حذف نشده است)

خبر افعال ناقصه باید منصوب باشد (گزینه‌ی ۳ و ۴ نادرست هستند).

ترجمه‌ی عبارت: تو برای شاگردانت در اخلاق و درس الگو هستی.

۳۴۵. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال ۱: مورد مناسب برای جاهای خالی را مشخص کن.

ح: آن از حروف مشبهه بالفعل است و پس از آن اسم آن که منصوب است می‌آید.

در جای خالی دوم خبر کان که منصوب است قرار می‌گیرد، گزینه‌ی ۱ نادرست است چون کانوا مذکر است ولی المعلمات و مجدات مؤنث هستند.

پس گزینه‌ی ۲ و ۴ نادرست هستند چون منصوب نشده‌اند.

تجملی سؤال ۱: بدانید که اشخاص موفق، در کار خود کوشا بودند، پس باید دقت کنیم.

۳۴۶. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال ۱: صحیح را در لای نفي جنس مشخص کنید.

ح: لای نفي جنس بر سر اسم (مبتدا) می‌آید و مبتدا را به عنوان اسم لا مبنی بر فتح و محلاً منصوب می‌کند.

در گزینه‌ی ۱ لا حرف عطف است و جمله‌ی اول را به جمله‌ی دوم معطوف کرده.

در گزینه‌ی ۳ لا قبل از فعل آمده پس یا لای نفي است یا نهی.

در گزینه‌ی ۴ انفاق که بعد از لا آمده معرف به اضافه است پس لا، لای نفي جنس نیست.

تجملی سؤال ۱: گزینه‌ی ۱: این شاعری بزرگ است نه تاجری فعال.

گزینه‌ی ۲: به همکلاسی‌ام گفتم: هیچ شکی در پیروزی حق نیست.

گزینه‌ی ۳: مؤمن به مجالس بد نمی‌رود.

گزینه‌ی ۴: ای ثروتمند انفاق نیست مگر در راه خدا (انفاق اموال تنها در راه الله است).

پاسخ: اسم لای نفي جنس، نکره و مبنی بر فتح و محلاً منصوب است و خبر بر آن مقدم نمی‌شود.

۳۴۷. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال ۱: موارد درست برای جاهای خالی را مشخص کن.

ح: اگر از فعل‌ها قادر به انتخاب نیستید از قسمت دوم شروع کنید در جای خالی دوم صفت قرار می‌گیرد که باید مؤنث باشد چون قیمة مؤنث است (گزینه‌ی ۱ و ۴ حذف)

در قسمت سوم فعل می‌آید که خبر لکن است و باید با اسم لکن (ی) مطابقت داشته باشد (گزینه‌ی ۱ حذف).

در گزینه‌ی ۲ ثباع فعل مجهول و مفرد مؤنث است و با نائب فاعل الورد که جمع غیر عاقل است مطابقت دارد.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

تجملہ گزینہ ۱: کمک کن به کسی که با التماس از تو کمک می‌خواهد.
 گزینہ ۲: چه کسی مرا صدا زد وقتی با تو صحبت می‌کردم؟
 گزینہ ۳: کسی که در درس‌ها از من قوی‌تر بود به من کمک کرد.
 گزینہ ۴: هر کس مرا در زندگی هدایت کند نتیجه‌ی کار خود را می‌بیند.

۳۵۰. گزینہ ۲

تجملہ **سأَلَ** مَنْ را در محل رفع مشخص کنید. (در کدام گزینہ مَنْ نقش مرفوعی گرفته است.)

سأَلَ مَنْ زمانی مرفوع می‌شود که فاعل؛ نائب فاعل؛ اسم کان؛ خبر **إِنْ**؛ مبتدا؛ یا خبر مفرّد باشد.

مَنْ در گزینہ ۱ مفعول به و محلاً منصوب است.

در گزینہ ۳ اسم **إِنْ** و محلاً منصوب است.

در گزینہ ۴ خبر **لِيس** و محلاً منصوب است.

ولی در گزینہ ۲ اسم **لِيس** و محلاً مرفوع است.

سأَلَ مَنْ: در گزینہ ۱ **تُ** در **شاهدتُ**، فاعل و محلاً مرفوع است در

نتیجه نقش مرفوعی توسط **تُ** اشغال شده است پس هیچ کلمه‌ی دیگری

نمی‌تواند نقش مرفوعی بگیرد (یعنی **مَنْ** مرفوع نیست)، در گزینہ ۲ اولاً

يفخر بنفسه صله‌ی موصول است (پس از موصول جمله یا شبه‌جمله‌ای

می‌آید که هیچ نقشی نمی‌گیرد و به آن صله‌ی موصول می‌گویند)، ثانیاً **مَنْ**

باید حتماً اسم **لِيس** باشد چون **شجاعاً** به‌عنوان خبر **لِيس** منصوب است (یعنی

برای **مَنْ** فقط نقش اسم **لِيس** باقی مانده است.)؛ در گزینہ ۳ **مَنْ** پس **إِنْ**

آمده است پس حتماً **مَنْ** اسم **إِنْ** و محلاً منصوب است؛ در گزینہ ۴ اولاً

يفخر بنفسه صله‌ی موصول است ثانیاً **مَنْ** باید حتماً خبر **لِيس** باشد چون

کلمه‌ی دیگری غیر از **مَنْ** به‌عنوان خبر برای **لِيس** وجود ندارد و می‌توان **هُوَ**

مستتر را اسم **لِيس** در نظر گرفت. [چون **لِيس** خبر **الشجاع** است پس باید

ضمیری از **لِيس** به‌عنوان اسم **لِيس** به **الشجاع** برگردد یعنی باید حتماً **هو**

اسم **لِيس** باشد تا به **الشجاع** برگردد (هرگاه خبر فعل باشد در سطح کنکور

فاعل آن باید ضمیری باشد که به مبتدا برگردد، مثلاً در جمله‌ی **الرجل ذهاباً**،

هُوَ فاعل **ذهَبَ** است که به **الرجل** بر می‌گردد)]

تجملہ گزینہ ۱: کسی را که به خودش افتخار می‌کرد مشاهده کردم.

گزینہ ۲: کسی که به خودش افتخار می‌کند شجاع نیست.

گزینہ ۳: همانا کسی که به خودش افتخار می‌کند، شجاع نیست.

گزینہ ۴: شجاع کسی نیست که به خودش افتخار می‌کند.

يَا عَرَبِيَّ مَنْ اگر مرفوع باشد یکی از نقش‌های: مبتدا؛ فاعل؛ نائب فاعل؛ خبر؛ اسم افعال ناقصه یا خبر حروف مشبهه بالفعل را داشته باشد.

۳۵۱. گزینہ ۳

تجملہ **سأَلَ** فاعل را که اسم ظاهر نیست مشخص کنید.

سأَلَ در گزینہ ۱ **الطالبات**، در گزینہ ۲ **هذه** و در گزینہ ۴ **الأطفال**

فاعل هستند که به صورت اسم ظاهر در جمله آمده‌اند اما در گزینہ ۳ **عَدُوٌّ**

خبر **إِنْ** است و فاعل آن ضمیر مستتر **هُوَ** است که به الاسلام بر می‌گردد.

تجملہ گزینہ ۱: دانش‌آموزان در انجام تکلیف‌های درسیشان کوتاهی

نکرده‌اند.

گزینہ ۲: این شاعر فرزندانش را بر اساس ارزش‌های اسلامی تربیت کرد.

تجملہ هر صبح گل‌ها به قیمتی ارزان فروخته می‌شود ولی من نمی‌توانم آن‌ها را بخرم.

۳۴۸. گزینہ ۱

تجملہ **سأَلَ** صحیح را در نواسخ مشخص کنید.

سأَلَ در گزینہ ۲ **لِيس** آمده که اسم آن مرفوع و خبرش منصوب است پس **قَادِرُونَ** باید **قَادِرِينَ** باشد.

در گزینہ ۳ **لَيْتَ** آمده که اسمش باید منصوب باشد پس **المُسْلِمُونَ** نادرست است و باید **المُسْلِمِينَ** باشد.

در گزینہ ۴ **أَصْح** آمده که خبرش باید منصوب باشد پس **مُسْتَعِدُونَ** نادرست است باید **مُسْتَعِدِينَ** باشد.

تجملہ گزینہ ۱: کلام شهدا چراغی برای هدایت مردم خواهد بود.

گزینہ ۲: دشمنان قادر نیستند که بر ملت ما سلطه یابند.

گزینہ ۳: ای کاش مسلمانان به قدرت‌های درونی‌شان اعتماد کنند.

گزینہ ۴: برای حضور در امتحانات نهایی آماده شدیم.

۳۴۹. گزینہ ۱

تجملہ **سأَلَ** مَنْ منصوب را مشخص کنید (مَنْ در کدام گزینہ نقش منصوبی گرفته است.)

سأَلَ مَنْ در محل نصب باید مفعول به؛ خبر افعال ناقصه یا اسم حروف مشبهه بالفعل باشد. در گزینہ ۲ مبتدا و مرفوع و در گزینہ ۳ فاعل و مرفوع و

در گزینہ ۴ اسم شرط است که مبتدا واقع شده و مرفوع است.

نکته ۱: هرگاه ضمیر «ی» متکلم به فعل بچسبد بین «ی» و فعل نون وقایه می‌آید.

ضمیرهای متصل نصبی جزئی اگر به فعل بچسبند مفعول به واقع می‌شوند.

نکته ۲: انتهای فعل در سه حالت «ی» است:

۱- «ی» جزو حروف اصلی فعل باشد، مانند: **يَهْدِي**

۲- «ی» ضمیر نصبی جزئی باشد در این حالت مفعول به و محلاً منصوب است، مانند: **يُسَاعِدُنِي**، **يَهْدِينِي**، **يَهْدِي**

۳- هرگاه از آخر صیغه‌ی للمخاطبة مضارع، «ن» حذف شود در این حالت «ی» فاعل و محلاً مرفوع است، مانند **سَاعِدِي**، **اِذْهَبِي** **سَاعِدِي** امر **يُسَاعِدِينَ** است، **اِذْهَبِي** امر **تَذْهَبِينَ** است)

نکته ۳: که به شما مربوط نمیشود: تفاوت، **يَهْدِي**، **يَهْدِينِي**، **يَهْدِي** صیغه‌ی اللغائب است؛ **يَهْدِينِي** صیغه‌ی اللغائب است که به آن نون وقایه و ضمیر «ی» چسبیده است؛ **يَهْدِينِي** صیغه‌ی اللغائب است که اعلال بالحذف در آن روی داده است یعنی حرف «ی» از آخر آن حذف شده است سپس نون وقایه و ضمیر «ی» به آن چسبیده است. (بعداً می‌خوانیم فعل‌هایی که آخرین حرف اصلیشون «ی» و «و» باشد برای مجزوم کردن «ی» و «و» را از آخر آنها حذف می‌کنیم)

سأَلَ **عَدُوٌّ**: در گزینہ‌های ۲ و ۳ و ۴ «ی» میان فعل و ضمیر «ی» نون وقایه آمده است پس ضمیر «ی» مفعول به و محلاً منصوب است در نتیجه در این

گزینہ‌ها نقش منصوبی توسط ضمیر «ی» اشغال شده است پس مَنْ در این

گزینہ‌ها نمی‌تواند نقش منصوبی داشته باشد.

گزینه‌ی ۳: اسلام دانشمندان را از جهاد کنندگان در راه خدا به شمار آورده است.

گزینه‌ی ۴: هنگام غروب کودکان برای شرکت در اقامه‌ی نماز می‌روند.

۳۵۲. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: لای نفي جنس را مشخص کن.

جواب: لای نفي جنس بر سر مبتدا و خبر می‌آید و مبتدا را به عنوان اسم خود مبنی بر فتح و محلاً منصوب می‌کند و خبر بر آن مقدم نمی‌شود (گزینه‌ی ۱ و ۲ و ۴ حذف‌اند چون بعد از آن‌ها فعل آمده) در گزینه‌ی ۱ لا نفي و در گزینه‌ی ۲ لا نفي (فعل مجزوم شده) در گزینه‌ی ۴ لا نفي آمده است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: آیا نمی‌دانی که الله بر هر چیزی احاطه دارد.

گزینه‌ی ۲: فقط کارهای نیک را طلب کنید.

گزینه‌ی ۳: امروز هیچ دانش‌آموزی در مدرسه نیست.

گزینه‌ی ۴: چرا ای انسان! آنچه را نمی‌دانی می‌گویی.

تجملی: اگر بعد از «ا»، «لا» بیاید لای نفي است.

۳۵۳. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: اشتباه در افعال ناقصه را مشخص کن.

جواب: افعال ناقصه بر سر مبتدا و خبر می‌آیند و خبر را منصوب می‌کنند. اگر اسم افعال ناقصه اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) به صورت للغائب و للغائبة می‌آیند؛ در گزینه‌ی ۴ با وجود اسم ظاهر (المسلمان) فعل به صورت متکلم آمده است که نادرست است (اصبح المسلمان...).

تجملی: گزینه‌ی ۱: شایسته کسی نیست که او اموال زیادی داشته باشد.

گزینه‌ی ۲: مؤمنان بصورت هستند مادامی که به ریسمان خدا چنگ بزنند.

گزینه‌ی ۳: آن دانش‌آموزان هر روز، روزنامه را مطالعه می‌کردند.

گزینه‌ی ۴: آن دو مسلمان در به دست آوردن درجات عالی پیشرفت کردند.

تجملی: هر گاه به دنبال «اولئك» و «هؤلاء» اسم ال دار بیاید به صورت مفرد ترجمه می‌شوند هؤلاء التلاميذ: این دانش‌آموزان.

اگر فاعل، نائب فاعل و اسم افعال ناقصه اسم ظاهر باشد، فعل به صورت للغائب و للغائبة می‌آید.

۳۵۴. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: لای ناسخه را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ اولی لای نفي است چون فعل را مجزوم کرده و دومی لای نفي فعل است. در گزینه‌ی ۳ لا غیر عامل و نفي است. و در گزینه‌ی ۴ لا عطف است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: هیچ نوری در قلب گناه کار نیست.

گزینه‌ی ۲: آن چه را که نمی‌دانش نگو.

گزینه‌ی ۳: دنیا بر عمل پایدار است پس در آن سکون نمی‌بینی.

گزینه‌ی ۴: مردم به عاقلان احترام می‌گذارند نه به جاهلان.

تجملی: انواع لا:

لای غیر عامل:

(۱) لای نفي: لا + مضارع مرفوع ← لا يذهب

(۲) لای عطف ← هو شاعرٌ لا تاجرٌ

(۳) لای جوابیه ← هل نذهب؟ - لا

لای عامل:

(۱) لای نفي: لا + مضارع مجزوم ← لا تَقُلْ

(۲) لای نفي جنس: لا + اسم نکره و مبنی بر فتح ← لا خَيْرَ في وُدِّ امرئٍ متلَوِّن

۳۵۵. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: اشتباه برای جای خالی را مشخص کن.

جواب: در جای خالی اول اسم لیت می‌آید که منصوب است (گزینه‌ی ۱ حذف) و بعد هم خبر لیت می‌آید که مرفوع است (گزینه‌ی ۱ حذف).

تجملی: ای کاش (تو- مسلمانان- او) به دستورات قرآن (چنگ می‌زدی- چنگ می‌زدند- چنگ می‌زد).

۳۵۶. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: لای نفي جنس را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ لا به معنی لیس است. ثانیاً خبر لای نفي جنس مقدم نمی‌شود پس لا، لای نفي جنس نیست. لا در گزینه‌ی ۳ و ۴ لای نفي آورده است چون پس از آن‌ها فعل مضارع مرفوع آمده است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: آیا برای تو کار دیگری نیست؟ (آیا کار دیگری نداری؟) گزینه‌ی ۲: امشب هیچ ستاره‌ای در آسمان نیست.

گزینه‌ی ۳: تجارتی را سودمندتر از اکتساب علم نمی‌بینم.

گزینه‌ی ۴: گل‌ها فقط در باغ‌های دارای طراوت رشد می‌کنند.

۳۵۷. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: اشتباه را مشخص کن.

جواب: هرگاه خبر مشتق باشد باید با مبتدا مطابقت داشته باشد در گزینه‌ی ۲ ضوء مذکر است اما خبر آن قویة مؤنث است (قوی درست است).

الاشعة مفرد مؤنث است و خبرش نیز باید مفرد مؤنث باشد (ضعيفة)؛ الاشعة نباید ال بگیرد چون مضاف واقع شده است.

تجملی: گزینه‌ی ۱: در انشای تو اشتباه کوچکی است. پس یک بار دیگر آن را بخوان.

گزینه‌ی ۲: نور خورشید قوی است. و نور ماه ضعیف است.

گزینه‌ی ۳: نگاه بعضی مردم به دنیا گویی با تشویش و نگرانی است.

گزینه‌ی ۴: کتاب از بهترین دوستان من است که مرا از گمراهی دور می‌کند.

۳۵۸. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: مورد درست را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ صیغه‌ی فعل خبر نادرست است باید با اسم اَلَيْتَ مطابقت کند (يحسب)

در گزینه‌ی ۳ اَكسب للمتكلم وحده است و با اَلَسْنَا مطابقت ندارد (نَكسب)

در گزینه‌ی ۴ متوكلاً خبر اصبحتم است که باید با آن مطابقت کند (متوكلين) و معتمداً نیز باید جمع باشد (مُعتمدين).

تجملی: گزینه‌ی ۱: سفارش‌های شهدا چراغی برای راه ما خواهند بود.

گزینه‌ی ۲: ای کاش مدیر مرا کارمندی لایق ببیند.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

گزینه‌ی ۳: ما قادر نیستیم که جایگاهی علمی را کسب کنیم.
گزینه‌ی ۴: به پروردگارتان متوکل شدید و به قدرتهایتان تکیه کردید.

۳۶۳. گزینه‌ی ۴

ترجمه‌ی سؤال: خبر و نوع آن را در عبارت زیر مشخص کنید.

ترجمه: عظمت پروردگار مخلوق را در چشمان تو کوچک می‌کند.

گزینه‌ی ۲: اگر مبتدا اسم ظاهر باشد (ضمیر نباشد) در حکم غائب است پس فعل، ضمیر و ... برای آن به صورت غائب می‌آید.

۳۶۴. گزینه‌ی ۲

ترجمه‌ی سؤال: درست را در نقش درجات مشخص کنید.

ترجمه: با رنج و زحمت زیاد مقامات رفیع و بلند بدست می‌آوری.

۳۶۵. گزینه‌ی ۴

ترجمه‌ی سؤال: اعراب اسم این و خبر کانت را مشخص کنید.

ترجمه: خواهرم پیروزی را کسب خواهد کرد اگر تلاش‌گر باشد.

۳۶۶. گزینه‌ی ۱

ترجمه‌ی سؤال: با به کار بردن کانت جواب صحیح را مشخص کنید.

سؤال: برای قرار دادن کان به جای این باید کان را به صیغه‌ی ضمیری که اسم این واقع شده است ببریم که به کانت تبدیل می‌شود و هی مستتر اسم آن واقع می‌شود. (گزینه‌ی ۳ و ۴ حذف)

خبر این که مرفوع است خبر کان و منصوب می‌شود (گزینه‌ی ۲ حذف).

ترجمه‌ی سؤال: او زشت باطنی پست است.

ترجمه: او زشت باطنی پست بود.

۳۶۷. گزینه‌ی ۳

ترجمه‌ی سؤال: غلط را مشخص کن.

سؤال: در گزینه‌ی ۳ قاضی، منقوص است و اسامی منقوص در حالت رفع و جر اعراب تقدیری دارند پس باید قاضی باشد.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: این مرد چوپان گوسفندان بود.

گزینه‌ی ۲: معلمی راضی از دانش‌آموزانش را دیدم.

گزینه‌ی ۳: قاضی به دادگاه وارد شد.

گزینه‌ی ۴: حاکم داخل شد و بر صندلی نشست.

۳۶۸. گزینه‌ی ۱

ترجمه‌ی سؤال: اسم کان را به ترتیب در عبارت زیر مشخص کنید.

ترجمه: دروغگو مباش پس عاقبت تو پشیمانی می‌باشد.

۳۶۹. گزینه‌ی ۳

ترجمه‌ی سؤال: غلط را مشخص کن.

سؤال: خبر اگر مشتق باشد باید از لحاظ عدد و جنس با مبتدا مطابقت کند ولی اگر جامد باشد مطابقت لازم نیست.

الشمس مؤنث مجازی است و خبرش **مُشْرِقة** به صورت مؤنث آمده

حمزة: مذکر است و خبرش مذکر آمده

غذاء جامد است و مطابقت نمی‌خواهد

واجب مشتق است و باید با مبتدا مطابقت کند یعنی باید مؤنث باشد (واجبة).

کلاب مضاف است و نباید ال بگیرد (گزینه‌ی ۲ حذف).
 ترجمه‌ی عبارت: سگ‌های روستا روباهی را دیدند و دلبالش افتادند (تعقیبش کردند) و فریاد زدند.

۳۵۹. گزینه‌ی ۳

ترجمه‌ی سؤال: کلاب را مفعول و ثَلَب را فاعل قرار دهید.

سؤال: ثَلَب مذکر است و فعل آن مذکر می‌آید پس گزینه‌ی (۱ و ۴) حذف می‌شوند.

کلاب مضاف است و نباید ال بگیرد (گزینه‌ی ۲ حذف).
 ترجمه‌ی عبارت: سگ‌های روستا روباهی را دیدند و دلبالش افتادند (تعقیبش کردند) و فریاد زدند.

گزینه‌ی ۳: روباهی سگ‌های روستا را دید پس دنبال‌شان افتاد و فریاد زد.

گزینه‌ی ۴: فعل جمله با فاعل خود مطابقت می‌کند نه با مفعول به.

۳۶۰. گزینه‌ی ۲

ترجمه‌ی سؤال: مورد مناسب برای جای خالی را مشخص کن.

سؤال: در جای خالی اول صفتی مرفوع برای **الطلاب** قرار می‌گیرد چون **الطلاب** مبتدا و مرفوع است (گزینه‌ی ۳ و ۴ حذف)

در قسمت دوم اسم آن قرار می‌گیرد و منصوب است که باید یا مفرد مؤنث باشد یا جمع غیر عاقل چون صفتش (**الصَّغْبَة**) مؤنث آمده (گزینه‌ی ۱ و ۳ حذف می‌شوند چون **العَمَل** مفرد مذکر است).

ترجمه: دانش‌آموزان کوشا می‌دانند کارهای سخت به همتی بزرگ احتیاج دارد.

۳۶۱. گزینه‌ی ۳

ترجمه‌ی سؤال: خطا را با توجه به افعال ناقصه مشخص کنید.

سؤال: افعال ناقصه بر سر مبتدا و خبر می‌آیند و خبر را به عنوان خبر خود منصوب می‌کنند. در تمام گزینه‌ها اسم و خبر افعال ناقصه با صیغه‌ی آن‌ها هماهنگی دارد و درست است به جز در گزینه‌ی ۳ که اسم مادامت ضمیر هی مستتر است که با مرجعش **التَّلمِیذَاتان** مطابقت ندارد و باید (**مَادَامَتَا**) باشد و خبر مادام باید مؤنث باشد (**مَدَافِعَتَین**).

ترجمه: گزینه‌ی ۱: پیروزمندان در زندگیشان استوار بودند.

گزینه‌ی ۲: پرستاران بیمارستان در طول شب بیدار ماندند.

گزینه‌ی ۳: دو دانش‌آموز پیروز هستند مادامی که مدافعان کرامت و بزرگی انسان باشند.

گزینه‌ی ۴: مسلمانان متفرق هستند تا وقتی که از اسلام دور هستند.

۳۶۲. گزینه‌ی ۴

ترجمه‌ی سؤال: غلط را مشخص کن.

سؤال: اگر خبر مشتق باشد باید با مبتدا مطابقت داشته باشد. در گزینه‌ی ۴ **نَحْنُ** جمع است ولی **مُتَعَلِّمَة** مفرد است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: من مسلمان هستم و تو مؤمن هستی.

گزینه‌ی ۲: تو معلم هستی و من دانا هستم.

گزینه‌ی ۳: تو فعال هستی و من کوشا هستم.

گزینه‌ی ۴: ما یادگیرنده هستیم و او معلم است.

۳۷۲. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: غلط را مشخص کن.

جواب: در هر ۴ گزینه حروف مشبّهة بالفعل وجود دارد پس اسم و خبر آن‌ها را بررسی می‌کنیم. می‌دانیم که اسم آن‌ها منصوب و خبرشان مرفوع است که این حالت در گزینه‌ی ۱ در مورد خبر لَکِنَّ صدق نمی‌کند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: شما پیروز هستید ولی از مسئولیتان غافل هستید.

گزینه‌ی ۲: مدرسه‌ی ما دری دارای رنگ سفید دارد.

گزینه‌ی ۳: کاش کتابی دارای موضوع علمی داشته باشم.

گزینه‌ی ۴: گویی کلاس ما تخته‌ای دارای رنگ سبز دارد.

پاسخ: اسامی ممنوع من الصرف تنوین نمی‌گیرند و در حالت جر به جای کسره فتحه می‌گیرند.

۳۷۳. گزینه‌ی ۲

ترجمه سؤال: درست را برای جای خالی زیر مشخص کنید.

جواب: کلمه‌ای که در جای خالی قرار می‌گیرد مضاف‌الیه و مجرور واقع می‌شود، (چون کتاب نه ال دارد و نه تنوین، پس بعد از آن مضاف‌الیه می‌آید) (گزینه‌ی ۳ حذف)

مریم و **اکبر** هر دو ممنوع من الصرف هستند و تنوین نمی‌گیرند و به جای کسره فتحه می‌پذیرند (**مریم** و **اکبر** درست است) (گزینه‌ی ۱ و ۴ حذف).

ترجمه: این کتاب دانش‌آموز است.

۳۷۴. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: کدام یک برای عبارت زیر غلط است.

جواب: در جای خالی مبتدا قرار می‌گیرد که مرفوع است و در گزینه‌ی ۱ صفت مبتدا به صورت منصوب (با **ی** در **ین**) آمده که نادرست است. گزینه‌ی ۴ با اینکه مشابه گزینه‌ی ۱ است اما درست است چون المسلمین مضاف‌الیه و مجرور (با **ی** در **ین**) واقع شده است. در گزینه‌ی ۲ و ۳ المسلمون صفت است.

ترجمه عبارت: جوانان مسلمان قهرمانی‌های دل‌انگیز را در تاریخ تحقّق بخشیدند (به وجود آوردند).

ترجمه: گزینه‌ی ۲: جوانان مسلمان

گزینه‌ی ۳: جوانان مسلمان ما

گزینه‌ی ۴: جوانان مسلمان‌ها

پاسخ: صفت همیشه به صورت مفرد ترجمه می‌شود. **الشباب المسلمون:**

جوانان مسلمان

مضاف‌الیه همیشه مطابق تعداد خود ترجمه می‌شود. **شباب المسلمین:** جوانان مسلمان‌ها (جوانانی که متعلق به مسلمان‌ها هستند)

خبر همیشه مفرد ترجمه می‌شود مگر این که دارای صفت باشد: **هؤلاء تلاميذ:** این‌ها دانش‌آموز هستند.

هؤلاء تلاميذ نشیطون: این‌ها دانش‌آموزان با نشاطی (فعال) هستند.

خبر اگر نکره هم باشد به صورت معرفه ترجمه می‌شود: **هؤلاء تلاميذ:** این‌ها دانش‌آموز هستند.

۳۷۵. گزینه‌ی ۴

ترجمه: گزینه‌ی ۱: خورشید تابان است.

گزینه‌ی ۲: مطالعه غذا است.

گزینه‌ی ۳: تلاش واجب است.

گزینه‌ی ۴: حمزه شهید است.

۳۷۰. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: درست را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ها کان آمده که از افعال ناقصه است و اسم آن مرفوع و خبرش منصوب است (گزینه‌ی ۳ حذف چون اسم کان منصوب آمده) در گزینه‌ها **الحرب**، مضاف‌الیه **مقاتلون** است پس باید ن حذف شود (گزینه‌ی ۲ حذف، ثانیاً اگر فاعل اسم ظاهر باشد فعل صیغه‌ی للغائب یا للغائبة است؛ شکل درست گزینه‌ی ۲: **کان قد ائبت مقاتلو الحرب**)

هرگاه کان خبر واقع شود باید از لحاظ جنس و عدد با مبتدای خود مطابقت کند (گزینه‌ی ۴ حذف). - (شکل صحیح گزینه‌ی ۴: **مقاتلو الحرب کانوا قد ائبتوا**).

ترجمه: رزمندگان جنگ ثابت کرده بودند که آن‌ها برای ذلت خضوع نمی‌کنند (در برابر ذلت تسلیم نمی‌شوند).

پاسخ: در افعال دو جزئی: (ماضی بعید و استمراری)، فعل خبر با اسم کان مطابقت دارد.

(۱) **کانوا ائبتوا**

کانوا: از افعال ناقصه؛ و: اسم کان؛ **ائبتوا:** خبر کان؛ و: فاعل.

(۲) **کان المقاتلون ائبتوا**

کان: از افعال ناقصه؛ **المقاتلون:** اسم کان؛ **ائبتوا:** خبر کان؛ و: فاعل.

(۳) **المقاتلون کانوا ائبتوا**

المقاتلون: مبتدا و مرفوع؛ **کانوا ائبتوا:** خبر؛ **کانوا:** از افعال ناقصه؛ و: اسم کان؛ **ائبتوا:** خبر کان؛ و: فاعل.

(۴) **کان ائبت المقاتلون**

کان: از افعال ناقصه؛ هو مستتر اسم کان؛ **ائبت المقاتلون:** خبر کان؛ **المقاتلون:** فاعل.

۳۷۱. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: خبری را که اعرابش با خبرهای دیگر فرق دارد مشخص کن.

جواب: اسم اشاره به مکان (هنا، هُنَاكَ، هُنَالِكَ) اگر مکان شیء را نشان دهد خبر مقدم و محلاً مرفوع است مانند گزینه‌ی ۳؛ (پس در گزینه ۳، والی مبتدا و تقدیراً مرفوع است؛ هُنَاكَ خبر مقدم و محلاً مرفوع است). اسم پس از اسم اشاره به شیء، (هَذَا و ...) اگر بدون ال باشد، خبر هستند پس در گزینه‌های دیگر (۱، ۲ و ۴)، کلمات **قاضي**، **ثواني** و **ليالي** خبر و تقدیراً مرفوع هستند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: این قاضی دادگاه است.

گزینه‌ی ۲: این‌ها ثانیه‌های عمر است در گذر زمان.

گزینه‌ی ۳: حاکم آنجاست.

گزینه‌ی ۴: این‌ها شب‌های زیبایی هستند.

تجملی سؤال: غلط را مشخص کن.

جواب: **الحکمة** مبتدا است و در جای خالی خبر می‌آید که اگر خبر مفرد و مشتق باشد باید از لحاظ جنس و عدد با مبتدا مطابقت کند، در گزینه‌ی ۴ خبر مفرد و مشتق (اسم فاعل باب افعال) است باید **مفیده** باشد تا با مبتدا مطابقت داشته باشد

در گزینه‌ی ۱ و ۳ **شجره** و **کنز** هر دو جامد هستند و مطابقت آن‌ها با مبتدا لازم نیست.

در گزینه‌ی ۲ **ضالمة** با مبتدا مطابقت دارد؛ **ضالمة** اسم فاعل (ض/ل) است **تجملی** گزینه‌ی ۱: دانش درختی است که در قلب‌ها می‌روید.

گزینه‌ی ۲: دانش گمشده‌ی مؤمن است.

گزینه‌ی ۳: دانش گنج مؤمن است.

گزینه‌ی ۴: دانش در زندگی انسان مفید است.

۳۷۶. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: کان را بر سر عبارت زیر بیاورید.

جواب: کان از افعال ناقصه است و مبتدا را مرفوع و خبر را منصوب می‌کند. اگر کان بر سر ضمیر وارد شود، کان به صیغه‌ی آن ضمیر برده می‌شود و ضمیر را حذف می‌کنیم یعنی در این تست **هم** به و در **کانوا** تبدیل می‌شود.

تجملی عبارت: قدرت آن‌ها از شما بیشتر است.

تجملی گزینه‌ی ۱: قدرت آن‌ها از شما بیشتر بود.

تجملی اگر اسم تفصیل خبر واقع شود در صورتی به مطابقت با مبتدا نیاز دارد که دارای ال باشد.

۳۷۷. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: ما كافة را در عبارت زیر به کار ببرید.

جواب: ما كافة این را از عمل باز می‌دارد و مبتدا و خبر، مرفوع باقی می‌ماند «ما»ی كافة حتماً باید به ان پیچسبید. «ما»ی كافة از کتاب‌های شما حذف شده است ولی به علت کاربرد زیاد آن در متون درسی آن را مطرح کرده‌ایم.

ترجمه‌ی عبارت: مؤمنان برادرند.

تجملی گزینه‌ی ۴: فقط مؤمنان برادرند.

تجملی اگر آخ به مثنی تبدیل شود به صورت اُخْوَان (برای حالت مرفوع) و اُخْوَيْن (برای حالت نصبی و جزی) می‌آید. و جمع آن به صورت، جمع مکسر باشد به صورت اِخْوَة و اِخْوَان می‌آید. [اِخْوَان را با اُخْوَان اشتباه نگیریم]

۳۷۸. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: درست را برای جای خالی در عبارت زیر مشخص کنید.

جواب: در جای خالی اول تابع (صفت یا عطف بیان) می‌آید که باید با **اولیک** مطابقت کند (گزینه‌ی ۳ حذف می‌شود چون مثنی است) و باید مذكر باشد چون **کان** و **هم** در **عظیهم** مذكر است (گزینه‌ی ۲ حذف می‌شود چون مؤنث است)

در جای خالی دوم خبر کان قرار می‌گیرد که منصوب است (گزینه‌ی ۱ حذف).

تجملی آن کارگران در کارشان صادق بودند.

۳۷۹. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: غلط را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ **حمزة** مذكر است ولی فعل آن به صورت مؤنث آمده است.

تجملی گزینه‌ی ۱: (مرد) بسیار دانا به سرعت آمد.

گزینه‌ی ۲: حمزه با سرعت آمد.

گزینه‌ی ۳: زینب با سرعت می‌رود.

گزینه‌ی ۴: (زن) بسیار دانا با سرعت خارج شد.

تجملی در وزن فَعَالَة نشانه‌ی مؤنث بودن نیست. بلکه نشانه‌ی کثرت است یعنی وزن فَعَالَة هم مؤنث است و هم مذكر.

۳۸۰. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: مورد درست برای جای خالی را مشخص کن.

جواب: در جای **خالی** صفت **نهر** قرار می‌گیرد که مرفوع است.

جاری اسم منقوص است که در حالت رفع و جر اعرابش تقدیری است و در حالت نصب، ظاهری است.

تجملی این رود روان است.

تجملی اسم منقوص در حالت نصب و جر، هرگاه نکره باشد، ی از آخر آن حذف می‌شود و به جای آن تنوین جر می‌گیرد جاری ← جار.

۳۸۱. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: کدام گزینه برای جای خالی مناسب است؟

جواب: **عاصفة** مبتدا و مؤنث است پس باید خبرش مؤنث باشد (گزینه‌ی ۱ و ۳ حذف می‌شوند چون مذكر هستند).

الأوراق مفعول به واقع شده پس باید فعل متعدی در جای خالی قرار گیرد (گزینه‌ی ۱ و ۲ حذف می‌شوند چون لازم هستند).

طیّرت ماضی باب تفعیل، متعدی و مؤنث است.

ترجمه‌ی عبارت: باد شدیدی برگ‌ها را از زمین بلند کرد.

۳۸۲. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: «ان» را با جمله‌ی زیر به کار ببرید.

جواب: ان از حروف مشبهة بالفعل است و مبتدا را منصوب کرده و خبر را مرفوع می‌کند.

در گزینه‌ی ۱ **انت** به **ك** تبدیل شده که نادرست است.

در گزینه‌ی ۳ **انت** به ضمیر متصل نصبی جزی تبدیل نشده است.

در گزینه‌ی ۴ خبر به صورت منصوب آمده که نادرست است.

ترجمه‌ی عبارت: تو عالم هستی.

ترجمه‌ی گزینه: همانا تو عالم هستی.

۳۸۳. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: خبر مفرد را مشخص کن.

جواب: خبر مفرد آن است که جمله و شبه‌جمله نباشد.

در گزینه‌ی ۱ **لم یخف** و در گزینه‌ی ۳ **خاف** و در گزینه‌ی ۴ **یخاف** خبر (از نوع جمله‌ی فعلیه) هستند

در گزینه‌ی ۲ **خائف** خبر مفرد است.

تجملی گزینه‌ی ۱: شجاع نترسید.

گزینه‌ی ۲: دشمن ترسو است.

گزینه‌ی ۳: کودک ترسید.

گزینه‌ی ۴: ترسو می‌ترسد.

۳۸۴. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: اسم موصول را در حالت نصب مشخص کن.

جواب: «ما» در گزینه‌ی ۱ مفعول به و منصوب است.

«ما» در گزینه‌ی ۲ مضاف‌الیه و مجرور است.

«التی» در گزینه‌ی ۳ مجرور به حرف جر است.

«من» در گزینه‌ی ۴ خبر این و مرفوع است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: خداوند در قرآن آنچه را برای مردم شفا است نازل کرده است.

گزینه‌ی ۲: انسان هر آنچه از کار خیر انجام داده، نزد خدا حاضر می‌یابد.

گزینه‌ی ۳: خدایا! مرا در آنچه برابم شایسته‌تر است موفق کن.

گزینه‌ی ۴: گالیله کسی است که به حرکت زمین عقیده داشت.

۳۸۵. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: موصول را در حالت نصب مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۴ «ما» مفعول به و منصوب است. در گزینه‌ی ۱ «ما» مبتدا

و محلاً مرفوع، «مما = مین ما» جار و مجرور، در گزینه‌ی ۲ «من» فاعل و محلاً مرفوع و در گزینه‌ی ۳ «من» مبتدا و محلاً مرفوع است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: آنچه قبل از مرگ می‌بخشی - هرچند اندک - بهتر است از آنچه بعدش می‌بخشی - هرچند زیاد -

گزینه‌ی ۲: کسی که برای رسیدن به اهداف درستش تلاش می‌کند، موفق خواهد شد.

گزینه‌ی ۳: کسی که میان شما و سوسه ایجاد می‌کند تا میانتان دشمنی بیاندازد، همان شیطان است.

گزینه‌ی ۴: همه مردم در آخرت برداشت می‌کنند آنچه را در دنیا می‌کارند.

۳۸۶. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: «من» را در حالت رفع مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ «من» فاعل و محلاً مرفوع است. در سایر گزینه‌ها «من» مفعول به و محلاً منصوب است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: کسی ما را شناخت که تا کنون او را ندیده بودیم.

گزینه‌ی ۲: شناس کسی را که همیشه به تو نیکی بسیار می‌بخشد.

گزینه‌ی ۳: شناختم کسی را که در زندگی‌اش به فقیران کمک می‌کند.

گزینه‌ی ۴: مادر، کسی را که در خیابان به من کمک کرد شناخت.

۳۸۷. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: «من» را در حالت نصب مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۴ «من» اسم آن و محلاً منصوب است. در گزینه‌ی ۱ و ۲

«من» فاعل و محلاً مرفوع و در گزینه‌ی ۳ «من» خبر و محلاً مرفوع است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: کسی که از نظر اخلاق از من بهتر است مرا صدا زد تا به او کمک کنم

گزینه‌ی ۲: کسی به من مشورت داد که در کارها از من داناتر بود.

گزینه‌ی ۳: او کسی است که مرا از خبر پیروزی سربازانمان در جنگ باخبر کرد.

گزینه‌ی ۴: بدان کسی که ما را به نیکی هدایت کند، پاداش عملش را خواهد دید.

۳۸۸. گزینه‌ی ۴

ترجمه سؤال: مورد درست برای جای خالی را مشخص کن. «خدای من! من شایسته‌ی رحمت تو نبودم، ولی تو شایسته‌ی آنی که از بزرگواری‌ات بر من ببخشایی»

جواب: با توجه به کلمه‌ی «مُستأهلاً» که مفرد و مذکر است و خبر کان واقع می‌شود، برای جای خالی اول کلمه‌ی «كنت» صحیح است. با توجه به کلمه‌ی «الهي» که مفرد مذکر مخاطب است برای جای خالی دوم، کلمه‌ی «ك» مناسب است و با توجه به «لکنک» برای جای خالی سوم «تجدد» مناسب می‌باشد.

۳۸۹. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: تعداد منصوبات و مرفوعات چند تاست؟

جواب: منصوبات ۳ مورد: رجلاً / اسمر / له * مرفوعات ۳ مورد: «ت» در رأیت / کفان / خشتنان

ترجمه: مردی گندمگون دیدم که دستانی زبر داشت.

۳۹۰. گزینه‌ی ۳

ترجمه سؤال: ضمیر «یا» را در حالت نصب مشخص کن.

جواب: «ی» در «إني» اسم این و منصوب و در «عاهدني» مفعول به و منصوب است. در گزینه‌ی ۱ «ی» در «ولدي» مضاف‌الیه و محلاً مجرور است. در گزینه‌ی ۲ «ی» در «تعطين» و «تتسین» هر دو فاعل و محلاً مرفوع هستند. در گزینه‌ی ۴ «ی» در «مطلوبی» مضاف‌الیه و مجرور و «ی» در «لی» مجرور به حرف جر است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: ملت ما سختی زمان جنگ را تحمل کرد، و این افتخاری برای ماست، فرزندان!

گزینه‌ی ۲: ای طبیعت! آیا به پروانه، زیبایی می‌دهی و دیگران را فراموش می‌کنی؟

گزینه‌ی ۳: من در زندگی‌ام از پیمان کسی که با من پیمان ببندد، نگهداری می‌کنم.

گزینه‌ی ۴: من هدفم را دوست دارم، پس آنچه در راهش بذل کنم، برایم ناچیز است.

۳۹۱. گزینه‌ی ۱

ترجمه سؤال: جمله‌ی اسمیه را مشخص کن.

جواب: جمله‌ی اسمیه با اسم شروع می‌شود. در گزینه‌ی ۱ «الغاء» اسم است. سایر گزینه‌ها با (جار و مجرور) شروع شده‌اند بنابراین جمله‌ی اسمیه نیستند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: لغو قانون‌های موجود که ستمگران آن را قرار داده‌اند، بر ما واجب است.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو - - - - - کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

۳۵۲

گزینه‌ی ۲: گیاهان سبز دارای فواید زیادی می‌باشند تا زمانی که سبز باقی بمانند.

گزینه‌ی ۳: کاش هر جا بودیم، برای دیگران تأثیرگذار باشیم، نه تأثیرپذیر از دیگران در زندگی [باشیم]

گزینه‌ی ۴: این دو پسر بزرگ، باهوش هستند ولی خواهرشان از آنها باهوشتر است.

۳۹۶. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: مرفوعات را مشخص کن.

جواب: القمر: مبتدا و مرفوع / اقوی: خبر برای آن و مرفوع.

تجملی: ماه در روز ناپدید می‌شود و در شب آشکار می‌گردد، زیرا نور خورشید قوی‌تر از نورش است.

۳۹۷. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: مورد مناسب برای جای خالی را مشخص کن.

جواب: إخوان؛ خبر و مرفوع؛ که از لحاظ تعداد و جنس با «المبذرين» مطابقت دارد. در گزینه‌ی ۱ «إخوة» گرچه جمع است، اما به دلیل این که مضاف واقع می‌شود نمی‌بایست تنوین بگیرد. در گزینه‌ی ۳ «أخ» به دلیل مفرد بودن و تنوین گرفتن مناسب نیست. در گزینه‌ی ۴ إخوان به دلیل مثنی بودن و نیز حذف نشدن «ن» در حالت اضافه، مناسب نیست.

تجملی: آیا نمی‌دانی که اسراف‌کنندگان برادران شیاطین هستند؟

۳۹۸. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: اسم و خبری را که با بقیه متفاوت است مشخص کن.

جواب: در این گزینه، اسم به صورت ضمیر «ه» و خبر به صورت مفرد «محتاج» است. در سایر گزینه‌ها اسم به صورت اسم ظاهر و خبر به صورت شبه‌جمله می‌باشد.

تجملی: گزینه‌ی ۱: شاید او نیازمند یاری تو باشد

گزینه‌ی ۲: چیزی ندارم تا به مردم خدمت کنم

گزینه‌ی ۳: قطعاً چیزی برای بچه‌ها به همراه دارم

گزینه‌ی ۴: کاش زنبیلی داشتم غذایم را در آن بگذارم.

۳۹۹. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: کدام گزینه دارای اسم غیر منصرف نیست؟

جواب: در گزینه‌ی ۱ «أصلب»، در گزینه‌ی ۲ «مدارس، خوارزم» و در گزینه‌ی ۴ «آرمان» اسم‌های غیر منصرف هستند.

تجملی: گزینه‌ی ۱: روح انسان هرگز سخت‌تر از صخره نیست.

گزینه‌ی ۲: مدرسی در خوارزم بودند که دانشمندان برای تدریس به آنجا می‌رفتند.

گزینه‌ی ۳: محمود به کوه‌ها نگاه کرد، بی‌حرکت به نظر می‌آمدند ولی مانند ابر حرکت می‌کنند.

گزینه‌ی ۴: آرمان یک اسم خاص از اسم‌های فارسی است و در عربی به معنی «امید» است.

۴۰۰. گزینه‌ی ۱

گزینه‌ی ۲: به دلیل بعضی از قوانین موجود، دشمن سرزمین‌های ما را اشغال کرد.

گزینه‌ی ۳: در قوانین شهر ما تعدادی کاستی‌های مهم می‌بینیم.

گزینه‌ی ۴: در بعضی قوانین دنیا نیاز به تغییر داریم.

۳۹۲. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: مورد درست برای جاهای خالی را مشخص کن.

جواب: در جای خالی اول، اسم این قرار می‌گیرد که منصوب است: المعلمین؛ منصوب با «ی» (اعراب فرعی). در جای خالی دوم، مجرور به حرف جر قرار می‌گیرد: الوالدین؛ مجرور به حرف جر با «ی» (اعراب فرعی) // در جالی خالی سوم، خبر این که مرفوع است گذاشته می‌شود: «مرشدون» مرفوع به «و» (اعراب فرعی) است.

تجملی: همانا معلم‌ها برای ما از پدر و مادر دلسوزتر هستند، زیرا آنها هدایت‌گرانی برایمان هستند.

۳۹۳. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: در کدام گزینه، خبر نواسخ فرق دارد؟

جواب: «یختار» خبر به صورت فعل است. در گزینه‌ی ۱ «مسروین»، در گزینه‌ی ۳ «منبعه» و در گزینه‌ی ۴ «مبتسمین» خبر به صورت مفرد هستند.

تجملی: گزینه‌ی ۱: اگر همیشه شاد باشیم، از سختی‌ها دلتنگ نمی‌شویم

گزینه‌ی ۲: کاش انسان عاقل، درونی راضی و خندان انتخاب کند.

گزینه‌ی ۳: باید لبخند از درونی خندان سرچشمه بگیرد.

گزینه‌ی ۴: تا زمانی که خندان هستیم، می‌توانیم کار نیک انجام دهیم.

۳۹۴. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: اسم نواسخ به صورت ضمیر مستتر را مشخص کن.

جواب: در این گزینه، اسم «لیس» به صورت ضمیر مستتر هو می‌باشد. در گزینه‌ی ۱ «الانسان» اسم این، در گزینه‌ی ۲ «الحصول» اسم این، در گزینه‌ی ۳ «قیمه» اسم لیست و در گزینه‌ی ۴ «توصل» اسم لای نفی جنس، همگی به صورت اسم ظاهر می‌باشند.

تجملی: گزینه‌ی ۱: انسان کارهای مختلفی انجام می‌دهد و هدفش از این کارها رسیدن به آرامش است.

گزینه‌ی ۲: رسیدن به آرامش بعد از تفکر و تعقل در مشکلات مختلف نیست

گزینه‌ی ۳: بلکه بعد از زمانی است که به موضوعاتی که ارزش فکر کردن ندارند، فکر نکنیم.

گزینه‌ی ۴: و رسیدن به این مرحله فقط بعد از تمرین و پابندی نفس به بعضی از مسائل می‌باشد.

۳۹۵. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: مورد اشتباه در باره خبر نواسخ را مشخص کن.

جواب: «مؤثرأ» باید از لحاظ عدد با «كُنَّا» که متکلم مع الغیر است مطابقت داشته باشد: «مؤثرین»

تجملی: گزینه‌ی ۱: نشانه‌های طبیعت فقط منبعی مهم هستند تا انسان از آن بهره بگیرد تا زمانی که زنده است.

تجملی سؤال: درست را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ ضمیر **ها** نادرست است چون به **الشاب** برمی‌گردد و باید «ه» باشد.

در گزینه‌ی ۳ **الأوضاع** اسم **صارت** است و باید مرفوع باشد.

در گزینه‌ی ۴ مرجع اسم **مادام، المجاهدون** است و باید جمع باشد (**مادامو**) و خبرش باید منصوب باشد (**متمسکین**).

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: زمین با لباس سبز در بهار آراسته شد.

گزینه‌ی ۲: جوان تجربه‌هایش در کار کم بود.

گزینه‌ی ۳: اوضاع برای استقبال دانش‌آموزان مناسب شد.

گزینه‌ی ۴: مجاهدان قوی هستند مادامی که به قرآن چنگ بزنند.

۴.۱. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: درست را مشخص کن.

جواب: خبر جمله‌ی فعلیه باید از لحاظ جنس و عدد با مبتدأ، اسم **إن** و اسم **كان** مطابقت کند (گزینه‌ی ۱ حذف می‌شود).

اسم حروف مشبّهة منصوب است پس **اخاک** درست است (گزینه‌ی ۲ حذف). حالت نصب جمع مؤنث سالم با کسره است (گزینه‌ی ۴ حذف).

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: کاش ما ارزش وقت را درک کنیم.

گزینه‌ی ۲: شاید برادرت آرزوهای طولانی‌تر را ترک کند.

گزینه‌ی ۳: گویا شما به مطالعه‌ی درس‌های مهم خود مشغولید.

گزینه‌ی ۴: تحقیقات علمی اشاره‌هایی به بزرگی آفریننده است.

۴.۲. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: درست را در به‌کارگیری نواسخ مشخص کنید.

جواب: در گزینه‌ی ۱ **أخو** اسم **إن** است و منصوب (أخا)

در گزینه‌ی ۲ **السيف** اسم **لا** نفی جنس است و ال نمی‌گیرد.

در گزینه‌ی ۴ **مجتهدات** خبر اصبح است و باید منصوب باشد که جمع مؤنث در حالت نصب با کسره نشان داده می‌شود (مجتهدات).

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: برادرت برای بهشت از تو برحق‌تر است.

گزینه‌ی ۲: هیچ شمشیری برنده‌تر از حق نیست.

گزینه‌ی ۳: هرگز پیروز نخواهید شد مادامی که متفرق هستید.

گزینه‌ی ۴: دانش‌آموزان تلاشگر شدند.

تجملی سؤال: اسم **لا**ی نفی جنس مبنی بر فتح است و اعراب آن محلی است. و خبر بر اسم **لا** مقدم نمی‌شود.

۴.۳. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: درست را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ **أخَر** و **تلاميذ** ممنوع من الصرف هستند و تنوین نمی‌گیرند. (**أخَر** و **تلاميذ**)

در گزینه‌ی ۲ **والدين** مضاف واقع شده است و **ن** باید حذف می‌شد.

در گزینه‌ی ۳ فاعل اسم ظاهر است و فعل باید به صیغه‌ی للغائب باشد (**يدافع**).

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: به کلاس دیگری که در آن دانش‌آموزان زیادی بودند

رفتم.

گزینه‌ی ۲: تو والدینت را با رتبه‌های عالی خوشحال می‌کنی.

گزینه‌ی ۳: مجاهدان از میهن اسلامی‌شان دفاع می‌کنند.

گزینه‌ی ۴: مسلمانان مقالات زیادی در علوم تألیف کرده‌اند.

۴.۴. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: لا نفی جنس را مشخص کنید.

جواب: اسم **لا** نفی جنس **ال** نمی‌گیرد (گزینه‌ی ۱ حذف)

به دنبال **لا**ی نفی جنس، اسم می‌آید نه فعل (گزینه‌ی ۳ و ۴ حذف).

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: باید با عاقل هم‌نشینی کنید نه با نادان.

گزینه‌ی ۲: هیچ فرد موفق‌ی در زندگیش سستی نمی‌کند.

گزینه‌ی ۳: ای انسان! با کسی که به خودش افتخار می‌کند معاشرت نکن.

گزینه‌ی ۴: آیا نمی‌دانید که خداوند بر همه چیز توانا است.

۴.۵. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: غلط را درباره‌ی افعال ناقصه مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۲ **مادامت** نادرست است و باید **ماذمتن** باشد چون مرجعش

الطالبات است. **مجتهدات** خبر افعال ناقصه است و باید منصوب باشد.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: دوستان ما در کارهای درسی‌شان پایدار بودند.

گزینه‌ی ۲: دانش‌آموزان پیروز هستند مادامی که کوشا باشند.

گزینه‌ی ۳: هوا سرد شده است و برای از خانه خارج شدن مناسب نیست.

گزینه‌ی ۴: مؤمنان پیروز شدند برای این که بر خدا توکل کردند.

۴.۶. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: درست را مشخص کن.

جواب: **فَرِحَ** ماضی باب تفعیل است و متعدی می‌باشد پس باید در جمله

مفعول به وجود داشته باشد (گزینه‌ی ۱، ۲ و ۴ حذف)

جمله‌ای که در ادامه می‌آید باید از لحاظ معنی درست باشد (گزینه‌ی ۲ حذف)

تجملی سؤال: ثروتمند این کودکان را شادمان کرد هنگامی که به آن‌ها کمک کرد.

تجملی سؤال: اگر لما بر سر فعل ماضی بیاید مفعول فیه (قید زمان) و محلاً

منصوب است، به معنای «هنگامی که» می‌باشد.

۴.۷. گزینه‌ی ۱

تجملی سؤال: خبر لیس را مشخص کنید.

تجملی سؤال: انسانی که حکیمی ندارد که او را به [راه] حق هدایت کند هلاک شده است.

تجملی سؤال: در خبر شبه جمله، حرف جر «ال» و «ک» مقدم‌ترند یعنی اگر چند

جار و مجرور وجود داشته باشد و ندانیم که کدام جار و مجرور خبر است

حرف جر «ال» و «ک» بر حروف جر دیگر در خبر بودن مقدم‌ترند.

ترکیب اضافه و وصف

۴.۸. گزینه‌ی ۳

تجملی سؤال: جمله‌ی وصفیه به صورت مجرور را مشخص کن.

صفر تا صد عربی کنکور با طعم آلبالو

کتاب‌های طعم‌دار کوله‌پشتی

گزینه‌ی ۳: مرد پیر از کار این دو دانش‌آموز در خیابان، تعجب کرد.
گزینه‌ی ۴: یکی از نمازگزاران مسجد کمک‌های مردم را برای مستمندان جمع می‌کرد.

۴۱. گزینه‌ی ۳

ترجمه: جمله‌ی وصفیه را تعیین کنید.

حرف: در گزینه‌ی ۳ جمله‌ی «**يَنْفَعُ النَّاسَ**» جمله‌ی وصفیه برای «**عَمَلٍ**» است. «**يَقومُ بِالْعَمَلِ**» جمله‌ی وصفیه نیست چون خبر واقع شده است [جمله‌ای که خبر باشد نمی‌تواند جمله‌ی وصفیه هم باشد]
در گزینه‌ی ۱ اسم نکره‌ای نداریم که بعد از آن جمله‌ای آمده باشد [«**قروناً**» و «**طوبیلة**» نکره هستند ولی پس از آن‌ها جمله‌ای نیامده است]
در گزینه‌ی ۴ جمله‌ی «**لَمْ نَجِدْ...**» که نمی‌تواند جمله‌ی وصفیه باشد چون قبل از آن «**ف**» آمده است و پس از «**مکاناً**» و «**مناسباً**» جمله‌ای نیامده است که جمله‌ی وصفیه واقع شود.

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **قد:** حرف / **احتفظ:** فعل / **المسلمون:** فاعل / **بهذا:** جار و مجرور / **النشاط:** تابع هذا / **العلمی:** صفت / **قروناً:** مفعول فیه / **طوبیلة:** صفت.
گزینه‌ی ۲: **یمتاز:** فعل / **هذا:** فاعل / **القاری:** تابع هذا / **عن سائر:** جار و مجرور / **زملاء:** مضاف‌الیه / **ه:** مضاف‌الیه / **بصوت:** جار و مجرور / **ه:** مضاف‌الیه / **الجمیل:** صفت صوت.
گزینه‌ی ۳: **کل:** مبتدا / **واحد:** مضاف‌الیه / **فی المجتمع:** جار و مجرور / **يقوم بعمل:** خبر (از نوع جمله) / **يقوم:** فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن / **بعمل:** جار و مجرور / **ینفع الناس:** جمله‌ی وصفیه / **ینفع:** فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن / **الناس:** مفعول به / **کل:** تاکید / **هم:** مضاف‌الیه. [اگر ضمیری به «**کل**» و «**بعض**» چسبیده باشد و آن ضمیر به اسم قبل برگردد «**کل**» و «**بعض**» تاکید محسوب می‌شود]
گزینه‌ی ۴: **وصلنا:** فعل؛ ضمیر بارز **نا:** فاعل آن / **متأخرین:** حال / **ف:** حرف / **لم:** حرف جحد / **نجد:** فعل مضارع مجزوم (از ریشه‌ی «و ج د»؛ ضمیر مستتر نحن فاعل آن / **مکاناً:** مفعول به / **مناسباً:** صفت / **للجلوس:** جار و مجرور.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: مسلمانان این نشاط علمی را قرن‌های طولانی حفظ کرده‌اند.

گزینه‌ی ۲: این قاری از سایر همکلاسی‌هایش با صوت زیبایی امتیاز می‌یابد متمایز است (برتر است).

گزینه‌ی ۳: هر کسی در جامعه کاری را انجام می‌دهد که به همه‌ی مردم سود می‌رساند [قام بن انجام داد]

گزینه‌ی ۴: دیر رسیدیم در نتیجه مکان مناسبی برای نشستن نیافتیم.

ترجمه: قبل از جمله‌ی وصفیه حروف عطف؛ حروف ناصبه (به غیر از **لن**) و حروف مشبهه بالفعل نمی‌آید [«**لن**» می‌تواند قبل از جمله‌ی وصفیه بیاید] هیچ نوع «**ف**» قبل از جمله‌ی وصفیه نمی‌آید.

۴۱. گزینه‌ی ۲

ترجمه: جمله‌ی وصفیه را مشخص کن در حالیکه محلاً مجرور نیست (موصوف آن مجرور نباشد)

حرف: در گزینه‌ی ۲، «**ماحصل علیها احدٌ**» جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب و «**درجه**» موصوف و مفعول به است. در گزینه‌ی ۱، «**تفید اولادها**» جمله‌ی وصفیه برای «**تربیه**» و محلاً مجرور و «**تربیه**» موصوف و مجرور به حرف جر است. در گزینه‌ی ۳، «**یعقلون**» جمله‌ی وصفیه برای قوم و محلاً مجرور و «**قوم**» موصوف و مجرور به حرف جر است. در گزینه‌ی ۴، «**خلقها الله**»

حرف: «**أدخلتُ**» جمله‌ی وصفیه برای «**علی قیم**» می‌باشد و به تبعیت از آن محلاً مجرور شده است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: چگونه خبری را به دیگران بدهیم که بسیار از آن ناراحت می‌شوند

گزینه‌ی ۲: پزشک برایم داروهایی نوشت که آنها را در داروخانه نیافتیم
گزینه‌ی ۳: خنساء فرزندانش را بر اساس ارزش‌هایی تربیت کرد که آنها را به زندگی جدیدی وارد نمود.
گزینه‌ی ۴: قرآن کتابی است که در آن قانونی برای زندگی روزانه ما و اشاره‌هایی علمی هست.

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **کیف:** حال و محلاً منصوب / **نبیخ:** فعل، فاعلش ضمیر مستتر نحن / **الأخرین:** مفعول به و منصوب با «ی» در «ین»: **خبراً:** مفعول به دوم و منصوب / **ینزعجون:** جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب، فعل، فاعلش ضمیر بارز «و» / **منه:** جار و محلاً مجرور / **کثیراً:** صفت جا نشین مفعول مطلق نوعی و منصوب
گزینه‌ی ۲: **وصف:** فعل / **الطیب:** فاعل و مرفوع / **لی:** جار و محلاً مجرور / **ادویة:** مفعول به و منصوب / **ما:** حرف نفی / **وجدت:** فعل، فاعلش ضمیر بارز «ت» / **ها:** مفعول به و محلاً منصوب / **فی الصيدلیة:** جار و مجرور / **ماوجدتها:** جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب به پیروی از ادویة
گزینه‌ی ۳: **ریت:** فعل / **الخنساء:** فاعل و مرفوع / **اولاد:** مفعول به و منصوب / **ها:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **علی قیم:** جار و مجرور / **ادخلتُ:** فعل، فاعلش ضمیر مستتر هي / **هم:** مفعول به و محلاً منصوب / **فی حیاة:** جار و مجرور / **جدیده:** صفت و مجرور / **ادخلتهم:** جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به پیروی از قیم
گزینه‌ی ۴: **القرآن:** مبتدا و مرفوع / **کتاب:** خبر و مرفوع / **فیه:** جار و مجرور، خبر مقدم و محلاً مرفوع / **دستور:** مبتدای مؤخر و مرفوع / **لحیة:** جار و مجرور / **نا:** مضاف‌الیه و محلاً مجرور / **البومیة:** صفت برای حیاة و مجرور به تبعیت / **و:** حرف عطف / **إشارات:** معطوف و مرفوع به تبعیت از «دستور» / **علمیة:** صفت و مرفوع

۴۰۹. گزینه‌ی ۴

ترجمه: خطا را در ترکیب اضافی تعیین کنید.

حرف: مضاف «**ن**» جمع و مثنی را نمی‌پذیرد پس در گزینه‌ی ۴، «**ن**» در آخر «**مصلین**» اضافی است (**مصلی المسجد** صحیح است).

ترکیب: گزینه‌ی ۱: **صبح:** مفعول فیه / **احد:** مضاف‌الیه / **الایام:** مضاف‌الیه / **عزما:** فعل؛ ضمیر بارز **نا:** فاعل آن / **علی:** حرف جر / **ان نذهب:** مجرور به حرف جر / **ان:** از حروف ناصبه / **نذهب:** فعل مضارع منصوب؛ ضمیر مستتر نحن فاعل آن / **لعیادة:** جار و مجرور / **مرضی:** مضاف‌الیه / **المستشفيات:** مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۲: **عندما:** مفعول فیه / **یخرج:** فعل / **التلامیذ:** فاعل / **من صفوف:** جار و مجرور / **هم:** مضاف‌الیه / **یزدحمون:** فعل؛ ضمیر بارز **و:** فاعل آن / **امام:** مفعول فیه / **المدرسة:** مضاف‌الیه / **عاده:** مفعول مطلق.

گزینه‌ی ۳: **تعجب:** فعل / **الرجل:** فاعل / **العجوز:** صفت / **من عمل:** جار و مجرور / **هذین:** مضاف‌الیه / **التلمیذین:** تابع هذین / **فی الشارع:** جار و مجرور.

گزینه‌ی ۴: **کان:** از افعال ناقصه / **احد:** اسم کان / **مصلین:** مضاف‌الیه (چون مضاف است باید «ن» از آخر آن حذف گردد) / **المسجد:** مضاف‌الیه / **یجمع:** خبر کان؛ فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن / **إعانات:** مفعول به / **الناس:** مضاف‌الیه / **للفقراء:** جار و مجرور.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: صبح یکی از روزها تصمیم گرفتیم که به عیادت بیماران بیمارستان‌ها برویم.

گزینه‌ی ۲: هنگامی که دانش‌آموزان از کلاس‌هایشان خارج می‌شوند طبق عادت (معمولاً) جلو مدرسه ازدحام می‌کنند.

حالیه/هی: مبتدا/اجابت دعوتی: خبر/اجابت: فعل؛ ضمیر مستتر هی فاعل آن /دعوة: مفعول به/ی: مضاف‌الیه.

گزینه ۳: **یشتیری**: فعل/بعض: فاعل/الأطفال: مضاف‌الیه/الماليس: مفعول به/الجديده: صفت/عندما: مفعول فيه / تقرب: فعل/ایام: فاعل/العید: مضاف‌الیه.

گزینه ۴: **عندما**: مفعول فيه / انزل: فعل/الله: فاعل/العذاب: مفعول به/علی قارون: جار و مجرور/طلب: فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن/المهله: مفعول به/ل: از حروف ناصبه/بنفق: فعل مضارع منصوب ضمیر مستتر هو فاعل آن/اموال: مفعول به/ه: مضاف‌الیه.

تجملہ گزینه ۱: در انواع میوه‌ها مواد قندی مفیدی وجود دارد که اعضا و جوارح ما را استوار می‌سازد.

گزینه ۲: هم کلاسی‌ام را فراخواندم تا در انجام تکالیفم به من کمک کند در حالی که دعوتم را پذیرفت.

گزینه ۳: هنگامی که روزهای عید نزدیک می‌شود بعضی از بچه‌ها لباس‌های جدید می‌خرند.

گزینه ۴: هنگامی که الله عذاب را بر قارون نازل کرد، [قارون] مهلت خواست تا اموالش را ببخشد.

تکلیف کلماتی مانند «مواد» و «مضار» بر وزن مفاعل غیر منصرفند.

«فواکه» بر وزن فواعل ممنوع من الصرف است.

«قارون» اسم غیر عربی است پس ممنوع من الصرف است.

۴۱۳. گزینه ۴

تجملہ صفت را تعیین کن در حالی که نوعش با بقیه فرق دارد.

حاجه صفت یا جمله است یا مفرد؛ در گزینه ۴ «انتظرها» جمله‌ی وصفیه است و «طوبیلة» برای «مدة» صفت مفرد است. در گزینه ۱، «الذهبية» و «المرتفعة»، در گزینه ۲ «المرة» و در گزینه ۳، «العظيمة» صفت است.

تکلیف گزینه ۱: **ظهرت**: فعل/اشعة: فاعل/الشمس: مضاف‌الیه/الذهبية: صفت برای اشعة/من وراء: جار و مجرور/الجبال: مضاف‌الیه/المرتفعة: صفت برای الجبال. گزینه ۲: **انا**: مبتدا/راضی: خبر و تقدیراً مرفوع/برضی: جار و مجرور/الله: مضاف‌الیه/عند: مفعول فيه / مواجبه: مضاف‌الیه/حوادث: مضاف‌الیه/الدهر: مضاف‌الیه/المرة: صفت برای حوادث.

گزینه ۳: **علیک**: جار و محلاً مجرور/آن: از حروف ناصبه/تنتقی: مضارع منصوب (للمخاطبة)/من ثروات: جار و مجرور/ک: مضاف‌الیه/العظيمة: صفت برای ثروات/یا: حرف ندا/أخت: منادای مضاف و تقدیراً منصوب/ی: مضاف‌الیه.

گزینه ۴: **لحظة**: مبتدا/زیارة: مضاف‌الیه/جدة: مضاف‌الیه/ی: مضاف‌الیه/لحظة: خبر/انتظرها: جمله‌ی وصفیه و محلاً مرفوع به پیروی از لحظة/انتظر: فعل مضارع؛ ضمیر مستتر أنا فاعل آن/ها: مفعول به/مند مدة: جار و مجرور/طوبیلة: صفت برای مدة.

تجملہ گزینه ۱: اشعه‌ی طلایی خورشید از پشت کوه‌های مرتفع ظاهر شد.

گزینه ۲: هنگام مواجهه‌ی حوادث تلخ زمانه من راضی به رضای الله هستم.

گزینه ۳: ای خواهرم، باید از ثروت‌های عظیمی اتفاق کنی.

گزینه ۴: لحظه‌ی دیدار مادربزرگم لحظه‌ای است که انتظار آن را از مدتی طولانی می‌کشم (می‌کشیدم).

۴۱۴. گزینه ۴

جمله‌ی وصفیه برای «نعم» و محلاً مجرور و «نعم» موصوف و مجرور به حرف جر است.

تکلیف گزینه ۱: **تَهْنِئَةٌ**: فعل/الأم: فاعل/دائماً: مفعول فيه/بتریبه: جار و مجرور/تفید اولادها: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به پیروی از تربیه/تفید: فعل؛ ضمیر مستتر هی فاعل آن/اولاد: مفعول به/ها: مضاف‌الیه/و: حرف عطف/تؤثر فی...: معطوف بر جمله‌ی قبل/تؤثر: فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن/فی سلوک: جار و مجرور/هم: مضاف‌الیه/الاجتماعی: صفت و مجرور به پیروی از سلوک

گزینه ۲: **اكتسب**: فعل/هذا: فاعل/العالم: تابع/درجة: مفعول به/فی العلم: جار و مجرور/ما حصل...: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب به پیروی از درجة/ما: حرف نفی/حصل: فعل/علیها: جار و مجرور/احد: فاعل و مرفوع/حتى الآن: جار و مجرور [الآن: مبنی است]

گزینه ۳: **يُفْصِلُ**: فعل/الله: فاعل/الآيات: مفعول به/لقوم: جار و مجرور/يعقلون: جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به پیروی از قوم/و: حرف عطف/يستعملونها: معطوف بر جمله‌ی قبل/يستعملون: فعل؛ ضمیر بارز/و: فاعل آن/ها: مفعول به/فی الحیاة: جار و مجرور/حسناً: صفت جانشین مفعول مطلق نوعی [در اصل يستعملون‌ها فی الحیاة استعمالاً حسناً بوده است].

گزینه ۴: **ينعم**: فعل/الانسان: فاعل/اليوم: مفعول فيه/بنعم: جار و مجرور/مختلفة: صفت و مجرور به پیروی از نعم/جمله‌ی وصفیه و محلاً مجرور به پیروی از نعم/خلق: فعل/ها: مفعول به/الله: فاعل/کل: تاکید/ها: مضاف‌الیه/لراحة: جار و مجرور/ه: مضاف‌الیه.

تجملہ گزینه ۱: مادر همیشه به تربیتی اهتمام می‌ورزد که به بچه‌هایش فایده برساند و در راه و روش اجتماعیشان مؤثر باشد.

گزینه ۲: این دانشمند درجه‌ای را در دانش کسب کرد که تا اکنون کسی به آن دست نیافته است.

گزینه ۳: الله نشانه‌ها را برای قومی تفصیل (بیان) می‌کند که تعقل می‌ورزند و آن‌ها را در زندگی به خوبی به کار می‌برند

گزینه ۴: امروزه انسان به نعمت‌های مختلفی که الله همگی آن‌ها را برای راحتی او آفریده است متعمم می‌شود (در رفاه قرار می‌گیرد).

۴۱۲. گزینه ۱

تجملہ جمله‌ی وصفیه را تعیین کن.

حاجه در گزینه ۱، «مواد» موصوف و جمله‌ی «تشذ أعضاءنا» جمله‌ی وصفیه است. در سایر گزینه‌ها اسم نکره وجود ندارد تا بتواند موصوف جمله‌ی

وصفیه واقع شود در گزینه ۲، «زمیلة»، «اداء»، «واجبات» و «دعوة» معرف بالاضافة هستند و «ی» معرفه (ضمیر) است. در گزینه ۳، «بعض» و «ایام» معرف بالاضافة و «الأطفال»، «الماليس» و «الجديده» معرف بال هستند. در

گزینه ۴، «الله» و «قارون» اسم علم هستند پس معرفه‌اند، «العذاب» و «المهله» المَعْرُوفُ بِالْأَسْمَاءِ هستند و «اموال» معرفه به اضافه است و «ه» چون

ضمیر است معرفه می‌باشد.

تکلیف گزینه ۱: **هناک**: مفعول فيه؛ خبر مقدم/مواد: مبتدای مؤخر/سکرته: صفت/مفیده: صفت/فی انواع: جار و مجرور/الفواکه: مضاف‌الیه/تشذ أعضاءنا...: جمله‌ی وصفیه برای مواد/تشذ: فعل؛ ضمیر مستتر هی فاعل آن/أعضاء: مفعول به/نا: مضاف‌الیه/و: حرف عطف/جوارح: معطوف بر اعضاء/نا: مضاف‌الیه.

گزینه ۲: **دعوت**: فعل، ضمیر بارز/ت: فاعل آن/زمیلة: مفعول به/ی: مضاف‌الیه/ل: از حروف ناصبه/تساعد: فعل مضارع منصوب؛ ضمیر مستتر هی فاعل آن/ن: نون واقایه/ی: مفعول به/فی اداء: جار و مجرور/واجبات: مضاف‌الیه/ی: مضاف‌الیه/و: واو

فعل: ضمیر مستتر هو فاعل آن / **على الأرض**: جار و مجرور / **يطلب المساعدة**: جمله‌ی حالیه / **يطلب**: فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن / **المساعدة**: مفعول به.

گزینه‌ی ۲: **إن**: از حروف مشبّهة بالفعل / **المسلمين**: اسم إنّ و منصوب / **حملوا راية العلم**: خبر و محلاً مرفوع / **حملوا**: فعل؛ ضمیر بارز و: فاعل آن / **راية**: مفعول به / **العلم**: مضاف‌الیه / **في زمن**: جار و مجرور / **كان فيه العلم متروكاً في بلاد أوروبا**: جمله‌ی وصفیه برای **زمن** / **كان**: از افعال ناقصه / **فيه**: جار و مجرور / **العلم**: اسم کان / **متروكاً**: خبر کان / **في بلاد**: جار و مجرور / **أوروبا**: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۳: **إقرا**: فعل امر؛ ضمیر مستتر أنت فاعل آن / **الآيات**: مفعول به / **القرآنية**: صفت / **ثم**: حرف عطف / **اعمل**: فعل امر؛ ضمیر مستتر أنت فاعل آن / **بها**: جار و مجرور / **ل**: حرف جر / **إن العمل بالقرآن أساس النجاح**: محلاً مجرور به حرف جر / **إن**: از حروف مشبّهة بالفعل / **العمل**: اسم إنّ / **بالقرآن**: جار و مجرور / **أساس**: خبر إنّ / **النجاح**: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۴: **الرياضة**: مبتدا / **لها فائدة عظيمة**: خبر (از نوع جمله‌ی اسمیه) و محلاً مرفوع / **لها**: خبر مقدم؛ جار و مجرور / **فائدة**: مبتدای مؤخر / **عظيمة**: صفت / **و**: واو حالیه / **هي تُعلمنا الأخلاق العالية في الحياة**: جمله‌ی حالیه و محلاً منصوب / **هي**: مبتدا / **تُعلم**: خبر؛ فعل؛ ضمیر مستتر هي فاعل آن / **نا**: مفعول به / **الأخلاق**: مفعول به دوم / **العالية**: صفت برای اخلاق [اخلاق جمع مکسر خلق است، صفت برای آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید] / **في الحياة**: جار و مجرور.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: در راهم بر مرد مسنی گذشتم در حالی که بر زمین نشسته بود و کمک می‌خواست.

گزینه‌ی ۲: مسلمانان پرچم علم را حمل کردند در زمانی که در آن علم در سرزمین‌های اروپا رها شده بود.

گزینه‌ی ۳: آیات قرآن را بخوان سپس به آن‌ها عمل کن، برای اینکه عمل به قرآن اساس موفقیت است.

گزینه‌ی ۴: ورزش فائده‌ی زیادی دارد در حالی که در زندگی به ما اخلاق عالی را یاد می‌دهد.

۴۱۶. گزینه‌ی ۴

تجملی سؤال: جمله‌ای را مشخص کن که در محل رفع باشد (محلاً مرفوع باشد).

سؤال: در گزینه‌ی ۱ جمله‌ی «**إن اکون صدیقک**» مفعول به و محلاً منصوب برای فعل «**أحب**» است.

در گزینه‌ی ۲ جمله‌ی «**أری رسالته**» خبر برای «**أستنت**» و محلاً منصوب است.

در گزینه‌ی ۳ «**یبتخب**» جمله‌ی وصفیه برای «**فتی**» و محلاً مجرور است.

در گزینه‌ی ۴ جمله‌ی «**أحبته لصدقه**» جمله‌ی وصفیه برای «**زمیل**» و محلاً مرفوع است.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: **أحب**: فعل؛ ضمیر مستتر أنا فاعل آن / **إن اکون صدیقک مادام العدل أساس صداقتنا**: مفعول به و منصوب / **إن**: از حروف ناصبه / **اکون**: مضارع منصوب؛ از افعال ناقصه؛ ضمیر مستتر أنا اسم آن / **صدیق**: خبر اکون / **ک**: مضاف‌الیه / **مادام**: از افعال ناقصه / **العدل**: اسم مادام / **أساس**: خبر مادام / **صداقة**: مضاف‌الیه / **نا**: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۲: **لست**: از افعال ناقصه؛ ضمیر بارز **ت**: اسم آن / **أری رسالته**: خبر افعال ناقصه و محلاً منصوب / **أری**: فعل مضارع؛ ضمیر مستتر أنا فاعل آن / **رسالته**: مفعول به / **بشریة**: صفت برای رساله / **اکثر**: صفت برای رساله / **فائدة**: تمیز و منصوب / **من رساله**: جار و مجرور / **المعلم**: مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۳: **لا**: لای نفی جنس / **یاس**: اسم لای نفی جنس / **في الحياة**: جار و مجرور / **لفتی**: خبر و محلاً مرفوع؛ جار و تقدیراً مجرور / **یبتخب أسلوب حیاته بنفسه**: جمله‌ی

تجملی سؤال: موصوفی را که علامت اعراب در آن تقدیری است تعیین کنید.

سؤال: در گزینه‌ی ۴، «**هو**ی» اسمی مقصور است [مفعول به و تقدیراً منصوب] و جمله‌ی «**یُلقیک في المهالك**» جمله‌ی وصفیه است.

در گزینه‌ی ۱، «**أخت**» موصوف، مضاف‌الیه و ظاهراً مجرور است و «**الحنون**» صفت است. در گزینه‌ی ۲، «**الطب**» موصوف، مضاف‌الیه و ظاهراً مجرور است و «**القدیم**» صفت است. در گزینه‌ی ۳، «**قصصاً**» موصوف؛ مفعول به و ظاهراً منصوب است و جمله‌ی «**تتحدث**» جمله‌ی وصفیه است.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: **نُرید**: فعل؛ ضمیر مستتر نحن فاعل آن / **إن نذهب**: مفعول به برای نرید / **إن**: از حروف ناصبه / **نذهب**: فعل مضارع منصوب، ضمیر مستتر نحن فاعل آن / **مع**: مفعول فيه / **أخت**: مضاف‌الیه / **نا**: مضاف‌الیه / **الحنون**: صفت / **إلی الحدیقة**: جار و مجرور.

گزینه‌ی ۲: **طرحت**: فعل؛ ضمیر بارز **ت**: فاعل آن / **في الجلسة**: جار و مجرور / **بحوثاً**: مفعول به و منصوب / **حول**: مفعول فيه / **الطب**: مضاف‌الیه / **القدیم**: صفت / **لندرس**: مضارع منصوب.

گزینه‌ی ۳: **طالعت**: فعل؛ ضمیر بارز **ت**: فاعل آن / **قصصاً**: مفعول به / **تتحدث عن اساطیر الأولین**: جمله‌ی وصفیه برای **قصصاً** / **تتحدث**: فعل؛ ضمیر مستتر هي فاعل آن / **عن اساطیر**: جار و مجرور / **الأولین**: مضاف‌الیه. [«**اساطیر**» ممنوع من الصرف است و مجرور به کسره، چون مضاف واقع شده است]

گزینه‌ی ۴: **قلت**: فعل؛ ضمیر بارز **ت**: فاعل آن / **لزمیل**: جار و مجرور / **ی**: مضاف‌الیه / **لا تتبع هوئی یُلقیک في المهالك**: مفعول به برای قلت و محلاً منصوب / **لا**: حرف نهی؛ عامل جزم / **تتبع**: فعل مضارع مجزوم / **هوئی**: مفعول به و تقدیراً منصوب / **یُلقیک في المهالك**: جمله‌ی وصفیه و محلاً منصوب به پیروی از هوئ / **یُلقی**: فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن / **ک**: مفعول به / **في المهالك**: جار و مجرور.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: می‌خواهیم که همراه خواهر مهربان‌مان به پارک برویم.

گزینه‌ی ۲: در جلسه بحث‌هایی را پیرامون طب قدیم طرح کردم تا تو دریایی.

گزینه‌ی ۳: قصه‌هایی را خواندم که در مورد افسانه‌ها سخن می‌گفت.

گزینه‌ی ۴: به همکلاسیم گفتم: از هوا و خواسته‌ای (هوای نفسانی) که تو را در مه‌لکه‌ها می‌اندازد پیروی مکن.

۴۱۵. گزینه‌ی ۲

تجملی سؤال: صفت را معین کن در حالی که جمله است (جمله‌ی وصفیه را مشخص کن).

سؤال: در گزینه‌ی ۲ جمله‌ی «**كان فيه العلم متروكاً**» جمله‌ی وصفیه برای «**زمن**» است.

در گزینه‌ی ۱ قبل از جمله‌ی «**هو ...**»، «**و**» آمده است قبل از جمله‌ی وصفیه حروف عطف نمی‌آید، ثانیاً قبل از جمله‌ی «**يطلب**» اسمی نکره وجود ندارد پس جمله‌ی «**يطلب**» وصفیه نیست.

در گزینه‌ی ۳ اسمی نکره وجود ندارد (موصوف جمله‌ی وصفیه اسمی نکره است).

در گزینه‌ی ۴ قبل از جمله‌ی «**هي تُعلمنا الاخلاق**» حرف «**و**» آمده است پس نمی‌تواند جمله‌ی وصفیه باشد.

تجملی سؤال: گزینه‌ی ۱: **مررت**: فعل؛ ضمیر بارز **ت**: فاعل آن / **في طریق**: جار و مجرور / **ي**: مضاف‌الیه / **برجل**: جار و مجرور / **کبیر**: صفت / **السنن**: مضاف‌الیه / **و**: واو حالیه / **هو**: **قد جلس علی الأرض**: جمله‌ی حالیه / **هو**: مبتدا / **قد جلس**: خبر / **قد**: حرف / **جلس**:

گزینه‌ی ۴: نگاه نکن به مردم به چشم مگسی، در حالی که واقع می‌شود (می‌نشیند) بر آنچه که کثیف است، بلکه به چشم زنبور عسل نگاه کن.

۴۱۸. گزینه‌ی ۲

ترجمه سوال: آنچه را در آن صفت نیست مشخص کن.

جواب: [در سطح شما] وقتی صفت داریم که موصوف هم داشته باشیم، در گزینه‌ی ۱ «واجبات» موصوف و «الدنیة» صفت؛ در گزینه‌ی ۳ «العلماء» موصوف و «المسلمون» صفت «اکتشافات» موصوف و «علمیة» صفت و در گزینه‌ی ۴ «الامطار» موصوف و «الکثیرة» صفت است.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: باید انسان واجبات دینی‌اش را به پا دارد (انجام دهد، به واجبات دینی‌اش بپردازد) تا از او پذیرفته شود.

گزینه‌ی ۲: [همانا] بکارگیری بسیار املاح (نمک‌ها) در غذا، برای جسم انسان مفید نیست.

گزینه‌ی ۳: دانشمندان مسلمان برای اکتشافات علمی به دورترین نقاط زمین سفر کردند.

گزینه‌ی ۴: بعد از نزول باران فراوان، آسمان تمیز شد در نتیجه پدیده‌ی رنگین کمان ظاهر شد.

۴۱۹. گزینه‌ی ۲

ترجمه سوال: صفت را مشخص کن در حالیکه جمله است (جمله‌ی وصفیة را مشخص کن).

جواب: در گزینه‌ی ۱ اسم نکره نداریم که موصوف واقع شود؛ در گزینه‌ی ۳ قبل از جمله‌ی دوم (جمله‌ی که می‌توانست وصفیة باشد) حرف «ف» آمده است؛ در گزینه‌ی ۴ قبل از «بحاول» حرف «و» آمده است در گزینه‌ی ۲ «تُكْتَبَرُ» جمله‌ی وصفیة است برای «غذاء».

ترجمه: گزینه‌ی ۱: هر کس ایمان آورد و از اموال پاکش در راه حق انفاق کند نجات می‌یابد.

گزینه‌ی ۲: [همانا] گوشت غذای مفیدی است که در آن مقادیر زیادی از پروتئین اندوخته می‌شود.

گزینه‌ی ۳: خودت را به امور غیر مهم مشغول نکن پس غافل می‌شوی از آنچه که به تو نفع می‌رساند و برایت مهم است.

گزینه‌ی ۴: انسان باید متواضع باشد نسبت به کسی که به او یاد داده است (نسبت به کسی که او را آموزش داده است) و تلاش کند که از او برتر (فاضل‌تر) شود.

ترجمه: قبل از جمله‌ی وصفیة حروف عطف، حروف ناصبه (به غیر از لن)، حروف مشبّهة، و «ف» نمی‌آید.

۴۲۰. گزینه‌ی ۱

ترجمه سوال: جمله‌ی وصفیة را مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ جمله‌ی «وَهَبَهَا اللهُ» جمله‌ی وصفیة برای «اخلاقاً» است. در گزینه‌ی ۲ قبل از «تَغَيَّرَتْ» حرف «ف» آمده است پس وصفیة نیست. در گزینه‌ی ۳ و ۴ اسم نکره نداریم و «لا تنشر» و «لا یخون» خبر هستند.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: [همانا] مؤمن اخلاق نیکویی دارد که الله تعالی آن را به او بخشیده است.

وصفیة/ **ینتخب:** فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن/ **أسلوب:** مفعول به/ **حیة:** مضاف‌الیه/ **ه:** مضاف‌الیه/ **بنفس:** جار و مجرور/ **ه:** مضاف‌الیه

گزینه‌ی ۴: **لی:** جار و مجرور؛ خبر مقدم/ **زمیل:** مبتدای مؤخر/ **مجد:** صفت برای زمیل/ **أحبته لصدقه و لادبه أكثر من اجتهداه:** جمله‌ی وصفیة/ **أحب:** فعل؛ ضمیر مستتر آن فاعل آن/ **ه:** مفعول به و منصوب محلاً/ **لصدق:** جار و مجرور/ **ه:** مضاف‌الیه/ **و:** حرف عطف/ **لادب:** جار و مجرور/ **ه:** مضاف‌الیه/ **أكثر:** صفت جانشین مفعول مطلق نوعی (در اصل آنچه حیاً اکثر بوده است)/ **من اجتهد:** جار و مجرور/ **ه:** مضاف‌الیه

ترجمه: گزینه‌ی ۱: دوست دارم که دوست تو باشم مادامی که عدالت اساس دوستی‌مان باشد.

گزینه‌ی ۲: رسالتی بشری پرفایده‌تر از رسالت معلم ندیده‌ام.

گزینه‌ی ۳: هیچ ناامیدی در زندگی نیست برای جوانی که شیوه‌ی زندگی‌اش را خودش انتخاب می‌کند.

گزینه‌ی ۴: هم کلاسی تلاشگری دارم که بخاطر راستی و ادبش بیشتر از تلاشش دوستش دارم.

۴۱۷. گزینه‌ی ۴

ترجمه سوال: آنچه در آن صفت نیست مشخص کن.

جواب: در گزینه‌ی ۱ «قاطع» صفت است. در گزینه‌ی ۲ «یقرّب» جمله‌ی وصفیة برای «شیء» است. در گزینه‌ی ۳ «الرّقیق» صفت است در گزینه‌ی ۴ جمله‌ی «تقع علی ما...» جمله‌ی حالیه است اگر دقت کنید می‌بینید در گزینه‌ی ۴ اسم نکره وجود ندارد تا جمله‌ی وصفیة داشته باشیم، در ضمن صفت مفرد هم نداریم چون دو اسم که کاملاً با هم مطابقت کنند و شرایط صفت و موصوف را داشته باشند نداریم.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: **العقل:** مبتدا/ **سیف:** خبر/ **قاطع:** صفت/ **ف:** حرف/ **قاتل:** فعل امر؛ ضمیر مستتر أنت فاعل آن/ **هو:** مفعول به/ **ک:** مضاف‌الیه/ **بعقل:** جار و مجرور/ **ک:** مضاف‌الیه.

گزینه‌ی ۲: **ابعد:** فعل امر؛ ضمیر مستتر أنت فاعل آن/ **عنک:** جار و مجرور/ **کل:** مفعول به/ **شیء:** مضاف‌الیه/ **یقرّب منک:** جمله‌ی وصفیة برای شیء/ **یقرّب:** فعل؛ ضمیر مستتر هو فاعل آن/ **منک:** جار و مجرور/ **ما:** مفعول به/ **هو مُرْعَج:** صله‌ی موصول/ **هو:** مبتدا/ **مُرْعَج:** خبر/ **لک:** جار و مجرور.

گزینه‌ی ۳: **کونوا:** از افعال ناقصه؛ ضمیر بارز و: فاعل آن/ **فی حیة:** جار و مجرور/ **کم:** مضاف‌الیه/ **کالہواء:** جار و مجرور؛ خبر کونوا/ **الرّقیق:** صفت/ **و:** حرف عطف/ **ایناکم:** تحذیر (شما نمی‌خوانید)/ **ان:** از حروف ناصبه/ **تکونوا:** از افعال ناقصه؛ ضمیر بارز و: اسم آن/ **کالرّیح:** خبر (از نوع شبه جمله)؛ جار و مجرور/ **الشّدیدة:** صفت.

گزینه‌ی ۴: **لا:** حرف نهی، عامل جزم/ **تنظر:** فعل مضارع مجزوم/ **إلی الناس:** جار و مجرور/ **بعین:** جار و مجرور/ **الذّبابة:** مضاف‌الیه/ **تقع علی ما هو متدنّس:** جمله‌ی حالیه/ **تقع:** فعل؛ ضمیر مستتر أنت فاعل آن/ **علی ما:** جار و مجرور/ **هو متدنّس:** صله‌ی موصول/ **هو:** مبتدا/ **متدنّس:** خبر/ **انظر:** فعل امر؛ ضمیر مستتر أنت فاعل/ **بعین:** جار و مجرور/ **التحل:** مضاف‌الیه.

ترجمه: گزینه‌ی ۱: عقل شمشیری برنده است پس هوا و خواسته‌ات را با عقلت بکش.

گزینه‌ی ۲: دور کن از خودت هر چیزی را که تو را نزدیک می‌کند به آنچه که برایت ناخوشایند و سخت است.

گزینه‌ی ۳: در زندگی‌تان مانند هوای رقیق باشید و شما [بر حذر باشید] که مانند باد شدید باشید.

...

سپس پیش روپاه برگشت. گفت:

- خداحافظ.

روپاه گفت:

- خداحافظ. راز من این است و بسیار ساده است:

فقط از دریچه قلب است که یک نفر می‌تواند همه چیز را درست ببیند.

چیزهای مهم از دید چشمها مخفی هستند.

شازده کوچولو تکرار کرد تا در خاطرش ماند:

- چیزهای مهم از دید چشمها مخفی هستند.

روپاه باز گفت:

- همان مقدار وقتی که برای گُلْت صرف کرده‌ای باعث ارزش و اهمیت گُلْت شده است.

شازده کوچولو تکرار کرد تا در خاطرش ماند:

- همان مقدار وقتی که برای گُلْم صرف کرده‌ام

روپاه گفت:

- آدم‌ها این حقیقت را فراموش کرده‌اند. اما تو نباید فراموش کنی.

تو مسئول همیشگی آن می‌شوی که اهلی‌اش کرده‌ای. تو مسئول گُلْت هستی ..

شازده کوچولو تکرار کرد تا در خاطرش ماند:

- من مسئول گُلْم هستم.

